



است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بکین پس نکوید تا مضرتی و گزند بی نوبی نرسد و در جرد و اورد  
 فرشته را ملک الهی باشد و وجه که او گشت چون بومنی خوابی بیند یا ویزا خواب بیند واجبست دانستن  
 بدستیک بهره شادی برگیرد و از خواب بدختر کند یعنی بدعا دعوات و صدقات مشغول شود و اگر  
 الله علیه کوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علی طلب کند از اصلش نکرده و قیاسش تغییر  
 این آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نکرده و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و بهمت و ارادت  
 باجتماع و قیاس همیکرد و زیرا که وقتی تغییر مثل یا باصل یاد کرد و وقتی بصدد گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان  
 علام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علی که صلی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باشد که تغییر  
 هر کتاب مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوا در و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر  
 و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال قوم نیک شناسد بهیاس و علم اصول نیک اندویدیم  
 خواهد تا او را بگرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب راند و اینچنین حق سبحانه و تعالی بکسی  
 از مردم خوردن و از سخنهای نابکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک اهل کساء  
 پیغمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تفسیر و شناختن قوانین  
 مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک الله  
 اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خواب  
 خواب از بکارهای ترشحات  
 منقسم بمضحل شود و در هر یک



الضمان

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برفت و باران و برف و سرما گرفتار است چون بیدار  
 شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برپایی باشد و بی جا بکی او بود و آن خواب  
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر کمر او بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود  
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از غلظی می نالد و در روی  
 در اندام وی افتاده بود و پیرا بخور میداشت و همان در و در آنچه در خواب بیدار که بول میکرد چون بیدار شود بیدار  
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم  
 در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از  
 دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان  
 دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان  
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان و دهم خواب فاسقان یازدهم خواب ثروتمندان  
 دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب  
 پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است  
 که پادشاهان را بر رعیت چنان بر سجانه و تاج جل و علا پادشاهان را بر گزیده و سرور می داده و خلق فرموده تا  
 وی بجا آورند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر من  
 و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله ورسوله پس هر چه  
 خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر  
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر  
 و کارهای خاص و عام بستن و کشان با امور خلایق همه از قاضیان بود و خواب فقهارا فضیلت است  
 بر خواب عوام چه ایشان و انا اند باصول فقه و حد و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان  
 بتوان دانست و خواب آزاد را از فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا  
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را سر  
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند  
 را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری  
 سبحانه و تعالی ایشان را بر گزیده بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفصیل نها و قوله تعالی الرجال قوا مومن  
 علی النساء وینما میرزا علیهم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوا مومن

تَرَضُّونَ مِنَ الشَّهَادَةِ بِدَيْهَةِ عَقْلٍ سَتِ صَبْرٌ وَجُودِ وَرَامِي وَشَجَاعَتِ وَسَخَاوَتِ وَعِلَامَتِ وَخَدَمِ هُنَالِ آن  
 همه در جملة مردان مذکور گردانیده و خواب زمان نزدیکست بخواب بندهاگان و خواب صالحان از افضلست برخواب  
 فاسقان از برتر است خوابی که می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روزیست  
 بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب تو انکه غرور و بیش فضل دارد زیرا که  
 تو انکه ز کوفه و سدره در جج و غرا کند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که يَدُ الْعُلَيَّا حَيَّتْ مَن يَدُ السُّفْلَى  
 یعنی دست بخشد به از دست ستاننده است و گریه از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره  
 دل ایشان را پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن ویرید آید و چون به بیند اثر  
 آن زود ظاهر گردد و خواب تو انکه از خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت بر ایشان  
 غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن به پدر  
 و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قولست قوی است که خواب ایشان درست و درست  
 حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قوی دیگر خواب  
 ایشان را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت مبند  
 را که دید که ماه و افاب از آسمان هر دو بکنار وی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را ازین خواب آگاه کرد و امیر خیر  
 که اینچنین بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوید محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است و در آنرا نبی که  
 از آن رسول الله علیه و سلم خیر گرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که این  
 خوابی که بر روی است چیست صفیه این صورت خواب را گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد  
 و الله اعلم بالصواب فصل بیستم در معرفت فرق میان خوابها که مانی رحمه الله علیه گوید که خواب سلمان راست  
 از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی آه حَسِبَ  
 الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ لَّهُمْ فِيهَا حَسْبٌ  
 مَا يَحْكُمُونَ خواب بیزان بهتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیز است و در  
 هر کس صبر باشد که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ  
 که بشنود همه را بقبایس عقل راست کند چنانکه لفظ اول با خبر بود و از آن آخر تا اول آراو نگاه تعبیر کند و هر کدام که  
 بهتر بیند باصول همان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و از غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید  
 و علمای قدیم قیاس چنین کردند و صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند و می از این سیرین  
 الله علیه سؤال کرد که خواب دیدم که بانگ نماز گفتن این سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی میاید



و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بزرگوار می کشند شاکران گفتند که این دو خواب می  
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از سیاهی صلاح دیدم گفتم کج گویی قوله نقله  
و آذین فی الناس بالبحر یا نؤک رجلا و در آن دیگر سیاهی اهل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم که ترا بزرگوار  
قوله تعالی فاذن مؤذن آیتها العیون که لسا قون جعفر صادق رضی الله عنه کوید که وقتی باشم  
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل  
شش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه  
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سبکی خون و می  
بعد از چهل سال در شبی آن خواب پدید آمد که او را تشهید کردند جابر مغربی رحمه الله علیه کوید که تاویل خواب  
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست باشد اکثر از کثرت اندیشه و اشتغال و خوابی که در نیم شب  
از قسم ضغاث و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ ظاهر  
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه کوید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش  
بر پنج سال پید شود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پید شود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز  
شود علی الجملة هر چند که شب بر روز نزدیکتر بود خواب درست تر و نزدیکتر بود تاویل آن فصل هشتم در تعبیر  
رجع تا بر معبر است آید و انبیا علیه السلام کوید هر که خواب دهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم رجوع فاعل را  
استادان قدیم را و دنیکن بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک  
باشد دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سنان و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین مانند بدانند  
و دلالت بر خیر و فرج بود و بر آنکس که رسیده اگر نام بخلافین بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از  
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بیند بدانند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیند  
خواب سفر کند خاصه که اسپ و استر یا زین و لکام بیند قوله تعالی و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوهما  
بنویسند و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ سله بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار  
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه کوید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس  
رضی الله عنهما در آن حال کلاغی بیاید و بر دیوار خانه بنشیند و دو بار بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل آن  
بتورسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من بایاران گفتم  
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مصرت و زبان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر  
و نیکوئی و اگر پنج بار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه کوید که بانگ کلاغ



کسی خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسد و او تعبیر کرد و آنچه  
 معبر گفته باشد واقع شود و این مجالست زیرا که نمایند خواب فرشته است و هرگز خطا نماند و آنچه که بد حق باشد حق  
 بقول نادان باطل گردد و میان عالم و جابل فرق بسیار است **قوله تعالى قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون**  
 و **الذين لا يعلمون** در رسول صلی الله و سلم فرمود که **يستوي العالم و الجاهل** و چون نمودار خواب شد  
 است که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بیند که خبر خواهد رسید یا نشود و هر که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیده  
 بود برسد مگر قضای معلوق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود **قل**  
**الضخاات احلام و ما نحن بآ و یل الا حکم بعالمین** قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت  
**تعالی یا آیتها الملاء افقونی فی رؤیای ان کنتم للزویا تعبرون** یعنی ای بزرگواران من خوابی که  
 مرا درین خواب قوم او گفتند تا تعبیرین خواب بنمیدانیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا بگفت  
 بدین عجب دانستیم که هر چند جابلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکرده و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات  
 و اصناف و هیئات این سیرین رحمه الله علیه که در خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سیلی  
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که بزرگی  
 طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را بامردی ابد کار افتد و اگر بروز بیند بیاورد و جعفر صادق  
 رضی الله عنه که بدید که خواب از اهل نکر و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر  
 عذاب بود **قوله تعالى غلت ایدیهم و لغوا بما قالوا** چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کارها  
 و کارهای ناسنادر بدارد و چنانکه محمد بن عبد الغفری روایت کند باسناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 میان ابو بکر صدیق و سلمان پارسى رضی الله عنهما برادرى کرده و او و سلمان خوابی دیدم ابو بکر گفت و سبب آنرا  
 از وی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بید  
 عالم را صلی الله علیه و سلم خبر داد تا ویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلمه رضی الله عنه روایت کرد  
 از عطاء بن خباب که محمد بن سیرین رحمه الله علیه که بدید که تاویل خواب کسیکه بر منبر بود و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است خبر  
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برادرش کنند و در حدیث الحذیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبد  
 که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر  
 باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بید خواب بر روی می بود  
 اما تا ویلش از اختلاف وقت بکشت و ابو حاتم روایت کند از اصبغی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجز  
 فرو ختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جو از اهل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که حساب

سمعی حدیث کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویش  
 تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند  
 تاویش درست نیاید و بر دست است این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب  
 که شنیده از زوی بمن داده اند ابو بکر گفت هفتاد و چوب بر تو زنند در آن هفتاد و چوب بروی بزود پس همین سال بگر  
 خواب دید همان هفتاد و بکر از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین  
 همین خواب دیدم تا وایل آن هفتاد و چوب بود اما سال هفتاد و هزار درم مرا گفتی از فصل این خبر کن گفت پارسا فصل  
 ل این سال دیده بودی در آنوقت درختان همه خشک می شدند و بکر می ریخت تا وایل آن آن بود و اما سال بهار است و  
 در آنوقت درختان روی باقبال دارند تا ویش اینست آنروز هفتاد و هزار درم یافت و آنسال علیه السلام که یکده چون کسی را قبال خواب  
 پرسید یعنی از باد تا نیمه در حکم تا ویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شب نگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن  
 خواب بر روز برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جای مرغی رحمه الله علیه گوید درست  
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب برآید بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تا وایل  
 و شکفتن درختان و رسیدن سیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تا وایل آن درست آید و خوابیکه روز زمستان بیند حکم تاویش  
 ضعیف باشد که در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل و واز و موسم  
 در معرفت شرایط آواب با اهل خواب و انبیال علیه السلام گوید مجرب باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و عظیم و از عصبان  
 دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب را سایل با حقیقت تمام بشنود و بداند که سایل با حقیقت  
 یا رعیت کتر است یا ماهر عالمست یا جاهل از ادا است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مردا  
 یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بدانند هر یکی را باقی  
 عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تا وایل کند و از خود نگوید این سیرن رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم با مردم چنانکه  
 بود با اینهمه فصل خوابهای که تعبیر آن نداشتی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که این سیرن از وی سایل  
 که پرسیدندی یکت خواب گفتی و باقی را تعبیر نکردی پس معبر باید که اول سخن بیند خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نکند بداند و در آن  
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تا وایل کند آنکه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد  
 آن سخنی از وی جدا بکنند و بر اصل تا وایل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکه بگرداند اغضا و احلام است و تا وایل  
 آن بکشد و اگر تا وایل آن بپوشد بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از وی بشنود بنا بر تعبیر  
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبیع عبارت و گفتار و زشتی و نیکوئی  
 و دروغ و راست و اگر تا وایل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بروی پوشیده و اگر کرمانی رحمه الله علیه گوید فصل خواب است

چیز است یکی جنبش دوم صفت سوم طبع و جنبش پنجم خن و مرغان بود اینهمه در نایل مرغان باشد و صفت ششم است  
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنبش است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان بقیاس بدانند  
 که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی  
 بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس نایل بر نوع آن درخت کند اگر درخت کردگان بود مردی توکم  
 بود ولیکن بد معاطه و تحلیل و تشخیص بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانک کنند و نانشکن مغزش بیرون نیاید و اگر درخت  
 خرم باشد کاری اعتبار کنند که آسان باشد کشفه طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء و شجره طیبه انجا  
 درخت خرم بود و اگر مرغی باشد که بی پروا بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی  
 بد عهد بود و نیز بینه خواب باید که مردی راست و بادبانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان  
 کند زیرا که همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی ببیند و از آن برسد باید که سله بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خوشی تن دهد  
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَآلِ هَارُونَ الَّذِي مَنَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ اَلَّذِي رَاٰنِيهَا مِنْ مَّوْبَاۤءِ اَنْ تَصْرَفَنِي  
 فِي دِيْنِي وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارِكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ پس از آن دور کند  
 نماز بخواند و صدقه دهد شتران ببرد و مرغی رحمة الله عليه گوید ابلیس علیه اللغه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز را  
 مانند مکر خدای عز و جل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماه تاب و ستارگان خود را بداند تشبیها مانند  
 ستارگان کردن و اگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند اینچه یا نمودی میان غلابانی فتنه بگفتی که کاهی خود را بصورت  
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم باو بگری میکنی که من آفریدگار تو ام کنایان ترا عفو کردم  
 و ترا آمرزیدم و چیز گفتی که بندگان خدایتعالی عز و جل را که کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه  
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آشتی فرو و آید و از آسمان بوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس  
 علیه اللغه آن باشد که دل مؤمن روشن بود حق تعالی عز و جل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سرور و هم  
 در آداب نگاه داشتن نایل و مبر که مانی رحمة الله عليه گوید بنگاه داشتن مبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سرایه خود را  
 بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در یاد و بر دین و مذہب و اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن او راست است  
 که رسول قد صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هر که راست گوید راست خواب  
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجبست بر مرد عاقل که با طهارت خند و بهنگام خفتن خدای  
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ نَفْسَیْ اِلَیْکَ وَوَجْهَکَ وَجْهَیْ  
 اِلَیْکَ وَفَوْضَکَ اِلَیْکَ وَالحَادِثَ ظَهَرَ عِیْ اِلَیْکَ لَا مَلْجَاۤءَ مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ تَبَارَکَتْ وَبَنَّا  
 وَتَعَالٰی اَنْتَ الْغَنِیُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوْبُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَوُیَا صَادِقَةً



غَارِيَّةٌ صَالِحَةٌ غَيْرَ فَاسِدَةٍ خَيْرٌ مِّنْ جَوْفَةٍ رَافِعَةٍ غَيْرَ رَاضِيَةٍ وَچون بخند بروست راست بخند  
 و چون بیدار شود و همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده  
 دیده باشد عوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و با و بر سوی دست چپ خویش و بد و بگوید  
 یا رب توفانی و من نذامکم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب بمن و از جمله مسلمانان  
 بود و در یا مجتنب دعوت المضطربین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن  
 و ابتداء کار یک کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الذی لا یضرب مع اسمه شیء فی الارض  
 و لا فی السماء و هو السميع العليم و با و چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه که خیر  
 و نیکو یک معبر و بد باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیارت و نقصان نکو بد آن سیرین رحمه الله علیه گوید شرط  
 معبر نیست که چون خواب شود و با طهارت باشد و اگر کسی دشمن با و باشد از بهر دشمنی خلاف نکو بد و شر شخصی که بداند با و یک  
 گوید مخرب رحمه الله علیه گوید هر که خوابی ببیند باید که زیادت و نقصان نکو بد و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب  
 راست و حقی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب مانعی  
 است میان خدا و تعالی و بدنه و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و اگر  
 تنهایی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عی می شود و این دلیل است  
 بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگا داشتن بر معبر و سایل و هفت فصل چهارم در معرفت آنکه تعبیر چند  
 نوع باشد آن سیرین رحمه الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم  
 کند و وقت دیدن خواب که در روز و دیدن یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب  
 بر چه نیت میکند و فصل نام پارس و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و آنیال را که بد چون  
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه زجر خال لیل کند بر خیر و بشارت و خورمی  
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و آنیال علیه السلام گوید خواب در اول روز کشنده نیکو بود که خلق با فساد  
 در اول روز و مشقه تعلق بجاه و دنیا و نیکو باشد و در اول روز مشقه تعلق بر ریخ و وار و پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه  
 تعلق ببطا و در دو قوم بود و اصحاب الرس ملاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشترک باشد اول روز خواب  
 دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آئینه زهره را بود و دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیعت خاطر باشد  
 مخرب رحمه الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و در خواب چنانکه طلبیب را تجربه به بیمار و معالجت او  
 حکایت امیر المؤمنین محمدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع کرده خواب  
 گفت در تاویل معبران در ماند و تاویل آن مذنب است ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه که استا و معبران بود حاضر و در دوزخ خواب

خلیفه بنی لغت ترا و ختری آید معبران گفتند ترا دلیل برین چیست گفت **وَإِذْ ابْتِئَازَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ**  
**مُتَوَدًّا وَهُوَ كَاطِمٌ سِرِّهِ** امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی دادیم در آن روز او را و ختری آمده هزار درم دیگر بابرهم کرمانی  
 بخشید حکایت مروی بخواب دید که در اخصی گردن نیز یک معبر آمد و پرسید که روی گفتند این مرد و دبیر و دیگری  
 گفت از فرزندان جدا گرد و دیگری گفت عده او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود دیگری گفت زن او طلاق  
 و بدین روز کاری بر نیامد که زن را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دیار گشتی نشست بادی مخالف  
 برخاست و لشت غرق شد و در میان دریای ماهی ذکر خصیتین او بخورد و مال فرزندان او جمله بالک شدند و بعضی خواب  
 چنان آمد که معبران گفته بودند که آن رحمة الله علیه گوید باید که معبر در کوستانها تعقیب خواب کند و سایل در وقت سأل است  
 گوید که در زندان پورسف علیه السلام گفت **قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ كَسْتُمْ تَيَّانٍ** هر دو فال که پرسیدند راست آمد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روان باشد یکی از بیدستان دوم از زمان سوم از جابان  
 چهارم از دشمنان **فَضْلٌ** یا نیز و هم در دانتن سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید  
 که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه مابعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلوم پوشیده نماید این سیرین رحمة الله علیه گوید که طالع  
 در خواب دیدن کارزار باشد بیداری و کریمین در خواب شنای بود بیداری و حجامت کردن در خواب قباله شدن  
 بود و در و دندان محوی دیدن خود را دلیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و گردن و دهن و دل کند که در زندان نشینند  
 بیداری و در خواب خانه خراب شدن و ختران دادن بود و ختران زادن در خواب کشت کردن بود و توله تگای و کوفت کوفت کوفت  
 حتی نیکو آتی شدیم نیکو در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیکو کردن بود و انجیر خوردن پاسبان  
 خوردن بود و سایل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که نواز نیک باشد که نیک باشد و هر چیز که  
 در خواب کهن آن بد باشد نواز نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با  
 سلاح موزه کهن پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میفرود  
 نیک باشد و اگر کثیر یک میخرد نیک باشد و اگر میفرودخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را با کنیم  
 کتاب دراز کرد لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فَضْلٌ** شایسته و هم در دیدن خدا تعالی  
 و مرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تا وایل دیدن  
 خداوند تبارک و تعالی و مرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه مانیر صواب چنان دیدیم  
 که در اول کتاب باو کثیر باطل بنا خوا بهای دیگر برنشق حروف معجم بر ترتیب چنانکه در دیباچه فکر کردیم باز تا معجم تا استخراج  
 آن بر خواننده موزنده آسان کرد و تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیه السلام گوید هر بنده مؤمن که خدا  
 تعالی عزوجل باو در خواب بیند چون و چگونه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی کرد و اند و



و حاجتها می آورد و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد  
و بگفرت مخصوص کرد و اگر گناهکار بود توبه کند این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی را ازین  
دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی کرد و قوله تعالی وَ قَدْ بَنَاهُ حُجَّتًا اِذَا ارْتَضَىٰ مِنْ بَنِي  
دلیل که او را درین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَرَاءِ  
حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بهر مزید دلیل کند که او را بسیار مزد و آقا  
در دنیا با وی کمارد و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میدهد دلیل کند که رضای خدای عزوجل دران بنود و تقویات  
يُعْظِمُ عَلَيْكُمْ قُلُوبَكُمْ لَنْ تُكْرَهُوا اِنْ كُنْتُمْ كَاٰفِرِيْنَ و اگر بیند که حق تعالی او را مرده و ادب بینی دلالت کند بر خوشنودی خدایتعالی و اگر بیند  
که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عزوجل و اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سرور پیش افکنده و دلیل  
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَوَصَّيْنَا الْاَنْفُسَ لَافْتَنَّاكَ لَوَلَّيْتَ الْمُنَافِقِيْنَ فَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ هُوَ بِمَقَرٍّ عِنْدَ رَبِّكَ و اگر بیند که رحمت الله علیه گوید  
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد و دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی کمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید  
دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد و دلیل که بهاری سخت بند و ازین  
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عزوجل بیند که کسی او را گوید که این خدا  
عزوجل است دلیل که او را بیگانهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل  
آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آن موضع انصرت دهد و اگر در آن موضع خطا و تنگی بود بفرخی مبدل کرد و اگر  
اهل آن موضع گناهکار و حاسی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرو  
می آید و بطرف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی  
اما در دنیا رنج و بیماری بگشود و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و آنرا دلیل چشم  
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی چشم گرفت  
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد  
مغربی رحمت الله علیه گوید اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یا در دهی بیند دلیل کند که آن موضع آنانکه مصلح اند و غر  
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قوله تعالی اِنَّكُمْ لَبَيْنَكُمْ فَمَا كُنْتُمْ فَعَلٰ  
تَحْتَلِفُوْنَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی انشیرمیل بد است کند یا امیر  
انشیرمیل بر عیبت ظلم کند یا عام انشیرمیل بدین باشد و اگر انتخاب دزدی بیند دلیل کند که دست و پای وی بر  
در انشیرمیل و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُؤْتِي السَّلٰمَ حَيْثُ يَشَاءُ  
حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفِرُّوْنَ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما

اگر کسی خدای عزوجل را بچون و بچگون در خواب بیند ترس و بیم این کرد و اگر کا فر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان  
بود در آخرت و بدایت حق تعالی بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و بگوید **أَحْسَنُ مَا أَحْسَنُ** و بگوید **وَقَدْ يَدْعُو** و بگوید **وَقَدْ يَدْعُو** و بگوید **وَقَدْ يَدْعُو**  
سجانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل انصورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل کرم خداوند تعالی و اگر  
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار کرد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند  
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غرا بیند دلیل کند که آن غازیان از الضرت شده  
و اگر خدا تعالی را بر سر تربت مردکان بیند دلیل کند که آن مردکان از بیا مرز و و اگر بید که خدای عزوجل را دشنام  
میداد دلیل کند که آنکس کافر کرد و اگر بید که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات نامست است  
و دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا و بدین خدای تعالی بر تخت  
وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوز و هدایت و فوت در دین چهارم تطهیر بر ایل ظلم و جبر  
ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم دران دیار با وانی و عدل پادشاه و مقسم غر و شرف و بلندی و در دنیا و  
آخرت چون بر رحمت نظر کند و اگر لغو باشد منبسط نظر کند بر عذاب آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی  
عزوجل را بوی با خشم بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و او مظلوم ندیده و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود  
در دین و اعتقاد و خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گاه بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت  
با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است و بدین و از انداه عقل باشد پس باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل  
منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غاسمه را بخواب  
بچون و بچگونه رویت الهی که تاویل دین و فتنگان دلیل کند بر پادشاه کامکار با دین و دیانت و یا عالمی پر  
کار و برتر کترین طایفه که از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیه السلام این سیرین رحمة الله علیه گوید  
که اگر کسی جبرئیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و کشاده روی دلیل کند بر روشن ظنر باید و میراد برسد و اگر جبرئیل  
این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که او را جبرئیل مرده داد و یا وعده دینیک یا از کاری باز داشت و دلالت  
و عزت و جمعیت یا بدو اگر بیند که جبرئیل او را چیزی داد دلیل کند که از پادشاه قدر یا بد بعضی از سیران گفته اند که اگر جبرئیل  
بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی و دلیل کند که آن  
فصیح کرد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت مشهور کرد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت  
اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرئیل آمده عذاب و میکائیل آمده بشارت و خیر و نعمت  
بن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را عطای داد و دلیل کند خیر و برتری یا بدو اگر بخواب بیند  
که گویند تو میکائیلی دلیل کند از وی خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یا بدو بدین اسرافیل را

و بگوید **وَقَدْ يَدْعُو**

ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر اسرافیل را بنحواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علو و تنگی  
بود و در دیار که او را بنشیند دلیل بر اینی و آبادانی آن دیار بود و اگر بنشیند که صورت در دست داشت و میبید دلیل بر بلا و فتنه کند  
زیر که او را امر خدای تعالی بد میدن صورت اوست و هر جا که دیدن صورت پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی  
وَفُتِحَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ و اگر بنشیند که اسرافیل علیه السلام صورت در دست  
داشت و میبید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بنشیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار  
شد و دلیل که پادشاه آن شهر بروی چشم گیر و کرمانی رحمه الله علیه که یکدگر اسرافیل را بنحواب بیند که اندو بکین بود و صورت میبید  
و او بختنا آه از صورتی شعله و دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان پاک شوند و اگر بنشیند که اسرافیل تازه روی بوی  
و شادمان در روی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و این رسد و اگر بنشیند که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بد و او دلیل که جلش  
نزدیک باشد و اگر بنشیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد ویدن خراسان را ۴  
ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کار یکدگر بود مغرول شود و اگر ملک الموت  
را نزدیک خود بیند دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید کرد و اگر بنشیند  
با ملک کشتی گرفت و افتاد و دلیل که از دنیا زود برود و اگر بنشیند که ملک الموت را بنیاد خست بعضی از مجربان گفته اند که بیا نشو و ایستاد  
باید مغربی رحمه الله علیه که یکدگر ملک الموت را بنحواب بیند خورم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بنشیند که ملک  
الموت بروی سلام کرد و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و خانه کاروی بر شهادت نود و اگر بنشیند که ملک الموت  
بروی چیزی شیرین داد و دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بنشیند که ملک الموت بروی بخشم نکرست دلیل که با خطر  
مرگ او باشد و اگر بنشیند که ملک الموت بروی چیزی تلخ داد و دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بنشیند که او را خبر دادند  
که ملک الموت بظان حاکمست و او از دور نگاه کرد و دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر بنشیند که ملک الموت به کشت  
و دلیل کند که او دشمن خلق کرد و دیدن حمله العرش آن فرشتگان اند که عرش ابا مرحق جل علیه السلام برشته اند اگر کسی  
ایشان را بنحواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد بابد و اگر بنشیند که بایشان پیوستگی داشت و دلیل که او را بپادشاه  
بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند که کرمانی رحمه الله علیه که یکدگر دلیل که با کسی که اهل دین باشند پیوستگی کند و هیچ کار  
قوله تعالی وَتَوَكَّلْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و اگر بنشیند که در آن  
و هر بندگی خویش باز داشتند دلیل که جلش فرسیده باشد که اما کاتبین مولا کنند که کردار و گفتار خلایق از ننگ و بد  
چنین بیند ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر کسی که اما کاتبین را بنحواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و وجهانی حاصلش  
شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کند قوله تعالی يَحْكُمُونَ مَا نَفَعُ لَكُمْ ابْن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر بنشیند  
که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکرد و دلیل که کهنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

[illegible]

و اگر اهل آن موضع و غم و اندوه و سختی و ملامت باشند نیا را بشمار بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بنید که پیغمبر ازل  
 زجای نقل میکرد و نزد اهل آن موضع دعای بد میکرد و دلیل خداست تعالی مای عظیم بر اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و توبه  
 خداست تعالی با آن گرامی رحمت الله علیه که دید هر بنده مومن که پیغامبری را در جایی خود تازه روی و شادمان بنید و دلیل  
 عز و جاه و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشمگین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبر از چیزی شنود دلیل  
 از علم آن پیغامبران بهره یا بد و شادمان شود و اگر بنید که پیغامبری را بکشت دلیل که خبیث است کرده باشد لقوله تعالی فیما  
 نَقَضَ لَهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلَهُمْ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيٌ حَقٍّ جَعَفُ صَادِقٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
 که بید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بنید بزرگی و ولایت یا بد قوله تعالی وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ  
 رَبُّهُ قَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى و اگر بخواب بنید که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموز و عالم آدم  
 الْأَسْمَاءُ كُلَّهَا و اگر بنید که آدم دست او گرفت بزرگی و مملکت یا بد و اگر بخواب بنید که آدم را طاعت نکرد دلیل  
 که عاصی و بد بخت شود و حق علیه السلام را بخواب بنید دلیل که دولت و اقبال یا بد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و خوش  
 دراز کرد و نوح علیه السلام را اگر بخواب بنید عمرش دراز کرد و دلبستن از دشمن رنج و سختی بنید و عاقبت برادر رسد  
 ادریس علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش نیکو شود و عاقبت محمود کرد و وجود علیه السلام را اگر بخواب بنید دشمنان  
 بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد لوط علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش بصلاح باز آید و مراد دل بنید  
 صالح علیه السلام را اگر بخواب بنید از جایی بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود ابراهیم علیه السلام را اگر بخواب  
 بنید حج اسلام بگذارد و بعضی از معجزان گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخوی کند با مادر و پدر ایل  
 علیه السلام را اگر بخواب بنید بشارت فتح و غنیمت یا بد قوله تعالی وَ كَثُرْنَا كُودًا بِأَسْحَى بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الصَّالِحِينَ ه  
 یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بنید از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یا بد یوسف علیه السلام  
 را اگر بخواب بنید خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یا بد شعیت را اگر بخواب بنید خصم بروی علیه کند و بعد از آن  
 بروی ظفر یا بد موسی علیه السلام را اگر بخواب بنید مبتلا کرد و با اهل عیال و بعد از آن حالتش نیکو کرد و در دشمن ظفر یا بد قوله عز و جل وَ وَهَبْنَا  
 لَهُ مُزَيْنًا وَ خَشَّيْنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا وَ بعضی معجزان گویند که موسی را بخواب دیدن دلیل که پادشاه دین و دینار پلاک شود و او را اگر بخواب  
 حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندک زکریا علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی  
 او را توفیق دهد و طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب  
 بنید سفری دراز کند یا امینی و زرق و عمر و راز یونس علیه السلام را اگر بخواب بنید از غم فرج یا بد و در تاریکی روشنائی  
 آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بنید کارهای مرده بروی زنده کرد و توفیق طاعت و خیرت یا بد  
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را بخواب بنید از همه غمها فرج یا بد و اگر او مار باشد و پیش گذارد شود و اگر



بسم الف

با انصاف بود و اگر او در شهری گشته روی و خوش طبع بیند و لیل که در آن شهر عدل و انصاف پیدا آید میر المومنین  
 عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی میر المومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه در خواب  
 بیند و لیل که در رخ و زهد و پرستشکاری اختیار کند و اگر او در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند و لیل که مردمان شهر  
 بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند میر المومنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی میر المومنین  
 علی رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر عدل  
 و انصاف موصوف گردد و ولیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم معین ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند و لیل که در راه دین و اسلام یکانه باشد و در میان مسلمانان صادق  
 القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اصحابی کالجوهر یا هم اقلکم یثتم افسدکم ثم خرجت منکم  
 علیه و سلم یاران من ستار گانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد میر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند  
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند و لیل که حج و غزاهای او بر سر  
 وانش بن مالک رضی الله عنه را اگر بخواب بیند و لیل که بسنتها را غلب بود و علم و شریعت دوست دارد و مسلمان  
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند و لیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله  
 بن عباس ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند و لیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند  
 و لیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت و دینی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه  
 علیه و سلم دلیل بر خیر و منفعت و دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما زمانه بخواب بیند و لیل که بر کار  
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی اند صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان اگر  
 بیند که در شهری و یا در محلی گروهی از علما و حکما جمع آمده بودند و لیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتا و کرد  
 امر و نهی منکر تمام سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر خیر نای و دیگر که بیند  
 بر حروف و محسم بیان کنیم تعالی حرف الالف من کتاب کامل التفسیر آبادانی ابن سیرین گوید  
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید و لیل کند بر صلاح دین و خرد و ثواب  
 آخرت که دریا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان می کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که خبر و فایده  
 اینچنان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد و لیل کند که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که  
 اگر کسی خوشی بخواب در جایگاهی آبادان میقام بیند و لیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند  
 دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بر او اول بر صلاح کار  
 اینچنانی و دوم خیر و منفعت ستم بر او و کامرانی چهارم بر کشایش کار نای بسته آب بدانکه زندگانی همه چیز نای

بسم الف



تَوَاتُرًا كَلَامًا مِّنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ ابْنُ سِيرِينَ كَوْنُهُ كَيْفَ بَرَفَرَزَابِ جِي رَفْتِ چُون آبِ دِیَاوَرُو خانَه وَاچَنَه بَدِیْنِ کَایِ  
 وِلِیلِ کَنْدِ بَرَقُو دَ اِمَانِ وَا عَقْدَ دِ پَاکِ دِی وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ صَافِ خُشْکُواری سِیَا رَجَزَرِ دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَمْ عَمَرِشِ دِر اَز یَ وِ مَحِیْثِ  
 دِی خُوشِ بُو دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ تِیرَه یَا شُورِ مِی خُور وَا مَویلِ بَخْلَافِ اِیْنِ بُو دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر اَز دِ رِیَا آبِ صَافِ خُوشِ مِی خُور دِ وِلِیلِ  
 کَنْدِ کَر بَقْدَرِ اَن اَرِ پادِشاهِ مَالِ وَا نَعْمَتِ یَا دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر جِلْمِ آبِ دِ رِیَا رَجَزَرِ دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر پادِشاهِی هَمِه جِهانِ رَا بَکِیْر دِ وِلِیلِ  
 کُو مِیْنَدِ کَر بَقْدَرِ اَن اَرِ آبِ دِ رِیَا خُورَه بُو دِ وَا بَرِ بَرِی وَا مَالِ وَا نَعْمَتِ حَاصِلِ کَر دِ چُونِ آبِ رُوشَنِ وَا صَافِی بُو دَا تَا کَر تِیرَه بُو دِ  
 اِیچَه بَر وَرَسَدِ یَا رِیجِ وَا سَخِی وِیْمِ وِیْرَسِ بُو دِ کَر مَانِی کُو مِیْدِ کَر اکر مِیْنَدِ کَر آبِ کَر مِی خُور دِ وِلِیلِ بُو دِ کَر مِیاری وِیْرَجِ کَشِدِ اکر مِیْنَدِ  
 کَر بَرِوِی آبِ کَر مِی رِیچَتِنَدِ چِیَا نَکِه اَوْرَا خِیْر نَیْشَدِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر مِیاری کَر دِ یَا عَمِی سَخِی بَدِ وَرَسَدِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ سَفِیَا وِلِیلِ  
 کَنْدِ کَر وِیْرَجِ وَا غَمِ کَر قَافَرِ کَر دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ بَیْجَامِ یَا بَرِ دَاشَتِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر بَرِ مَالِ وَا زَنَدِ کَانِی فَرِیْقَتَه کَر دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر وَر کَاشَدِ  
 اِیچَنَه بَرِیْنِ خُوشِ دَا وَا کَاشَدِ اِیچَنَه رَا نَسَبَتِ بَچُو هَزَنانِ کَر دِه اَن دِ وَا آبِ کَر دِر کَاشَدِ اِیچَنَه بُو دِ فَرَزَنَدِ طُفْلِ بُو دِ کَر دِ شَکْمِ مَادِ  
 یَا شَدِ اکر مِیْنَدِ کَر سَه شِکَسَتِ وَا آبِ بَرِیخَتِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر جَفَتِ وَا مِیْرِدِ وَا فَرَزَنَدِشِ یَا نَدِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ بَرِیخَتِ وَا کَاشَدِ  
 مَادِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر فَرَزَنَدِشِ مِیْرِدِ وَا بَیْجَامِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر بَیْجَامِ آبِ بَرِوِی مِی دَا وِلِیلِ کَنْدِ کَر دِ دُنْیا وَا خَرِیْتِ خِیْر وَا مِیْرِدِ مِی  
 وَا جَا یَکِه خُرابِ رَا اَدَا نِی کَنْدِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر دِر خَانَه کَر اَن دِر اَن آبِ رِیچَتَه بُو دِ دَخِلِ شَدِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر عَیْنِ وَا مَظْهَرِ کَر دِ وَاکْرِ  
 مِیْنَدِ کَر آبِ صَافِی پِیَالَه مَانَدِ سَکِی خُور دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر زَنَدِ کَانِی بَعِیْثِ وَا عَمَرِشِ کَنْدِ اَمَا کَارِی کَنْدِ کَر بِلَا وَا فِئْتَه بَدِ وَرَسَدِ کَر مَالِ  
 جَمْعِ رَا اَن دِ کَر مِیْرِدِ وَا مَانِ بَخْشَدِ وَا بَخِیْرَاتِ خَرِجِ کَنْدِ جَا بَرِ مَغْزِی کُو مِیْدِ کَر اَیْها کَر بُو قُوتِ زِیَادَه شُو دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر دَ اَن سَالِ فَرَاغِ  
 وَا نَعْمَتِ بُو دِ وَاکْرِ اَیْها ی سِیَا رِ دِ کَر بَرِیْنِ خُور دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر مِیْرِدِ وَا مَانِ عَامِه رَا سَلَامَتِ وَا عَمِیْتِ بُو دِ قَوْلَه تَعَالِی وَا قَبِلِ  
 یَا اَرْضُ اَبْلَیْ مَاءَکَ وَا یَا سَمَاءُ اَقْلَیْ وَا غِیْضُ الْمَاءِ کَر مِیْنَدِ کَر اَیْها اَرِ سَرِ مِیْرِدِ وَا فَرِوِی اَیْدِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر دَ اَن سَالِ  
 نَعْمَتِ وَا فَرَاغِ بُو دِ اَن دِ یَا رِ قَوْلَه تَعَالِی اِنَّا مَسْبِیْتُ الْمَاءِ صَبْغًا وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر دِر خَانَه وَا آبِ صَافِی بُو دِ وِلِیلِ کَنْدِ نَعْمَتِ وَا خَرِی  
 وَا حِیْثِ یَا دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر دِر خَانَه وِی آبِ تِیرَه اِیْتَا وِه یَا شَدِ تَا وِلِیشِ بَخْلَافِ اِیْنِ بُو دِ وَا نِیَالِ کُو مِیْدِ کَر آبِ دَا وَا نِ بَاغِ وَا کُشَتِ  
 اَز جُو یَا وَر دِ وَا وِلِیلِ کَنْدِ بَرِ مَالِ وَا سَکَارِی اَز غَمِ وَا نَدِ وِه وَا آبِ دَا وَا نِ مِیْرِدِ وَا وِلِیلِ کَنْدِ بَرِ دِیْنِ وَا دِ یَا نَتِ وَا کَر دِ رَا مِی  
 نِکِ وَا پَسَنْدِ یَدِه بُو دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ اَن دِرِ مِی رَفْتِ وَا نَدِر اَن وَا قُوتِ مِیْنِ وَا قُوتِی بُو دِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر اِشْغَلِ صَحْبِ شُخْلِ کَر دِ  
 اَز قَبْلِ مِیْنِ وَا قَوْلِ وَا نَدِر اَن مَقْبُولِ بُو دِ خَاصَه کَارِی اَن دِر اَن کَارِ ظَاهِرِ کَر دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ صَافِی رَفْتِ وَا پُوشِیدَه بُو دِ  
 وِلِیلِ بَرِ قُوتِ دِیْنِ بُو دِ وَا تَوَکَّلِ کَر دِنِ بَرِ اِیْرِدِ تَعَالِی وَا سَتَقَامَتِ کَارِوِی وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ بِیَاغِ مِی بَرِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر زَنِ خُوا بَرِ  
 یَا کِیْرَتِ خُور دِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ پَاکِ بَرِوِی رِیخَتِ وِلِیلِ کَنْدِ کَر اَز اَن کَسِ خِیْر وَا نَعْمَتِ بَدِ وَرَسَدِ وَاکْرِ مِیْنَدِ کَر آبِ تِیرَه بَرِوِی رِیخَتِ  
 تَا وِلِیشِ بَخْلَافِ اِیْنِ بُو دِ حَضَرَتِ صَادِقِ عَلِیْهِ السَّلَامِ مِیْفَرَا یَدِ کَر آبِ فَرِوَرِ فِئْتِ بَخْجَابِ مِیْتَبَرانِ بَرِیجِ وَا جَعَلِ مِیْنَدِ اَوَّلِ یَقِیْنِ  
 دِوِیْمِ قُوتِ سِیْمِ کَارِ دِ شُورِ چَا رَمِ نِیْمِ حِیْمِ عَمَلِ اَز جَهْتِ رِیْشِ شَهَرِ بَرِ اَن کِه مَویلِ بَارانِ وَا حَرْفِ بِنِ بِلانِ کِنِیمِ وَا مَویلِ آبِ

در باب  
توضیح

در باب  
توضیح

چاه آب جوی را بحر جمیم و آب دریا را بحر و آب رود و بحر را آب کاف و بحر کاف هم برقیاس  
 خاها می و دیگر را بر ترتیب هر چیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود آب مینمی و انیال کوید که آب مینمی و دلیل بر فرزند کند و اگر کند  
 آب از مینمی او همی آمد دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر کند که از مینمی او غل برود آمد همین دلیل کند که مانی کوید اگر کند که از مینمی او آب  
 فرو می آمد دلیل کند که و امش گذارده شود و از پنج و سختی و غم برسد و اگر سیار بود و شفا یا بد این سیرین کوید که آب مینمی در خواب  
 فرزند بود لیکن اگر کند که آب مینمی بر اندام او افتاد و دلیل کند که ویرا پس آید و اگر کند که بر زمین افتاد و دلیل کند که و خشر آید و اگر کند  
 که آب مینمی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آبستن کرد و لیکن فرزند را بفکند و اگر کند که زن بروی آب مینمی افکند و دلیل  
 کند که او را پسری آید و اگر کند که آب مینمی در سراسی بمسایه افکند دلیل کند که زن بمسایه خیانت کند و اگر کند که آب مینمی خود  
 را در بستر مردی افکند همین دلیل کند این سیرین کوید اگر کند که آب مینمی خود را همی خورد و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بدل  
 کند اگر کند که آب مینمی زن خویش را همی خورد و دلیل کند که او را فرزند نشود و اگر کند که آب مینمی او سیاه و تیره بود و دلیل کند که فرزند  
 او را ندیده و مصیبت رسد و اگر کند که آب مینمی او زرد بود و دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و آب تا ختن این سیرین  
 که اگر کسی بیند که آب تا ختن کند بجای کاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب نمکین و وام دارد بود و دلیل کند که از غم فرج  
 یابد و او پیش گذارده گردد و اگر کند که خواب تو آنکه کرد و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تا ختن و انیال کوید اگر کند  
 که در جای کاهی محمول آب تا ختن کند و دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کند که خرد اگر کند که بجای آب تا ختن خون جوش  
 و دلیل کند که او را ناقص آید و اگر کند که بجای آب تا ختن بریم میرفت و دلیل کند که او را فرزند می آید و چون حلول و بعضی متبرن گفته اند که آب ختن مال  
 بود و اگر کند که آب تا ختن همی خورد و دلیل کند که مال حرام خورد و مانی کوید اگر کند که اندر جای آب تا ختن کرد و دلیل کند که اگر کسی مال حرام  
 بیند که آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که او را فرزند می آید که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر کند که برخی از آب تا ختن بر چینه و برخی  
 با خود داشت و دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر کند که در دامن از آب تا ختن جوی  
 مسح همی کردند و دلیل کند که او را فرزند می آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی کوید اگر کند که در مسجد  
 آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که مال خویش خرنیه کند نه بر وجه خویش و اگر کند که جائه وی باب تا ختن آلوده گشت و دلیل کند  
 که مال خویش بر فرزند خویش خرنیه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تا ختن در خواب بموضع خویش مرد مرا تو آنکه  
 رسد اما آنکه در ویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و مجوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل  
 معزولی بود و خلیفه را مرکب بود و قاضی را غل و بازگامان را زیان بود و تجارت را اسهیل اشعث کوید که اگر کند که در  
 خانه خویش بموضعش آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش خرنیه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی وَمَا أَفْتَقَ  
 مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ مُخْلَقُهُ وَهُوَ خَيْرُ الْأَزْوَاقِ اِنجانه این سیرین کوید اگر کسی در خواب بیند که انجانه همی ساخت  
 و دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حرص کرد و در آغوب کرد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

انجانه

باب

چهارم

خزین

حاجت

کینه

سحر

و دلیل کند که زن جاوید و پیر حاصل کرد و آئین حرام خواروبی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط می کرد  
و دلیل کند که مال غنیش را نه زینت کند و اگر بیند که در آبخانه بنشیند و یا در چاه آبخانه افتاد و دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند  
که کسی در چاه آبخانه خود افتد و دلیل کند که مال کسی بجنب بستاند اگر بیند که چون بنشیند دست و پای او بشکست دلیل  
کند که برای سخت بد و در سند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب برنج و جبه بود و اول مال حرام دوم  
عیش دنیا سیم خزین چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار ابدستان ابن سیرین گوید که ابدستان در خواب  
خزین دار و صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی ابدستان بوی داد و دلیل کند که خزین دار  
و تدبیر پادشاه بود و اگر او کسی دهد بر بر این قیاس بود که زمانی گوید که ابدستان در خواب خادم بود بقول خدا می غول  
قوله تعالى يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ كَأَوَّابٍ أَبَاقٍ وَاكْرَبِينَ كَأَبْدِثَانٍ اَوْ بَشَكْسٍ يَاضِيَانِ  
شد و دلیل کند که زن از وی جدا کرد و یا میرد و اگر بیند که از آب دستان آب می خورد و دلیل کند که ویرا فرزند  
حاصل کرد و خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن ابدستان در خواب  
و جبه بود و اول خادم دوم خزین سیم تدبیر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جانی که امید ندارد  
ابن سیرین گوید که اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون آب است و دلیل کند که او مال و نعمت  
و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود که گوید که فرزند  
نعمت و مال حاصل کرد و اگر بیند که خواب برنج و جبه و تدبیر را در دست داشت و مال حاصل کرد و ابکا نه ابن سیرین  
که خوردن ابکا نه در خواب دلیل که بر برنج و بیاری تن کند اگر بیند که ابکا نه می خورد و دلیل کند که بقدر آن ویرا  
بیاری بود که زمانی گوید که اگر بیند که ابکا نه بر بخت یا از وی هیچ نخورد و دلیل کند که از غم و اندوه فوج یابد و اگر بیار  
بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن ابکا نه بر برنج و جبه گفته اند اول بیاری دوم غم غم غم غم غم  
چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبکینه و انیال گوید که آبکینه در خواب زن بود و اگر بیند که در  
آبکینه آب می خورد و دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند که آبکینه کسی شراب داد و دلیل کند که از هر کسی زخمی  
ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آبکینه سفید داشت و نامش برانجا نوشته بود و دلیل کند که دولت دینی و دنیایی یابد  
و حاجت او را کرد و اگر بیند که بران آبکینه نام پادشاه نوشته بود و دلیل کند که بر اجلس نزدیک بود و اگر بیند  
پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بر قدر و اندازه آن خیر و خرمی یابد جا بر مغربی گوید که اگر بیند که آبکینه داشت بنفشه  
و بشکست و دلیل کند که اگر زن دارد و طلاق دهد و اگر زن ندارد و زنی از خویشان وی رحلت کند و بداند که آبکینه که  
تاویل نمیرد خداوند کار بود و بعضی از معجزان گفته اند که آبکینه که کسی بود که کارهای زنانه گذارد و پیوسته او را  
بازمان محالطت بود و آمله ابن سیرین گوید که آمله در خواب زیان مال بود و اگر بیند که بر تن او آمله بود که بقدر آن

خواسته مال و را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که برتن او آبله بود و دلیل بود که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت  
صادق علیه السلام فرماید که آبله برتن دیدن برنج و جود بود و قول زیادتی مال و ویم زن خواهد سیم پسرش آید چنان  
حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم امین کرد و چون آبله سفید آبنوس این پسرین گوید که دیدن آبنوس در خواب  
هردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا نکند و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب  
زنی بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت  
که گفته کردید آتش وانیال گوید اگر کسی آتش بپاود و در خواب ببیند دلیل که پادشاهی نزدیک کرد و کار بسته او  
گشاده کرد و اگر بیند که کسی ویران آتش فکند و آتش برپا سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص  
یابد و بشارت نیکوئی یابد چنانکه این دو لغالی در کلام مجید فرموده قلنا یا فاقی کون فی بؤس و سلا ما علی  
اینها هم و اگر بیند که آتش بر آتش و دلیل کند که روی بگراست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوز بپزد  
دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آتش خشکی و پراخ و پخته  
رسد و اگر کسی ببیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از و سهم و ترس در دل نیاید  
دلیل کند که از محنت و مضیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سهر و طاعون و آبله و سرخه و آبله  
ماند و اگر بیند که از آن آتش فرار گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو  
دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تیمار حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و تپش بوی میرسد  
دلیل کند که کسی وی را از دور و عنایت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن همی انداخت و دلیل کند که در میان مردم  
عداوت و دشمنی افکند و اگر از کرمانی ببیند که آتش در دکان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالائی که دارد بر باد و دزدان  
بدر می آید و دلبسته درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل کند که آنکس در جنگ و شهنه  
و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت و دلیل کند که با خولیشان جنگ و خصومت کند و از سبب آن  
اند و بکین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی ببیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته ببیند دلیل  
کند که از جهت زمان ویرانیا کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محله در سرائی آتش افتاد چنانکه هر چه بود همه را بسوخت  
آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین همی داد و دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود و یا بیماری مصیبت افتد و اگر بیند که  
برخی چیزی را بسوخت و برخی را نگردد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ  
نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و ببیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان  
بیفتد و شهری یا محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهکین نداشت  
و زبانه همی زد و در جانی افتاد لیکن کند زبانه نیک و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد زبانه و اگر بیند

سجده

سجده

سجده



تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بریزد  
 آتش می افروخت و در یک کوشش بود و یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسیار که از آن کار که با بوی خانه ز منفعت رسد  
 و اگر بیند که در آن و یکسبب طعام نبود و دلیل کند که از آن کار و با غم و اندوه بود و اگر بیند که آتش بر افروخت حلاوت و دلیل کند  
 که او را نخی نیکو کند و اگر بیند که آتش بر افروخت از برای روشنائی و دلیل کند که کاری را بخت و بر مان روشن گرداند که بی کوی دیگر  
 بیند که جایگاهی آتش بر افروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که ابل موضوع را غیبت کند بی کوی دیگر و اگر بیند که  
 در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام برزد و دلیل کند که با مردی از خویشان و یا اهل بیت او را جنک و خصومت  
 افتد و اگر بیند که خواست تا آتش بر افروزد و از بهر منفعت خلیش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی میداد و دلیل کند که از  
 علم خلیش هر خورداری یا بدو اگر این کس پادشاه بود و عروجه و دولتش افزون گردد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بر  
 و دلیل کند که بلاک گردد و جابگوید اگر بیند که در میان آن آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و بهر کس وضع  
 و مقام خویش میرفتند دلیل کند که مرموز علم و حکمت او بهر میبند و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او  
 زایل میگردد و دلیل کند که او آتش متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در میان افروخت و نور او است  
 می درخشد دلیل کند که علم او مردمان را بر راه ضلالت برود و اگر بیند که آتش در موضعی بر افروخت تا آن موضع را بسوزاند و  
 آنرا سوخت و آن باز در کان بود و دلیل که ضریح و فروخت بفقار کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش  
 همی برود و دلیل کند که مالی حرام بدورسد و روشنائی آتش این سیرین کوی دیگر کسی در خواب و روشنائی آتش بیند چنانکه  
 بدان و روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یا بدو اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند و دلیل کند که سبب دولت  
 او همانجا بود و اگر فکر فروخته دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آید چنانکه از نور آن خانه  
 روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن آتش را کشت و دلیل کند که در خانه آن  
 خصومت و دواوری بود آتش پرستیدن و انبیا کوی دیگر بیند که آتش را می پرستید و سجد میکرد و دلیل که با او شکر را  
 سجده کند و بخدمت مشغول گردد چنانکه او را تشکیده اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد و دلیل که بخدمت  
 مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که در میان  
 آتش مرا خد می کرد و دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازگانی کند و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود و خاصه که از آتش برتن  
 او کردند و رسد و اگر آتش برتن او را هم کردند و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت بار و کار او از پادشاه  
 و اگر بیند که در میان آتش رفت و دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او  
 روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او محیر بودند و دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مردود و جانی حاصل گردد و قوله تعالی و آخرا  
 یَدُكَ فِي حَبِيبِكَ فَخُجَّ بِصَبَاءٍ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ و این حجره حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل شمش

باز

روشن

آتش

که بد که اگر کسی در خواب بیند که آتش میسپرد و دلیل کند که باز داری و عوامی کند آن آتش که میسپرد اگر شکل اختری بود که  
 غرض از این صبح کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند ششراه آتش ابن سیرین گوید که ششراه آتش در خواب بخند  
 باشد که بوی رسد و اگر بقیاس ششراه آتش در روی می افتد و دلیل کند که در جنت و بلائی سخت گرفتار کرد و گمانی گوید  
 اگر بیند که در شهری یا کوچه ششراه آتش می افتد و دلیل کند جنت و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر بیند که ششراه آتش  
 سخت بزرگ بود و دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بدانش وضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ  
 كَالْفَصْحَا كَا فَهْ جَمًا لَتَّ حُفْرًا و اگر بیند که ششراه آتش در میان مردمان افتد و دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر  
 جنگ و خصومت افتد و آتش را فتنه و بازی کردن با آتش سخت شست گفتن بود چنانچه می گوید اگر بیند که باره آتش  
 در دست و پشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش در دو بود و دلیل کند که در آن کار او را  
 بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر  
 که از آن آتش پاره مردم را بوی داد و دلیل کند که از کار روی مردمان را بچ و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند  
 که چیزی از آن آتش روی بروی می بخشد و میخورد و دلیل کند که خنهای خوش شود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش  
 در خواب بر میت و بچ وجه بود اول فتنه بود و دوم کار از رسم فساد چهارم مرتب بخت ششم خصم  
 هفتم منع از کام و مرد و هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم اتفاق یا از دهم پیری و از دهم علم و حکمت سیزدهم  
 راه پدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم  
 سیام بیستم بیکه بیست و یکم کتایش کار بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزه  
 بیست و پنجم تلفات آتش دان ابن سیرین گوید که آتش دان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش دان  
 آتش دان بود و دلیل کند که آن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتش دان چوبین بود و دلیل کند که آن از خویشان  
 اهل آن خانه بود و از اهل اتفاق بود و اگر آتش دان از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل درون گشتان باشد و از مشرکان نیز  
 بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش دان بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه و دوم کینه آتش زن ابن  
 سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش دان ابن سیرین بر دو انبار باشد که از ایشان یکی قوی و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این مرد و زن  
 بر شرف و کارهای بزرگ را آورند که گمانی گوید اگر بیند که از آتش زن آتش بیرون می آید و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیند  
 پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیند خواب عالم بود و دلیل کند که مردم از علم و دانش او  
 یابند و اگر بازرگان بود و دلیل کند که با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی  
 محبت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از جبهه پادشاه حاصل کند یا مال  
 او مشغول گردد و از نشوت مال بدست آید و اگر بیند که از آتش زن نتوانست فروختن و دلیل کند که مال طلب کند و نیابد

بایض  
 حین

حین  
 حین

حین



این سیرین کوید که آتشکده و خواب جایگاه کرده بود کرمانی کوید که آتشکده جایگاه مردم حق و خالی بود و اگر بیند که آتشکده رفت  
 و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنقدر نذرت و خوری بوی رسیده لیکن از بدی بر بد و سر انجام پشیمانی خور و آنه و کون بدست  
 آن کوید که شکوه است و بدیش در خواب لیل برنج و بیماری بود آرد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بد و رسد نایل  
 گوید اگر بیند که در چون برف از بوم می آید دلیل کند که بقدر آن مال نعمت حلال و حاصل کرد و از آنجا که امید ندارد این سیرین کوید  
 چو تاب و دل درستی دین بود و آرد کندم مالی بود و از تجارت که بسیار خایه بود و آرد و کاورس الی آنکه بود که حاصل کرد و جابر مغزی کوید که از  
 فروش خواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدینا آورده بود آرد و سیر کرمانی کوید که آرد و نیز خواب بروی باشد که در میان دوستان  
 و خویشان می کرد و این سیرین کوید که آرد و نیز خواب زنی بود و فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد و نیز بزرگ نوزاد گرفت یا کسی  
 بوی و دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار و دوست وی کرد و بعضی از معبران کوید که مردی مصلح که در خدمت او می  
 بود و دوست وی شود حضرت صادق کوید که آرد و نیز خواب بر چهار وجه بود و آرد مردی مصلح و دیم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت  
 مذک آن روغ کرمانی کوید که اگر بیند که در خواب آرد و نیز بر می آرد و دلیل بود که مخفی کوید که او را از آن حرمی بود اگر بیند که با آن روغ خلعت  
 بود و از خلعت بیرون آید دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین کوید که اگر بیند که آرد و نیز ترش ناخوش بر آرد و دلیل کند که مخفی بود  
 که از آن حضرت و خطر بیند و اگر بیند که آرد و نیز همچون دو و بر آرد و دلیل کند که بی بی حکام مخفی کوید که از آن اورا عیب کوید و ملاست کنند  
 و سر انجام از آن پشیمانی خورد از او شدن و انیال کوید که اگر کسی بیند که از او آرد و دلیل کند که اگر باری بود و شفا یابد  
 و اگر دام دار بود و امش کناره ده کرد و اگر حج کرده باشد بگذار و اگر بنده بود آرد و اگر گناه کار بود تو بر کند و اگر غمگین بود پشیمان  
 کرد و از غم فرج یابد و اگر عیوس بود خلاص یابد و علی الحمله آرد و در خواب بخت نیکو و پسندیده است آستانه کرمانی کوید آستانه  
 بالاین در خواب که خلی خانه بود و آستانه زیرین که بانوی خانه و اگر بیند که آستانه بالاین در و بیفتا و در خواب بند دلیل کند که خدای خانه میر و اگر آستانه  
 خانه بیند که آستانه زیرین خانه بیفتا و یا بسخت دلیل کند که بانوی خانه میر و این سیرین کوید که اگر بیند که خدو آستانه زیرین آستانه بالاین بود دلیل  
 کرد و دلیل کند زن اطلاق و بدوزن دیگر بخوابد و اگر بیند که آستانه بالاین را بچند دلیل که خود را بکشد اگر بیند که هر دو آستانه خوشتر بچند خواب کرد  
 کند که که بانو که خدا هر دو هلاک کردند آسمان و انیال کوید که اگر کسی خویش را در آسمان دل بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک است  
 آمده بود و اگر خود را بر آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و اقبال چنانچه یابد  
 و اگر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که بیست و ترس و بیم یابد اگر  
 بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد و اگر بیند که بر آسمان هفتم برشته و لیکن در آستانه دید دلیل کند که  
 کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته کرد و اگر بیند که در آسمان هشتم است نگاه کردن و سرافراز کند و بود دلیل که از دیدار مرد  
 بزرگ جدا کرد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرو آمدند و بروی بکشد دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی گشوده کرد و آستانه  
 سیرین کوید که اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر را مرتب دنیا و آخر حاصل کرد و اگر بیند که بر آستانه

بازگشت  
 از خواب  
 از خواب

خواب

خواب

خواب

آسمان



پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که استانه خانه بروی می افتد و وزیر آن گرفتار گردد و دلیل کند که او بهیم  
 بلاست بود و نه لغالی حکیمانم السقف من فوق قریبم و اگر بیند که استانه خانه او برنگهای بتون و منقش بود دلیل کند که  
 او از ایشان دنیا مشغول گردد و آسیاب و انیال که بداند اگر بیند که در آسیاب غله برود و آرد بهی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب به  
 خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب شکست و از کار بیفتد و دلیل کند که خداوند آسیاب بپلاکت کرد و اگر بیند که سنگ آسیاب  
 بشکافت تا غللی در وی پدید آید دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و غللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بریزد  
 و دلیل کند که خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که دردن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود اگر کسی در  
 در آسیاب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ خصوصیت خدا و اگر او اندک آسیاب بکشد و بود و آسان تر بود و اگر که در آسیاب غله داشت و کسی  
 که آسیاب بکند و دلیل که سفر شود و اگر بیند که سنگ آسیاب ریس یا از برنج یا از آهین بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر  
 بیند که سنگ آسیاب از بگیند بود دلیل کند که خصومتش با زمان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد و دلیل  
 کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسیاب را بدست میگردانند دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود  
 و بواسطه او کارش نظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسیاب در خواب دیدن و آتش بر سرچ و جبهه بود اول پادشاه دوم رئیس  
 ستم ناک و اگر یکبار هم مرد و لیر جلد پیچم خانه سالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیاب جای ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسیاب را خراب کرد دلیل  
 که اندران چیزی که آب استا منسوبست خراب کرد و آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میکرد و دیگری  
 بدست می آورد و تا اهل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بنا و یل مردی بود که مردم را در دست  
 او روزی بود و چون آسیابان جوان بود بنا و یل نیکو باشد و اگر بیند که است یا بخرم بکند و دید یا با بستر و آرد  
 نیکو فرومی آید و دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت کردیدن آسیابان با ناک سنگ آسیاب میشنود و دلیل کند که  
 کار وی خیر گردد آشتی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد و دلیل که عرش دراز کرد و اگر بیند که در آشتی کسی را  
 بفساد وین خواند دلیل که ویرا بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که دشمن کسی را بصلاح دین میخواند دلیل که وی را بفساد و راه شر  
 خواند حضرت صادق میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر و دوم بر قوه ستم بر سیرت عفو و  
 پسندیده آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر کسی ببیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر  
 دین یابد و اگر بیند که کودی را در آغوش گرفت دلیل بود که خوشکار و محب خزند بود و اگر بیند که شیر برادر آغوش گرفت دلیل  
 که با دشمن مصلح کند آفتاب و انیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان  
 تو گرفت یا ویرا بپلاکت خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب  
 دلیل کند که پادشاه گردد و بر غنای و ثنای آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قدر و همت و اصل خویش بزرگی و عظمت یابد  
 و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماهیم

در خواب  
 دیدن  
 در خواب  
 دیدن

در خواب دیدن

در خواب دیدن

در خواب دیدن

در خواب دیدن

شد دلیل که پادشاه گرد و مملکت بروی تقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل که ملک از پادشاه بزرگستان  
 و اگر بیند که آفتاب را فرار گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره همه نبود دلیل که آنکه از عظمای  
 فرج یابد چنانکه بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود و این سیر  
 که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه و وزیر و وزیران پادشاه و عطا و سپه پادشاه و منج پهلوان پادشاه و ستارگان  
 دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب بدرود و ماه و وزیر و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کلام خود  
 یوسف است و قوله تعالی اِنِّیْ اَنْتَ اَحَدُ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مِنْ اَنْتُمْ لَنْ سَاجِدَیْنِ  
 و هر یادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه  
 وی یافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که بر یا چیزی دیگر نور آفتاب را پس پادشاه دلیل که حال پادشاه مفرود  
 و احوالش بد شود و خاصه وقتی که بیند آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد و لیکن  
 زود بد شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسی یا رشته فرو بسته بود و او دست بربان رسد و دلیل که از پادشاه او را فوت و یاری بود  
 و اگر بیند که آن رسی گسست و او بیفتاد و دلیل که از بزرگی و منزلت بخت و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد و دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر  
 و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را گرفت و نور ایشان بسته دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاه  
 جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت و همه تیره و سیاه بود و دلیل کند که بیند خواب هلاک گردد و خاصه  
 که ظالم و ستمگر بود و گمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود و دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو  
 پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود و دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین و هیچ نور نداشت  
 و دلیل بود که پادشاه اندام را محزون گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش ویرسیاد که در حقیقت دلیل که پادشاه را غمی بزرگ  
 رسد و او را نیز از آن بهره جو و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شده و ناپدید گردد و دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عاشر مرد و راجع  
 رسد و اگر بیند که آفتاب در ستارگان را بر آید پادشاه بیند دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن بهریت شوند و اگر بیند که آفتاب را همی  
 پس سینه میل که پادشاهی بزرگ مغرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک شست و روی آفتاب که پس دیگر بار  
 در روی آفتاب بگردانید و دلیل که اگر سخت کافر بود و پس مسلمان گردد و در حاجت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب باز وید و دلیل بود که پادشاه  
 اندام را با حجت چیزی جزئی رنجی رسد از جای که امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت و دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت  
 و بزرگی یا حضرت صادق میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر بهشت و چه بود اول خلیفه و دوم سلطان بزرگ و تقیم بر سر چهارم عالمی  
 بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مر و رازن و زن رانوی هشتم کار و وس نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده  
 کردی دلیل که سلطان او را بنواز و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف و شرف و امیران و یارید و یا در شعل  
 آفتاب حجاب ویدن ضد آن بود که گفتیم آفتاب به این سیرین گوید که آفتاب به در خواب زن خانه بود و یا که اگر که چراغ خانه بد



و اگر بید که پوست آهوا همی خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی شل حاصل کرد و و اگر بید که پوست آهوا با گوشت یا بیه اورا  
عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بید که آهوا بکشت دلیل که از قبل زن اندو بکین کرد و این سیرین که بد اگر بید که بی انگ  
کر و آهوا و و بیکند دلیل که نیزی یا زنی را و پیشی نبرد و اگر بید که آهوا وقت شکار بیکند دلیل که غنیمت یابد و اگر بید که آهوا  
در خانه او بر و دلیل که از جهه زن غم و اندوه بد و رسد و اگر بید که آهوا بسکت یا بد تر زو دلیل که سختی نامنه او بد زنی را با بخت  
گوید اگر بید که بچه آهوا را گرفت یا کسی بد و او دلیل که ویرا از نیزی فرزند آید حضرت صاوق فرماید که وینا بود خواب بر چهارم  
بود اول زن دویم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز این سیرین کوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل  
کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بید که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و بانگش بلند کرد اگر بید که  
آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یابد او کند کرمانی کوید بلندی آواز مردان را دلیل شد  
و بلندی نام کند آنا بلندی آواز زنان و خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیار آویختن و آسای کوید اگر کسی  
بید که پادشاه فرمود تا او را بیا ویزند دلیل که از پادشاه و جنت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در پیش خلل افتد و اگر بید  
که مشکام آویختن مردمان نظر دوری میکرد و دلیل که بر عدد آفتوم مهتری و فرمان روائی یابد اگر بید که در وی هیچ و ویرا بود  
و دلیل که بر آفتوم مهتری و فرمان روا کرد و اگر بید که پیری محمول ویرا بیا و بخت و مردمان بنظاره او همی بودند و دلیل که بر خلق  
چنان فرمان روا کرد و چون بید که خویشان بنظاره او همی بودند و اگر بید که خویشان بیا و بخت و هیچکس روی نظاره  
بلکه خود را و بخت همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی طبع او نکر و و جابر مغربی کوید چون ویرا او بخت  
بود و در لیسان برید و بیضا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت پیفته آئینه این سیرین کوید که آئینه در خواب جاه و ولایت  
بود و اگر بید که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد و دلیل کند که بعد بزرگی آئینه جاه و فقرات و ولایت و منفعت یابد و اگر  
بید که آئینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی بند و اگر بید که در آئینه سیمن نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه و  
کرامت بید زیرا که مجرآن آئینه سیمن را کرده و بیند و اند کرمانی کوید که اگر مردی در آئینه آئینه همی کرد دلیل که اگر زن  
وی حامله بود پس آورد که بجهت چیزها نداند بد بود و اگر زن بید که در آئینه سینگر است و آئین بود و دلیل که دختر آید و که  
چیزها نداند و بد بود و اگر زن آئین نباشد و دلیل که شوهر او طلاق دهد و زن دیگر بخواد و آئین شوهری دیگر کند و اگر بید  
که در آئینه نظر میکرد و دلیل که او را برادر آید و اگر دختری نگاه کند و برادر آید و اگر پادشاه یا عالی نگاه کند معقول  
کرد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی کوید که وی نیکو در خواب در آئینه وید چون معروض  
بود پادشاه بود و اگر معروض نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد بائینه باز کرد و حضرت صاوق علیه السلام فرماید که  
ویدن آئینه بختش وجه بود اول زن دویم پسر سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انبار ششم کار  
و هم او کوید اگر مردی خراب آئینه در خواب بید و دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بید و دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر غریب

برای

و گرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آئینه بدو داد و در وی نگرست دلیل که بدین دوستی غایب شادمان کرد و  
 او دیدن در خواب و انیال که دید که بر خواب دیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سپاه و زرد و سرخ و بر بارنده و نابارنده  
 و بر یکبار تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویش را در زیر بر سفید بارنده و بدلیل که خدای عزوجل بر علم و حکمت ارزانی داد  
 و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر بر زرد بود دلیل که بیمار کرد و بعضی از متعبان گفته اند که زنی خوابید  
 و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر بر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد و زیرا که خدای عزوجل بر وی که خدا  
 و ستادی بخت بر سرخ برقراران ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز بر سر راست بایستد و دلیل که بقدر آن فرمان روائی باید و اگر  
 بیند که بر سر سویی میکند نشئت دلیل که او را با کسی نیکو جا و نیکو عهد صحبت افتد و مراوش از وی حاصل گردد و این سیرین  
 اگر بیند که بر سر او بر چو اهی راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل که در ولایت خویش  
 رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که بر سر از چو ابر گرفت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل  
 و اگر بیند که بر سر سویی سایه می کرد و دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد و قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا  
 عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالتَّلَوٰی کَلَّا اَکْرَبْنٰکَ اَزَابْرَجَاهُ و در وقت بود و پوشید و دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را  
 بنود و اگر بیند که بر سر نه چنان را پوشید و هیچ باران نبود و دلیل که بدو گرفتاری که بدید که اگر بیند که بر سر جمع کرد و بار داشت یا بخود  
 و دلیل که در میان حکیمان ممتاز نشود و در دانش چنانکه کرد و جابر مغربی که بدید که اگر بیند که بر سر میخورد و دلیل کند که حدیث او از  
 حکمت بود و اگر بیند که بر سر سیاه بر فراز موضع جامی کشیده بود و دلیل بر ششم و غذا جعتی بود و آنرا پس هر که اندران بر نرزد یک ترمین و غذا  
 حتمی نرزد یک بود و اگر با بر باران بیند و دلیل بر هجتم و خیرات کند اگر بیند که از بار باران همی خورد و دلیل که بقدر آن ویرانست نیکوئی رسد و اگر  
 با بر باران و در حدیث بود و دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با بر برق بیند این غذاها نخر و تیر بود و اگر بیند  
 ضاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن بر کسره شده است دلیل کند که فرزند او آن پیش  
 حکمت بود و وائش نیز حاصل کرد و بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که اگر بر خواب دیدن بر نه وجه بود و اول حکمت  
 و دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم بر نیز کار می ششم عذاب هفتم شطه هشتم بلانهم فتنه اسمعیل شصت  
 گوید که اگر سیاه خواب دلیل بیم و ترس و سختی بود و اگر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن که از کائنات  
 دریا آرد که تبارزی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود و بر قدر آنچه دیده بود او را بر و با این سیرین که بدید و  
 دیدن خواب دین بود و اگر بیند که بر و دایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل کند که رفعت وی تمام و کمال بود و اگر بیند  
 که بر و دایش فرو ریخت تا ویش بخلاف این بود که مانی گوید که اگر بیند که بر و نداشت یا موی بر ویش فرو ریخت دلیل که اینک  
 چیزی کند که از آنچه می روی را بد نامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که ویرانیت نامی صلاح  
 دین حاصل آید و اگر بیند که بر و دایش سفید گشته بود و دلیل که علم و استسکی وی زیاده کرد و لیکن مالش را نقصان بود و جابر مغربی گوید

و



باید  
باید  
باید

اگر کسی بر وی خوشتر بخت دید و یکدگر کند و دید دلیل کند که در مال و جاه و وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل  
بر نقصان زینت دین وی کند اگر بشم بد آنکه تاویل بر ششم چنانکه تاویل قریب و دور حرف قاف گفته میشود و خواهد شد بلعین  
و انیال کوید که دیدن بعین بخانه لیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبده و بشیرم و نومیدانگی و مردمان همه بدی است  
و مشروفا و اگر بیند که با بعین در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد و دلیل که در اینجا صلاح میل بود و اگر بیند که بعین بر وی غلبه کرد و دلیل  
که بر او مشروفا و مال بود و اگر بیند که بعین با وی سخن میگفت و دلیل کند که او را ز راه برداند و او را از طاعت بازدارد و اگر بیند که بعین  
او را نصیحت میکرد و وی را خوش می آمد و دلیل که او را هم مال و هم بدن حضرت رسد و اگر بیند که بعین دست او گرفت و بجائی میرود  
و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بجای بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن ضیعت کسی از آن گناه باز آید  
و اگر بیند که بعین را بر گردن نعل نهاد و دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد و اگر بیند که بعین ضعیف و در مانده بود و دلیل که  
و مردمان مصلح را توت بود و گمانی کوید اگر بیند که بعین را مطیع شد و دلیل که بهوای نفس مبتلا کرد و اگر بیند که بعین چیزی را عطا  
داد و اگر آنچه نیک بود و دلیل که مال حرام یا بد و اگر آنچه بد بود و دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که بعین شاد و مفرح بود و دلیل که کار  
مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که بعین را خواست که شمشیر زند و بکشت و دلیل کند که ولایتی بدست او رود و عدل  
و انصاف کند اگر بیند که بعین را بکشت و دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح و رزق و از بیم دین سیرین کوید اگر بیند که از زیر  
داشت دلیل که بر قدر آن ویرا چیزی از ستاع دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و واند که ملک است  
و دلیل که بقدر آن ویرا خدمتکار و چراگر بود و گمانی کوید اگر بیند که از زیر می که اخت و دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی خضر صفا  
فرماید که دیدن از زیر در خواب سه وجه بود و اول منفعت و دوم خدمتکار ستم متاع خانه از ش ابن سیرین کوید اگر بیند که بارش  
یا چیزی دیگر بارش می پیچد و او را سود و منفعت بود جابر کوید اگر بیند که رسن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بدست  
آید ابن سیرین کوید اگر در خواب بیند که بازه درختی را و گیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد و مغارت جود و او را بسیار  
و تاویل بر درختی در حرف و ال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را بازه بدو پاره ببرد و دلیل که مانند آن ویرا فرزندی  
و یکدیگر بسیار ویرا خواهر گمانی کوید اگر بیند که آره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد و دلیل که اگر سپردار و ویرا سپر سیه و یکدیگر  
و اگر خوشتر و وی را خوشتری و یکدیگر آید و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پائی مثل آن ویرا حاصل کرد و خضر صفا قوی فرماید که آره  
در خواب دیدن بر سه وجه بود و اول فرزند و دوم خواهر یا برادر ستم انباز این را ابن سیرین کوید که ایزار در خواب زن بود و اگر بیند  
که ایزار و میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که ایزار وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که ایزار  
ببرد و دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ایزار وی با شش سوخت و دلیل آفت و بیماری زن بود و جابر مغربی کوید اگر بیند که ایزار  
بشیرین یا پیچیده بود و دلیل که زن او ستیزه و دین دارد و اگر بیند که ایزار کس و چکن داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که ایزار  
خرین یا بر شین داشت و دلیل که ویرا زنی معاشره یا منکر بود و پیغمبری و انیال عک کوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران و طعن

باید

باید

باید

باید

باید

بخدا منتهی اند و راه توحید همی نمود و دلیل کثرت محنت و بلا گرفتار کرد و بعد از آن بروشمنان ظفر بیدار کرد و اگر بیند که راه مصدق  
 همین دلیل کند لکن محنت و بلا می وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او هشتم و نوا نکر کرد و بیعت و نیا بروی فراخ کرد و اما دین را  
 تنه کرد و کرمانی گوید اگر بیند که مام وی تغیر شد چنانکه او را بنام نیک خواند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی  
 و شل این دلیل بود که او را بدگر خیر و نیکی یا وسازند و اگر بخلاف این بیند مردمان و برایش و بدی یا و کنند و اگر بیند که او یا دشمنان یا  
 یا قاضی شد و دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که  
 صلاح نفسا و متبدل شد و دلیل که بدگر بخشی و او باری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او یا  
 ابن سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که از او بی داشت دلیل که بزرگان  
 اگر بیند که با از او با جنگ و نبرد میگرد و بر او خیره شد و دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را قتل کند اگر بیند  
 که از او را بگشت و کشت وی بخور و دلیل که بر دشمن ظفر بیدار و مال بتاند و هزینه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از او را بخور  
 و دلیل که بر دشمن بود که دشمن و بر او پاک کرد و اند اگر بیند که بر پشت از او با نشسته بود و از او با مطیع و فرمان بر او بود و دلیل که دشمن  
 بزرگ و بر او مطیع و فرمان بر کرد و کارهای او بنظم کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل عم بود اگر بیند که  
 همی خورد و دلیل که بقدر آن و بر او غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بد و او دلیل که غمی از آنکس بر دل می حاصل کرد و اگر بیند که  
 اسپندان او بخشی را و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسامعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکسی او  
 یا از خانه بیرون رفت و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود و اسب و انیال را گوید که اسب تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی  
 و غر و جاه بود و اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان او بود و دلیل که غر و بزرگی و دولت یا بد بر قدر  
 نیکوئی و وقیت اسب اگر بیند که اسب را فرار گرفت و نه تازی بود یا کسی بد و او و بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد  
 لکن کمتر از آن که در اسب تازی کفتم و اگر بیند که اران اسب چیزی کم بود یا زین یا بند زین یا لکام و دلیل که بر قدر آن نقصان  
 و بزرگی او بود و اگر بیند که اسب ویران نبوده و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که نب  
 اسب او بریده بود و دلیل که ویران خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسب و ناقص بود و دلیل که بقدر آن از غر و شرف  
 او نقصان بود و اگر بیند که با اسب جنگ و نبرد همی کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که معصیت و کناه کند محبت  
 ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته و دلیل که معصیت و معصیت و کناه او بیشتر بود اگر آن اسب از کسی دیگر بود آنچه  
 خداوند اسب را بود و اگر بیند که اسب برهنه بود لکن مطیع او شد و دلیل بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و آن  
 اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل آنچه گفته ام از کناه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند بر اسب نشسته بود و آن اسب در  
 حی پرید یا بیند که آن اسب را پر تا بود چون مرغ همی پرید و دلیل که بر شرف و بزرگی بود و دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند  
 کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ابق نشسته بود و دلیل که کاری کند که بروی کواهی دهند و اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود و دلیل که

سیاه

سود

سپید

سبز

کند که ویرا مال و همتی حاصل کرده و اگر بید که بر اسب کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی یابد و اگر بید که بر اسب  
 اشقر بود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بید که بر اسب زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسب سهند  
 دلیل بود و اگر بید که بر اسب خرم بود دلیل که بدخیر و صلاح و اگر بید که بر اسب سبب بود دلیل که زن خواهد و اگر بید که بر اسب فرو داد  
 دلیل که از شرف و بزرگی برفت و اگر بید که بر اسب برهنه فرو آورد دلیل که از گناه و حصص باز ایستد و اگر بید که بر اسب نشسته بود و  
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بید که بر اسب ایستد تا  
 جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود او نیاید و همی بدور رسد بر قدر تا فتن اسب و اگر بید که بر اسب نشسته بود  
 و اسب او را در مسجد برود دلیل که هیچ خیر از این نبود مگر بید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بید که اسب او را مر اعتر  
 بی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردان را از آن شکفتند  
 و اگر بید که اسب بیکانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه وی درآمد بقدر  
 و حقیقت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بید که اسی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه  
 او غایب گردد یا بمیرد یا برکوبد و اگر بید که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن  
 خواهد و بروی مبارک بود و اگر بید که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بید که آن  
 مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب  
 روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرستگار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن  
 غریز و خداوند جاه بود و اگر کبیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بید که آن مادیان کره داشت  
 دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود  
 و اگر بید که کشت اسب بی خرد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و بدو بخوابیدن نزدیک کند و اگر بید که در پس کسی  
 با سپ نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تاج او کرد و اگر بید که اسبان بسیار پیر من سرایا کوچه او بود  
 دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث کوید و اگر بید که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل  
 که او را صلاح بر نی بجا دهد و اگر اعلی آن نباشد زیرا که با چنین فی مصاحبت اخذ و از او منفعت نیکویی یابد و اگر بید که گوش  
 اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده کرده و اگر بید که اسب بر در آمد و زود برخواست دلیل کند که  
 بعضی از شغل وی خلع افتد و دیگر بار صلاح باز آید و اگر بید که اسبی خرد بی دم و برافشست دلیل کند که زنی بی حسن را بر زنی  
 بخواند و اگر بید که با اسب بهوایر شده و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل کند که بر دست پادشاه پلاک کرد و اگر بید که اسب  
 ویرا لکد زود یا بگریز دلیل که عیالش بزمانه مشغول کرده و اگر بید که کسی اسب ویرا بدزد و پیغم بود که عیالش پلاک کرد و اگر بید  
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بید که اسب خویش را بفروخت دلیل که غوغا و او کم کرد و یا عیال از وی جدا

بسیار

کرد و اگر بیند که بر اسب بازگشته نشسته بود و دلیل که از وی بقصد کاری منکر پیدا کند که در آن ویرامضرت و علامت بود جای  
 گوید که اسب در خواب بر روی بینه نفس خواب بود و اگر اسب پیش اسرکش بنشیند و دلیل کند که بر روی نفس او سرکش باشد و اگر بیند  
 که اسب پیش مطیع و فرمان بر او دلیل که بر روی نفس او صعب تر بود و بداند که بر اندامی از اندامهای اسب رانسانی  
 بود و از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنشیند و در وقت او بود و مردم عامه را اسب خواب دیدن غرور و بخت بود و اگر  
 بیند که اسبی مجهول از محلی بیرون آمد و دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالداصفهائی گوید که اسب بالائی بخواب  
 بخت بود و هر چند بالائی فرمان بردار تر باشد بخت و مطیع تر فرمان بردار تر بود اگر بیند بالائی در شهری یا در شهری یا در شهری که در محلی  
 عجمی در اینجا پیدا کرد و اگر تنگ که بر اسبی دراز و دم نشسته بود و دلیل کند که ویرا تبع زیاد و کرد و بقدر درازی و هم اسب و اگر بخواب  
 این بیند و دلیل که حال بروی بد کرد و عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اسب در خواب بر سرخ و جبه  
 بود و اول خود و دوم مرتب سیم و چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحمد لله لیسر معقود و  
 الخیل و البرکت الی یوم القيمة و الذل فی اوبار البقر و اگر بیند که بوزینه بر اسب او نشسته بود و دلیل که هر دو یا زن وی  
 فساد کند و اگر بیند که سکی بر اسب او نشسته بود و دلیل کند که مغی یا زن وی فساد کند و ستر این سیرین گوید که چون ستر  
 خواب بیند اگر مطیع نبود مردی بد بخوی و چون مطیع بود نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که ستر از آن  
 کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر ستر خویش نشسته بود و چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند که بر ستر زین با پالان یا  
 عمارتی نهاده بود و دلیل کند که زن او نازا زاینده بود و خاصه که داند ستر ملک و بود و یا کسی بر او بنشیند و بود که مانی گوید که اگر بیند که بر  
 ستر نهاده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود و دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر ستر را بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال  
 و خوب روی بود و اگر ستر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پرستگار بود و اگر ستر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب  
 دوست بود و اگر ستر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بهارگون و زرد روی بود و اگر ستر را بر سینه و رام کرده بیند و دلیل  
 که ببرد مردی ضعیف جابر مغربی گوید که ستر نهاده در خواب مولاراده بود و اگر ستر بود و سفر بود و بعضی از استادان این  
 صناعت گفته اند که ستر نر مرد بود و ستر ماده زن و اگر بیند که کسی ستر ماده بخرد و دلیل که آن کسی که بیند که ستر نر  
 بفروخت دلیل که بیند که بفروشد یا از گنیک جدا کرد و اگر بیند که ستر ماده نشسته بود و دلیل که زنی کند که هرگز ویرا فرزند نیاید و اگر بیند که بر ستر  
 مود و دلیل که عمر وی دراز بود و مژگان حاصل کرد و اگر بیند که ستر از پس می سپید و دلیل که ویرا عجمی سید سحیل اشعث گوید که اگر بیند که ستر نر  
 و دلیل کند بزیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که ستر وی سخن گفت و دلیل کند که کار عجب و پراشید که هر مان را از آن گفت و اگر بیند که ستر  
 و دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که ستر وی بر رویاضایع شد و دلیل که از آن زن که ستر کرد که اگر ستر بود و دلیل که بر وجهت مردی  
 جدا کرد و بداند که گوشت و پوست ستر مال بود و بعضی از متجربان گفته اند که گوشت  
 که ببرد و شواری و ترس و بیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که

که ماده ستر را بکشد  
 جدا شود و یا کسی که بر

بسیار

مستحق

طرب

محتاج

نیست

دویم زندگانی دراز سیم ظریف دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد محقق بود و استراوده زود فوت و بزرگی یابد و اگر میند که بر آب  
و یافتن مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مانی بود که مردم بدان معنیست که یابد و بر اسب سهندین  
و بران استخوان گوشت بود و دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر میند که بی گوشت بود و دلیل کند که اگر میند که از اسب فرو آید  
که او کسی استخوان و او دلیل که از او بداند که کسی خبر رسد که مانی گوید اگر میند که استخوان کسی را شکسته بودی که اسب یا حی یا تاخت تا  
گو مانا یابد و کردار نیک کند و بعضی از مفسران گفته اند که کار مینویالی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام که اسب یا حی یا تاخت تا  
بخت و وجه بود و اول مال و مال دویم خنیاں سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم  
بدانکه استغفار کردن استغفار الله بود و بعضی از مفسران گفته اند که کار مینویالی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام که اسب یا حی یا تاخت تا  
که ایند تعالی بر او مال و فرزندان را زی دارد و چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی و استغفر فانکم انما کان عقاب الذین  
الستاء علیکم فمذ ذل و امجد ذلکم یا موال و بین حضرت صادق علیه السلام و ابی که استغفار کردن در خواب چهار وجه بود و اول  
مال دویم فرزندان سیم از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان اسطراب کرمانی گوید اسطراب در خواب تباه و تباه اسطراب  
بود و مهتر بزرگ اگر میند که اسطراب و شست یا از کسی خبر بد یا کسی بد و او دلیل که از صاحب سلطان کرد و دو مهتر فدی کرد و اگر میند  
که اسطراب و ضایع کردید یا شکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جای مغربی گوید اگر میند که در اسطراب باقی نماند  
میکرد و دلیل که بشن سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کرد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از مفسران گفته اند که اسطراب  
در خواب مردی بود که ویران شای نباشد و بر کار پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین گوید ویدن اسفاناج در خواب تباه و تباه  
بود و خوردن وی دلیل بر ضررت و نقصان مال بود اما اگر میند که گوشت بچنه بود و دروغن و از او همی خورد و دلیل بر خیر و منفعت  
کند بر قدر آنچه خورده بود است ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول میند که بشتاب همی رفت و دلیل کند که سفر  
و اگر میند که بر شتری جولان همی کرد و دلیل که نمکین و متغیر کرد و اگر میند که بر شتری نشسته بود و راه مکرده میراند و نشسته  
که راه راست گجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر میند که ماهه شتری یافت دلیل کند که  
خواهد و اگر شتر باجی بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر میند که شتر از پس او همی دید و دلیل که نمکین کرد و اگر میند که شتر از وی رو برد  
و طبع او نشد دلیل که اندو کین کرد و او نهال گوید اگر میند که بر شتر شتم آلود نشسته بود و دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر میند  
که با شتر جنک و نبرد میکند و دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مرا و با وی خصومت افتد و اگر میند که ریشتران را همی حرا  
و دانست که از ملک او بود و دلیل کند که ویرا ولایتی بود و مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر میند که شتر را همی پوشید و دلیل که  
از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که پوشیده بود و اگر میند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد و دلیل که آن مال که بدور سد حرام بود و اگر میند  
ویرا لکد و یا کسی بدو بخشد یا کسی او بخرد و دلیل که زن خواهد یا کین بجز و اگر میند که ماهه شتری که از او بود بکین یا و در و دلیل که از آن  
که اسب و میکیان اینان خصومت افتد و اگر میند که ماهه شتر او بر و دلیل که زنش میرد و اگر میند که شتر او بر و دلیل که زنش بجز او و در و دلیل که زنش بجز او

باز

دود و اگر بنید که بر آب یا از که میسیدی که دار و برسد اگر بنید که گوشت شتر میخورد دلیل که میار کرد و کرانی که یاد اگر بنید که کسی گوشت شتر بسیار داد  
 بد که اسب در خواب برآی که گوشت شتر و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و میپزد  
 که اسب پیش مطیع و فرمان قبول در پس آدمی آمد دلیل که سر کشته و تفکر کرد و اگر بنید که شتر را قهر و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون  
 بود و از پادشاه و اگر خون یا چینه که رفته شتران و زندگی یا در وی جمع میکرد و بنده دلیل که در آنجا دشمن جمع شود و پاسبان در آنجا خرابی کند یا بیماری در  
 بنید که پس مجهول از غفلتی کرد و اگر بنید که شتران را بکند و وجود داشتند دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر گوید اگر بنید که  
 تحت مرده بود و چند بالا نشسته بود دلیل که اند و بکین کرد و اگر بنید که اندام شتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یا بد بقدر  
 غمی در آنجا بین آن اگر بنید که منار شتری میکشید دلیل که با مردی فرمان بردار و را خصوصیت افتد اگر بنید که در میانان شتر بسیار یا در پیش  
 از بزرگی و فرمان روائی یا بد بر جماعت بیان کرد و اگر بنید که دو شتر سیاحت دلیل که مال یا بد و اگر بنید که کسی وی ر شتری را  
 دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یا بد از کسی اگر بنید که قومی شتری بکشند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل که در آن موضع مردی  
 بزرگ بمیرد و مال ویرا قسمت کنند میراث اسمعیل اشعث گوید اگر بنید که شتران بسیار داشت و داشت که آن جمله ملک و  
 و از شتران اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه کرد و اگر شتران غمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه کرد و اگر زنی بنید که شتر را  
 بجز و دلیل که از پادشاه مال و نعمت یا بد و بدانکه پوست شتر نه زمین دلیل و او بعضی از متعبران گفته اند که میراث یا بد اگر بنید که شتر  
 با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسیده حضرت صبا و ق و عا و فایده دیدن شتر در خواب برده و جبه بود او قل پادشاه غمی و چشم مردی به  
 ستم مرد و من چنان سیل تخم فتنه ششم آبادانی بستم زن بستم حج تخم نعمت و هم مال و شتر عربی دلیل بر مرد و عجبند  
 و شتر غمی دلیل بر مرد و عجبی و بدانکه شتر بانی تاویل خداوند تبارک و تعالی بود و راست کننده کار با بود و همچنین است شتر مرغ  
 ابن سیرین گوید که شتر مرغ و خواب مرد بیابانی بود اگر شتر مرغ ماه بود زن بیابانی بود اگر بنید که شتر مرغ ماه گرفت یا کسی بدو  
 داد و دلیل که زنی بدین صفت که گفتی بخوابد یا کینک بخورد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود و دلیل که سفر بسیار آن رود و بعضی از متعبران  
 گفته اند که بر مردی بیابان نشین خالک کرد و دو بجاری بزرگ رسد کرانی گوید اگر بنید که شتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی  
 دست یا بد و او را قهر کند و اگر بنید که خانه شتر مرغ یا پریا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که  
 شتر مرغ داشت دلیل که فرزند مرد بیابانی او را حاصل کرد و جابر مرغی گوید اگر بنید که با شتر مرغ نشست و آن شتر مرغ او را مطیع بود  
 و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بر زمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر دور شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید  
 بد بود شتر غازی ابن سیرین گوید که دیدن شتر غازی بخیل غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غازی گرفت یا کسی بدو داد و از او چیزی  
 دلیل که بد و بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بنید که وی از آنجایی و او را بفروخت دلیل که غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غازی داشت  
 و بخورد و شتر غمی داد و دلیل که آنکس از بهر آن شتر اند و بکین کرد و انباشت کرانی گوید اگر بنید که اشک سر و چشم او بهی بارید و دلیل که  
 که شادی و خرمی یا بد اگر بنید که اشک بارید دلیل که غمگین و دردمند کرد و اگر بنید که بی کریش اشک بر وی او بود و دلیل که بر

باز

باز

باز

بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک که رو خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حال بی رنج بدورسد و اگر بیند که  
 بروی او فرو و آمد دلیل که مال خویش را بهرینه کند حضرت صادق ع فرماید که در خواب دیدن اشک که از چشم آید برسته و جبهه بود اول نشانه  
 و خرمی و دیم غم و اندوه سیم نعمت بود ایشان این سیرین گوید دیدن ایشان بخواب لیل برغم و اندوه کند و خوردن او دلیل بر  
 بیماری اصلح بدانکه اصلح بقای سیم و غم سر بود این سیرین گوید اگر کسی صلح سر خواب بیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی اندک  
 حاصل کرد و اگر بیند که او اصلح شد دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر از زنی بیند که اصلح شد دلیل که در نهایت کارایش او نقصان  
 پذیرد و گمانی گوید که اصلح دیدن بخواب باز رگان را فایده بود و پیشه کار را کسب و صناعت و پادشاه را تفکر و زمان را نقصان  
 بود و فروشته این سیرین گوید که فروشته آن بهر بود که در وی غفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب و لطیف و خوش بود  
 و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد اگر بیند که اندک فروشته کسی با و او بود و دلیل که اگر آنکس سخن لطیف  
 شنود چنانکه موافق طبع بود اگر بیند که فروشته بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد و حضرت صادق ع فرماید  
 که خوردن او فروشته بخواب برسته و جبهه بود اول سخن لطیف و دیم مال سیم مراد یافتی که در دل بود و افسرد و گمانی گوید که خوردن او  
 در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که چیزی افسرد و جبهه خورد دلیل که بقدر آن ویراعم و اندوه رسد اگر بیند که افسرد و کسی بد و او را  
 وی بخورد و دلیل که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد و اندوهی بوی نرسد جابر سغری گوید که خوردن او  
 در خواب لیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الجملی هر چه خوردن افسرد نباشد افسون این سیرین گوید که افسون  
 در خواب فریفتن مردم بود و اگر آن افسون که بنا همای خدای عزوجل و بایات قرآن بود و چون افسون کرد در خواب بیند که از آن  
 با کسی دیگر ریشخند و راحت پیدا مد دلیل که از غم و رنجت کام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند که گمانی گوید که  
 کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزوجل را گوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حق تعالی کند دلیل که اگر کسی  
 کند بحق و رستی و از آن و چای و صلاح و وجهانی رسد افسون این سیرین گوید که دیدن افسون بخواب لیل کند برغم و اندوه خوردن  
 وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند الله دیدن و انیال گوید که الله در خواب پادشاه قوی با مصیبت و شکر بود چنانکه همه کس از او  
 نرسد اگر بیند که الله را گرفت یا کسی بد و او و آن الله فرمان بر و طبع او بود و دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرر کرد و اگر بیند  
 که الله او را برگرفت و بر بهر او بر و دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن بزرگی و ناموری یا بد این سیرین گوید اگر کسی  
 که الله بگو چه فرو آمد و دلیل که پادشاه در آن کوچه فرو آید اگر بیند که مردم آنکو چه الله را بکشند آن از مملکت عزوجل کرد و یا  
 شود و اگر بیند که الله او را برگرفت و دلیل که پناه پادشاه شود و اگر بیند که الله از دهان چیزی بدر آورد و دلیل که الله  
 آنچه از پادشاه عطا یا بد و اگر بیند که الله از دست او میرد رستم یا چیزی دیگر و دست او بماند دلیل که پادشاه بر وی خشم  
 گیرد و او را از خود دور کرد و اندوهی از مال او بستاند که گمانی گوید اگر بیند که الله از دهان شکار می گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه  
 در تصرف او قرار آید اگر بیند که الله بر او متقار یا بچکال بزد و دلیل که او را از پادشاه رحمت و عطا رسد و مالش بستاند اگر بیند که

بسیار

شماره

محل

تاریخ

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل



بنا  
الوی  
بنا

جنگ و بردهی کرد و دلیل که او را پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که او را بگذرد یا پادشاه را بگذرد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و  
 یابد و اگر بیند که او بر سر روی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه کرد و حضرت صادق ع فرماید که او خواب و وجه  
 بود اول پادشاه ظالم و شکر و خوشنود و و حکم عالم بی دیانت و جلیبی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که او داشت دلیل که عمر او دراز بود  
 الوی سرخ این سیرین گوید اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و الوی زرد و دلیل بهاری کند  
 اگر بیند که الوی زرد و سیاه که بطعم شیرین بود و فراغت یا کسی بد و او را بگذرد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته بناید اگر بیند که الوی  
 زرد و خور و وقت آن بود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود این سیرین گوید اما هست کردن اگر بیند  
 که در پیش قوی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مهتر کرد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی  
 ابنوه در نماز بودند و وزیر گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با و که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد و دلیل کند که در آن  
 سیر و فرمان روا کرد و با ایشان عدل و رستی کند بقدر رستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان  
 کرد و دلیل کند که برایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود  
 دلیل که بهار کرد و اگر بر پهلوی نشسته بود و در نماز چیزی بخواند و دلیل کند که زود میرد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامیرا بجا بید  
 دلیل که شرف و منزلت یا بدر قدرت و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی بی او یا با امام در خانه رفت یا امام را چیزی  
 بخشد یا با امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بد و رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود و دلیل کند که با دولت  
 و ولایت با وی شرکت بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل شافعی گوید هر چه که در امام در خیشین زیادت باشد و ولایت  
 و برتری او زیاد و کرد و و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق ع فرماید که امامی اگر در خواب  
 بر شش وجه بود اول فرمان روائی و دوم پادشاهی بعد از انصاف ستم علم چهارم قصد کردن کار خیر پنجم منفعت ششم بهمن از ستم  
 و اگر بیند که امامی زمان کرد و دلیل کند بر کرد و ضعیفان دالی کرد و اگر بیند که امامی از آسمان فرو آمد و قوی را امامت کرد و دلیل کند  
 که رحمت بود بر اهل زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد و دلیل که از پادشاه فرمان روائی یا بد اهر و این سیرین گوید که خوردن امر و  
 بوقت خود چون سیر شیرین بود و دلیل کند که مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود و بیماری بود اگر بیند که امر و میخورد و وزر بود و دلیل کند که  
 کرد و که نه بشکام او بود و اگر امر و بگونه سبز بود و با سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش بود و اندوه بود و گرانی گوید  
 امر و سبز شیرین بوقت خود دید یافتن امر و بود و اگر بیند که امر و با همی خورد و دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن  
 امر و در خواب بر پنج وجه بود اول الحلال و دوم تو اگر سیم زن چهارم یافتن امر و پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امر و میخورد  
 دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد بقدر آن که خورده بود اما در اشیا گوید که اصل نارنجاب مال بود لیکن بقدر چه مردم صح  
 که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود و اگر بیند که نار از درخت بریده و بگذرد و دلیل کند که از نانی با جمال منفعت یابد این سیرین  
 گوید اگر نار شیرین نجاب بیند مال صبح کرده بود و بعضی از مجربان گفته اند که کثرت نار شیرین خوردن نجاب هزار درم بود که سیاه بود

میرد

میرد

ترش غم و اندوه و ناری که نماند ترش یا شیرین بود بغیر شرح بن اما شیرین بود جا بخوری گوید اگر کسی بیند که ناز شیرین بود خوشی  
خورد و دلیل کند که هزار درم بیاید یا اینکه کمترش بخواهد و شمار بود که بیاید و باشد که آنچه دیگر گفتیم درم بیاید پس معتبر باید که بقدر همت بزرگ  
مردم تاویل کند و اگر بیند که ناز بوستان همی خورد و دلیل که بعد و هر دانه و را چوبی بر نند در همه چیز ناز ترش خوردن و در وقت و بی وقت  
به بود و حکم ناز شیرین میان بود که زمانی گوید اگر کسی بیند که ناز شیرین بود خوش خورد و اگر باز کان بود قماش متلع او را و اگر بود  
و اگر مسافر بود و دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود و اگر بیند که وانهای ناز یافت یا کسی بدو داد دلیل که وقت آن ویرانی  
رسد اگر وقت بود و اگر بی وقت و اگر ناز شیرین با پوست و پیله آن خورد و دلیل که از همه چیز خورد واری یا بدو حضرت صادق علیه السلام فرمود که خوردن  
ناز شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کرده بود و دوم زن یا ساسیم شهر آبادان و لیکن نازش غم بود و سوم عیال شغل که به  
اگر با و شاه و بیند که ناری داشت و ولایت یا شهر یا بدو رئیس را وی بود و با ناز کا نازده هزار درم و یا زار یا هزار درم و مردم در شهر  
و ده درم یا یک درم بود اینچنین این شیرین گوید که خوردن اینچنین خواب اگر و نقش بود و اگر بی وقت بدو و اگر بیند که اینچنین خورد و یا جمع  
سبک و یا کسی بدو بخشد و دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از آن پیشانی خورد که زمانی گوید که اینچنین خورد و خواب دید  
و خوردن و دلیل بیاری کند و اینچنین سیاه و دلیل بر غم و اندوه و اینچنین خوردن و بی وقت چون بطعم شیرین بود و بیانی نداد و اینچنین این شیرین  
گوید اگر بیند که اینچنین خورد و دلیل بود که از حق باطل فریفته کرد و خود را می شود و این شیرین گوید اگر بیند از کتاب بخشد و دلیل که ناز  
کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بدو رسد و اگر از برین ناز و دلیل که از حق باطل کرد و دو دستار نرسایان شود و انداختن مردم این  
گوید اگر کسی بیند که کسی را بیداخت دلیل که بر خصم خیره کرد و اگر بیند که کسی او را بیداخت دلیل که خصم بر وی خیره کرد و اگر بیند که کسی  
سنگ نداشت و دلیل کند که سختی سخت کسی گوید و بعضی از متعبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بجنای متهم گردانند و اگر کسی بیند که سنگ  
نداشت هم سخن درست بود که کسی گوید و معتبران گویند اگر کسی بیند که سنگ یا با دام یا قند بیداخت اگر آنکس سر و ف بود و دلیل که ناز و بد  
عطا یا بد و اگر مجهول بود بدان مقدار که کسی نداشت صحت و عطا یا بد و اگر کسی بیند ازین خورد و نهی که گفتیم سوی چهار پانان آنرا و دلیل  
که مال خویش بر جانان بر نهد کند اندامها این شیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد و دلیل کند که خویشان و اهل بیت او  
زیاده کردند و او در موضع خویش معقم بود و اگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او برفت و دلیل کند که سفر رود و خویشان او بر کشته  
گردند و اگر بیند که اندام خویش بریده و بر آید و دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهر یا بر آید و دلیل کند که کسی بیند  
که پاره گوشت از اندامش برید و دلیل کند که آنکس را خبر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل که کسی از مال او چیزی  
بستد و زبرد و اگر بیند که گوشت از اندام خویش برید و در پیش مرغی می کند و دلیل که مال خود چیزی که کسی بخشد جا بخوری گوید اگر بیند که از مال  
از تن وی با و سخن گفت و دلیل بود که میان خلق رسو کرد و قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ اگر بیند که اندامی از  
خویش بر آید و دلیل که کاری کند که بران اعتماد و او را اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل که کسی از خویشان او برفت  
و اگر بیند که اندامهایش از ده بود و دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت برید و دلیل که مال او چیزی بر نهد و اگر

باب

خوب

خوب

خوب

خوب

بجواب

جواب

چنان

پس که گوشت از اندام خویش می برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که انزال خویش چیزی می کشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندامهای او  
 شاه گشت دلیل کند که بر رست نبوده ام خصل گوید که بر رسول خدا عرض کردم با رسول الله خوابی میگردیده ام فرمود چه دیدی عرض  
 کردم بجواب دیدم که باز و از اندام تو بریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که خاتم را پس بگرد که در کنار تو بگشت و بعد از آن از خانه  
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پروردند انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب شب نیت بود از لهام و نی بود از کوارا  
 زیرا که در وی شغای در دما است و شش در روزی سید بود چنانکه حقیقتی در کلام مجید خویش فرموده است *لله تعالی فی شفا*  
*للقائم من خضر ص* و قی فرماید که خوردن انگبین در خواب برشته وجه بود اول روزی حلال در ویم مغفقت سیم کام دل یا فتنه انگبین  
 روزی بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی *وَأَتَوَكَّلْنَا عَلَىكَمُ اللَّهُمَّ وَاللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغِيثُكَ* انگشتان این سیرن که میخ گشت دست راست  
 در تایل پنج ناز بود پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از سیران گفته اند که انگشت حسین دلیل نماز با دو انگشت سحر و نماز  
 و دلیل بر نماز میشین کند و انگشت میان و دلیل بر نماز و بگرد انگشت بصر و دلیل بر نماز شام و انگشت خضر و دلیل بر نماز خفتن و صلاح نماز  
 بود و اگر بید کند انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش میبرد و بعضی گویند فرزند برادرش بر مصیبت رسد کرمانی گوید  
 اگر بید کند انگشتان را در هم کند نشسته و انگشت دلیل که سگ دست کرد و اگر بید کند انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزند  
 را اصلاح آورد و اگر بید کند انگشتان را بگرد انگشت در هم بسته بود دلیل کند که کار با بر روی بسته کرد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی  
 که اگر بید کند انگشت حسین او بریده است دلیل که قوه فالتش بود و اگر بید کند انگشت سجده بریده است دلیل که در فریضه نماز تقصیر کند  
 و اگر بید کند انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر و می پادشاهی یا بزرگی میبرد و اگر بید کند انگشت بعد از میان او بریده است  
 دلیل کند که ویران مال زیان افتد و اگر بید کند انگشت که یک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او میبرد و اسمعیل اشعری که انگشتان  
 پای در خواب دیدن دلیل بر زینت آرایش و اگر انگشتان پای درشت قوی بنید دلیل کند که کار که خدائی و ساخته کرد و اگر انگشتان این میکار می ناسخ کرد  
 انگشت که انگشت پای او را فتنه رسید چنانکه رفتن توانست دلیل کند که ویرا غنی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست پای  
 کسر بید دلیل کند که کار و می بازگردد شود حضرت صادق فرماید که دیدن انگشتان در خواب برشش وجه بود اول فرزند و دوم برادر از او  
 ستم خادمان چهارم یاران پنجم قوه ششم پنج نماز و اگر بید کند انگشتان وی بیفتد و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم و را  
 مفارقت افتد و اگر بید کند انگشت او شکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او میرد و خلفه صفهائی گوید اگر بید کند انگشت حسین  
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا به او خون می آمد و دلیل که انگس با مادر زن خویش ضا کند و اگر بید کند انگشت او و از برادر و دلیل کند  
 که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتی و انبال گوید که چون بنید نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بدو خیر و شکی  
 و اگر بید کند انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر خشی بسیار یعنی اگر لایق پادشاهی باشد  
 پادشاهی بسیار و اگر توانگر بود مال باید بقدر بقیمت انگشت اگر بید کند در سجده یا در نماز یا در غزائی انگشتی بوی داد اگر انگس  
 زاهد و عابد بود و اگر بازگان بود نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بید کند انگشتی سلطان بوی داد

چنان

باید

دلیل کند که از ملک سلطان بوسی دهد یا دلیل که از ملک سلطان بدی بدورد یا بخویشان وی این سیرین گوید اگر کسی  
که انگشتری او ضایع شد یا دزد برد و دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پیدا کند و اگر بینه که انگشتری او شکست و نگین  
بماند دلیل که بزرگی او و جاه او بشود و آبرو و بختش بر جای بود و اگر بینه که انگشتر نگین او شکست دلیل کند که آبرو و بختش  
بشود و جاه او بر جا ماند و اگر بینه که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد و از مال و ملک برخی از آن به بخشید و اگر بینه که  
انگشتری خویش را بفروخت و بهیاست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفروشد و بهیست کند و اگر بهیست آنچه دارد برخی از آن  
بفروشد که مانی گوید اگر بینه که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مانی که دارد چیزی بشود و پادشاه  
بر وی خشم گیرد و اگر بینه که انگشتری او از نیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتری از دزد بینه دلیل که آنچه  
دارد از مال مکرده و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آتش بینه آنچه دارد و اندک خیر بود و اگر بینه که انگشتر از بختش یا از  
سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آتش گفتیم اگر بینه که انگشتر او از یور بود بر بود و حقیر تر از آن جمله بود که گفتیم جای مرغی بود  
اگر بینه که در شکست وی انگشتری آتش بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بینه که از برنج یا از مس بود دلیل کند که از  
مردمان بی حاصل منفعت یابد و اگر بینه که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدورد و اگر بینه که از نیم است از جان  
و اگر بینه که انگشتری خویش نزد کسی با بمانت نهاد یا وی را بخشید و آنکس هم انگشتر بدورد و دلیل کند  
چیزی بدورد و دلیل بود که در سر او بدورد و بینه که انگشتری او شکست و از آنکه در میان او بدورد  
که زنی بیکجا و بخوابد و اجابتش کند و اگر بینه که انگشتری او شکست و از آنکه در میان او بدورد  
چنانی افتد و اگر بینه که انگشتری او دو دین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو دین موافق یکدیگر اند و دلیل که خداوند  
غلام تر بود و اگر بینه که از آن دو دین یکی بیفتد و دلیل کند که از دو کناه یکی را توبه کند و اگر بینه که نامه نوشته بود و پاره  
خویش مکرر و دلیل کند که چیزی پنهان بدورد و اگر بینه که نامه کشاده را مکرر و دلیل کند که چیزی آشکار بدورد و حضرت  
صالح علیه السلام که انگشتری سپین و خواب بر چهار وجه بود اول ملک و دویم زن ستم فرزند چهارم مال و انگشتری ازین  
نیست بود و اگر زنی بینه که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حنثت و جاده او بشود و فرزندش میرد یا بالمشغله کرد و اگر  
ببر و حوله کرد و اگر زن بر بید شوهرش میرد یا فرزندش انگور و انیال عا گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بخت  
ترس و بیم بود و چنین گفته اند بعد و هر آنکه انگور که خورده بود زخم چوب یا ناز یا نه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود غم  
و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امید دارد و بهیست وقت دلیل کند که از آن خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر حرف مال  
و اگر انگور سرخ بینه سپین دلیل کند که بزرگوار می که پوست او سخت بود و دلیل که مالی به شکاری بدست آید و هر انگوری که بدست  
خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی به شکاری بدست آید و هر انگوری که بدست  
روشن بود و دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب و تیره بود و دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بیدار سرخ نماید دلیل بر مال  
کند و هر انگوری که بیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود و دلیل بر مال حلال نماید و هر

سید

کرد و جابر گوید اگر کسی بیند که انکور بر سر صحرایین می نشیند و دلیل که خدمت پادشاه می کند و اگر بیند که آن محضر از پشت و جل بود و دلیل که خدمت پادشاه با ویانت کند و اگر محضر از پشت بخت یا از یک و سنگ است و دلیل که خدمت پادشاه با سبابت و با سبابت کند و اگر بیند که انکور در پشت می نشیند و دلیل که خدمت ذی بزرگ کند و اگر بیند که انکور در کاشه می نشیند و دلیل که خدمت شخصی خدیش کند و اگر بیند که انکور بر سر صحرایین آن در صحرای جمیع کرد و دلیل که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور بر سر صحرایین با اهل عیال می نشیند و دلیل که او را عیال دارد و خدمت پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که خواب بر سر خدمت پادشاه نباشد و دلیل که کاری از بسبب می حاصل کند و در خدمت باوق فرماید که انکور سبابت بوقت خود و بوقت بر سر بود و اول فرزند نیک و دوم علم فراوان و سوم مال حلال و مشغول انکور در خواب است که بخت کند که بخت کند و دوم فراخی نعمت و سوم انظار امان یافتن قوله لکام فی غیر نیکات الناس و فی غیر نیکات و انما ان ابن سیرین گوید اگر کسی خواب بیند که بروی در افتاد و دلیل توش او بود و خاصه در جنگ و خصوصت و اگر بیند که از جای بازی بر افتاد و چنانکه از کوهی یا از بای می باز آید و دلیل که از روی در می بود و تمام بر سر نشود و مرادش حاصل کرد و در کانی گوید اگر کسی بیند که از جای بازی بر افتاد و دلیل که او در دنیا پدید و نماند و اگر بیند که از کوه بر افتاد و دلیل که حالش بد کرد و در بقدر افتاد و بخت در پنج رسد و اگر بیند که رخی سخت بوی رسد و خون از آن صندران شد و دلیل که بقدر زخم و در زانی رسد و اگر بیند که پایش بفریاد و بیفتاد و دلیل که رنجی و المی بد و رسد و اگر بیند که بیفتاد و در سنجی روز رسد و دلیل که سهل آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کژدم و کزندگان بیفتاد و دلیل که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ غم و اندوه رسد و اگر بیند که با م خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل که مال بسیار بد و رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب ختم و شادان کرد و کارش کشاوه شود و الله اعلم بالصواب **حرف الباء** کتاب کامل التبعیر ۳ باوام ابن سیرین گوید که باوام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصومت بدست آید اگر بیند که باوام فریاد گرفت و دلیل بود که بقدر آن ویران نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معتران گویند که تاویل باوام در خواب علم بود و شفا از رنج چون مغز او بیند بهتر بود و زمانی گوید اگر بیند که باوام با پوست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مرید و بخیل چیزی یا بدبختی اگر بیند که از مغز باوام تلخ روغن بر چون آورد و دلیل که از مرید و بخیل ویران بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن باوام در خواب و در خواب و نعمت بود اما اگر باوام با پوست بیند و دلیل که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون باوام با پوست بیند و دلیل که مال باسانی بدست آورد و حضرت باوق فرماید که دیدن باوام در خواب برود و وجه بود و اول مال نهانی حاصل کرد و دوم از بیماری شفا یابد بداند که ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بیند خواب را دلیل بر پادشاهی بود و اول آنکه بیند که پیشتر او را امام کرد و دوم آنکه علم شریعت و رز و ستم آنکه گوشه پیش او بود و بیند یعنی منتظر اقامت و نماز بود و چهارم آنکه بر سر بر او خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد و هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماه تاب کرد و دید بر ششم آنکه بیند که تن او روخته شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جلوس شده است یا زده هم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد و از دهم آنکه بیند که چشم او مانند گوی شده است این دوازده چیز

سید

سید

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی و انیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد و دلیل که بر مردمان  
خویش رئیس وانی کرد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود یا کیزه و دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و روزی عمر او و اگر بیند که بر  
پادشاه کلاه برکن و دریده بود و دلیل کند بر بدی حالی پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر حق  
بود و دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را باو گرفت و بفرمان او شد و دلیل که مملکت جهان بجز و بران  
قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه کردید و دلیل که بیند خواب تو انگر کرد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سبزی او در آنجا کند و در آن  
او بزاری و انکار بود و دلیل کند که اهل موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنْ الْمُلُوكَ اِذَا خُلُوْا قَرْعَةً  
اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا اَعْرَافَهُمْ اَهْلًا اِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ اَوْلَادٌ و اگر بیند که در آمدن او انجا چیزی منکر بود و دلیل بود که هیچ حضرت و زیان هسل  
آن موضع نرسد که گویا گوید اگر بیند که پادشاهی بر دو و و فتنش بگرد و بروی نگرستند و کفن نشا خفتند و جزا زده او بر نهشتند و دلیل  
که بعضی از سبزی او خراب کرد و و باشد که متفکر دل و بر بخور کرد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سبزی او بود یا سبزی او کعبه بود و دلیل  
بود که هرگز مملکت او از او نماند و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که کسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و کرد و دلیل این بود از غم و اندوه  
و غلوه و مراد چنانکه محتالی فرموده سلام علیکم طیبتم فانه خلوهها خالک الدین و اگر پادشاه بیند که رس و دست و دست  
یا دست در رس زده بود و دلیل بود که برادر راست و در بر جاده عدل و انصاف قامت نماید قوله تعالی وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ  
جَمِيعًا حَابِرُ غُرَبَى گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی و دلیل بود که از پادشاه بهره و ضعیب یا بد و اگر پادشاه را در لباسی بنویس  
بیند و سبزی را بد و کوچک که منسوب با و بود و دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه و وی و خدم و خشم و مال و خربانی  
او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تا ویش بخلاف این بود که گویا گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود و دلیل که پادشاهی بروی  
و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد و دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید چهره صاف و قویاید اگر کسی پادشاه را  
روی و خرم بیند دلیل بود که کار او کشاده کرد و اگر کسی وزیر یا پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب یا و دلیل  
که از خلع او فرودماند و با حققت برادر رسد و اگر وزیر یا پادشاه را بیند دلیل که او را کسی طاعت رسد و اگر از زمان پادشاه را بیند دلیل که شغل او بصلح و صلح  
و ندانان پادشاه را بیند دلیل که کار او کشاده کرد و اگر وزیر یا پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را طاعت کند و چیزی که از دست او رفته بود  
به دست او باز آید و اگر چاکران و کنینش و دلیل کند که کسی او را طاعت کند که از شغل و دن عاجز گردد و اگر سر و ده باز پادشاه را بیند و دلیل بود  
که کار بسته او کشاده کرد و اگر صفت زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده و پدید روع و اگر زن دانیان پادشاه را بیند و دلیل بود که  
غلبه و مستمند کرد و اگر حلقه پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود و حاصل کرد و اگر بر پادشاه را بیند و دلیل کند که آنچه سبوح یا به  
و اگر سلاح پادشاه را بیند و دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بیند و دلیل کند که سختی و روع و بیجا صل شد و اگر از  
و اگر پادشاه را بیند که او را غم و اندوه رسد و اگر جامه دار یا پادشاه را بیند و دلیل که کار او بنویس و اگر و او را پادشاه را بیند و دلیل  
که او را از زمان چیزی حاصل کرد و اگر خاندان را پادشاه را بیند و دلیل که خرم کرد و مال حاصل کند و هم حیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه





خداوند  
بدرخشان  
سیرت  
باران

اگر بید زنی که باور سیه یافت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او را خداوند بایکسیر کی حاصل کرد و اگر بید زنی که باور سیه از دوت او بقیه دلیل  
که مهر او را نشوهر بریده کرد و باو بخوان این سیرت که بدید که باو بخوان خورون در خواب اگر بوقت بود و اگر بوقت بود و اگر خام بود  
بر غم و اندوه بود و بعد از آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک و یکسان بود که مانی که بدید که باو بخوان بسیار دشت لیکن جمله را به بخشید  
یا بفر دشت یا از منزل خود بیرون از دشت و از آن بخور و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و بار کشیدن این سیرت که بدید که بر  
دشت با یک دشت و دلیل که بعد از جنس آن باور و بر منفعت رسد و اگر بید که بر پشت بار کران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار  
کند و که تعالی لیکن او از آن هم گامه یوم القیمه و من آفنا الذین کرمانی که بدید که باور بسیار دشت و دشت که از  
کات داشت دلیل بعد از جنس باور و بر منفعت رسد یا منفعت و بدی و اگر بید که آن بار کات آن نبود و خیر و شر آن بخور و از خواب  
بار کرد و باران و انیال که بدید که باران در خواب رحمت و برکت بود و از خدا بقیه کی بریندگان چون باران عام بود و بهیچ جا برسد و از  
وهو الذی یُنزل الغیث من بعد ما قَطَطُوا و یُنشِئُ سَحَابًا و یدین باران بوقت بیش نیکوتر بود و بوقت کم کرد  
باران خواهد بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بباران که چنان باران سخت بسیار بد و جز آنجا جایی دیگر نبارد بهیچین دلیل که  
بر سر و بیماری برای آن موضع و سخی که با ایشان رسد و اگر بید که باران آید می بارید و دلیل که بر خیر و منفعت است آن موضع و اگر بید که آنجا  
سال یا اول ماه باران بارید و دلیل که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده و اگر بید که باران تیره و سخت بود که بسیار دلیل که  
بر بیماری که در آن سال که در او این سیرت که بدید که باران سخت نه بوقت خوش بسیار بد و دلیل بود که در آن و یا از لشکر رنج و بار رسد  
و اگر بید که آب باران مسیح میگرد و دلیل که در آن سیرت و بیم این کرد و اگر بید که باران بر سر و بیماری بسیار بد و دلیل بود که بسفر رود و با سواد  
و منفعت باز بد و اگر بید که باران بر سر مردمان چون طوفان بسیار بد و دلیل بود که در آن و یا در مرگ و غفاجات لغو و باقیه بدید که اگر  
بید که از هر نظر باران آید و از بی آمد و دلیل که آنجا که او را بختگاه او زیاده کرد و اگر بید که آب باران مسیح می گرد و دلیل بود که از سیرت و بیم  
ایمن کرد و اگر بید که باران عظیم می بارید چنانکه چهره ازان روان بود و زبانی بد و نرسید دلیل که باو شاه تصعب کند و شر و  
از خود باز دارد و اگر بید که ازان چهره نداشت که دشت دلیل که شر باو شاه از خود دفع سازد و اگر بید که آب از هوا می آید کرد و  
باران و دلیل که عذاب تعالی و بیماری در آن موضع بدید که مانی که بدید که بجا می باران انکبین می بارید و دلیل که نعمت و  
در آن و یا بسیار باشد و هر چه که بید که از آسمان می بارد تا ویش از جنس آنچه بود و اگر بید که آب باران می خورد و آب آن صافی بود  
بود و دلیل که بعد از آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بید که آب باران تیره و ناخوش بود و دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری که شد حضرت صاوت  
فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود و اول رحمت و تقیم برکت ستم فریاد خواستن چنانکه رنج و بیماری ستم باشد ستم کارزار ستم  
خون رنجتن ستم خسته ستم خط و ستم امان یا ختن یا دهم کفر و آزار و ستم دروغ بارانی این سیرت که بدید که اگر کسی بید که برتن او بارانی بود  
و او در دشت یا پادشاه بود و دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او و پیش مردمان فاش کرد و اگر بارانی او از جهت جامه برود و دلیل  
است که او را خالص وین و دنیا حاصل کرد که مانی که بدید که بارانی او از پیشم بود یا از گشتان یا از پنبه و بگونه سیرت بود و دلیل بقیه کی

بازو

بازو

بازو

بازو

بود اما بارانی زرد و دلیل برینج و بیاری بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و مصیبت بود و اگر بارانی راسفید بینه دلیل بود بر خیر و منفعت  
 که از جانی بد و رسد باروی این سیرین گوید که روی شهر و قلعه و ده و دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باروی شهر و دلیل بر پادشاه  
 بود باروی ده و دلیل بر خداوند و کند اگر بینه که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بینه که باروی شهر  
 بیضا و خراب شد اگر بینه بیضا و دلیل بر پادشاه کند و اگر بر جی از آن بیضا و دلیل بر پادشاه والی بود و اگر بینه که بارو را نو کردند  
 و دلیل بود که پادشاه نو را شتر مقیم کرد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بینه دلیل کنند که والی نو را آنجا مقیم کرد و اگر بانی گوید که بارو  
 شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود تا پیش عیش اینی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر گاه و بد و زیاده و نقصان که در بار  
 بینه دلیل برینج گویند و گویند که این سیرین گوید اگر بینه که بادی بگرفت یا کسی بوسی داد و آتش را مطیع او بود یعنی بدست و شست  
 و دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بینه بادی سفید بدست او نشست دلیل که این پادشاه قدر و منزلت یابد  
 و اگر بینه که بار از دست او بیفتاد و هر دو دلیل بود که از منزلت بد و روشی و بیچارگی افتد که بانی گوید اگر بینه که بادی سفید بیافتد از  
 مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بینه که بادی کسی بوسی شد  
 و دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بینه که بادی بر ارم او نشست دلیل که او را با پادشاه نوصبت افتد و از او محبت  
 یابد و اگر بینه که باز بگریخت و در خانه شد یا در زیر و من زنی پنهان کرد و دلیل که آن زن را پسری خوب روی بد یابد و اگر بینه که بادی  
 پای انباز از کله زین پسین بود دلیل که آن زن را دختری آید جای مرغی گوید اگر کسی بینه که بادی بیافتد او را بگشت دلیل که اگر  
 اینک از مردم پادشاه بود معزول کرد و از عمل و اگر مردم پادشاه نبود و از رنجی و غمی رسد از جهه اهل بیت و اگر بینه که بار از دست  
 او برید و باز نیاید و اگر آنجا پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز نیاید بد و بدست او نشست و او پیش  
 آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون بینه که باز مطیع او بود تا ویش برینج وجه بود احوال او و بگویم شادی  
 ستم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت بار از دو هزار درم خاصه چون باز غنیمت و مطیع او بود  
 و چون باز مطیع نباشد تا ویش بر چهار وجه بود احوال پادشاه شکر و توکم حاکمی که میل کند ستم ختمه خاین چهارم فرزند که فرمان بد و مادر  
 بنرو باز بوی این سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست سخت یا انباز اگر بینه که بازوی قوی بود دلیل بود که باز  
 از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بینه دلیل که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بینه که بازوی او افتاد یا اگر کسی  
 بازوی او را برید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن بازو  
 در خواب برنش وجه بود احوال برادر تویم فرزند ستم انباز چهارم و دوست پنجم سیرین ششم همسایه باز و سبک زمانی که بد و شتر  
 زین اگر بینه که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراست رسد و اگر بازو بند سپین و در خبران گویند اگر بینه  
 خود را یا دختر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بینه دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بینه که بوقت خویش دیده بود  
 داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بینه که بازو بند شکست یا ضایع شد یا ویش بجا بود یا نماند یا نماند و بالا و غیر این

فایده

حیث

شیت

کلیه شایسته

کنند که آنچه در بسیار بدو حاصلش بود و اگر دو بعضی از معتبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالایی رفت دلیل که آنچه میجوید بر سرخ و دشواری باشد  
و اگر بیند که بر زبان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یا بد خاصه که نزد بان و از نعل بود و اگر بیند که نزد بان از کج و سنگینی  
دلیل بود که درین و غل باشد که مانی گوید که از نزد بان بر بالا رفتن از کج و سنگین دلیل که شرف و بزرگی یا بد و اینچنان و اگر بیند که از  
خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یا بد و اینچنان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل از نزدیک باشد  
و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بهای کرد و دو سه انجام شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن بر سرخ  
وجه بود و اول روانی حاجت و قیام زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن حقیق کمالان ابن سیرین گوید که پادشاه  
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهای بخرد دلیل که زن خواهد یا کینیک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت  
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بر وی ستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا  
گردد یا ملاقاتش دهد یا بر سرخی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه داشت دلیل بود که زن مستور سازگار بخواد و او خیر و منفعت یا بد و اگر بیند  
که پالان در پشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد سینه روی و ناسازگار و از وی حضرت بیند بالمش سیرین گوید که بالمش  
در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالمش نو فر گرفت و آن بالمش سبز بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکار  
مصلح یا رساید کرد و اگر بیند که بالمش او کمن و چرکن و زرد و سیاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بالمش او بدرید  
یا بسخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا  
گردد و مانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالمش بدوید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفریبد یا از بی کینیک و می و معتبران  
گویند که دیدن بالمش در خانه دلیل بود که کسی از آنجانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالمش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالمشها او بد  
خادمان و کینیکان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در آقا و بالمش او بسخت دلیل بود که خادمان و کینیکان او بر وی یا بگریزد یا بدو ضایع گردد  
بالمش در خواب بر سرخ و اول خادم و دوم کینیک سیم ریاست چهارم دین نیکوچرخ بر سر کار و عدل با هم و اگر بیند که بام خانه مهمل بود دلیل بود که  
خواه بر قدر بندی بام یا قدر و وقت اگر بیند که بام آن خانه معروف بود دلیل که شرف بزرگی یا بد و کارش بر نظام گردد و اگر بر سرخی گوید که اگر بیند که بام  
یا و شاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یا بد و اگر بیند که از بام نیفتاد از جاه و منزلت بخت و او را اندوه رسد یا نکست و آتش  
چنان نوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم خواب دلیل بود بر غم و مصیبت و آن موضع و اگر بیند که او را بانگ  
میگردند از جانی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز کسیتن  
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که  
حاجت او را کرد و بر دشمن ظفر نماید و اگر بانگ و شنام شنود که راستی بوی رسد و زوایل کرد و مانی گوید که اگر بیند که اسپین  
میگردد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معتبران گویند که البته مکر وی بوی رسد از بهر آنکه بهایم و دروغ نگویند و اگر بیند که خر  
بانگ میکرد از دشمنی و جالبی فریاد و شناعت شنود و قوله تعالی اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَابِ لَصُوفُ الْحَمِيرِ و اگر بیند که شتر بانگ

بیخ

دلیل که بچ رو دیا به تجارت دوران ویران شود و منفعت یابد و اگر بینه که کوفته می باشد دلیل که از بزرگی ویران شود و منفعت یابد  
 و اگر بینه که از بزرگاله بانهت دلیل بر غرضی و شادی و نعمت کند و اگر بینه که آهسته بانهت میگرد دلیل بود که او را کثرتی حاصل کرد و اگر بینه  
 که شیر بانهت میگرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینه  
 که بوز بانهت میگرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی که بکشد و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که او را شغال بانهت میگرد دلیل  
 بر غم و اندیشه کند از سبب دشمنان و اگر بینه که روی بانهت میگرد دلیل بود که مردی دروغ زن بادی که در حمله کند و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود  
 که او را از روی بیم بود و اگر بینه که شتر مرغ بانهت میگرد دلیل که خادم و لیسریا بد و اگر بینه که کس بانهت میگرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ گین  
 کرد و اگر بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه بشنود و اگر بینه که بوتر بانهت میگرد دلیل بود که خبر سر بیکان پادشاه بشنود و اگر بینه که خبر بانهت  
 میگرد دلیل بود که خبر مردی جوهر و شنود و اگر بینه که کلاه بانهت میگرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بینه که چغل بانهت میگرد دلیل که  
 اندوه و مصیبت شنود و اگر بینه که بوم بانهت میگرد دلیل بهین بود و اگر بینه که فاخته بانهت میگرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بینه که نذر و بانهت  
 میگرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بینه که طاووس بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه و عجمی شنود و اگر بینه که کلانک بانهت میگرد دلیل که خبر  
 مردی شنود و اگر بینه که لکک بانهت میگرد دلیل که خبر مردی و تنهایی شنود و از آن خرم کرد و اگر بینه که کبک بانهت میگرد دلیل که خبر  
 زنی نیکو شنود و اگر بینه که بانهت که بکبان میشنود دلیل که خبر زنی مستور شنود و اگر بینه که بانهت کلاغ میشنود دلیل که خبر مردی حرام  
 خوار شنود و اگر بینه که کجشاک بانهت میگرد خبر خوش شنود و اگر بینه که طبل با هزار دستان بانهت میگرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود و اگر بینه  
 که سار بانهت میگرد دلیل بهین بود و اگر بینه که مرغ آبی بانهت میگرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بینه که بط بانهت میگرد خبر مصیبت  
 از ابل و شنود و اگر بانهت بچکان مرغ شنود و نام و مصیبت رسد حضرت صادق فرماید که بانهت همه مرغان در خواب شنیدن بگوید مرغی که او را فغانی  
 که بانهت و اندوه و مصیبت بود و بانهت ترس و بیم بود و از دشمنان بانهت زنبور و دلیل بر ترس و بیم بود و بانهت وزغ دلیل که در وضعی فرو دیا  
 جا بر مغربی گوید اگر بینه که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانهت سهکین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه و هر چه خبر  
 خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش بن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دایه جنبه با من سخن می گفت بن سیرین  
 گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ**  
 و چون می گفتند برآمدند از دنیا رحلت کرد و بانهت نماز ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و نومن و مستور چون بینه که در جایگاه  
 معروف بانهت نماز شنود یا بانهت نماز بد دلیل کند که حج بیتا شد بگذار و قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ**  
 و اگر بانهت نماز در جایگاه مجهول بود و مردی و ناپسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق ببیند دلیل که او را بد مردی بچ  
 و اگر بینه بانهت نماز از مسجد یا از مناره بد و دلیل بود که مرد نماز بخواند و اگر بینه که بدتر خفته بانهت نماز میداد دلیل بود که  
 زن خود الفت دارد و اگر بینه که بانهت نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش کرد و گویند کسی از ابل است و اگر  
 و اگر بینه که بانهت در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که آنکس زنی یا منافق بود و اگر بینه که بانهت نماز در کوچه میداد دلیل بود که

بیخ

سجده

گند که زانی کوید اگر مری بیند که باز خود بایک نماز میدارد و دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر بیند که در کلمه های بایک نماز زیاد  
و نقصانی را دلیل بود که بزودان ستم و سبدا کند و اگر بیند که کوکی بایک نماز میدارد و دلیل بود که پدر و مادر و دروغ گوید و اگر بیند که بایک  
نماز در گریه میدارد دلیل بد جلال او بود و درین دنیا و اگر بیند که بایک نماز در قافله یا در لشکرگاه میدارد و تا ویش برود و اگر بیند که  
مجموعی در زندان بایک نماز میدارد و اقامت کرد از زندان ربانی باید و اگر بیند که بایک نماز بلبه و بازی میدارد و دلیل که هلاک کرد  
و اگر بیند که بر سر کوی بایک نماز میدارد و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بجزای تقالی خواند و اگر بیند که در مناره بایک نماز  
میدارد و دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی باید و اگر بیند که در کعبه خانه بایک نماز و دلیل که در کار حق خیا نیست کند و اگر بیند که در مسجد  
بایک نماز و دلیل بود که بسفر نزد خود و در آن سفر بچ و ملا کشد ویر بماند و اگر بیند که در میان کوهی بایک نماز کرد و دلیل بود که در  
میان قومی شکر گرفتار آید و بادی خیا نیست کند و اگر بیند که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلبه و بایک نماز میکرد و دلیل بود  
که عقل از اوایل کرد و اگر بیند که دیگری بایک نماز کرد و او بشنید و دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود و کسی او را بخیر  
خواند و اگر بیند که بایک اقامت شود و دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد و بجهت صدق و افرماید که بایک نماز در خواب و بیدار  
و خواب بود اول حج و دوم سخن ستم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر بقدم مریدین هفتم مفلسی هشتم خجسته  
و نهم جاسوسی یازدهم منافق و بددینی و دوازدهم بریدن دست پاسبان سیرین گوید که یکپار و پاسبان و خواب دیدن سخن خوش  
و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یا بداد دوستی و بدو اگر پاسبان بسیار بیند نصرت و روزی حلال بود و بقدر آنکه دیده و اگر  
بیند که پیر زنی بخوار یا پاسبان بد و بخشد و دلیل بود که مال نعمت دنیا بیاید و بقدر آن کاشن نظام گیر و اگر بیند که پاسبان بسیار  
داشت و جمله را به بخشد یا از وی ضایع شد و دلیل است که اگر نعمت وارد جمله را نفقه کند یا از وی ضایع کرد و پامی بنال  
گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته و دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع کرد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل  
بود که جمله مالش برود و یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته و دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند  
که پای او آهین با مسین بود و دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش شکسته بود که عمرش زود سفری کرد  
و مالش نماند زیرا که آهینه را بقا و قوه نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود و دلیل بود بر سستی و ضعف حال او یا بطلان  
زخیره شتران سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود و دلیل بود بر زیادتی وین او توله تعالی و کلا علی الاصحیح حج بود  
بیند که پاسبانی او بر سن بسته بود و دلیل بود که اگر کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نبود و بچ سب راه میرفت و دلیل بود که آهنا  
بر کسی کند و از آنکس غایب بدو اگر کسی عامل پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود و دلیل بود که از غل معزول گردد و مالش تلف  
شود و اگر بیند که پای او آهین بود و دلیل بود که مالش نماند و اگر بیند که پایش مسین بود و دلیل بود که عمرش زود سفری کرد و اگر  
بیند که پای او در دست بود و دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او بستنی بسته بود و دلیل بود که درخت چوب  
بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او در دایمی گرفتار شده بود یا در جانی خروارفته بود و دلیل بود که در مرگ جلیبی گرفتار

سجده

سجده

بقدر آنکه پانی وی در آن سخت شده بود اگر بینه که پانی در بایکای یاور کوری بغیر دلیل بود که از کار وین و دنیا بازماند کسی  
 سختی بدو گوید که از آن رجوع کرد و اگر بینه که پانی بر ستوری بی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب انکار که میجوید که مانی گوید که هر دو  
 پای تبا و بل مار و در پیر باشد و بعضی و نقصانی که در پابینه بهر دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بینه که پای بسیار داشت دلیل که بفر  
 شود و اگر در ویش بود تو انکر و دو دیدن پیش پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت که کرده بود و جابر مغربی گوید که  
 اگر بینه که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بینه که پای او چون پای اسب بود یا چرخ  
 دلیل بود که قوت و جاه و افزون کرد و اگر پای خود چون پای درندگان یا دوکان میند چیزی حرام حاصل کند و اگر پای خود چون  
 چنگال مرغان میند دلیل بر قوه و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یا به ضرر صداق خرما بدید که پانی در خواب بر پشت جگر بود  
 او را عیش و ویم و عزم سحر سحر کردن چهارم طلب مال پنجم قوه ششم سفر مفهم زن و پای کو فتن در خواب عزم و مصیبت بود پای  
 او رنج بن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بینه که پای او رنج در پای او داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بینه که سینه بود  
 رنج و سختی او کمتر بود که مانی گوید که پای او رنج زانرا نشوی بود و زانرا نیک بود و پیراهنای زین زانرا نکند بود و زانرا حرام  
 و اگر بینه که او رنج زانرا پیریون کرد یا زوی ضایع شد دلیل بود که انگار زدی رجوع دل کرد و سینه نمودن ابن سیرین گوید که اگر  
 بند بر پای خود نهاده بینه دلیل بود که ترسان و حراسان کرد و اگر بینه که بر پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که  
 او را درین ثبات بود یا در نماز یا در غزای یاور کار که در آن صلاح دین بود که مانی گوید که اگر بینه در خواب بند را که در پای اویش بند بود  
 و او را عزم سفر افتاد و دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم کرد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بینه دلیل که اقامتش  
 در آنجا بیشتر بود اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بینه که بندش از سر بود همین دلیل کند و اگر بندش از آئین بود دلیل بود  
 بر آنچه ناکه سخت یا کرده شده اگر بینه که بندش از سر بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بینه که او چون چوب بود مقیم شدن  
 از بهر فساد دین بود و جابر مغربی گوید که اگر بیماری بینه که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن رحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه بینه که بر  
 او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایار بود و حضرت صادق ع فرماید دیدن پای بند در خواب بر سر نهاده بود اول ثبات در دین و عزم  
 زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب بینه که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی  
 بود بدی چنان پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بینه مال بود و چون پای تابه چیده بینه سفر بود و اگر  
 که پای تابه بر پای چیده است چنانکه مسافران اینک بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از  
 دنیا رحلت کند و اگر بینه که پای تابه خویش بفرخت یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع کرد و حضرت صادق ع فرماید که پای  
 در خواب بر سر نهاده بود اول مال و خوشحالی بود و عزم سفر سیم مرگ بود و کسی که بر پای چیده و متناسخ بیان کرده پا چیده  
 ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بینه که پا چیده کوفت می خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورد و او اگر بینه  
 که پا چیده کوفت می خورد دلیل بود که در آنسال او را فراخی و نعمت بود بر اندازه خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پا چیده در خواب

پای او رنج

پای او رنج

پای او رنج

پای او رنج

در خواب

نیم

ب

سجده

نیم

نیم

نیم

نیم

و ظاهر میگرد و دلیل آنست که در مال حرام یا بدست خویشین که اگر کسی بیند که پرستوداشت یا کسی بوی داد و دلایل آن  
 که اگر کسی که از او جدا شده بود و موالت کیر و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستور بکشت باز دست بکشد و دلیل بود که  
 که نیست و در حقیقت بود و در شود که مانی کوید که دیدن پرستور خواب مردی توانگر با خبر بود و اگر پرستوده مادر بیند که  
 با خبر بود و اگر بیند که پرستور وی پرید و دلیل بود که از مردی توانگر جدا گرد و اگر بیند که پرستور دوست و پدر و دلیل بود که مادر او  
 بمیرد و در پنج و اندوه بیند جابر مغربی کوید که بیند که پرستوی را فرار گرفت و دلیل که از غم خارج باشد و از ترس بیمین که در بر سر  
 این بیند که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود که اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجا یا کسی که پیوسته در آنجا  
 برف بود دلیل بود که آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی کوید که دیدن برف بخواب لشکر بزمی بود و خاصه که برف بزمی چهره  
 صادق فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی و تویم زندگانی ستم مال بسیار و از آنی از خنجا چارم لشکر بسیار  
 پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میگرد و دلیل که مال حلال جمع میگرد و دلیل که بکشت و خش گذراند  
 و منفعت بسیار یا بد که مانی کوید که برف بخواب دیدن در سر و سپر و دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرم سیر و دلیل بر غم و اندوه و محظ و بسیار  
 و اگر بیند که برف بوقت خود میوز و بهتر از آن بود که بوقت بود بر برق این بیند که برف در خواب غمنا و بار پادشاه بود و  
 از متعبران گفته اند که برق و عده کردن پادشاه بود و بدی و مطلق را بطبع وی اگر بیند که برق را با هوا یا از بر فراغت دلیل که  
 کند که در آن خنکی و خیر آن بود که اگر بیند که برق همی درخشید و دلیل که در آن سال بخت فراخ بود و خاصه که بار برق با آهسته بود و خنک  
 فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اول خانه و بار پادشاه و تویم و عده بدستیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر شود  
 این بیند که کوید که نشود در خواب استواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر پی یا بر گستران نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و استوار  
 کرد و در دشمنان و خصم را قهر کند جابر مغربی کوید که بیند که اسب وی یا بر گستران در میان درزم میرد و دلیل بود که کار بر او  
 و دولت مساعد و کرد و اگر بیند که بر گستران از اسب و در افتاد یا مضایق کرد دلیل بود که نام او یابد و در دست دشمنان مغلوب گردد  
 بر پنج این بیند که بر پنج دیدن خواب مالی بود که بر پنج حاصل کرد و بعد از آنکه دیده بود که مانی کوید که بیند که بر پنج پنجه همی خورد و دلیل بود که  
 حاجت او را کرد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که بر پنج با کشت پنجه همی خورد و بهتر و نیکوتر بود و بر پنج با شیر خوردن بخت نیک بود و اگر  
 بیند که بر پنج با و غنچه همی خورد و دلیل بر غم و اندوه کند و خضر صادق فرماید که دیدن بر پنج در خواب بر سه وجه بود اول مال و تویم  
 سیم خیر و منفعت که بدو رسد پرنده این بیند که کوید که بیند که پرنده داشت و از دست او پرید و دیگر بار دست او آمد و دلیل بود که  
 او را کرد و اگر بیند که پرید و دلیل بود که بعضی از مال او را در میان بر آنکه پرنیان در خواب چون تا دل بیاورد و شرح آن در حرف  
 و ال میان کرده شود بر سه این بیند که بر سه در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود و فرزند بود اگر بیند که بر سه فرار گرفت یا کسی بدو  
 و او دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بروی بود و اگر بیند که بر سه را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که کوشت بر سه  
 را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی کوید که دیدن بر سه در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر که

و کمال



باز  
باز  
باز

باز

باز

باز

باز

و چون او را که بیدار بود داشت و او را مال و غنیمت رسد بقدر آن و اگر بیدار بود باز غلام را بکشت و آنرا بخور و نه از بهر کشت کشت  
 دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صاوق میگوید که دیدن تیره و خواب بر چهار وجه بود اول فرزند و دوم مال طلال  
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر تنگی محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند  
 دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیند خواب روی مسطور صالح بود کنا پیش غم و اگر خداوند خواب صالح را نباشد و دلیلش بر بود کرمانی گوید  
 اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از آری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت محنت کند  
 جابر مغربی گوید بر تنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند و صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صاوق  
 فرماید که بر تنگی در خواب و مصالح را خیر و تنگی بود و مرد و مفسد را بدی و رسوائی و بجز مرتعی پروانه این سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن  
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی در بلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید و اینکس او را گرفتار دلیل  
 که کمینگری و دشمنی دراز کند از وی پسری آید اگر بیند که پروانه از پشت او ملاک شد دلیل که فرزندش ملاک کرد و  
 بروت در خواب دیدن دلیل بر مصیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت را بمقتراض بسیار است تا دلیل نیکو بود و او را حضرت رسد  
 و اگر بیند که بروت او در وقت پیراستن از تن بپرید یا بستر دلیل نقصان مصیبت مرد بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت دراز شده بود دلیل  
 که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار او قوتی  
 باز آید و اگر بیند که او را بروت بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عروج و جاه و مراد کند برج وانیال گوید  
 که دیدن حمل و اسد و قوس شکر یا پادشاه بود و دیدن ثور و سبیل و جدی پسر یا پادشاه و دیدن خوز و امیران و دولو قاضی و ساجت  
 یا پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت و یار صاحب شرط و شرب و ارباب پادشاه بود این سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند یا مرغ  
 محشوم را کار می افتد و حاجت او را کند و اگر ثور را بیند یا مرغی حامل و نادان او را کار می افتد و حاجت او را کرد و اگر خوز را بیند او را با مرغی  
 با زبان و نا کار می افتد و حاجتش را کرد و اگر سرطان بیند او را با مرغی با کار می افتد و حاجتش را کرد و اگر عقرب یا پادشاه را بیند او را با مرغی  
 با مرغی کشتار و زبیه کار می افتد و موش بر نیاید و اگر میز را بیند او را با مرغی قاضی کار افتد و هر وعده که دهد و خاکند و اگر عقرب یا پادشاه را بیند او را با مرغی  
 مفسد بدکاری می افتد و او را رحمت رسد و تخمین کرد و اگر قوس را بیند او را با مرغی سالار و مهر کار می افتد و حاجت او را کرد و اگر دولو  
 او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مرغی غریب ساده دل و نیکوای مهربان کم سخن کار می افتد و حاجت او را کرد و اگر عقرب  
 بداند که بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و کامروانی در انکار کرد و ابوهریره گوید از رسول خدا  
 مردی در خواب دولت و بزرگی بود و دوست و دوست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل غرضی بود محمد بن سیرین  
 گوید دیدن که خوشخوی و شادمان و خوب روی بود دلیل که خود دولت یابد و اگر از پشت و غمکین و بیند دلیل بر غم و اندوه  
 کتار و لرزه خوش را مرده بیند کار او شود و دیده کرد و اگر با پیری چنگت میکرد دلیل که کار او آشفته کرد و کرمانی گوید که پیران بعضی سگ  
 در خواب دیدار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشد دیدار ایشان دیدار دشمن و او با و اندوه بود وانیال گوید اگر کسی در خواب

در خواب

و تویم بزرگی و رفعت سیم مرتبت چهارم مال خیم عمر در از ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون نساط فروش چون بهاستانده است  
 این بود بستر برین سیرین کوی که بستر در خواب بن بود و نیک و بدان تعلق زن دارد و اگر بیند که بستی خرید یا بستی را بدید که دیا  
 بستر بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد وزن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر کرد و دلیل بود که زن او از حال  
 بجال دیگر کرد و اگر بیند که بستی دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن و دلیل کند که زنی خواهد وزن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که  
 خوشتر از پیشین و حشمت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بگریزد و کافی کوی اگر کسی خود بر بستر  
 بجهول بیند دلیل که بقدر قیمت آن او را زانی رسد و اگر بیند که بستی بر تختی بجهول بسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بزرگی  
 و منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی کوی که بستر در خواب ولایت و تن آسائی بود و قوله تعالی **مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ**  
**بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ** و اگر بیند که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق حتمی  
 افتد و اگر خوشن را به بستر چهارم بوی افتاده بیند دلیل کند که بشماره هر بستی زنی بخوابد یا کمتر ضرر و اگر بستر خود را در خانه  
 بیند یا در مخاک که از آنجا بیرون تو است آورد دلیل بود که زنی برنج خدای نیاید و اگر خویش را بر بستر نرم  
 بسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بیند که بستر او از پیشم آنگاه بود دلیل بود که زن او را خواهد و اگر  
 که بستر او دیده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او از پیش  
 بود یا بستر که پاسبین بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را دست داده زن مسوره بخوابد و اگر بیند که بستر او پیش سرور از که ده بود دلیل  
 بود که میان آن او و کسی ناسازمعاطی اتفاق افتد و بفساد و  
 طلاق دهد و در وی کوی خواهد یا بستی در کوی کوی یا اگر بیند که لیسان آسمان برید دلیل کند که کج کند و اگر بیند که از ستری خود بستر  
 برید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بیند که بر داشت لیکن بجا بستی مرغان دلیل کند که بیمار گردد و در نزد  
 ملاک رسد و عاقبت شقا باشد و اگر بیند که از جانی بجائی چو و از همبکر و دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت باقی فرماید که پس بجا بستی  
 وجه بود اول سفر و تویم سیم بزرگی چهارم تغییر جان خیم بیماری و مرگ لغو با بقدر بیان محمد بن هیرین کوی که بریان در خواب خوابد و  
 سخن بود و در فراخی طلب روزی و کوشش بخت و تاویل بهتر از کوشش خام بود و کرامی کوی اگر کسی بیند که بریان از کوشش که سفید خور  
 دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که بریان از کوشش که خور و دلیل بود که از ترس و بیم این که دود و اگر بیند که  
 بریان همی خور و دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و بعضی از متجران گفته اند که خور و در بخت در خواب دلیل آمدن بستی کند جابر مغربی  
 کوی اگر بیند که سر بریان میخورد و دلیل بود که او از متری منفعت رسد و اگر بیند که مرغ بریان میخورد و دلیل بود که مالی از جهت زنی بگریزد  
 بدست آورد و اگر بیند که ماهی بریان کرده میخورد و دلیل بود که بستر شود و بطلب علم یا بصحت مردی بزرگ پیوندد و اگر خداوند خواب  
 بود و اگر مغفد بود و دلیل برنج و غم داند و بود و دشمن و ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود  
 و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگر از فراخ روزی کردند بزرگ از بفاقری جامه فروش بود و دیدن مردی بود  
 عظیم خطر ناک زیرا که بهای جامه دم و دینار بود که دهنند و ستاند و ماویل درم و دینار مکرده و اندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن اگر

چاپ

چاپ

کتاب  
تفسیر  
توکل

گوید اگر خواب بیند که بست میخیزد یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورده و اگر بدید که بست کسی را دایما بغر و خست دلیل بود  
 که از وی بداند که غم و اندوه رسد جای بر مغزی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا کسی بخشد و هیچ از آن نوزد دلیل بود که از  
 غم رسته کرد و از آن خلاصی یابد بستان فروز این سیرین گوید که بستان افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین باب اگر بیند  
 بستان افروز فکر گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرم و شادی بود که خرم کرد و اگر بیند که بستان افروز کسی داد دلیل بود که در خرم کرد  
 که مانای گوید که بستان افروز چون بوقت خواب بیدار می شود و بعضی از متعبران گویند که زن باز را کان تو اگر بود با حال و خوش طبع  
 بیند که بستان افروز در خواب در جایگاه خوش میگرد دلیل که دیر باز را کان دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بیدار دلیل که از  
 صحبت مردی جدا گردد بستان در خواب و خرم بود و آنچه در بستان بیدار زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند  
 که از پستانش شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون نشد  
 بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان او پیش از اندازه فرو و آنچه بود دلیل بود که او را دختر می آید و اگر مردی بیند که پستان او  
 شیر جع کرده بود و اگر زن ندارد در آن خواب و در فرزندش آید و اگر زن دارد و تو اگر کرد و اگر این خواب را بجز زده بیند دلیل بود که در پیش روی  
 و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عرش دراز بود و اگر دختر می بیند دلیل بود که هم در خور میسر و کرمانی گوید اگر مردی بیند که پستان  
 مردی میکید دلیل بود که بیمار کرد و اگر زن نشد است بود پس اگر زن بیند که از پستان چیزی و دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته کرد  
 جای مغزی که در پستان او در خواب زن او بود و بستان زن و دختر می بیند که پستان او بریده بود دلیل بود که دخترش  
 بجز خود دلیل کند که بیمار کرد و در و دشواری بود و پوست شکم و معده را اگر زنی بیند که در پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود که دختر او  
 یا یافت یا بجز دلیل کند که در فرزند میبارک آید و اگر بر غاله ریخت دلیل که فرزند او لاک کرد و اگر بیند که گوشت بر غاله ریخت  
 دلیل که از مال فرزند چیزی بجز و حضرت صادق فرماید که نر بر در خواب مقدم لشکر بود اگر بیند که نر بر یافت و بروی نشست دلیل بود که این  
 مرد مقدم لشکر کرد و اگر از مردم غایب بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و تو اگر در حضرت صادق و قیس فرماید که این شیر بیند که فرزند  
 که هر که نر از خواب بیند که بجز بدو بخشد و پیش روی از وی دور کرد و در دیدن بر فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند که  
 گوید که بزاده در خواب دیدن و گوشت و خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از متعبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل کرد و جای خرم  
 گوید که بزاده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود و دلیل بر غم و اندوه کند بذر  
 قطو نا این سیرین گوید که دیدن بذر قطو نا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود  
 بساط یا نکه بساط در خواب شادمان بود و اگر بیند که بساطی بکشد و بروی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ کرد و در خوش  
 دراز بود جای بر مغزی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ و دلیل بود که نعمت و مال او بسیار کرد و خاصه که کسره بیند  
 که بساط خویش بغر و خست یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی  
 بسته کرد و حالش بد شود حضرت صادق فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول غر و جابه

تفسیر  
توکل

نیم

نیم

نیم

نیم

رسد اگر بید که پشت بدو و با قوه بود و دلیل بود که او را فرزند می بیند و نا و عاقل بود و اگر بید که چیزی بر پشت گرفت دلیل  
 که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد اگر بید که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که بی ثبوت کسان مرده بودی بود و اگر بید که پشت او  
 بر پشت دلیل بود که حال او بد کرد و جابر مغربی بود که بید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از دشمن و دیدن پشت زن دلیل شدن  
 و دنیا بود اسمحیل اشعث که پشت بخواب دیدن برادر بود اگر بید که پشت او شکست دلیل که برادرش می رسد و اگر بید که پشت  
 او در و همیگر و دلیل بود که ویران برادر یا از برادر غم و اندوه رسد و اگر بید که بسبب حلقی پشت او را داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دین  
 و دنیا می وی و اگر بید که پشت بدو را باز داد و دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت بخواب دیدن  
 بر و دانه و وجه بود اول قوه و دوم برادری ستم یا چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم تحت بهتیم پدر ششم برادر نهم پسر و هم مال را نگه  
 یاری و اوان و آند و هم جد یعنی پدر پدر و معتبران گفته اند که دیدن پشت کافران ایمان بود و فاسقان را توبه و جاد و را اسلام و منافقان را  
 اخلاص پشت این سیرین بود که اگر که وید و پشت زمین نامون نشسته بود یا بر پشت کوی دلیل بود که بر مروی بزرگوار که شرف و منزلت  
 یا بید که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که سیرین کو بست و اگر بید که بر سر آن پشت ایستاده بود و دلیل که بزرگوار مروی بود  
 شود و از وی مال و حرمت یا بد و اگر بید که آن پشت ملک و موضع او بود و دلیل بود که مروی بزرگوار و افره کند و نصرت و مال او است  
 و بجای او میقیم کرد و اگر بید که بعضی از آن پشت ملک او است و دلیل بود که بقدر آن نصرت و بزرگی یا بد و اگر بید که از آن نصرت  
 یا کسی از بزرگان از اذخاست و دلیل بود که سبب مروی بزرگوار بر حیرت کرد و حضرت بید و اگر بید که بر آن پشت بدشواری و نصرت بالا  
 همی رفت دلیل بود که غم و اندوه بد و در سبب حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بندی و دوم مال تیم  
 قوت چهارم تنومندی و پنجم بر سیرین بود که پشت در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پنجمی که باقیه نباشد بهتر بود  
 و پنجمی که اگر بید که پشت داشت یا کسی بد و او یا بخیر یا موضع خویش بود و دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی و من  
 اصحابها و اقاربها و اشعارها انما كانوا منا خا لای چنین کرانی بود که پشت از خویشین و دور همی از اذخاست و دلیل بود که  
 مال خود را تلف کند و اگر بید که پشت همی سوخت و دلیل بود که مال خود را بهرینه کند و اگر بید که بر تن وی جامه نشین بود و دلیل بود که  
 از بندگان مال حاصل کرد و اگر بید که جامه نشین یا پنجه بخیر یا بستر از پشت داشت و دلیل که زنی توانگر بخوابد جابر مغربی بود  
 که پشت از خواب مال بود از قبل پادشاه و معتبران گویند که میراث بود و پشت این سیرین بود که پشت مروی ضعیف و خوار و نام  
 بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بید که با پشت جنگ میکرد و دلیل بود که مروی ضعیف خصوصت کند و اگر بید که پشت بکلوی او فرو شد  
 و دلیل بود که مروی حقیر کاری حقیر شغل کرد و او را از آنست چیزی بد و رسد و اگر بید که پشت بسیار بر تن او جمع شد و او را میگرید  
 و دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مرو را کند و اگر بید که پشت  
 گوش از برینی او فرو شد و او را بوی و گزند یافت و دلیل بود که از مردم ضعیف بد و بوی که در رسد کرانی بود که اگر بید که پشت بسیار بجا آمد و او را دلیل  
 که او را غم و اندوه رسد و اگر بید که پشت کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند و دلیل بود که بر پشت ضعیف افتد یا بد و اگر بید که پشت برینی او شده و بر



گفته از او غله که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیاد و گفت بخواب دیدم که از مینده آب میخورد و آن مینده را دور بود و آن  
 آب شیرین خوش میخورد و از یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و ظاهر زنی و بهر و را یکا میداری تو بکن و از خدا بیگانه  
 بترس مرد و گفت چنین است که تو گفتی تو بگردم و بخواب باز گردیدم بلغم دیدن این سیرین که دید که بلغم در خواب نالی بود که بوجه صلاح  
 اعمال نافقه کند کسی بخواب بید که بلغم بجای کاهی بگرانداخته تا ویش بخلاف این بود اگر بید که بلغم سفید از کله بر انداخت بجا  
 پاکیزه و دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند که مانی کوید اگر بیماری بید که بلغم را بکشد دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بید که بلغم  
 بترکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بید که بلغم خون آلود بود دلیل بود که زمال می چیزی نقصان کرد و اگر بید که بلغم بدرون خانه  
 نرود انداخت دلیل بود که مال بر یکا بکشد نافقه کند و اگر بید که بلغم در مسجد است دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر یکا بکشد نافقه  
 برکت این سیرین کوید که در خواب دیدن برکت درخت بر درخت خلق و خوی به مینده خواب بود و خاصه به بنکام و می در آن  
 که برکت بنر از درخت پاره فرارفت یا کسی با و داد دلیل مینده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مانی کوید اگر  
 میند که از درخت برکت تازه فرارفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جا بر مغربی کوید که برکت درختان میوه  
 شیرین و دلیل بر خلق نیکو بود و برکت درختان میوه ترش و دلیل بر خلق بد بود و برکت درختان نیکه ماریا و زنده دلیل بر درم و  
 بود و برکتان کوید که برکت درختان میوه دارند و دلیل بر درم و دینار کند پلنگ این سیرین کوید که پلنگ در خواب  
 و شمشیری قوی و توانا بود و اگر بید که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و پنی که  
 پلنگ بروی غالب کرد و دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بید که کو  
 پلنگ همی خورد و دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن بظفر کرد و شرف و بزرگی یا بد که مانی کوید اگر بید که پلنگ  
 نشست دلیل بود که بر خواجه و می و دشمن را قهر کند و اگر بید که با پلنگ جنگ میکرد و میچکد ام بر یکدیگر ظفر نیا فتند  
 و دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صاحب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بید که شیر پلنگ را همی خورد  
 و دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر بید که پوست پلنگ یا استخوان یا میروی او را فرارفت  
 یا کسی بد و داد و دلیل بود که زمال دشمن بقدر آن چیزی بیاید و اگر بید که پلنگ را بکشد دلیل بود که از اسلام بروی بگرداند و در او  
 هیچ خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی و دوم مال یا فتن از دشمن استیم  
 ترس از پادشاه بلور بد که بلور در خواب بی بی اصل بود اگر بید که بلور داشت یا کسی بد و داد و دلیل بود که زنی بی اصل  
 بزنی بخوابد و اگر بید که بلور داشت یا صاحب شد و دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر بید که بلور بسیار داشت  
 و دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جا بر مغربی کوید اگر بید که بلور میفر و خست دلیل بود که دلاکی زنان بی اصل  
 و اگر بید که بعضی از آن بلور که میفر و خست بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلاکی دختران و شیر و دوزان  
 بیوه بی اصل کند بلوط این سیرین کوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورد و بود اگر بید که در خانه و

حاشیه

نیمه

ب

حاشیه

بیوه

بیوه





که پیش محمد بن سیرین بود که مردی بیداد گفت که بخواب دیدم که در آستین نجیب خان دوشم یک کبریا و من میگویم که در آستین  
 میگویم و آنرا و چاه می انداختم تا ویش چگونگی بود این سیرین گفت خانه کجای داری گفت فلان محله و فلان کوچه این سیرین گفت که بخت  
 بنشین تا باز آیم پس برخواست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال جنسیت و در آیدای مردم هست مردمان  
 پادشاه را در خانه او و او را در دریا بخت و جو کرد و دیدند که فریب بر پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته اند گفتند که آنرا و ایشان را  
 بجهله و بجهله میداد و ایشان را میکشید و ایشان را میکشید و در خانه می انداخته و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تعبیر این گفت  
 ماند تعبیر خشت و خواب که دوک خورد بود و تا ویش از نیک و بد آن بعد دوک خورد بود و پند و آون این سیرین که یکبار مردی  
 بیند که کسی مصداق پند میداد که در آن پند را صلاح دین و در شکای آخرت بود و دلیل بود در بشارتی که در آن خیر دین و دنیای او بود  
 بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود و جابر مغربی گوید که پند و آون در خواب کسی را که در صلاح دین بود نیک بود و پند  
 و پند و فریب بود که بشارت و بد صحت خواب بجز آنست که بد و خوار و رسیده و مشک آن بجای آورد و پند و آون که در او فساد دین بود  
 پند و پند آن و در جیم بود که او را خبر میداد از تباهی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بعد از بشارت تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از  
 عذاب نگاهدارد که در پند و آون این سیرین گوید که اگر کسی بیند که پند آستین بر پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دومی سکه  
 کند به مرغ و مردی بخل بود و انا و چیزی بکسی نرسد و بعضی از متعبران گویند که چون مردی مصداق دوست خود بیند دلیل بود که از کار پاک  
 بد و ناسازگار با نزد دوست بدارد و اگر پند و آون بپند آید که گفتیم که آسان تر بود که مالی گوید اگر کسی در گردن خود پند و آون  
 دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نمیکند و اگر پند و آون بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگیز و سفر بود  
 سلامت باز آید و اگر بیند که بندگش از بیم بود دلیل بود که او را بسبب آن بخت و نعمت بود که اگر بیند که بندگش از زور بود بخت و خوش  
 مال بود و اگر بیند که بندگش از بیم بود دلیل بود که سبب آنجا و اگر سبب محبت دنیا بود و اگر بیند که بندگش شکست بیم خلع بود و او را برین  
 خاصه که بند و بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او بر داشته دلیل بود که او را ثلث پادشاه خلاصی باید که برای خود کند نهاده بیند دلیل بود که او را  
 با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را برین بسته بیند دلیل بود که اگر کسی بومی منفعت رسد و انیال آید که اگر امیری بیند که برای خود پند  
 آستین داشت دلیل بود که او را بخت نیست و در آن خبر نماند و اگر بیند که بر برده پایش بند نهاده بود دلیل بود که ولایت باید و اگر بیند که  
 بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او بر داشته اند دلیل بود که از غنا فرج یابد و اگر امیری بیند که پای او  
 در بند و بخت بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از متعبران گویند که کار وی آسان کرد و اگر بیند که بند نهاده و نیمه بود  
 دلیل بود که زنی کجای خود باید زنی عاشق کرد و اگر بیند که بند از زمین بود دلیل که سفر شود و یا بجا کرد و اگر بیند که بند آستین بود دلیل  
 و در کند جابر مغربی گوید که پند و خواب ثباتین بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود **الْحُبُّ الْقَلْبُ فِي الْقَلْبِ وَ الْكَلْبُ الْفَلَكُ فِي الْقَلْبِ**  
**ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ** یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را و دوست ندارم زیر آید که پای بند بود و درین حضرت گفته اند فرماید که پند  
 بند در خواب بر چهار وجه است اول آنکه فرودیم اتفاق سیم بخل چهارم از مصیبت دست برداشتن و بعضی از متعبران گویند که غل در دست

نسخ

نسخ

نسخ

خواب دیدن پادشاه ظاهر که ماه وستی بود از نظم بند و ابر سپهرین که یکدیگر هر یک بنده با بالغ با نجا بید که بالغ شده است دلیل بود که  
 از او کرد و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را ببیند که خواهد ابر و خشت دلیل بود که سخن  
 و ستند کرد و اگر بیند که بنده را بفر و خشت دلیل بود که شادمان گردد و بنفشه محمد بن سپهرین که یکدیگر بنفشه در خواب دیدن بخت  
 خود دلیل بود که از نری یا لیکری چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر او را از خشت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خود را در آن  
 گزینی بیند که بنفشه از درخت بخت و بشوهر خویش داد و دلیل بود که شوهر او اطلاق دهد و اگر بیند که کسی در بنفشه بدو داد و دلیل بود که میان  
 ایشان مفارقت افتد چار سفری که یکدیگر درخت بنفشه در خواب تیرگی بود بدو خوبی و ناسازگار بنیاد و تنهایی این سپهرین که یکدیگر گزینی  
 که بنیاد و نو نهاد و بنیادی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهادی نهاد در جانی مجهول و نهاند که از آن  
 کیست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد بر زمین و یکت خود نهاد و دلیل بود که فایده و روزی حلال یابد و اگر  
 بود اگر بیند که بنیاد از خشت بخت و یکت نهاد و دلیل بود که مالی و از حرام حاصل کرد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر جهان نهاد و دلیل بود  
 که همه او بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد و او را از خشت بخت نهاد و بر آورد و دلیل بود که در امل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند  
 خواب بنا کرد و بدو فروستاند و دلیل بود که منفعت یابد و اگر بیند که بنیاد و او را از خشت بخت بر آورد و دلیل بود که منفعت یابد و پادشاه  
 و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و کل بر آورد و دلیل بود که منفعت از مردم عام یا بدو بر خشت بخت فریاد که اگر کسی بیند که شهری بنا کرد و دلیل بود  
 که جماعتی از مردمان را در پناه خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از شر دشمنان این کرد و اگر بیند که کوشی بنا کرد و دلیل بود که بجا  
 و دنیا مشغول کرد و اگر بیند که سرانی بنا کرد و دوری نشست دلیل بود که نفعها و خیرها بیند و اگر بیند که مسجد بنا کرد و دلیل بود که  
 جمعی را بجا صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد و دلیل بود که نام او بخیرات منتشر شود و اگر بیند که طرازی بنا کرد و دلیل بود که  
 خواهد و اگر بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی توانگر یا بسیار بختاورد و اگر بیند که درستانی را بنا کرد  
 و دلیل بود که کار آخرت بخوبی کرد و اگر بیند که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدر و منزلت جوید و بداند که هر بنیادی که بنهد تمام کند و دلیل بود  
 که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد و کارش ناتمام ماند و بنفشه محمد بن سپهرین که یکدیگر بنفشه در خواب اگر خشک بود مالی اندک بود و اگر  
 کرد و بیند که خواب و بنفشه تر مال بسیار بود که در جوار مغربی که یکدیگر بنفشه تر مال و نعمت بود که با کسی بسیار بدو بنفشه تر مغربی بود و اگر  
 منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان با بنفشه تر خورد و دلیل بود که در سفری او مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از بنفشه تر  
 کویند که علتی بدو رسد لکن از آن زود خلاص گردد و بداند که استادان این فن در تامل بر خواب دیدن خلافت بعضی کویند که  
 معتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و شمای نیکو بعضی کویند که فرزندان بدو و بعضی کویند که بیماری بود و آنکه حکم ساری  
 چنین بود که آن چنان کونه زود است دلیل بر بیماری کند و آنکه کوید که سفری دراز بود و باری تن بدان معنی که گفت جبرئیل علیه السلام و او  
 وقت میرود آمدن نیست بدو می داد حکم به سفر دراز با غم و اندوه و باری زیرا که سفر او کم از نیست دنیا بود و با چندین غم و اندوه  
 که بوی رسد و آنکه حکم فرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون او م علیه السلام دنیا را از خوردن آن معنی بوی زیاده و شسته و لاجرم



اول

و پار و گوشت خون آلود از نیمه ی او بقیه و دلیل بود که زن او بچه بینجام بکنند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلوی نهاده بود دلیل بود که  
 عجمی سخت رسد که فانی کوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود و دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر  
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بقیه و دلیل بود که مان عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل  
 عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن که هر ی یا لولوی بقیه و دلیل بود که او را فرزندی عالم آید یا پارسا و اگر  
 بیند که هر دو پهلوی او فراخ آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که پرورستی دین  
 و قوه عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود و تا پیش بخلافین بود که گفتیم جا بر مغربی کوید که پهلوی او در خواب دلیل بر زمان  
 بود زیرا که زمان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر چه و شر که در پهلوی بیند تاویل آن بر زمان باز کرد و اگر بیند که او را پهلوی  
 بسیار بود دلیل

دوم

چهارم بود اول زن و دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیر زنی که در خانه بود و یوتیا  
 بود و مال ممال که از زن بدور رسد و اگر بیند که پوتیار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدش  
 از زن مال بخورد و اگر بیند که پوتیار را بگشت و از گوشت وی بخورد و دلیل بود که بقدش از مال زن بخورد و اگر فانی کوید که یوتیا  
 دیدن در خواب و اگر بیند که پوتیار را بگرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خوشیانش خود زنی خواهد و او مال و منفعت  
 حاصل کند بویا این سیرین کوید که اگر کسی بویا کند دلیل کند بر مردی که سفه و جنس بود و نیز دلیل بود که زن خوابی در صحن ضعیف  
 حال و از مردم ملاست یا بد و اگر بیند که بویا یافت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بویا از بختیانه  
 دلیل کند که بکده خدای خود مشغول گردد و جا بر مغربی کوید که اگر بیند که بویا داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او را از زنی منفعت  
 کوچکی و بزرگی بویا حضرت صادق فرماید که بویا در خواب بر سر و وجه بود اول منفعت دوم خستن زن سیم کینه خدای خود و سون

سوم

بوزینه این سیرین کوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبیده ملعون بود اگر بیند که بوزنه نشسته بود و آن بوزنه مطیع او بود و دلیل  
 که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که بوزنه بر روی خیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی بر زن  
 پیدا آید که از آن خلاصی نیابد که فانی کوید که اگر بیند که بوزنه را بگشت دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت او بخورد و دلیل بود که  
 در رنجی عیبی گرفتار آید و اگر بیند که کسی بوزنه بوی بخشد دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند یا بر کوید که اگر کسی بیند که بوزنه را بگشت  
 دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد اگر بیند که بوزنه بر سر نشسته بود و دلیل بود که جودی با زن او فساد کند و بوزنه ما و نه فی منفعت  
 جا بود و اگر بیند که بوزنه در آید دلیل بود که در آن خانه زنی را و را جا دهد و کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت دلیل بود که زن  
 با وی در آن زبانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگریزد دلیل بود که بیمار گردد و یا از عیال خود دشنام شنود و اگر بیند بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد و دلیل بود  
 که مال خویش را بر این سیرین نهید کند پوست و انیال کوید که پوست تن مردم در خواب آیش که خدای مردم بود این سیرین کوید که اگر  
 که پوست مردم ستر و مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر نهخته بیند و افتاده و دلیل بود که ستر و راز وی کشاد گردد و مال و منفعت

چهارم

سخت

سخت

سخت

سخت

کرد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سیاه بپند و لیل بود که غم و اندوهی بودی رسد و اگر بپند که پوست پایش روشن بود و لیل بود که کار  
 خاسته کرد و اگر مانی گوید که پوست جمله چار با بیان خواب بدین مال بود و پوست شرمیراث بود و از مردی بزرگ و پوست که سفید  
 صاحب را و توری بود و اگر پوست درخت بنزد خداوندش روزه دار بود و اگر بپند که پوست از مسلوخ باز کرد و لیل که از انگش که  
 بدان منسوب بود مالی ستاند و اگر بپند که سرئی بنا کرد و از بهر پوست باز کرد و لیل بود که اگر انگش قصاب بود و در ساری او دیوانه  
 و اگر معتم بود بر کودکان ستم کند یا بر مغربی گوید اگر بپند که پوست کوی باز میکرد و لیل بود که انگش خلعهای کن و چیزهای تبا  
 شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میبایک کند چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند و کارهای بسیار بپوشین  
 این سیرین گوید اگر کسی در خواب بپند که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود و لیل بود که چیزی بوی رسد که وجهیست  
 او بود و اگر وقت تابستان بود و همین و لیل کند لیکن سرانجام غمناک کرد و مانی گوید اگر بپند که پوستین بره یا زغال دشت  
 و لیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن مال یابد و اگر بپند که پوستین سود پوشیده دشت و لیل بود که زنی نخواهد که توانگر و مالدار  
 بود و اگر بپند که پوستین روباها از نو پوشیده دشت و لیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبده و حیل کرد و اگر بپند که پوستین  
 خرگوش پوشیده دشت و لیل که زنی نابکار بدخل بخواهد و از او رحمت بپند و اگر بپند که پوستین مخاب پوشیده دشت و لیل بود  
 که زنی ناسازگار برنی بخواهد و اگر بپند که پوستین کره پوشیده بود و لیل بود که زنی بدخو برنی بخواهد و روزی امانت بود و اگر  
 بپند که پوستین و شش پوشیده بود و لیل بود که زنی هسیل وین و از برنی کند و اگر بپند که پوستین پوش پوش پوشیده دشت و لیل بود  
 و نشیمن برنی بخواهد و اگر بپند که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود و لیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و پوست  
 حلوئی طه سیرین گوید اگر کسی بپند که کسی را بوسه داد و لیل بود که آنکس را دوست و خوششکار بود و اگر آنکس مجهول بود و لیل  
 از جانی که قطع نداد و خیر و منفعت بپند و اگر بپند که معرفی او را بوسه میداد و لیل است که از آنکس خیر و منفعت بپند که مانی گوید  
 اگر بپند که مردی را بشنود بوسه میداد و لیل بود که از بهر مرده خیر کند یا از بهر عافی خیر بیاورد و اگر بپند که مرده و پیرا بوسه داد  
 و لیل بود که طالب و خوششکار وی بود و اگر بخلاف این بپند و لیل بود که مراد و مقصود دنیا بدختر صحت و قوت فرماید که بوسه داد  
 خواب و لیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دویم حاجت روائی ستم بر دشمن ظفر بافتن چهارم نخ کردن و شش بوق  
 این سیرین گوید اگر کسی بپند که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست و لیل بود که مراد از ستر خواگانه کند و اگر بپند که بوق میزد  
 و لیل بود که در میان همسران دروغ گوید و از دروغ را بسو کند راست کند و با حقیقت ظاهراً هر دو که آن دروغ بود و جابر مغربی گوید که بوق  
 زدن بتاویل مردان مصیبت بود و زنا را ز سوائی و ظاهراً شدن را از ایشان حضرت صحت و قوت فرماید که بوق زدن در خواب بر چار  
 وجه بود اول خیر و دروغ و دویم سخن مکر و دشمن ظاهراً شدن را از چهارم مصیبت بود و لیل ساختن این سیرین گوید که بوق زدن در خواب  
 پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او برادر شدند مانی گوید که بوق زدن در خواب تا و لیل آن بود که نیکو باشد اگر بپند که این  
 بگذاشت و لیل بود که پادشاه او را عفو جاهد رسد و از او منفعت بپند و اگر بپند که مبادی بر پیل سپند و عمارت میکرد و لیل بود که پادشاه

و پادشاهی یابد و مال بسیار را جمع کرد و قوله تعالی و القناطیر الملقطه من الذهب حضرت صادق علیه السلام فرمودند که پهل در خواب بر چهار وجه بود و اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس را بکند و دوم پادشاه و ستم نیکی و کارهای بافتن چهارم مال بسیار حاصل کند اگر بید کند پل سفید و در خواب شد دلیل بود بر تنهایی حال پادشاه و نقصان ملک و بوم بخت و بخت دیدن مردی در خواب بکار سفید بود و اگر بید کند با بوم بخت میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید که اگر بید کند بومی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که مردی در روز آفتاب کند و اگر بید کند گوشت بوم میخورد و دلیل بود که بقدر آلودگیست مال از دست و روز بخورد اگر بید کند بوم دشت دلیل کند که غلام کوچک از دست کردی از روز او را حاصل کرد و بوم سیاهی خوش این سیر بر پی لب بومای خوش و ناخوش تنهای نیک و بد و دهن و سخن ناصواب بود اگر بید کند بومی خوش شنید دلیل بود که او را نگوشت کند و اگر در خواب بومی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که مرد و از بومی خوش و حنوط ناکر نیز بود که مانی گوید اگر کسی بید کند او را خوشبوی کرد و دلیل بود که او را تنهایی کند و شاکویند و اگر بخلاف این بید دلیل بود که او را پیش دم عیب نکو هست کنند و نام او بر تنه شکر و دومی این سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر خواب بید کند پی بر اندام او خشک شد یا بکشت دلیل بود که دومی جمع کننده کار و حال او بود از او غایب کرد و یا از دنیا رحلت کند اگر بید کند که بسیار بر تن او خشک شد دلیل بود که از دنیا مفارقت جوید که مانی گوید که پیهایی تن دلیل بر بختی و ابل میباید و اگر بید کند پیهایی او و ورشت و قوی بود و دلیل بود که خوشیشان و ابل سیت و بد حال و ضعیف کرد و پیهایی بان و انیال گوید که پیهایی بان در خواب سیت و دومی بود و بقدر بزرگی و اگر آن اگر بید کند پیهایی بان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بید کند که پیهایی و پیهایی بان میکشد دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاد کرد و این سیرین گوید اگر کسی بید کند از پیهایی بان بیرون آمد دلیل بود که غم و اندوه رسته کرد و اگر بید کند در پیهایی بان شد دلیل بود که غمگین و ستمند کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمودند که دیدن پیهایی بان در خواب بر چهار وجه بود و اول روزی و ستمت و دوم حیرت و سرشتی ستم و درج چهارم بیم و خطر و هلاک و از روی زود بیرون آید بسیار که مانی گوید که پیهایی در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و ورشت و اگر بید کند خواب مصلح و مستور بود و بجهت خود را از خوردن آن وقع کشند و اگر بید کند خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی خندان شد که بید کند چون پیهایی سرخ بود و اگر پیهایی پنجه خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و بخدایت باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمودند که پیهایی در خواب خوردن بر سه وجه بود و اول مال حرام و دوم غیبت و سخن زشت ستم پشیمانی در کار با پیهایی محمد بن سیرین گوید که پیهایی در خواب کثیر کند که با بومی عشرت و طرب کند اگر بید کند از پیهایی آب یا حلاب میخورد و دلیل بود که با کثرتی بحال جمع و از روی فرزند مصلح بیاورد و اگر بید کند آن حلاب یا آن آب از پیهایی بخت و دلیل بود که فرزند وی بمیرد و حضرت صادق علیه السلام فرمودند که پیهایی که پیهایی در خواب بر دو وجه بود و اول کثرت و دوم خادم پیراهن و انیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مرد و دومی بعضی از سیرین گوید که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بید کند پیراهن نو و فرخ پوشیده بود و دلیل بود بر

۱۰۰



10



9

سید

کار و نیکی احوال و اگر بید که پاره از پیر این او دیده بود و تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بید که پیر این وی کن و چکن بود  
و لیل بود که در پیشی و چپار کی ریخ و غم بد و رسد و هر چند پیر این را کشته تر و دیده تر بید بلا و مصیبت و عیش و شکر بود که خداوند  
خواب ملاک کرد و اگر کسی بید که پادشاه او را پیر این خود او و پوشید و لیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مانی کو به اگر کسی بید  
که پیر این پوشیده بود و لیل بود که بظاهرنیکو بود و باطن بد و اگر بید که پیر این و شلوارش جمله چکن بود و کس و لیل بود که اگر تو  
بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی گوید اگر کسی بید که پیر این نو و فراخ پوشیده داشت و لیل بود که عیش و  
فراخ کرد و اگر بید که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش بر وی تنگ کرد و اگر بید که پیر این او دیده بود و لیل بود که رازش کار  
کرد و اگر بید که پیر این بی کریان بود و بی استین و یک زرب بود و پوشیده و لیل بود که اجلش نزدیک است و باشد و اگر بید که پیر این  
در راز داشت و لیل که کارش بر کرد و در مرادش بر آید و اگر بید که کریان پیر این از سوی پس بریده بود و لیل بود که او با بد و سخت  
نشد و نه لغای و آن کان قمیضه قلن ذنیر فکک مت و اگر بید که پیر این کسی داد و انگس پیر این را بوی فرو و مالید  
و لیل بود که پیغم کرد و از جایگاهی او را بشارت رسد و نه لغای اذ هبوا بقیصی هذا انا لقوه علی و جبرائی کایت  
بصیرا و اگر بید که پیر این خون آلود و در دست و لیل بود که روزگار از در غم و اندوه بماند و اگر بید که پیر این دریده و پوشیده بود و لیل  
بود که کارش کند و کرد و رازش آشکارا شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و لیش شش جبهه  
اقبل و بدین مردم دویم ستر شیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم ریش و خرمی ششم بشارت هفتم بیت المعمور خانه است  
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن چگاه فرشتگان بود و این سیرین گوید اگر کسی بید که در بیت المعمور شد و لیل بود که در میان مرقوم  
یا بعلم ظاهر کرد و در جگه و از شر دشمنان این کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بید و لیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد  
و اگر بید که در بیت المعمور خانه ساخت یا بحفت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمد و باشد و اگر بید که پیر این بیت المعمور را ساخت  
بهر و لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بر کرد و مسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او بر کرد  
و اگر مانی گوید اگر کسی بید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بید که  
بیت المعمور را آسته است و فرشتگان بر وی طواف میکردند و لیل بود که علماء اهل بین نظام شوند و عز و جاه و یا بید پیر این  
سیرین گوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زینت زمان و کینک کند بر قدر و محبت پیر این که دیده بود که مانی گوید اگر بید که پیر این  
آسته بود بجا هر و پوشیده بود و لیل بود که بقدرا آن او مال حلال حاصل کرد و اگر بید که پیر این او ضایع کرد و لیل بود که او را  
غم و اندوه رسد و اگر مردی بید که پیر این زمان داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زو این سیرین گوید که پیر و زو در خواب  
ظفر و حواله وانی بود و اگر بید که پیر و زو از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی گوید که اگر بید که پیر و زو  
بجز او داشت و لیل بود که بقدرا آن او مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یا بد حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیر و زو در خواب  
بر چهار وجه بود اول ظفر و حضرت دویم حاجت روائی سیم خه چهارم ولایت پیر شدن این سیرین گوید که اگر کسی بواب بید

سید

سید

سید

که پیر کردید



که پیر کردید و محاسن او سفید شد دلیل که غرور شرف یابد و اگر پیری جھول را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مراد نامی او برآید و از  
 خرم رسته کرد و اگر پیری معروف را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین ببیند دلش  
 بخلاف این بود و جابر مغربی گوید اگر پیری را ببیند که جوان شده دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی  
 یا کودکی ببیند که پیر شده دلیل بود که غرور بزرگی یابد و جابر آخرت شغل کرد و پیسی ابن سیرین گوید که پسی در خواب مال و توانگری بود  
 و اگر ببیند که تن او پس گردید و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از مفسران گویند که پسی در خواب پسران  
 حضرت صفا و قنبر را دید که پسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم میراث ششم منفعت چهارم بدیدادن کار مشکلی جابر مغربی  
 گوید اگر ببیند که با مردی پس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفید  
 و خیر دلیل بود که او از احرام منفعتی رسد پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده پاک  
 است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزندی بود که از اهل بیت او توالی کرد و اگر ببیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوند  
 در پاک و بی و پر پیکاری مشهور کرد و اگر ببیند که کسی زخمی پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر ببیند  
 که پیشانی او کوچک گردید تا پیشانی او را زایل شود دلیل بود که زبانی نوی رسد و اگر ببیند که بر پیشانی  
 او مورسته است دلیل بود که وام وار کرد و اگر ببیند که آنوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن و امش از بهت علیل بود و اگر ببیند که پیشانی  
 او آما س دشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر ببیند که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را  
 الم و کزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی ببیند که بر پیشانی او یک چشم دشت دلیل بود که کار که خداوند او پندارد و اگر ببیند که  
 پیشانی او چشمهای بسیار دشت بهمین دلیل کند که او را در مصلح خود پنداری تمام بود و اگر ببیند که بر پیشانی او خطی سه نوشته بود  
 که او از فرزندی آید عالم و پر پیکار و اگر ببیند که بر پیشانی او ایست دشت نوشته است دلیل بود که عاقبت راحو د کند و مرگ او برتر  
 او بود و اگر ببیند که بر پیشانی او آیت هذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود و نیک باشد و اول بخلاف این بود و حضرت صفا و قنبر  
 که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دوم غرور بزرگی ستم فرزندان چهارم سعادت پنجم ریاست ششم جود و نیکو  
 پیشانی گرفتار ابن سیرین گوید اگر ببیند که در کاری پیشانی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غیره آنچه دیدن از دلیل بود  
 که در آخرت رستگاری یابد و او را از خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشانی گرفت دلیل بود که غرور و قبایل آن با حضرت  
 صفا و قنبر یا دیگر پیشانی گرفت در خواب در کارهای غیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر ببیند که پیشانی گرفت در کار دنیا  
 دلیل کند بر دنیا و وجهانی پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب دیدن اگر ببیند که پیشانی خود را با گرد و به پیشانی از آن بهتر مشغول  
 دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی بدیدادن و اگر ببیند که پیشانی که ناگون می کرد و اگر آن پیشانی که ناگون بود  
 بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بدو دلیل کند بر شر و بدی و اگر ببیند که بعضی از پیشانیها بدو و بعضی نیکت بر کدام قومی تر بود حکم بر آن  
 ابن سیرین گوید که پیشانی درختان در خواب زنی بود یا بانی اگر ببیند که در پیشانیها شد و آن پیشانیها بدو و درختان میوه و درختان بود و درختان

جابر

پسی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

خواب

در وقت آن واریه آن بشیه همی خورد و لیل بود که زنی خواب که اهل و بیایانی بود با کینهی خرد که در بنایان او را پرورده باشند و آن  
زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بشیه را خالی از اینها دید و لیل بر سر و حضرت کند و اگر بشیه که در آن بشیه بجای درختان خار بود و از آنجا  
او را کند رسد و لیل کند که او را غم و اندوه بجهت زمان رسد حضرت با تو می گوید که دیدن بشیه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بیایانی  
و دوم کینه که سیم منفعت چهارم غم و اندوه بود و بیع این سیرین گوید اگر بشیه که مصحف بفروخت و لیل بود که  
دین او را خیر بود و خار و اگر بشیه که بنده خویش را بفروخت و لیل بود که کار بروی تنک آید و شکر کرد و اگر بشیه که زن خوشتر  
بفروخت و لیل بود که حرمت و بزرگی او را از دست نام کرد و اگر بخازین زن که بفروخت او را زنی دیگر بود و لیل بود که کارش صلاح  
باز آید که مانی که بدید هر چه که در دین عزیز بود و فروخت آن خواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود و سپیکان در خواب دیدن مردی بزرگ  
خطر بسیار بود و اگر بشیه که سپیکانی تیر یافت یا کسی بوی بخشید و لیل بود بر درستی کار که بد و درسد جابر مغربی گوید که دیدن سپیکان در خواب  
خود بود و درختی که سینه در خواب با خصم گوید خاصه که سپیکانش از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته میشد تا ویش بخلاف این بود  
پیغمبر بدانکه تا میل پیغمبر بران در فصل شازدهم یاد کردیم از اینجا مطالعه باید کرد و سپیکان سیرین گوید که سپیکان خواب زن بود و اگر بشیه  
که او را سپیکری بود و لیل کند که زن خواهد و اگر بشیه که سپیکان کسی سپیکان بخرد و لیل بود که کینه خرد و اگر بشیه که سپیکری داشت و از وی  
صنایع شد یا از دوست او بفتاد و شکست و لیل بود که زن را طلاق دهد یا زلزلش از دنیا رحلت کند و اگر چهره سپیکر خود را بصورت  
و سپیکر بشیه و لیل بود که احوالش بگردد و هم بران هیأت که آن چیز رسیده بود که مانی گوید اگر سپیکر خویش را بصورتی زشت بدل کرده بشیه  
و لیل که حال او متغیر گردد و اگر بشیه که بحال و صورت خود کرد و لیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر سپیکر خویش را بشکسته  
و لیل بود که همه روی از وی بگردانند و بر وی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بشیه که سپیکر آدمی یا سپیکر حیوانی بدل می کرد و لیل  
که آنکس بد مذنب و دروغ گو بود یا در صفات خدا بیغالی چیزی گوید و اگر بشیه که سپیکر کسی بخرد و لیل که نه از جنس او بود و بکشت و لیل  
که بشیه را کار صعب چه یاد و در آن متحیر ماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر ضد بیغالی دروغ گوید سپیکان سیرین گوید که  
که معتبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در لیل اگر کسی در خواب بشیه که بر پیل نشسته است و لیل بود که  
زنی خواهد تا بکار و اگر این خواب را بر روز بشیه و لیل بود که زن را طلاق دهد یا کینه را بفروشد اگر بشیه که سپیکر بکشت و لیل کند که با و سپیکان  
بر دست او کشته کرد و یا حصار می محکم را بکشد و اگر بشیه که سپیکانی بر سر وی نهاد و او را بکشت و لیل بود که بملک نزد یک کار و در لیل  
بگردد و اگر بشیه که بر سر پیل نشسته بود و آن پیل دیگری داشت و لیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و کوفی  
گوید اگر بشیه که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک طبع او بود و لیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را قتل کند و اگر بشیه  
که ناکوشت پیل همی خورد و لیل بود که بقدر انگوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بشیه که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی بخورد  
داشت همین لیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدور رسد و اگر بشیه که پهنکام رزم بر وی نشسته و لیل بود که دشمنی بزرگ در حق  
کند و بر انقول قشعه هجاب الفیل را و لیل آورده و اگر بشیه که از پشت پیل نشسته و لیل بود که در مای خنجر آید و اگر بشیه که سپیکان

چین

خواب

چین

بخت بیفتاد و بر ویل بود که پادشاه اند یار بعید و جابر مغربی که یکدیگر شنید که از بهر شتاب بریل نشسته بود و قادر بود و ویل بود که در آن  
 بنگاه خود بخوابد و آن زن بروی قادر کرد و اگر بخلاف این بیند ویل بود که بر زن قادر کرد و اگر شنید که پیل سلاج پوشیده بود و در  
 شهر شهر و یکدیگر میرفت ویل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه به پادشاهی دیگر افتاد و او را بلان کند حضرت صاحب وقت میفرماید که در آن  
 پیل در خواب بر شش و جبه بود و اول پادشاه عجمی قویم مرد غلام ششم مرد مکار چهارم مرد با قوت و بهیبت پنجم مرد و ششم شکاری جوان  
 خواره پیل کوش کبابی است که بر یک بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است و بدن آن در خواب زنی بود و خامه وی اصل و توان  
 اگر کسی خواب ببیند که پیل کوش داشت یا کسی بومی داد ویل بود که او را با چنین زنی صحبت افتاد و از آن صحبت بهیند پس بگوید این سیرین است  
 که پیل در خواب مانند طبیب بود و مانند خفیه زیرا که طبیبها را از امعا که خفیه مردمان را در وین نماید و اگر شنید که پیل در خواب در وین باشد  
 و راحت رسد و بدین سبب ویل بر خیره و سخاوت کند تا به غیر از اگر کسی ببیند که پیل در خواب بود که اگر کسی خیر و منفعت بهر کس برسد  
 و نامش بر نیکی در آن دیار مستقر کرد و پیل این سیرین که یکدیگر ویل در خواب خامه بود که کار با کند که مالی نماند که پیل در خواب خامه بود  
 که کار با اتفاق کند بعضی گویند که پیل در خواب کاری بود که از آن رخ و عشا حاصل کرد و اگر کسی ببیند که پیل در خواب کاری کند و ویل بود که  
 تمام کرد و اگر بدان کار کند و ویل بود که از آن کار بریده کرد و بیماری این سیرین گوید اگر کسی در خواب ببیند که چهار است ویل بود که در آن  
 بفساد بود و گفتار او با مردم متناق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر شنید که از بیماری تن در رفته شده بود و در خانه نبوده و کسی  
 سخن بگفت ویل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد و اما اگر شنید که با مردمان محالست میکرد و سخن می گفت ویل  
 کند که زود از بیماری شفا یابد و اگر کسی ببیند که پیل در خواب بود که زود بمیرد و مصیبت آن گفته اند که بیماری در خواب ویل  
 بر فشق و فخر کند و غم و اندوه که قبل سلطان با از قبل خیال بدیده و به غیر از اگر کسی ببیند که پیل در خواب بود که زود بمیرد و مصیبت آن گفته اند که بیماری در خواب ویل  
 فریضهها و سنتها حضرت صادق فرماید اگر کسی ببیند که بیمار بود و از علت خویش نمیدانست ویل بود که از غم این کرد و اگر از بیماری طاق  
 و رنجی و شاکر بود تا ویش نیکی و صحت بود و اگر ببیند که بیمار و بر سر نه بود ویل که اجلس نزد یکسایه باشد و نه تعالی گفت که چنانچه و اما  
 خوابی که حکما خلق کند آنرا تر سیمایه پیر که پیمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون پیمانه  
 در خواب میبخت بود و اگر ببیند که پیمانه بست یا کسی بد و داد ویل بود که راستی و انصاف کند و معامله داد و دست بخت کند و اگر ببیند که پیمانه  
 او شکست یا سوخت ویل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر ببیند که از پیمانه چیزی می چسبید و اگر ویل علم بود ویل که قاضی کرد و اگر از انجیل  
 علم نباشد ویل از بهر دوری بقاضی محتاج کرد و بگوید که پیمانه در خواب بروی بود و راستی گوئی و منفعت که داد مردمان و به پیمانی توان  
 گوید که مینی در خواب پیمانه و منزلت ببیند و بود و هر زاده و نقصان که در وی ببیند ویل قدر و جاه بر بیند و بود و اگر ببیند که مینی او توان  
 شده بود ویل بود بر نقصان قدر و منزلت آن را اگر ببیند که مینی آن افتاده بود ویل کند که از جاه و منزلت بخت و اگر ببیند که سراج مینی او  
 فراخ شده بود ویل بود که معیشت بومی فراخ کرد و اگر شکست شده بود ویل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیرین گوید اگر ببیند که سراج  
 از مینی او بیرون آمده بود ویل بود که از مینی منفعت یابد و اگر ببیند که جانوری از مینی وی بیرون آمد چون کرم و کس و مانند این ویل بود

خواب

پیل

پیل

پیل

پیل

که او را فرزندی آید و اگر بینه که در پستی او سوراخ بود و عمار در پستی او کرده بود و دلیل بود که میر و مادر او را تراضی کند یا از بی بزرگ جمع کرد  
و از او مال و نعمت یابد و اگر بینه که سر پستی او بسته بود و چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته کرد و اگر بینه که سخن بر پستی  
میگوید و دلیل بود که او نقش را بل کرد و اگر بینه که پوست سر پستی او رفته بود و دلیل بود که او را زبانی افتد جابر کوید اگر کسی در خواب بینه که پستی  
او خون می آید و معتبر را گوید که خواب دیدم که از پستی من خون می آید دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از پستی من می آید دلیل که  
مالش هر دو باینکه چون سائل سخن گوید معتبر بلفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بینه که هر دو سوراخ پستی او یکی شد  
بود دلیل بود که باز آن عاقله جمع کرد و اگر بینه که سر پستی او بریده بود و دلیل که فرزندان خویش را خسته کند و بعضی کو بینه که در جاه و نسل  
او نقصان شود و جابر کوید اگر کسی بینه که چیزی بجا است و پستی او شد دلیل بر خشم و دینی بود و اگر بینه که خون از پستی او بیرون آید چنانکه  
جبهه تن او خون آلود کرد و دلیل بود که مایه حرام بوی رسد و اگر بینه که خون بر و اندک از پستی او بیرون آید دلیل بود که او را فرزندان کم  
و اگر بینه که بگوید در ویش کرد و جابر کوید که خون از پستی او بیرون آید و خون آلود نکشت دلیل بود که فرزندان باز آن خانه بیرون  
یا بالیشان کردند و اگر بینه که پستی او بر زمین افتاد و دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بینه که او پستی خود را نهی شست و دلیل بود که  
سر وی زن آید و اگر بینه که از پستی وی مرغی بیرون آید دلیل بود که چهار پای دارد و بچه آورد و بگوید بعضی از معتبران خون  
آید از پستی مال بود که از پادشاه آید یا ربوی رسد اسم غیل شفت گوید که بینه که پستی وی بر مثال خرطوم بزرگ گشته بود و دلیل  
از آن دلیل بود که بقدر آن مرغ و جاده وی بنفراید و از آن خویشان نیز یاده کرد و اگر بینه که در پستی او بوی خوش رفت دلیل بود که  
او را فرزندی مصلح بود و اگر بینه که در پستی او کافک خوش رفت تا ویش مخالف این بود و جاحظ گوید که بینه که پستی نثار و دلیل بود  
که کسی از خویشان وی همسر و اگر بینه که او را در پستی او دلیل بود که در میان او و عیال خلافت و اگر بینه که کسی بوی خوش فر  
مینی او داشت دلیل بود و اگر که از آن کسی منفعتی رسد و اگر بینه که خواب زن بود و دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بینه که شخصی  
بوی ناخوش در زیر پستی او داشت دلیل بود که از آن کسی خوشی فرود و حضرت صادق فرماید که دیدن پستی در خواب بر پنج وجه بود اول آن  
و دوم مال ستم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش و شرم پنجم خوردن ابن سیرین گوید اگر کسی خواب بینه که پیله میخورد و دلیل بود که غیرت  
و فراموشی یابد و اگر بینه که پیله میخورد و دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بینه که پیله جانوری میخورد که گشت احوال  
و دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیله در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراموشی و دوم مال و ستم ستم گشت  
کاری بسته بهیوشی کرمانی گوید اگر کسی بینه که بهیوش کرد و چنانکه عقل از او کم کرد و دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن ستم  
و متحیر و ولیکن سر بجام کارش بنیکو و در حضرت صادق فرماید که بهیوشی در خواب بر دو وجه بود اول آن شکاری کار و دوم ستم و ستم گشت  
و فراموشی و بیچارگی حرف التماس کتاب کامل التبعیه کتاب و ادون ابن سیرین گوید اگر کسی بینه که سر پای  
سید و یا بسیار از دلیل بود که بفرستد و بفرش بقدر درازی و کوتاهی پس باید بماند و اگر دراز بود و سفر دراز کند و اگر کوتاه بود و سفر کوتاه  
چیز و خفتن بسیار از تاب سید و دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس را یا ضمت گشت حضرت صادق فرماید که از بهر



در خواب دلیل بر مال نداشت بود بر قدر رسیده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بکست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد  
 این سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد دلیل بود که بجای مشغول گردد و آنرا کس و کسب خایده بدو نرسد اگر بیند  
 که تازیانه از دست بیند اخت و دلیل بود که انگاری که در دست دارد بیند از دو اگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی  
 روان نشد دلیل بود که سخنها می ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی فروخت دلیل بود که بر تازیانه درمی یابد گرانی که بد اگر  
 بیند که او را بتازیانه بزد دلیل بود که آنرا کس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند  
 که زخم تازیانه بر تن او ماند و دلیل بود که سخنها می ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی نزد دلیل بود که  
 آنگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی خواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علقه بر شین دلیل کند که او را فرزندی آید اگر  
 بیند که تازیانه از چوب بود و دلیل بود بر قوه حال وی و اگر بیند که تازیانه او چرم یا از دوال بود و دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد  
 و اگر بیند که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر آب نشسته بود و تازیانه  
 بر او دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه بزد و از آنجا خون برآید دلیل بود  
 که آنکس مال حرام یابد یا زنده او را متمم کند بجای و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس نزد دلیل بود که  
 و نیای او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که او را شتر قریب کند و اگر کسی را با تازیانه زد  
 و دلیل بود که دیر اعم و اندوه رسد اسماعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود دست خود را تازیانه کوتاه بود پس از آن دراز  
 کرد و دلیل بود که زبان او بر خشم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی علیه کند حضرت علی علیه السلام  
 فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شعث دوم جدل کردن ستم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگ  
 مال تا و این سیرین گوید که تاوه در خواب خدشکار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله بر عیال خود و یکسان نفقه کند اگر  
 که تاوه بود و ششت یا کسی بدو داد و دلیل بود که خدشکاری بر عیال او حاصل گردد یا از وی جدا گردد جابر مغیری گوید اگر بیند که در تاوه  
 چیزی میخست دلیل کند که کار خدشکار او نیکو گردد و اگر بیند که تاوه چیز میخورد دلیل بود که از آن خدشکار خیر و منفعت بدو رسد  
 بقدر خور و دنی و اگر بیند که آن خور دنی ترش و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه و سی شب ابن سیرین گوید اگر کسی بخوابد  
 که او را سیب پیوسته بود چنانکه زفافش را نمیکرد و دلیل کند که پیوسته بفساد و کثافت مشغول بود و توبه با دیگر تا آنوقت نجات یابد  
 گرانی گوید اگر کسی بیند که تنش دراز بود و دلیل کند که تنش درست و عرش دراز بود و اگر بیند که پیرایه تنگ بود و مالش بختلاف  
 این بود و سیرین گوید که تیر در خواب خدشکاری بود که بجای کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که آنرا کست که او  
 تا و یک کارش فرماید جابر گوید که تیر در خواب هر وی ترسیده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ جدا  
 انگشت و اگر بیند که تیری داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که او را با مردی بدین صفت دوستی افتد اگر بیند که تیر او شکست یا بختلاف  
 کرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد بشیر بغاری هبل بود و دیدن آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا

بصفت

بصفت

بصفت

بصفت

بصفت

بصفت

بصفت

و روشن و این جمله دلیل بر زنده شدن آن کند این سیرین کوید اگر بیند که با تیره پای کوید و رخص کند و این بود که بر غم و اندوه و  
 و اگر بیند که او تیره مغرور می زد و دلیل بود که سخن باطل کوید یا کاری با صواب کند که بدان شهر کرد و بعضی از تجران کوید که تیره و  
 آواز خوش بود لکن باطل بود که مانی کوید اگر کسی بیند که تیره میزد و دلیل کند که کارهای باطل کند باعث که در آن هیچ حاصل نباشد و با  
 مردمان هر و عده که و در جمله دروغ باشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که تیره زدن در خواب کاری بود که بنا وانی کرده شود و عاقبت آن کار  
 اظهار کرد که باطلست و تیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته کوید بظاهر و در باطن مردمان را عینیت کند و سخنان  
 ترشست کوید تمام این سیرین کوید اگر کسی بیند که تیراج بگوشت تیره یا با گوشت کوفته و ماست شیرین میخورد و دلیل کند که بعد از آن  
 از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت کا و یا با گوشت خرگوش کشت و ماست ترش میخورد و دلیل بود که منفعت  
 اندک از مردم منفعت و در بد و رسد جا بر کوید که تیراج بگوشت خرگوش یا چیزی ترش زلیل بر غم و اندوه بود و تحت محبت سیرین کوید  
 اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بران تخت چیزی کسره نبود و دلیل کند که بفر شود و اگر بیند که بر تخت خفته بود و بران چیزی کسره  
 بود و دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر و قیمت تحت دشمنان را قهر کند اما ازین غافل بود که این کس از اهل فساد بود و دلیل بود که برادرانشند  
 خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تحت شکست و اوسفتا و دلیل کند که از جاه و بزرگی بفرستد و حالش بد کرد و حضرت صادق  
 فرمود که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول غرور و دوم سفر سیم تیر چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه و هفتم عالی  
 شدن کار با تخم کاشتن این سیرین کوید اگر کسی خواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر بیند که از  
 آنجا که کاشته بود میخورد و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنجا کشته بود چیزی حاصل نکرد و یا ندانست که باران چیست و نرساند  
 و بسیار از آن دانست دلیل بر غم و اندوه کند که مانی کوید اگر بیند که تخم کاشت و دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که چیزی  
 و دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بیند که کاه و سبزی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقی و لوبیا و مانند آن کاشت  
 و دلیل بر غم و اندوه کند و انیال کوید اگر در زمین خویش تخم همیکا کاشت دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش  
 ناکشته بیند و دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای جبول تخم همی کشت و بر آید و دلیل بود که خاکند و غراب روی آسان کرد  
 و خیر نکند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میگرد و دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل کرد و اگر بیند که جای کندم یا درخت در زمین خود  
 و دلیل که جاه و غرور یافته کرد و بقدر ناکشته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم فساد  
 سیم مال حرام چهارم دفعه در بازار کانی تخم این سیرین کوید اگر بیند که او را تخم بود و دلیل بود که او را مال بی خود و فساد کند یا بد که ازین  
 گناه توبه کند تا از عقوبت حق تعالی نجات یابد و اتفاق معبران آنست که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که تخم در خواب  
 بر چهار وجه بود اول مال با دویم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوا می نفس کند تخم را مانی کوید که تخم در خواب دیدن آنچه  
 ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صحت بود و اما آنچه لطیف ترین و خوش بود خوردن آن در خواب  
 منفعت اندک بود جا بر مغربی کوید که تخم در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد لکن آن تخم که پوسیده یا کرم خورده بود و مذروا



پیرین کوید که تدر و مرغی است صواب مردی بخار بود و تدر و ماوه زنی نوینیده بود و حقیرین کینند که تدر و مال حرام بود که بحیل  
بدست آورد و اگر بیند که با تدر و در بند بود دلیل بود که با کسی بخار او را خصوصیت افتد و اگر بیند که تدر و ماوه او را حاصل کرد و دلیل  
کند که زنی خواهد که در وی هیچ چیز نبود و اگر خانه تدر و بیند و لیست که زنی خوب روی بکجای خواهد بود و قدر سفیدی او یا کینیری از بخت  
اگر مانی کوید که اگر بیند که تدر و در خانه داشت و دلیل کند که زن او طلاق کرد و یا بجهت زن او را صیبتی افتد و اگر بیند که تدر و در خانه  
او پیرین دلیل بود که زنی را طلاق دهد و یا مرغی کوید که تدر و در خواب زن پادشاه بود با جمال و مال اگر بیند که تدر و یافت یا کوید دلیل  
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تدر و در کثرت و وقت و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او  
می فرید حضرت صادق فرماید که تدر و در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم عیشت چهارم کام دل چنین تر از  
این پیرین کوید که تدر و در خواب قاضی بود اگر بیند که تدر و می نمود داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیه  
برین گفته تدر و در هیچ قاضی بود و در هر جا که در آن بود خصوصیت بود که تدر و قاضی کند و سنگهای تدر و در عدل و داد بود که قاضی درین  
موضع کند بوقت حکومت و اگر بیند که تدر و او را ایستاده بود و چنانکه هیچ پهل داشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که تدر و در  
بنو و دلیل که قاضی راست و منصف بنو و در حکومت میل کند که مانی کوید اگر بیند که تدر و ترازد شکست دلیل بود که قاضی انداز  
میسر و اگر بیند که تدر و زیاد و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاد و نقصان بود و چنانکه دلیل بود که در  
در خواب رستن قاضی بود و از عذاب و دوزخ تر از و اگر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و تدر و می راست قاضی راست حکم بود  
یا وزیر عادل حضرت صادق فرماید که تدر و می قیامت بخواب دیدن برشش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیم فقیه چهارم  
سیاحی پنجم حکم راست ششم اگر بیند که در ارنیک وی در تدر و می قیامت پیش از کردار بدوی بود و لیست که بدست یابد  
و اگر عقوبت رسته کرد و قوله تعالی *مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* و اگر خلاف این بود دلیل بود که مستوجب  
عقوبت و دوزخ بود قوله تعالی *وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خُسِرُوا أَنْفُسُهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا* و تدر  
که مانی کوید که تدر و بخواب دیدن غم و اندوه بود و خاصه که خورند اگر بیند که میخورد و دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر  
بیند که کسی تدر و دلیل بود که از آن غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او تدر و کسی داد یا از خانه بیرون نکند و هیچ از آن  
نخورد و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و تدر و بر این پیرین کوید که تدر و در خواب دیدن بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خور و دلیل  
بر زبان مال کند بقدر آنکه خورده بود و تدر و در این پیرین کوید که مردی بد که هر بد کردار بود و زیرا که اصل وی سپید است و سپید  
بسکه تدر و غم و اندوه را نکند تا طبع و طعم وی از حال خود ببرد و بعد از آن دیر بکار نهد چون بر آید تدر و بود و اگر بیند که  
داشت یا کسی بوی داد و دلیل باشد که از آن مرد و بر حضرت و زبانی رسد و اگر بیند که تدر و در کسی داد یا از خانه بیرون انداخت  
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدا می شود و از او دور شود و تدر و مانی کوید که اگر بیند مسلمان تدر و شد دلیل بود که او را  
راهی بدعت و کفر ای بدید آید و بخت او در دین مسلمان تدر و جابر کوید که کسی بیند که دشمنی دارد بر وی انصرت یا بدیز که تدر و شد

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

بود و او مشتق از حضرت است و اگر ترسان می بیند که مسلمان شد و دلیل بود که مسلمان که در دنیا با غیر حضرت مصداق تو فرماید اگر کسی بیند که بنیاد  
 صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و همو آگاه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود و ترسیدن این سیرین که بدید که  
 ترسیدن رخسار بیعی بود و هر که در خواب ببیند که می ترسد از کسی و نداند که ترس از او نیست و دلیل بود که هر چه از آن ترسانند و بی  
 رسد حضرت مصداق تو فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده الصلوة بالترعب یعنی نصرت یافتن ترسانان و اگر  
 بیند که از روی یا از جان نوری می ترسد دلیل بود که از کسی که باو منسوب بدو برامضرت رسد ترسیدها این سیرین که کید که ترسیدها  
 خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوه های ترش و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد و دلیل کند که از او بوی ترش و غم و اندو  
 رسد و اگر بیند که او چیزی ترش کسی داد و دلیل بود که بسبب غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردن ترش هیچ خیر نباشد مگر  
 این سیرین که کید که ترف و دیدن در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که ترف بهی خورد و دلیل بود که دام و مار که در دو سبب آن غمگین گردد  
 که ترف بطعم ترش و بدیدار تره جابر که کید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن و غم و اندوه بود و ترسید و دلیل بود که کید که ترسید  
 اگر چه بگویند زود است اما بوی خوش دارد و بطعم بدیدار پاکیزه بود و کید که از میوه های بهشت است و دیدن او بخواب نیکست اما نال  
 کید که اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب ببیند تا ویش فرزند بود و اگر بسیار ببیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج بنه و دیدن در خواب  
 بهتر از ترنج زرد بود که می کید که ترنج در خواب می روی بود تو اگر و با جمال و بهرمان نزدیک چنانکه همه کس را دوست دارند و اگر  
 که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوش بوی  
 آید و اگر بیند که ترنج یا بخور و دلیل بود که او را مال خود یا مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در چید دلیل بود که ترنج  
 ملاک گردد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بسکی بختید دلیل کند که در کسی نیکی کند و اگر بیند که ترنج در سینه نهاد و دلیل بود که او  
 فرزندی از کینک آید و اگر بیند که از آستین او بیفتد و دلیل بود که او را فرزندی حاصل کرد و حضرت مصداق تو فرماید که دیدن ترنج در خواب  
 بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی و دوم کینک پاک دین ستم دوست تو اگر چهارم فرزند شریف صلوات بر علیین این سیرین که بدید  
 که ترنگین در خواب مال حلال بی منت بود و در ثانی و اَوَّلُنَا عَلَیْکُمُ النَّسْ وَ النَّسْ لَوِی کُلَّوْا مِنْ حَبِیْبَاتِ مَا وَرَقْنَا کَرُ  
 و اگر بیند که ترنگین بسیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که روزی بسیار یا بداد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام نشود حضرت  
 مصداق تو فرماید که ترنگین در خواب دید یا خورد ویش برسد و وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت خلق و دوم سعادت و کسالت  
 کار با ستم کام دل یافتن تره و غم این سیرین که کید که خوردن تره و غم بخواب دلیل بر غم و اندوه کند تره این سیرین که کید که از تره  
 آنچه بطعم تلخ و خوش بود دلیل بر مضرت کند تره فروشی اگر کسی بخواب بیند که تره فروشی کردی تا ویش نیکو بود و بزرگ بدست او  
 کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مغسلی و غم و اندوه بود و تره پاک این سیرین که کید که تره  
 از به بیماری خورد و دلیل بود که از ترنج برسد و کارهای بروی کشاده گردد و اگر بخلاف این بود و دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود  
 ترنج و این سیرین که کید که بیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یا بدو اگر عیب بود و دلیل بود که زنی تو اگر خواهد و اگر





چشم شاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن یا خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران در غایت  
بود دلیل بود که مردم آید از باران و شاه ترسید و اگر بیند که باران نازل نمی آید و دلیل بود که در آن یا خیر و غایت  
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغیر دلیل بود که با نکت و سبب پادشاه در آن یا گسترده که بود و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق  
و هم آتارکت بود دلیل که پادشاه شک پدید آید تندر سیحان این سیرین گوید که تندر سیحان که سیاهی آن بر زمین افتد چون بخوابید  
غیر از آن بود و خاصه که بگوید سیاه بپند و آنچه در دیوار کاظمی بپند و آنچه در دیوار کاظمی بپند و آنچه در دیوار کاظمی بپند و آنچه در دیوار کاظمی بپند  
هم و اندوه و توهم نقصان قدر و جاه و سیم بی امانی در کار با تنگی این سیرین گوید که اگر بیند که از تنگی بغیر از آن که از جایگاه می آید و هم  
جایگاهی اینی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج راحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود جایگاه گوید که  
بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود و اگر بیند که در آنجا  
برای تنگ کرد و در تنگی هر چیز را در خواب نیکو نباشد تنور این سیرین گوید که تنور در خواب بهتر بود که خدای خانه و بعضی از  
گویند که با نومی خانه بود و اگر بیند که تنور در دست و پشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بیند که تنور در  
و خواب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت که خدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می بخت دلیل کند که بر قدر نان باشد  
روزی حلال بیاورد و کار بر وی نیکو بود و در کار می گوید که اگر بیند که در تنور لختی آتش است و شانی و بر بالای تنور شعاع آتش است  
و دو و بنود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و حاج کند قوله تعالی *مَنْ شَاطِئَ عَالُوا دِي الْاَكْمَنِ فِي الْبَقْعَةِ الْمَسْكُونَةِ*  
یعنی که بیت المقدس و بعضی گفته اند که از خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر وجه بود اول  
خیر و منفعت بود و خاصه که نوب و توهم هر چه با سبب شود و شفت تو بره این سیرین گوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود  
خاصه که نوب و اگر بیند که تو بره و ارادت یا کسی بوی داد و دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که تو بره می از صاحب  
که بر پادشاه بخلاف این بود تو بره که در این سیرین گوید که اگر کسی بیند که تو بره و دلیل کند که از بهر کناه و معصیت پشیمان شود  
و اگر وارث کند که در آن خوشنودی خدایتعالی بود و دوست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که تو بره که در  
در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه و تویم رضای خداستیم راه آخرت چهارم سعادت تو تپا کرمانی گوید که تو تپا در  
خواب و بدین مال بود اگر کسی بیند که تو تپا چشم کشید و مقصود از تو تپا روشنی چشم بود و دلیل بود که صلاح وین جود و اگر مقصود  
وی بخلاف این بود دلیل کند که خوردن باغی بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را استایش کنند جا بر مغربی گوید که اگر کسی بیند که تو تپا بد  
دلیل کند که بقدر آن حیران مال حاصل کرد و اگر بیند که تو تپا همی خورد و دلیل کند که مستمند و غمگین کرد و حضرت صادق ع فرماید که بیند که تو تپا  
در زیر بغل و پشت از بر و دفع بوی ناخوش همی مالید و دلیل کند که کاری کند که در آن و راجع و شنا و نیکی گویند لوت لوت شیرین  
و خواب روزی بود و خوردن خوراک هم و اندوه بود این سیرین گوید که لوت شیرین بهنگام خوردن و دلیل کند که بقدر آن اگر سب  
خوش روزی بیاورد و اگر خواب بهنگام رسیدن لوت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوشت آن بود و دلیل بر غم و اندوه کند که در آنی گوید که

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

که در تشریح بنام خود دلیل بود که انبوهی جوامع و صلت و خطایا به اگر میند که خرقوت بی خود دلیل است که غلبین و متفکر در حضرت  
صداق فرماید که نوت و خواب بر سه وجه بود اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهر زن و ثور نه این سیرین بود  
اگر میند که ثور است بی خواند بظواهر دلیل کند که فیزا قوتی بدید اید از مردم مختشم و اگر میند که ثور است خواند بظواهر دلیل کند که با کسی مختشم  
کند و بروی نظریاید و مرادش حاصل کرد و اگر میند که کسی را تعلیم بخورد و میند که از آنکس خرید و رسد شیر و انبال کوید  
که تیر و خواب دیدن مردیست راست که از آنکس خبر مردم رسد بقول بعضی از متجربان غیبت بود و اگر میند که کسی تیر روی می آید  
دلیل کند که پیغمبی بد و فرورسد خاصه چون میند که بغرض انداخت اگر میند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نام بدانکتش و اقله علم  
بالتصواب حرف الجیم من کتاب کامل التبعیر چه چار و این سیرین کوید که چار و در خواب دیدن ستر پوش زن بود و اگر میند  
که چون از آن چار پوشیده بود و دلیل که در آن کار خیر و شرم بود لکن انگار از آنان کرده دارند و اگر کسی میند که چار و را بدر بد یا ستر پوش  
دلیل بود که در آن وقت ستر روی دریده کرد و کرمانی کوید که چار و شب و خواب دیدن زن بود و اگر میند که چار و شب و فرارفت کسی  
بد و او دلیل کند که زن نو خواجه و اگر میند که چار و نو بخیر و دلیل کند که کینر کی بخیر و از او فرزند آید و اگر بخواب را زنی میند دلیل کند  
که او را شوهر آید و اگر زنی میند که چار و شب و او بسوخت دلیل بود که شوهرش میرد یا در اطلاق و بد حضرت صادق علیه السلام فرمود چار و در خواب  
بر سه وجه بود اول خد و جاده و دوم مردار زن و زن را بنوعی بر ستم که خدای سزای جاد و وی کرد و این سیرین کوید که جاد و وی  
کرد و در خواب کار باطل بود و اگر بخواب میند که جاد و وی میگرد و دلیل کند که کاری کند بهود و باطل و بقول بعضی از متجربان جاد و  
فته بود و آنکس که از بهر او جاد و وی کند جابر مغربی کوید که جاد و وی کرد و در خواب از بهر کسی تعبد بود و بد و رخ که مردمان را بد و فریب  
و جاد و وی در خواب دشمن فریبیده بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که جاد و وی کرد و در خواب بر شش وجه بود اول فتنه و دوم فریب  
سیم مکر چهارم سگالش بر پیغم باطل و دروغ ششم گاری که در آن اصلی نبود چه پامی این سیرین کوید که کسی میند که چار و پانی را  
فرارفت و آن چار و پانی مطیع و فرمان بر دار بود و دلیل بود که بقدر و قیقتان چار و پانی از مردی بیایانی او را منفعت رسد و اگر میند  
که در چار و پانی و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که در بسکس ایشان در میان بود و مطیع او شوند کرمانی کوید  
اگر میند که چار و پانی و شتی را میسریند دلیل کند که مردمان و انار خدمت کند جابر مغربی کوید که اگر میند که چار و پانی شده بود و دلیل  
کند که از او عقل نایل کرد و اگر میند که چار و پانی با او سخن میبخت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر میند که از چار و پانی کوشت میخورد و دلیل بود  
که بقدر آن مال یابد چار و پان سیرین کوید که چار و پان و در خواب دیدن خادم و خدمتکار بود و چار و پان در شب خادمی بود  
که تقاضای چیزی کند و اگر میند که خانه را چار و پان میرفت و دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر میند که خانه کسی میرفت دلیل کند که  
کسی بد و فرسد خاصه که میند خاک رفته را بخانه خود آورد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که چار و پان و در خواب دیدن چار و پان  
دویم منفعت سیم تقاضی چیزی که با مردم بود و بد و رسد چه کرمانی که اگر میند که جام بر آب بمالید و فرارفت یا کسی بد و او  
و از آن بخورد و دلیل کند که زن خوابد یا کینر که خرد و او را فرزندی پارسا آید که از راحت میند و اگر میند که آب با جام بر بخت و جام با ند و دلیل کند

چهارم

پنجم

ششم

هفتم

هشتم

نهم

دهم

که فرزندش میرود و مادرش باز نکند و اگر میند که جام را بشکست و آب باز نهد و دلیل کند که زلش میرود و فرزندش باز نکند و اگر جام بشکست و آب  
دلیل بر پاک فرزند بود و مادرش و جام بر مغربی گوید اگر میند که جام در خانه آید و در آتش نهد بود دلیل بود که بعد آن جامها اول  
کثیر کان و زمان بود و اگر جام سفید یا سبز نیند و دلیل بود که او از زمان صلح با رسا باشد و اگر جامهای سرخ میند و دلیل کند که او از زمان  
سعاشره میند بود و اگر جامها زرد میند و دلیل بود که زمان او بمیان روز و کون باشد و اگر جامها سیاه میند و دلیل بود که او از زمان اندوگین و میند  
باشد جامه و نیالنگ بود که جامه در خواب کسب کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو میند و دلیل کسب کار و نیکو کرد و اگر جامه را بد میند و دلیل کسب  
و کارش بد شود و اگر پوشا در خواب جامه خود را سیاه میند و دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر عیبت جامه خود را سیاه میند و دلیل غم و اندوه و جامه زرد  
بماری بود و جامه سرخ در خواب غرق بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان نیز خوب بود و قوله تعالی عَالِمُ الْغُیُوبِ شَکَّاءُ  
مستعملین خصوصاً آب و جامه سفید شسته ساختن کار مردم بود و جامه بود دلیل بر مفسدت بود و جامه سوخته دلیل زمان  
بود و نسبت پوشا و جامه دیده و دلیل ظاهر شدن را زبود و جامه پشیم و ندین و پلاس از پشیم اینجه دلیل بر مال و خوشه اول  
حاصل کرد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل  
بر طاعت و شناخت کند و جامه که از پوست چهار پایان بود و دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بید زبشکل کفن و دلیل که  
شغلای بی وی در دین تمام کرد و دلکش عیش با آخر رسیده باشد و اگر میند که پوست خرو مشیده بود و دلیل بود که غم و جاده یا بد بخت  
گوید اگر میند که جامه متری پوشیده است اگر از ابل آن جامه بود و دلیل کند که کارش قوی کرد و اگر میند که جامه و مری پوشیده است  
و دلیل که مال بسیار یا بد اما خلق بلا متش بود و اگر میند که جامه حاجی پوشیده بود و دلیل بود که اعطای بزرگان محروم ماند و اگر میند که  
جوانی جامه عروانی پوشیده است و دلیل کند که کسی او را یاری و مدد بطار رسانیدن بوی و اگر میند که جامه جلادی پوشیده است و دلیل  
که مشقت یا بد و اگر میند که جامه صاحب پوشیده است و دلیل که با مانع و زبان آورد کرد و بمهمات ساختن خلق مشغول کرد  
و اگر میند که جامه صوفیان پوشیده است و دلیل بود که دین او زیاده کرد و اگر میند که جامه زاهدان پوشیده است و دلیل بود که با نیت  
بود و اگر میند که جامه بازگان پوشیده است و دلیل بود که کار و کسب و نیل او نیکو کرد و اگر میند که جامه ابل صلاح داشت و دلیل بود که  
کار و پیش بصلاح آید و اگر میند که جامه اهل فساد پوشیده است و دلیل بود که او از ابل فساد و غم و اندوه رسد و اگر میند که جامه فرور کا  
کن داشت و دلیل بود که متغیر و بخور کرد و اگر میند که جامه طبعیان داشت و دلیل بود که کارش نیکو کرد و در میان مردمان مشهور کرد و اگر  
میند که جامه جهودان داشت و دلیل بود که بکر و حیل کسی را بلا کند و سر انجام کارش بد شود و اگر میند که جامه ترسیان داشت و دلیل کند  
که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر میند که جامه کشیش داشت و دلیل بود که صاحب بدعت بود و بسیار کفر  
و ضلالت بود و اگر میند که جامه مخار داشت و دلیل بود که میانش بجانب بد و نهان و جابلان بود و اگر میند که جامه مسلمانان پوشیده  
است و دلیل بود که او را کسی عداوت افتد و اگر میند که جامه مرتدی پوشیده است و دلیل بود که کسی خطائی بدو دهد و باز نماند  
و اگر میند که جامه بت پرستی داشت و دلیل بود بخت پوشا و شغل کرد و یا خدمت متری و اگر میند که جامه زنی پوشیده است و دلیل



بود که از متخیزش دور کرد و اگر بیند که جامه مردان زنانه پوشیده داشت دلیل بود که سبب کاری نیکوین و مستمند کرد و اگر بیند که  
 جامه حمال پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکشت نای کرد و اگر بیند که جامه کوربانی داشت دلیل کند که بخدمت مردی غلبه  
 و درین هست خول کرد و اگر بیند که جامه کشیشانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال یا رسد و اگر بیند که جامه قصابی  
 داشت دلیل بود که ویرانی خانه می رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که باز صحبت دارد و نه بر است که نانی  
 گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را حصار نه کرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و درین و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه  
 نه رفت زن خرمند و کتیک باوینک بود و جامه بر دو خط خیره و منفعت بود و جامه سنی که جهول بود و زخم باز بانه بود یا غمیخت  
 که بدو رسد و جامه محبت مال و خوشه بود و جامه که پیکه تاویل و درین جامه بر و کونه است یک کونه بدین تعلق دارد و یک کونه دیگر نیا  
 و جامه سفید دین است و جامه نوعنامه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ  
 بیند هم دین را بدو بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زنا را نیکو بود و در دنیا  
 و در دین هم نیکو بود و پیرایس و از ازار و طبلستان و قبا و دستار یا خجل مردان را غم و اندوه بود و یا جنگ و خصومت و جامه زرد مردان را بکار  
 بود و بقول بعضی از متعبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دارد و بهار کرد و جامه سبز زنان و  
 مردان را دین بود و اگر بر زنده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل بر شکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده بود  
 اما آنکه پیوسته سفید پوشید جامه سیاه و دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از متعبران طعنه قاضی و پادشاه را  
 نیکو بود و اندر عیت را غم و اندوه بود و جامه که بود بهتان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامه قون رشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل  
 که از پادشاه یا والی آمو لایت سخت شود و اگر او را خوش نیاید جمعیل اشک که یا اگر کسی بخواب بیند که جامه داشت از نیکوین  
 از نیکوین دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند و اگر بیند که از جامه خویش بی خور و دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر  
 و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری ویران زندان کشد و اگر بیند که جامه و صابون  
 گردید یا از روی بستند و او برهنه ماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کرد و حقیر و خوار کرد و اگر بیند که جامه خویش را بریدن داشت  
 که اندوه بگیرد و درین خویش خصوصیت کند و اگر بیند که جامه وی برید و دلیل کند که از انگس شود و اگر بیند که جامه خود را  
 یا جامه اهل خود را مومی کرد و دلیل کند که او را با خویش خود خصوصیت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی بر دو برهنه ماند  
 کند که از خدمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و دلیل است که سفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را و در  
 دلیل بود که غایتش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما تا ترسی عظیم بدو رسد و  
 او را غم و اندوه رسد و بهیچ مرت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیره و نعمت بدو رسد و جامه  
 در خواب غرق بود و بقدر دانی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز در صحنه نانی گوید  
 که بهترین جامه در خواب جامه ایست که از پنبه بود و در وی تو را با بر شمش جامه غشایی از پنبه و بر شمش بود و جامه تنگ

بر دو دلیل بر بال حرام و قضا و کند درین و جامه و سیاهی سر و از بر ششم و از بر او بود و از ناز نیک و جامه کن غم و اندوه بود  
 از قبل پادشاه و اگر کسی بپند که جامه کنه فروشد نیک بود و اگر بپند که جامه کن میخیزد دلیل بر بود و جامه کن پس پوشیدن  
 بد است و جامه کن از تن بیرون کردن نیک است جامه مغربی گوید اگر بپند که جامه شسته بود و پوشید دلیل بود که تائب گشته و  
 و اگر بپند که جامه چگون داشت درویش کرد و اگر بپند که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود و او را نیک بود  
 و اگر بپند که جامه باشکوه داشت دلیل بود که او را منسکری بدید یا حضرت صادق علیه السلام دیدن جامه خود را خواب چاه  
 و چه بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و منفعت و پنجم او که اگر کسی بپند که جامه خود را بمقبره میرسد دلیل  
 که خیر می باشد و در رسد اگر بپند که در آن جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که فساد و میان زنان می افتد جامه خواب  
 این سیرین گوید که جامه خواب دیدن بتاویل ن بود و اگر بپند که جامه خواب سفید پاکیزه بود و دلیل که عیال شادین و از بود  
 و مستور و اگر بپند که جامه خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیال اندوه و رنج بد و در رسد و بعضی از مقبران گویند که جامه سیاه در خواب  
 پادشاه را نیک بود و در عیال را بد بود و اگر جامه خواب را که بپند و دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بپند  
 که جامه خواب چگون و دریده بود دلیل بود که زن او چگون و پلید و ناسازگار بود و اگر بپند که جامه خوابش خضایی کرد و یا بد بود  
 و دلیل بود که زن را غلطان بد یا ناز و مفارقت کند و اگر بپند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیال شادین و حضرت صادق علیه السلام  
 که دیدن جامه خواب بر رسته بود و اول زنی نیک و دوم پادشاه و آسانی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین  
 گوید که جان خواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بپند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیال شادین و یا مالش  
 تلف کرد و یا خود را از آن کرد و اگر جان خویش را صورت مردی نیکو بپند دلیل بود که وی را فرزند نیکو یا پدر و مالش نیکو کرد و یا بخت  
 پادشاه خوش طبع جامه فرزند بود و حالش نیکو کرد و اگر جان خود را صورت مردی زشت بپند تا ویش بخلاف این بود که گفتیم  
 و خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد مرا و کار گرفت  
 از آن با آسمان رفت رسول فرمود که مصیبت کن که جان تو بجان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد را دنیا رحلت کرد و گرافی گوید اگر کسی  
 که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که بکار مضطر مشغول کرد و که در آن ویرانیم جان بود و اگر بپند که جان از کف او با آسمان شد و  
 که زود بمیرد و اگر بپند که در کف جان او زرد بود که در بیماری مصیبت می رود و اگر باز را بگونه سفید و یا سفید بپند عاقبتش نیکو بود و از غم رها  
 یا بد و اگر بپند که سیاه بود و دلیلست که مستوجب عذاب است تعالی بود جامه مغربی گوید اگر بپند که مرده جان می کند و خویشان او  
 بروی نوحه و زاری می کردند و دلیل بود که این میت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بپند که خویشان وی آهسته تنگ بپند و دلیل که خویشان او  
 از وی شادی و خرمی رسد حضرت صادق علیه السلام فرمایند چون بپند که مرده در خواب چنان می کند دلیل بود که جان او عاقبت بود چاه  
 سیرین گوید که چاه در اصل تاویل ن بود و اگر بپند که در جایگاهی چاه می کند دلیل بود که زن خاوار و اگر بپند که بچند چاه کسی او را می کشد  
 دلیل کند که میان او و آتش ن کسی متوسط است و خواهد که بگوید حیدر از زن را برنی می دهد زیرا که کشند چاه مکر حیدر بود و در امثال گویند

نیک

خیر

جان

چاه



سرو چتر میروند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی باید و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر بید که چتر پادشاه و دوست داشت  
ولیل که مقرب حضرت پادشاه کرد و حضرت صادق فرمود که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت و دوم عزت و تقیم مرتبه  
چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مقرب آن  
که که بانوی خانه بود و اگر در خواب ببیند که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود  
و اگر ببیند که چراغ تاریک و سوخته است دلیل که بانوی خانه یا زن یا خادم اگر ببیند که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه او بانوی خانه بی  
جایر گوید اگر ببیند که از آتش زنده چراغ بر آتش و دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا یک زن خرد و اگر سفر غایب و اگر  
بسلطنت باز آید و اگر ببیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر رعایت  
پادشاه بسیار بود و معیال اشفت گوید اگر ببیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزند آید که عزت و دولت باید و اگر  
ببیند که خواب فاسق بود دلیل که بخدا بیغالی باز گردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و اگر  
و میراجا متقی بود و بیشتر التماسین یا ان طعمه من الله فضا لا کثیرا و اگر ببیند که چراغ بر دلیل بود که فرزندش مالک گردید و چراغ  
و دولتش نقصان پذیرد و اگر ببیند که در بر و دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد و بینی و دنیا می او ساخته و اگر ببیند که در دست کبریا  
داشت که در وی و وسوسه راخ و دوفت بملافروخته بود و دلیلست که او را و فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت صادق فرمود که دیدن  
چراغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه و تقیم قاضی ستم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم هنر ششم شکار  
نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش و دوازدهم کینک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه ببیند همچنان بود چراغ پایه این سیرت  
که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر ببیند که چراغ باید داشت یا کسی با و داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر  
چراغ پایه زنک گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خود برین بود و دلیلش منصف بود و اگر ببیند که چراغ پایه جوین بود زن خادمه  
خده و دون بود و بر قول او اعتماد و بر چراغ دان در خواب زن بود و مقرب آن که ببیند که خدمتکار خانه بود و قبیل و چراغ خان کار فرمای بود که کرمانی  
گوید اگر ببیند که چراغ خان همین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گریه به باشد و اگر سفالین ببیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دیگر را با آن  
و اگر ببیند که چراغ خان از دست او بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او میر و چراغ این سیرت گوید که چراغ در خواب پادشاه بود  
و اگر چراغ وحشی ببیند دلیل فرزند می بود که بعد بلوغ و مروی رسد و اگر ببیند که چراغ را بگرفت و بد و شکار میکرد و دلیل بود که پادشاه  
بر او ستم و بیدار کند و اگر ببیند که پادشاه چراغ بد و داد و شکار میکرد و دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران  
ستم کند و اگر ببیند که چراغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزند آید یا فرمان اگر ببیند که از گوشت آن چراغ چیزی می خورد  
و دلیل بود که از فرزند برنج و بدی ببیند کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با سبب و قوت بود و اگر ببیند  
که چراغ در خانه وی یکبار باد و بار بانهت میکرد دلیل بود که او را زانی رسد و اگر سه بار بانهت کرد و هیچ زبانش نرسد و بعضی از  
مستجران گویند که چراغ مروی زد بود که شب کار با کند چهره این سیرت گوید که هر که در خواب ببیند که جامه چرک داشت دلیل که

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

که اگر

چشم  
چشم  
چشم

فنا و کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تنهایی و دین و دنیا می او و اگر بیند که چرک جامه او  
بروگان بود و دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود و اگر مانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن  
خیر و منفعت نباشد چرخ در خواب زنی بود و مختلف حال بر آنکه کی احوال و موی زاده اگر بیند که چرخ داشت یا کسی بد و او دلیل بود  
که زنی بد نصیحت که گفتیم بخوابد و اگر بیند که چرخ او ضایع و دلیل بود که زنی بد و باطلاق و بد جابر مغربی گوید اگر بیند که چرخ سفید روشن  
بود و دلیل بود که زنی مستور با باناست و خوب روی بخوابد اگر بیند که چرخ تیره و سیاه بود تا و پیش بخلاف این بود چشمتن این سر پرست  
اگر کسی بیند که از جانی محبت لیل بود که از جانی که وارد بحال می شود و اگر چشمتن دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی  
یا نوبه در دست داشت و بدان از جانی بخانی محبت و دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و کار می تا انکار بر او می  
بر آید و اگر بیند که از دیاری فرو جست و بر ستون نشست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت  
و بر و دلیل بود که زن را و جدا کرد و با پیش می آید و اگر بیند که از زمین به هوا بر جست و روی بقبل آورد و بعد از آن رخ و زار در حرم وید  
یا در که یار مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی محمول سرانی محمول جست دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که با شکر  
همی جست و معلق می زد و دلیل بود که کاروی باشد نه بود و عیش بر روی تباها کرد و اگر بیند که به هوا بر جست و مرغی را گرفت و دلیل کند  
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعضی از جانی بخانی محبت و دلیل بود که از ریج و اندیشه بهر و کارش نظام شود  
چشم این سرین گوید که چشم بخواب دیدن مرد بینایی بود که بدان راه بدی یا بد چشم از رزق بدعت بود و چشم شعله افروزند بود  
و اگر بیند که با میا شده است و دلیل بود که از راه بدی کشیده بود یا فرزند وی میر و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که چشمش کور  
رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود و یک دست یا یک پای اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی گوید که  
بیند که چشمش سرمه کشید و دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خوشی را با باناست  
و دین دار برودان نماید تا غرر کرد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد و تا در چشم کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنی  
چشم او ضعیف بود بظاهرو باطن دور وی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را بحال میدید و دلیل بود  
بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او  
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آتش است  
و دلیل بود که پرده او دریده کرده و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشمش با زخمیتو است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت  
کند و اگر چشمش را منصف بیند و دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشمش خود را کند و بیند و دلیل بود که از دین شریعت  
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است و دلیل بود که بر زبان او سخن ناسازد و در باب دین و اگر بیند که چشمهای او را  
است و مردمان بنده اند که او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل  
شد و دلیل بدی و بر کشتن حال او بود و قوله تعالی وَتَحْشُرُ الْجَحِيمَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ وَفَقَا و اگر بیند که هر دو چشمش افسید شد و دیگر باره

چشم



گفتند و اگر بیند که با چنانچه چنگ نامی و قص بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چقدر در خواب مروی بود و نا بکار حرم  
و حرام بود و اگر بیند که کسی چقدر همی که و دلیل بود که او را با چنین مردی خصوصت افتد و دیگر همه حال دیدن چقدر در خواب مبارک  
نشان شد که رانی که دید اگر کسی بیند که او را چقدر همی شنید و دلیل بود که در آنجا نوحه و شیون بود و بقدر با نک چقدر و اگر بیند که چقدر بود  
و دلیل که فرزند او شود و نا حلف بود و اگر بیند که کشت چقدر همی خورد و دلیل بود که از مال مروی در نا بکار بقدر آن چیزی  
بخورد و چقدر این سیرین که دید که چقدر در خواب دلیل غم و اندوه بود اگر کسی بیند که چقدر همی خورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه  
خورد و اگر بیند که چقدر از خانه بیرون انداخت و دلیل بود که از غم فرج یابد این سیرین که دید که چقدر در خواب منفعت اندک بود از جهت زمان و چقدر  
پخته هم از زمان منفعت یابد اندکی چنگ محمد بن سیرین گوید که اگر بیند که چنگ هر دو بوی او یا مهر کرده بیافت دلیل بود که مال  
و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی برو چنگ یا خط و قباله میبشت و دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید که اگر بیند که چنگ هر دو  
کرد و داشت مهر از هر گرفت و دلیل است که در مال و نقصان افتد اگر بیند که چنگ از وی ضایع شد یا بسوخت و دلیل بود که وی  
ضایع کرد و چکا و ک بغاری قبره خوانند و مالیش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکا و ک نر گرفت یا کسی که  
او و دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکا و ک نر بود و غلام پسر آید و اگر مده بود و غلام را دختری آید که رانی گوید که چکا و ک  
در خواب مروی بود شیرین سخن غریب و کم از هر چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و ک ویرا عطا داد و یا گرفت دلیل بود که با چنین مردی  
او را صحبت افتد چنانکه سیرین گوید که چکر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که چکر مرد بود و دلیل بود که مال پنهان کرده بیابد  
و هرگز نکند اگر بیند که بسیار چکر پخته یا بریان کرده او را حاصل کرد و یا خام و دلیل کند که کج بیاید و چکر کا و دو ک سفید هم دلیل مال  
و لغت بود و بعضی از متعبران گویند که چکر بخواب دیدن دلیل بر فرزند آن بود چنانکه رسول فرمود اولادنا اکبانا که رانی گوید  
که بیرون آمدن چکر پیداشدن مال پنهان بود که پید کرد و چکر بسیار اگر پخته یا خام بود و دلیل کند بر یافتن کج و هر علم غیبی  
صادق فرماید که دیدن چکر در خواب بر سه وجه بود اول فرزند و مال و تویم دوست که بجای فرزند و تویم علم و اگر بیند که از خانه  
او چکر بیرون میگرداند یا آتش چکر را از میسوخت و دلیل بود که پادشاه کج و مال و بستاند اگر آن خواب را عالمی بیند دلیل بود که  
جمله فراموش کند محاممت و انیال گوید که محاممت کردن در خواب را داشتن حاجت بود خاصه چون بیند که سنی از وی  
جد کرد و اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت درو کرد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که  
او را نکند و اگر بیند که با زن خود محاممت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر و دلیل کند که زنی دیگر خواهد از وی خیر و منفعت  
بیند این سیرین گوید که اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر محاممت کرد و دلیل که مروی است بدو بر طلب کار ناسزا و در آنکار او  
مصلحت نباشد و سلت و سول تاراکا و نازد و اگر بیند که با بیای یا بیای یا کسی که بدو محاممت کرد و دلیل بود  
که شفقت خویشی از وی بریده کرد و اگر زننده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متعبران گویند که اگر زننده بود از وی خیر و نیکی  
بیند و باشد که کج اسلام کند اگر بیند که با زن که مرده بود محاممت کرد و دلیل بود که غمگین و مستمند کرد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه



جماعت کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نومید شده باشد تمامی نیاید مگر ده که یکجا نه بود اگر میند که با جان مجهول مجامعت کرد و در آن  
ایشان خصومت بود و دلیل بود که صحبت با آنجا و از او خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جوان معروف بود و بر وی ظفر یا بد اگر میند که جماعت  
با مردی پیر میگرد و دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود میند که مالی که بد اگر میند که خیزی بد و شیزی بست دلیل بود که در آن سال فی خواهر  
یا کتیر کی بخرد و اگر میند که بچرم پادشاه شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بد اگر میند که با دوی جماعت کرد و همین دلیل میند که کار  
برداشت و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل میند که با کسی که بد آن مغنوب باشد  
ظفر یا بد اگر میند که با ترسانی یا جهودی یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام نشود و اگر مردی پیر که بجای  
شهرتش زایل شده بود و خواب میند که شهرتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل میند که در کار دین نیک راغب بود  
و اگر میند که با زنی نامکار جماعت کرد و دلیل میند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی میند همین تاویل دارد و اگر خبری  
گوید اگر میند که با شهر جماعت کرد و دلیل بود که از سختی برده و بر دشمن ظفر یا بد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر میند که با پادشاه  
جماعت کرد و دلیل است که خرم و نزدیکی کرد و اگر میند که با زن پادشاه جماعت کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زن حایض مجامعت کرد  
که کاش بد شود و اگر میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل میند که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده بود و از  
خویشان او مفارقت کند بعضی از بقرآن گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیایی بود و همین اشفت گوید اگر کسی میند  
که با زن او که کتیر گشت بود و مجامعت کرد و دلیل میند که از پادشاه خیر و منفعت بد و رسد و اگر میند که با مردی معروف جماعت کرد و دلیل است که از او خیری بد  
و اگر میند که با مردی مجهول جماعت کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت رود و اگر دو اگر میند که با مردی مرده جماعت کرد و دلیل بود که از برای او دعای پیکار  
کند و اگر زنی میند که با زنی دیگر جماعت کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش را کرد و در حضور حق بخورند و اگر در خواب جماعت کرد که از او غسل واجب کرد و با او شستن  
جلباب این سیرین گوید که جلباب خردن مال حلال و دین پاک بود و اگر کسی میند که او را جلباب داد و بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد  
و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر میند که کسی با او جلباب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد و اگر میند که جلباب  
بخورد و بر زمین ریخت تا ویشن بخلاف این چنانچه اگر کسی میند که جنازه میبرد و ند و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان  
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لیکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او برود و او را بر جبار نهاند و او را پیر و فرموده و مال آن  
جنازه و میرفتند و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد لکن دین او نفع داد و با القوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر میند که جنازه  
مرده برداشت و میرد و دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که قومی از پس جنازه او میرفتند و میرفتند  
و دلیل میند که مردی بزرگ از آن شهر و رستخیز میرد و اگر خدایش را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین میرفت و دلیل میند که سفر شود و مالی که  
اگر میند که جنازه میرد و دلیل میند که جنازه او کسی بخورد و دلیل بر نقصان غر و جاه و کاروی کند و اگر میند که مردمان در چندان  
او بود وایشن بخلاف این بود اگر میند که بر جنازه کران بود و دلیل میند که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود  
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو گردد و اگر میند که از جنازه و بیضا و و با کسان که او را میرد و از جنازه میند اخذند و دلیل بود که از آنجا

جماعت

بلاست

جنازه







برجامه و بخت دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر ببرد و او را زیان نداد و اگر میند که بجز جبری نیست از آنکه نوشت از قرآن  
 یا از نام خدا تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که میند و دلیل بر شر و فساد او کند حسب خودن این سیرین  
 بود که حسب خودن در خواب اگر میند که از بزرگی بیماری خود و دید که در خوردن او شفا و منفعت یا در دلیل بر خیر و منفعت کار کند و اگر میند که از خوردن  
 او منفعت نبود و یا دلش بخلاف این بود که گذاردن این سیرین رحمت الله علیه گوید که خواب میند که چرخ رفت همچنان و اتفاق کج گذاردن و از روی  
 و اگر بیماری این خواب میند شفا یابد و اگر دام دارد میند و ایش گذارد و شود و اگر سفری میند سلامت بتمام خود برسد  
 و اگر خواب میند که چرخ رفت و چرخ از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و دو کارش نظام بود که مانی رحمت الله علیه گوید که  
 خواب میند که چرخ رفت و در حرم لبیک میزد و دلیل که او را ترس می بود و اگر میند که چرخ می روی واجب شد لیکن در رفتن قصد نکند  
 دلیل که خیانت کند و اگر میند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر میند که در خانه نعلبه نماز میکند و دلیل که از بزرگان  
 منفعت یابد و کارش نیکو شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که چرخ گذاردن در خواب بر بخت وجه بود یکی ترس که گرون و یکی  
 کثرت خریدن نسوم زیارت پادشاه و او که کردن چهارم نیکوئی پیچ می نمودن در کار خیر ششم مزو ثواب یافتن هفتم صحبت  
 علم رسیدن حجر الاسود و این سیرین رحمت الله علیه گوید که میند که بجز سود دست نلید دلیل که از اهل حجاز او منفعت رسد و اگر میند  
 که حجر الاسود را برکنده داشت دلیل که بد مذمب باشد ولی اعتقاد و ناپاک بود و اگر میند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که  
 باز بر راه صلاح آید و اگر میند که آب زفر میخورد دلیل که چیزیکه از وی کشده باشد باز بوسی رسد که مانی رحمت الله علیه گوید که میند  
 که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین می زیاد شود و با علمای پیوند و حجامت کردن این  
 سیرین رحمت الله علیه گوید که اگر میند که حجامت او حجامی بیکانه در جانی بیکانه کرد و دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر میند که حجامت  
 کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر و دشمنی این شود و از غم فرج یابد اگر جوی این خواب میند بهر حال و دلیل دارد  
 و اگر سیری میند بزرگی یابد که مانی رحمت الله علیه گوید که اگر میند که پیر حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر میند که پادشاه را حجامت  
 کرد و دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر میند که چون حجامت کرد و خون از وی نیاید دلیل که زن از وی بنا کام جدا گردد و با او طلاق  
 یابد یا میرد مغربی رحمت الله علیه گوید که حجام هر بخت میند خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر میند خواب نه او نیست  
 و دلیل که مستوفی شود یا بپیر پادشاه گردد و اگر جابل بود و در قرض غرق شود جعفر صادق علیه السلام میگوید حجامت کردن در خواب بر بخت  
 وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شر و طو خاندن سوم ولایت یافتن چهارم غره بزرگی حجامت هفتم مرقت ششم سنت پیغمبر علی  
 السلام هفتم آنکه اگر عامل بود و عمل مغضول کرد و بعضی از مجتران گویند که حجام جوان بود و دلیل که محاسب خرج بود یا بنیاید و خبر  
 و کار مردم بدست وی کشاده گردد و حد ثرون این سیرین رحمت الله علیه گوید حد ثرون در خواب دلیل بر فراهم آمدن کارها  
 باشد اگر میند که او را حد میزند دلیل که بعد از آن کار فراهم آورد و اگر میند که او را کسی حد زد و او دلش بخلاف این بود مغربی رحمت الله علیه  
 گوید که میند که کسی را از بهر کنایه حد زد و اگر میند خواب صلح بود و بخل و نیامشغول شود و اگر میند خواب منفعت بود و دلیل که

حجر الاسود

حجر الاسود

حجر الاسود

حد ثرون

واندو بود و حربه نیزه کوتاه بود و اگر خواب بیند که حربه داشت دلیل که او از نذری آید و اگر زن نذر مال یا بدو اگر بیند که با حربه است  
 تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یا بدو اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یا بدو اگر بیند که حربه خود کسی  
 دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود شکست دلیل که از دشمن نصرت یا بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 در خواب دیدن برشش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر در از چهارم ظفر پنجم با ست ششم منفعت حرم جای این  
 اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از اوقات دنیا امینی یا بدو او را حج روزی شود که فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حرم یا پادشاه یا بزرگ  
 رفت دلیل که از همه شر این گردود باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با ابل آن حرم و اگر بیند که  
 یا پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار به نامی حاصل آید که  
 بیند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و هر بر و خرو و بیب در حرف دل بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر کسی خواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد که فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در حق  
 حساب با وی آسان میکرد امید هست که رستگاری یا بدو اگر بخلاف این بیند دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 حساب قیامت خواب دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و بیخ چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم  
 عمر کوتاه هفتم اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از دشمن این گردود اگر بیند که از خصم بیرون آید دلیل که بر دشمن ظفر یا بدو فانی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از دشمن این گردود اگر بیند که از خصم بیرون آمد بخلاف  
 این در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که لغت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تنگ باشد  
 او و در بستی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یا بدو اگر بیند  
 که حصیر بیافت دلیل که بزرگی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که بیافت دلیل که آزار بی حاصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر  
 قیمتی یا پاکیزه بود دلیل که زنی محترم با اصل بخوابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حصیر بیافت و میفرودخت دلیل که او را  
 عمنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خوشگاری که آن  
 او را لغت بود حقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حقه در خواب در خشم شدن باشد و از جانی یگانی شدن چنانکه  
 از شخصی آن به پیش شود و بعضی از معتبران گویند حقه در خواب کاری بود که بر بیند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند  
 که او را حقه کردند و از آن رخ دید و دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این بیند خیر منفعت یا بدو حقه ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید حقه در خواب از آن باشد یا کمتر اگر بیند که حقه نو فر گرفت یا بخیزد یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد یا کمتر خرد و اگر بیند که  
 حقه شکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ منقش است دلیل که  
 زنی توانگر بخوابد و از منفعت یا بدو اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر خواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بخفت و دلیل بر ناپی دین وی بود

خواب بیند که حربه داشت  
 خواب بیند که حساب میکرد  
 خواب بیند که در حصاری شد  
 خواب بیند که حقه شکست

کتابی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خوانده و اگر می بیند که اوراقی می بیند  
دلیل که بیننده خواب نماز نگذاشته و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بردست وی گذاشته و هر دو اگر بیند که حلاجی میگوید دلیل که با  
مردی چنین که گفتیم او را صحبت یافته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب برود و وجه بود یکی منفعت و دومی که کتاب  
حکایت آنکوز بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب مال بسیار بود و برین خالص  
بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب مال بسیار بود و برین خالص  
و یک لقمه از حلاجی بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی که مغربا بود و یا منفر جز در دو باشد منفعت بود که با  
رسد از مردی چنین مغربا رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب دلیل که بقدر آنکه حلال و روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی  
از عفران بود بهتر بود و حلاجی در خواب مردی شیرین سخن بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب  
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بقدر آن که با او راحت و خیر  
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نرسد میرسد و دلیل که کثرت و عجز می شود و قوله تعالی حلاجی  
و از ارجم کماله یوم القیمه مغربا رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حامی از هر دیگران میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن  
کنده و اگر بیند که حامی میگرد و مزد میگیرد تا ویش غم و اندوه و وحنا که با می رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای  
حنا نهاده و دلیل که خوشتر از بیا باید و لیکن در بین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشتر از این پویشیده نماید  
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی اگر این خوش نشان و دوم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و خطوبه بوی خوش باشد که بر مرد کند  
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خطوبه بوی بر آید دلیل که تا بیک روز و در پناه حقی تعالی باشد و اگر بخواب کسی مصحح بیند غم  
و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد که کالی رح گوید که خطوبه و شنبو شدن ستایش مردم بود و با خطر بجهت آنکه بعضی از متعبران گویند  
که نیکبانی بود بر اهل بیت بر اندازد خطوبه حوض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در  
حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خور آب حوض شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصبانیت  
باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانده و مالش زیاده شود و کالی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در  
بشت و دلیل که اهل بیت او توبه کنند و راه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلکم  
بخندد و اگر بیند که بخنجره حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود  
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد  
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغربا رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را عفت و می کند

حلاجی رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خوانده و اگر می بیند که اوراقی می بیند دلیل که بیننده خواب نماز نگذاشته و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه علیه گوید که حلاجی در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بردست وی گذاشته و هر دو اگر بیند که حلاجی میگوید دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت یافته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب برود و وجه بود یکی منفعت و دومی که کتاب حکایت آنکوز بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب مال بسیار بود و برین خالص بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب مال بسیار بود و برین خالص و یک لقمه از حلاجی بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی که مغربا بود و یا منفر جز در دو باشد منفعت بود که با رسد از مردی چنین مغربا رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب دلیل که بقدر آنکه حلال و روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی از عفران بود بهتر بود و حلاجی در خواب مردی شیرین سخن بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بقدر آن که با او راحت و خیر رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نرسد میرسد و دلیل که کثرت و عجز می شود و قوله تعالی حلاجی و از ارجم کماله یوم القیمه مغربا رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حامی از هر دیگران میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن کنده و اگر بیند که حامی میگرد و مزد میگیرد تا ویش غم و اندوه و وحنا که با می رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای حنا نهاده و دلیل که خوشتر از بیا باید و لیکن در بین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشتر از این پویشیده نماید و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی اگر این خوش نشان و دوم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و خطوبه بوی خوش باشد که بر مرد کند ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خطوبه بوی بر آید دلیل که تا بیک روز و در پناه حقی تعالی باشد و اگر بخواب کسی مصحح بیند غم و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد که کالی رح گوید که خطوبه و شنبو شدن ستایش مردم بود و با خطر بجهت آنکه بعضی از متعبران گویند که نیکبانی بود بر اهل بیت بر اندازد خطوبه حوض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خور آب حوض شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصبانیت باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانده و مالش زیاده شود و کالی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در بشت و دلیل که اهل بیت او توبه کنند و راه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلکم بخندد و اگر بیند که بخنجره حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغربا رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را عفت و می کند





و در میان خاشاک تقسیم شد دلیل که بعد از آن اول مال نعمت حاصل شود و اگر میند که خاشاک او را با و بر و یا با شش بسوخت دلیل که با و  
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر توبه بسوخت دلیل که مال خود هر چند کند و اگر میند که خاشاک از حرامی آورد و  
بخانه میرسد دلیل که بعد از آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بعد از آن  
نیز خیر و منفعت رسد خاشاک این سیرین رحمة الله علیه که در خاشاک و در خواب و پیرن اندک و بسیار درم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک  
دلیل که بعد از آن خاشاک درم یا بدوی بیج نبوی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر سر داشت یا خاک  
دلیل بر مال بود که زمانی رحمة الله علیه که اگر میند که خاک را نه میکشید و در پیروغ نه پر کند و میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک را  
می افشاند و دلیل که بعد از آن مالش ضایع شود و معتبران گویند که از مال می دست بازند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب بر سرخ و در  
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده اقبال پادشاه پنجم فایده اقبال رئیس خاکستر این سیرین رحمة الله علیه که بد خاکستر و در  
مال باطل بود و اقبال سلطان که بر کسی باقی نماند و معتبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه  
عنه که بد خاکستر و در خواب بر سر و وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم شتم مکر و حیلت  
ششم حسرت هفتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا يَبْرَأ كَلِمًا تَتْلُو كَلِمًا كَلِمًا تَسْتَكْبِرُ** و  
بعد از پنج می نویسم حاصف خامه قلم باشد و اگر میند که قلمی را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش درست شود  
و مرادش بر آید و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکی کند و اگر شر بود و دلیل بر بسا و کند و اگر میند که بد  
قلم می نوشت و دلیل که فاسبی که در سفر دارد زود باز آید که زمانی رحمة الله علیه که بد اگر کسی در دست خود قلم نشستن بنید اگر از اهل علم بود  
دلیل که با علما و صحابه صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواند و دلیل بر مکر و بی بود قوله تعالی **أَفَرَأَيْتُمْ كَلِمَاتٍ** که  
**يَتَّبِعُهَا الْيَوْمَ عَلَيْكَ جَسَدًا** و اگر آنچه نوشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود و دلیل که عز و جاه یا بد و اگر میند که قلم در دست وی  
نشست اگر عالم بود و دلیل که حشمتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار جاه و  
بود یا از شمار پرندگان تا و دلیل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که بد قلم در خواب بر مینفت و بد  
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه این سیرین رحمة الله  
علیه که بد خانه مرد را در خواب زن بود اگر خواب میند که خانه با ستونهای از جای بر داشت و دلیل که زنی خواهد با متروت و کرم بود و اگر میند که  
خانه نوشد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب  
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نخیده بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه بچانه های دیگر پیوسته و دلیل که از پنج سخن  
رسته گردد و اگر بسیار بود و شفا یا بد و اگر میند که در خانه خود نشست و دلیل که مال بر نماند و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و  
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر خلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی تنگ گردد که زمانی رحمة الله علیه که بد اگر میند که خانه او  
بسیافت و یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه

خاشاک

خاشاک

خاشاک

خاشاک

اینست دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه او سینه بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسْلَافًا مِمَّنْ بَغَتْ**  
**عَنْ آلِهِمْ** و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباها کرد و خرابی  
 این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر شد نسبت اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد  
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمنا فوج باید کرد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانمانی بسیار بدیداد دلیل که  
 انجاش و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر که بود دلیل دیدن خالیست در خواب بر قومی مستری کند اگر بیند که خالیست کسی  
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مهر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بر زمین و مهر بر  
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست او ضایع شد دلیل که از مهری جدا افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بهنگری نداند و بیند  
 که خالیست برسد آن میزد دلیل که میانه دو مهر سخن چینی کند و دشمنی نکند خایه مرغ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ در خواب  
 کثیر بود اگر خواب بیند که مالکان پیش او خایه کرد و جمل بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن  
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ بخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد و دلیل که  
 بعض مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه مرغی خورد و دلیل که زن بسیار بخورد و بجعل حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست  
 چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و خایه یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند  
 و دلیل که کار مرده اوزده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر تیرا و شیر کی  
 بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند درویش و سچا بود و خایه  
 بچشت دلیل بر خورید و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد و دلیل که فوت و فرزند و مالش زیادت  
 شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان  
 ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشد دلیل که او را فرزندی حرام زاده بود که نسب می از کسی دیگر باشد و اگر بیند  
 که خایه اش آسیده بود یا با بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز  
 چنانکه بر زمین میکشد و دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشد و دلیل که هر دو بازمان یکدیگر فساد میکنند  
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشد و دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت گرفت و دلیل که خرم کن  
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید و دلیل که قوتش بریده شود و اگر  
 بیند که خایه ای وی بر میان یا پیچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار نابر وی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب دلیل  
 بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که خایه  
 وی بیرون کشید و دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند  
 و دوم مال سوم ابلت چهارم غم پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چار وجه بود یکی

اینست دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه او سینه بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسْلَافًا مِمَّنْ بَغَتْ**  
**عَنْ آلِهِمْ** و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباها کرد و خرابی  
 این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر شد نسبت اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد  
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمنا فوج باید کرد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانمانی بسیار بدیداد دلیل که  
 انجاش و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر که بود دلیل دیدن خالیست در خواب بر قومی مستری کند اگر بیند که خالیست کسی  
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مهر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بر زمین و مهر بر  
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست او ضایع شد دلیل که از مهری جدا افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بهنگری نداند و بیند  
 که خالیست برسد آن میزد دلیل که میانه دو مهر سخن چینی کند و دشمنی نکند خایه مرغ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ در خواب  
 کثیر بود اگر خواب بیند که مالکان پیش او خایه کرد و جمل بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن  
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ بخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد و دلیل که  
 بعض مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه مرغی خورد و دلیل که زن بسیار بخورد و بجعل حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست  
 چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و خایه یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند  
 و دلیل که کار مرده اوزده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر تیرا و شیر کی  
 بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند درویش و سچا بود و خایه  
 بچشت دلیل بر خورید و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد و دلیل که فوت و فرزند و مالش زیادت  
 شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان  
 ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشد دلیل که او را فرزندی حرام زاده بود که نسب می از کسی دیگر باشد و اگر بیند  
 که خایه اش آسیده بود یا با بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز  
 چنانکه بر زمین میکشد و دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشد و دلیل که هر دو بازمان یکدیگر فساد میکنند  
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشد و دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت گرفت و دلیل که خرم کن  
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید و دلیل که قوتش بریده شود و اگر  
 بیند که خایه ای وی بر میان یا پیچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار نابر وی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب دلیل  
 بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که خایه  
 وی بیرون کشید و دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند  
 و دوم مال سوم ابلت چهارم غم پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چار وجه بود یکی

خایه آدمی

خایه مرغ

مرا و یافتن دوم زن خوشن سوم کثیر خرمین چهارم فرزندان آوردن خیمه کردن ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بیند که خیمه کرد و دلیل که غمگین شود و در عمل مغرور گردد و اگر بیند که کسی را خیمه کرد و دلیل بر غم و اندوه و بود و بعضی از  
مستحبران گویند تنگ عیشی بود و خفته کردن ابن سیرین رح گوید اگر خواب بیند که خفته کرد و دلیل که سنتی بجای آورد که او  
یا که گردان از گناهان و اگر بیند که بهنگام خفته خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توان  
کنده و اگر بیند که چون خفته کرد و نظر خفته داشت دلیل که غم و اندوه و بسیار رسد که آنی گوید اگر بیند که او را خفته کردند و دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر  
مکرده باشد و دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق صلی الله علیه و آله گفته که خفته  
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سلت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم روشن چشم جدائی از زن و فرزند و خبر  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبزه و شیرین عافیت و منفعت بود چون بوقت خود بیند و خربزه خورد  
نیکوتر از بزرگ بود که آنی رحمه الله علیه گوید خربزه سبز در خواب لیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش می  
هناده بود و دلیل که بانه می گرفتار کرد و مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود و با منفعت بسیار عیش  
خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت  
عیش و خوش خاصه که چون شیرین بود و خرچک در خواب لیل بر مرد و دین همت بود و اگر بیند که خرچکی گرفت و دلیل که با کسی  
همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بیند که خرچکی را بکشت یا دور انداخت و دلیل که از بدخوی دور  
همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچک میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند که آنی رح گوید اگر بیند که خرچکی داشت  
و دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوئی باشد که از وی نیکی باشد خروانیل علیه السلام گوید خرد در خواب دیدن بخت  
و بزرگی بود و نیکی و بدی خرب بیند خواب باز گردد و اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خرا بگرفت و  
و دلیل که در خیر بروی کشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خرب بسیار بیند دلیل که نعمت مال از وی آید که در دو بهترین خرمائی که خواب  
بیند آنست که مطیع او بود و ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود و دلیل که منتی و بزرگی یابد و اگر بیند که  
خر سیاه نشست دلیل که غوغا باشد و پیغمبر آید و اگر بیند که بر خری بنشیند دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری  
سرخ نشست دلیل که عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر صافه آستین نشست دلیل که خرم خرمی  
و اگر بیند که گوشت خر میخورد و دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که مال خود بپزد و اگر بیند  
نشست و خر بر و دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش سیفت و دلیل که در ویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از  
خر یکم بکشد و بنود سیفت و دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرو آمد و دیگری بر خر نشست و دلیل که مال خود را  
نفته کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرو آمد و دلیل که گامی و حاجتی که طلب کند زود همیا گردد و اگر آنی رح گوید اگر بیند که  
شیر خر میخورد و دلیل که بیمار شود و دود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد و دلیل که حاجتی یا بد بسبب سختی که با او

خواب بیند که خیمه کرد

خربزه خورد

خرچکی گرفت

خر سیاه نشست

خرخورد

گوید و اگر بینه که خروى يك چشم داشت يا چشمش ضعيف بود دليل كه بشواري طلب معيشت بود و اگر بینه که خروى داشت و آن  
 هر دو چشم نداشت دليل كه ماليكه وار و ضايع نشود و اگر بینه که دست و پاى خروى بسيار بود و دراز شد دليل كه او را بيع بسيار شود  
 و اگر بینه که خروى بر دو او بر خروى ديگر نشست يا خريكه داشت بفروخت و خروى ديگر بخريد دليل كه معيشت وى از حالى  
 بجالى گردد و اگر بینه که خروى بهتر شد دليل كه معيشت وى از سلطان بود ليكن به ظلم و اگر بینه که خروى كوشه شد دليل كه مال  
 حلال يا بد و اگر بینه که خروى مرغى شد دليل كه معيشت وى از خيزى باشد كه بدان مرغ منسوب بود و اگر بینه که خروى وزد بود  
 دليل كه زن وى بفنا و شهوت يابد و كار او با زن بفراق انجا مد و اگر بینه که خروى قوى و توانا بود دليل كه كار و كسب و نياز او  
 آسان گردد و اگر بینه که خروى اين بینه دليل كه كار و كسب دنيا بروى تنگ شود و دشوار گردد و اگر بینه که بر خر خروارى بار نهاده  
 و او بالاي بار نشسته بود دليل كه توانگر گردد و اگر بینه که با خروى مجامعت دليل كه مراد ماى خود بيايد و اگر بینه که خرا بر پشت  
 گرفت و از آبى بگذرانيد دليل بر قوت حال و بزرگى بر بخت و اقبال بود و اگر بینه که خروى بانگت كرد دليل كه نيگه نباشد و تو  
 از آننگاه كه صوت لى صوت لى مخرجى روح كه بدار بینه که بر خروى نشسته بود و آن خروى را و بانگت ميكرد دليل كه عيال نشين شود  
 باشد و اگر بینه که خروى داشت و با خروى ديگر بدل ميكرد و از خروى بدتر بود دليل كه حالش بنگردد و اگر خروى بهتر بود و حالش نيكو شود  
 و مالش زياده شود و اگر بینه که خروى با سبى بپوشيد دليل كه او پادشاه مال و منفعت يابد و اگر بینه که با دوى بدل كرد  
 دليل كه از پادشاه ستمگ خيزى بوي رسد و اگر بینه که خروى با مرغى بدل كرد دليل كه بقدر حقيقت مرغ خيزى بوي رسد جعفر صادق  
 كويدن كه دين خرد خواب برده و بجه بود يكى بخت و دم دولت سوم فرمان رواى چهارم رياست پنجم مال ششم زن كنيك  
 هفتم شامى هشتم قبال نهم بزرگوارى دهم مرتب و خزينه و در خواب و دين خداوند ولايت و تدبير بود و راست كنند كار را  
 و قضا دارند و معيشت خردگوار بن سيرين كويد اگر بینه که خروى بوي رسيد دليل كه غنيمتى بوي رسد و اگر بینه که خروى  
 بود و آن خروى مطيع او بود دليل كه عاصى و كنهگار بود و اگر بینه که خروى را بوي جنگ و بنزد ميكرد دليل بر سختى كار و بختى بود كه بوي  
 رسد و اگر بینه که خروى را بگرفت دليل بر خير و منفعت بود و اگر بینه که و خروى را بهم جنگ ميكرد و دليل كه دو مرد فاسق از هم جدا  
 با هم جدا گشتند و اگر بینه که خروى را بجان آورده دليل كه فاسقى را بجان آورد و كراتى رحمة الله عليه كويد خروى را در خواب  
 مردى جاى حق بود و او را علم و خرد نباشد قوله تعالى اولئك كالا نسا بلهائم اصل اگر بینه که گوشت خروى را بوي رسيد  
 مال بسيار يابد و اگر بینه که بر خروى نشسته بود و بيفتا و دليل كه كارى طلب كند و نيايد و اگر بینه که بر خروى نايستاده بود دليل  
 مالى بى اندازه يابد و مرغى رحمة الله عليه كويد دين پوست و گوشت خروى در خواب غنيمت و مال بود و عذوبه و اگر بینه که مغر خروى  
 يافت دليل كه هزار دم يابد و او بهترى صحبت افتد و از خير و منفعت بيند و اگر بینه که سر خروى خورد و دليل كه عبادت بسيار ميكند  
 و راه دين دراز و اگر بینه که خروى را بوي ميكرد دليل كه از مسلمانان مفارقت جويد و خروى را بن سيرين رحمة الله عليه كه بخرد و خروى  
 دليل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بینه که خروى را بوي نفعشان مال بود يا بوي و بيمارى گرفتار شود و مرغى رحمة الله عليه كويد خروى را

اگر بینه که خروى را بوي رسيد دليل كه غنيمتى بوي رسد و اگر بینه که خروى بود و آن خروى را بوي جنگ و بنزد ميكرد دليل بر سختى كار و بختى بود كه بوي رسد و اگر بینه که خروى را بوي ميكرد و دليل كه دو مرد فاسق از هم جدا با هم جدا گشتند و اگر بینه که خروى را بجان آورده دليل كه فاسقى را بجان آورد و كراتى رحمة الله عليه كويد خروى را در خواب مردى جاى حق بود و او را علم و خرد نباشد قوله تعالى اولئك كالا نسا بلهائم اصل اگر بینه که گوشت خروى را بوي رسيد مال بسيار يابد و اگر بینه که بر خروى نشسته بود و بيفتا و دليل كه كارى طلب كند و نيايد و اگر بینه که بر خروى نايستاده بود دليل مالى بى اندازه يابد و مرغى رحمة الله عليه كويد دين پوست و گوشت خروى در خواب غنيمت و مال بود و عذوبه و اگر بینه که مغر خروى يافت دليل كه هزار دم يابد و او بهترى صحبت افتد و از خير و منفعت بيند و اگر بینه که سر خروى خورد و دليل كه عبادت بسيار ميكند و راه دين دراز و اگر بینه که خروى را بوي ميكرد دليل كه از مسلمانان مفارقت جويد و خروى را بن سيرين رحمة الله عليه كه بخرد و خروى دليل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بینه که خروى را بوي نفعشان مال بود يا بوي و بيمارى گرفتار شود و مرغى رحمة الله عليه كويد خروى را

اگر بینه که خروى را بوي رسيد دليل كه غنيمتى بوي رسد و اگر بینه که خروى بود و آن خروى را بوي جنگ و بنزد ميكرد دليل بر سختى كار و بختى بود كه بوي رسد و اگر بینه که خروى را بوي ميكرد و دليل كه دو مرد فاسق از هم جدا با هم جدا گشتند و اگر بینه که خروى را بجان آورده دليل كه فاسقى را بجان آورد و كراتى رحمة الله عليه كويد خروى را در خواب مردى جاى حق بود و او را علم و خرد نباشد قوله تعالى اولئك كالا نسا بلهائم اصل اگر بینه که گوشت خروى را بوي رسيد مال بسيار يابد و اگر بینه که بر خروى نشسته بود و بيفتا و دليل كه كارى طلب كند و نيايد و اگر بینه که بر خروى نايستاده بود دليل مالى بى اندازه يابد و مرغى رحمة الله عليه كويد دين پوست و گوشت خروى در خواب غنيمت و مال بود و عذوبه و اگر بینه که مغر خروى يافت دليل كه هزار دم يابد و او بهترى صحبت افتد و از خير و منفعت بيند و اگر بینه که سر خروى خورد و دليل كه عبادت بسيار ميكند و راه دين دراز و اگر بینه که خروى را بوي ميكرد دليل كه از مسلمانان مفارقت جويد و خروى را بن سيرين رحمة الله عليه كه بخرد و خروى دليل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بینه که خروى را بوي نفعشان مال بود يا بوي و بيمارى گرفتار شود و مرغى رحمة الله عليه كويد خروى را



کریم بود و خراش شک در خواب لیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرابی تازه روشنی چشم و مال حلال و فرزند و نیک بود و حکایت  
 شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافته ام گفت فرما تا بر ما چهل چوب بزنند و همچنان بود  
 و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافته ام گفت چهل هزار درم بیا بی  
 گفت پارس سال تغییر ازین خواب بگوئد و دیگر بود و سال چو نشت که بخلاف آنست گفت پارس سال خرما بر درخت نبود و تا و ل آن چوب بود  
 و سال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه اند تغییر ازین چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص هزار درم یافت خرمن گرفت  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و قندیل حاصل کند و آن مال بکاف بپزید کند و اگر بپزید که نشت  
 و در خرمن در آورد و دلیل که مال برنج حاصل کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که خرمن غله بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خواب  
 و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و قندیل حاصل کند خرمن بپزد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب  
 مردی باشد که مال سختی و برنج بدست آورده باشد اگر بپزید که خرمن خور و دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بپزید  
 که خرمن از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل افتد آن مال حاصل کند و اگر بپزید که خرمن با تش میبویخت و دلیل که پادشاه  
 مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که خروس داشت و دانست که ملک او دست لیل که مرد عجبی که  
 بنده زاده او بود و او را قهر کند و اگر بپزید که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده ظفر ناید و اگر بپزید که با خروس جنگ میکرد و دلیل که با بر  
 خصوصت کند و اگر بپزید که از خروس او را بکشد و دلیل که از آن عجبی او را مضرت رسد و اگر بپزید که خروس بکشد و دلیل که غلامی  
 گویند یا پسری از کت او را حاصل آید و اگر بپزید که با کت خروس می شنید و دلیل که نیک و خیرات گزیند و اگر بپزید که خروس بر تخت  
 و دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بپزید که کسی خروس بچوبی داد و دلیل که غلامی بوی بخشد  
 سفری رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بپزید که خروسی داشت و دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول  
 صلی الله علیه و سلم فرمود **اَللّٰهُ يَكُ مَجْنٰى وَهُوَ يَكُ عَوَالِى الصَّلٰوةِ** یعنی خروس دوست نیست که مرد را نماز بخواند  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بپزید که بر خروس دست یافت و دلیل که بر بهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخوابد  
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر متری و یا خروسی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرید  
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که مردم دنیا را کنند و اگر کالای بجا لای معاوضه کند و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرد خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردانرا پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر  
 بر یک صورت بود و اگر بنوعی و غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خرد خواب  
 کسی را که شرابی خرد بود و بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عفو جاه چهارم مرتبت با ناز و قیمت چشم  
 ریاست و بزرگی که مانی رح گوید پوشیدن جامه خرد خواب لیل بر مال حرام کند متحیران گویند مردانرا بر ششم و خواب دیدن پادشاه  
 و ناز نیک باشد و مرد خرد و شش کسی باشد که دنیا را بپزید یا کند خسته کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که تران او

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب





بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خضاب میبرد که مردم آنرا میگردانند و دلیل که خود را بجزای میمالد کارهای پاپی  
 و بدو اگر بیند که دست و پای بجا خضاب کرد و دلیل که مال از دست رفته و باز آید و اگر بیند که برود دست را بجا خضاب کرد  
 و دلیل که فرزندان خود را بسیار آید بآریشی که خلاف شرع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نکارد و بجا خضاب  
 کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود و در کسب عمل خویش و اگر بیند که نکارد و بی هم شده بود و دلیل که او را عزیزی میرود و یا خود طاعت شود  
 و اگر این خواهی از بی بند شادی و خورمی ببیند اسمعیل اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پای خود بجا خضاب کرد  
 و دلیل که کاری کند که مردم بروی انوس کنند و اگر بیند که سر بخت از خضاب کرد و دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عرق جاده چهارم معروفه  
 شدن بدفع خطبه خواندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سر بن خطبه بخواند و از اهل خطابت بود و دلیل که پس  
 عز و برندی یابد و اگر از اهل خطابت نبود و دلیل که بسفر رود و در نک بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر تو اگر بود و پیش  
 و اگر بیند که بی دینی خطبه بخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد که مانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر بن خطبه بخواند اگر پادشاه صالح  
 بود و دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود و دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر بن خطبه بخواند و مردم را پند میداد و دلیل که نشاء  
 رسوا شود و قضیت در سفر بی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج بخواند و دلیل که بایست که کسی خیر جهان کند خیر صلاح  
 و منفعت یا بد خطمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن خلعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن  
 آن مضرت و نقصان بود و شستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خفتن در خواب به  
 راه کسی را که پوشیده بود و راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود و دلیل که بزرگی یابد و راه وین بر پیرمکاری بخیر  
 تیر که خفتن خلعت بود و در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر سر بن خوابیده بود و دلیل بر تجارت و خواری بود که مانی رحمه الله علیه  
 گوید خواب ترسند را الهی بود و مردم را آتش و سوار شاف و زندانی را خلاصی بود و غریبی گوید اگر بیند که در میان دو گان خسته بود و مردم او را بدید  
 و دلیل که در میان مردم شهرت یابد و کما و محبتهم ایتفاکاً و هم وقوداً خلل کردن ابن سیرین گوید خیال کردن در خواب بگوشتن از یکدیگر  
 اهل بیت بود و خلل باشد جادو ب که مال اهل بیت میرود و اگر بیند که خلل میگرد و دلیل که بقدر آن که از دزدان بیرون می آید  
 نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخل از بن و دزدان بیرون آورد و کسی داد و دلیل که از مال  
 اهل بیت خویش بنا حق بستاند و کسی و بد خلعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود و دلیل  
 عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیز و حکم تاویل بقدر قیمت خلعت و پند بود که مانی ج  
 گوید اگر بیند که پادشاه بد خلعت داد و دلیل که آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد و دلیل  
 که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو دادند سفید بود و پند  
 و دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دیبا یا جامه برایشین بود و دلیل که عز و جاه دنیا یابد خرقة جامه که نه پوشیدن آن غم آن

بود و اگر بیند که جائه خرقان ازین خوبه و چون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نوجواب دیدن نیکو باشد مگر موی که  
که از نو بهتر باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جائه نوخ و بفرود نیکو باشد و خرقه فروشی  
و خواب مردی بود که بدی از خود دور کند خلع حاکم باشد که ازین بیرون می آید اگر بیند که ازین بی وی خلع می آید دلیل که او را  
شود و از غم و اندوه رسته گردد و این سیرین رحمه الله علیه گوید خلع در خواب دلیل بر فرزند بود اگر بیند که خلع بر جائه وی افتاد و دلیل  
و اگر پسری آید و اگر بیند که خلع ازین بی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که خلع بر زمین افتاد و دلیل که ازین  
گرد و فرزند از شکم پیدا شود و اگر بیند که زرش خلع بر وی افتاد و دلیل که بر زن حسا به حسا و کند و اگر بیند که خلع خود و دلیل که مان نازنا  
خود و بوجی نیک خلیفه بن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشا و بیند دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بیند که خلیفه  
او را کاری فرمود و از کار مانی خاص و دلیل که غم و بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه او را ولایتی داد و اگر از مسلمان بود و دلیل  
شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه نشسته و دلیل که از مقربان وی شود و اگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد و دلیل  
منزلت یابد و میان بزرگان مایه شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد و از بهر کاری که شرع تعلل دارد  
و دلیل که حاجتش و اشود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در سیر بجای خلیفه نشسته بود و دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزی یا مال و اگر بیند که در  
اسب خلیفه نشسته بود و دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه و میرفت و دلیل که مقدم در شغل مایه وی  
باشد و اگر بیند که خلیفه با وی ترش روی بود و دلیل که در دین وی ظلم باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است و او  
از اهل آن نباشد و دلیل که او را بکاری فرستد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد و دلیل که وی خیر و منفعت یابد و جعفر صادق علیه السلام  
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت و دلیل که مراد وی حاصل شود و غر و دولت یابد و اگر خلیفه  
نخکین بیند تا ویش بخلاف این بود و ختم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ختم در خواب زنی بود که اقبل و فایده بخانه برسد بقدر بزرگی  
ختم کرمانی رحمه الله علیه گوید ختم سیکی یافتن در خواب گنج بود و ختم آب زن بود و اما زن تو اگر باشد و اگر بیند که در خانه و ختم بر آب بود  
و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یا بد و راه خیر خرج کند و ختم سر که خواب مردی بر بزرگوار بود و ختم مسکه و عین دلیل بر زیادتی  
مال حلال بود و ختم آبگامه و دلیل بر مردی بیمار بود و ختم نفقت و دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و ختم در خواب دیدن دلیل بر  
گند و ریاست صاحب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرشتن آرد بنا و دل درستی دین باشد و سرشتن آرد  
گند مانی بود که از تجارت حاصل شده باشد و آنکه خمیر بر خفته بود و اگر خمیر بر خفته بود و دلیل بر فساد و گند و سرشتن آرد که در خواب نفق  
اندک که بوی رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خمیر فرا گرفت یا بخیرید یا کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود و دوستی دین و حشمت  
بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر گاه رسد و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق علیه السلام  
خمس گوید دیدن خمیر و خواب رسته و چه بود یکی زیادتی در دین و دوم منفعت سوم مال حلال خمیره و در خبره سله و سله  
بعضی گویند خا و سه بود و بعضی گویند پیغام بشهر میبرد و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خمیره بکینه و خانه اوست

سجده

کافی

نسخه  
کتاب  
تفسیر  
الکافی  
جلد اول  
فصل  
در خواب

زن با طلاق و بد جا بر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خبره داشت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خاوم را بکینتر بقدر خبره و اور  
ماهل شود یا اورا بازنی خاوم صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خبره او ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و خنجر این  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که اورا با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر شکست یا ضایع شد  
دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان بر خیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که اورا از کسی قوت  
باشد در آن کار که خواهد کرد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
خنده در خواب غم آورد اگر بیند که خود را در خواب دید که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی  
گفتگو و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
باشد قولی که در آن گفتگو صدق راضی انداخته گوید دلیل که آنکس او را دوست دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی  
قصص گفتگو کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
هنا الحدیث و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
که بقدر آن غنیمت راضی بود و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
خوردن طعام و دلیل که آن طعام را از دست او دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
علیه السلام و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
وجه بود و دلیل که آن وجه را از دست او دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
بیند که خود را با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
از مهری قوت گفتگو کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
که عمرش نقصان یابد و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
و گویا پنجم خود را و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند و اگر بیند که با کسی دوستی دارد و دوستی او را از خود دور کند  
بود و اگر بوی ناخ  
بروردیشی و بچادر  
بود و خوردنی فروش در حمار  
فرزند بود و برکت نیاوردنی مال و چون ح  
بهر بود و خاصه چون بوقت بیند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خواب بیند که دهن در دست داشت  
خوشه ناز و خوشگفتاری و دلیل که خط و تلی بیند جعفر صادق علیه السلام و دلیل که نقصان مال و بود و مغربی رحمه الله علیه  
تعالی سبحانه و تعالی فی کل مسئلة الخ و خوشه خشک خط مال حرم چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدن او در خواب

خبره

خنجر

خنجر

خبره

خنجر

در روز و در لیلی که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمة الله علیه گوید و ام در خواب بکر و حیلت نمود اگر بیند که پادشاه  
 او بدام گرفتار شد تا دلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که جانور یا بدام گرفتار آید که بدان  
 جانور منسوب بود بکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمة الله علیه گوید و انما در خواب اگر بخیر یا خام بیند  
 دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از زان گردد و هر  
 چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر و یا در جوال کرد دلیل که آنچیز گران گردد و اگر بیند که مردگان و آنها بر دم سپید اند و دلیل  
 که آن و آنها از زان شوند و با عی کر و ن این سیرین رحمة الله علیه گوید و با عی کر و ن در خواب گداز و ن شغل و فرغان  
 بود اگر خواب بیند که و با عی میگرد دلیل که پیشه و با عی کند که مانی رحمة الله علیه گوید و با عی تبایل و الی بود و پوست درخت  
 میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید و با عی در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمة  
 الله علیه گوید و به رخن در خواب مردی این بود اگر بیند که و به رخن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی این بود  
 صحبت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد رخن و به رخن و اگر به چرکین و کشته بود دلیل که بیند که راضی است رسیدن  
 صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و به در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام و این  
 صلاح تن ششم عمر در از به فتنه مال و نعمت هفتم خیر و برکت اتم میراث از جنت زمان و دیر می این سیرین رحمة الله علیه  
 گوید اگر خواب بیند که دیر می میگرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دیر می پادشاه  
 دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر بیند که دیر می مردم عام میگرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند و انیال علیه السلام  
 گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر بگوید و اما بود که دیر می میگرد دلیل که بخت و منفعت  
 بسیار یا بد و اگر بیند خواب عمل را بود دلیل که مغرول شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می  
 دلیل که خیر و منفعت آنجانی یا بد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت  
 و مداونیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچیز می نبشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و دیر می  
 خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمة الله علیه  
 و جمال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و در فتنه زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد  
 و خیر این سیرین رحمة الله علیه گوید و خیر خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب بیند که او را و خیری آمد یا کسی  
 بوی داد و یا بخشد دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خور می و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بر و تا و لیکن  
 این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختر وی چرکین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر بر گرفته بود  
 دلیل بر خیر و منفعت بود اگر بیند که دختر خود کسی داد دلیل که از وی خور می بر آنکس رسد و خسته اگر بیند که دیر خود و  
 عود میگرد یا از بهاء خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذرانند

در روز و در لیلی

او بدام گرفتار شد

جانور یا بدام گرفتار آید

جانور منسوب بود

دلیل غم و اندوه بود

چیز از و آنها که دید

که آن و آنها از زان شوند

بود اگر خواب بیند که

میراث باشد مغربی

الله علیه گوید و به رخن

صحبت افتد و اندوختی

صادق رضی الله عنه

صلاح تن ششم

در خواب  
و در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خوشه در خواب بر سر و به بود یکی کسب و خیر و دوم  
و منفعت سوم بنای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خرشد نه یا یکی خرشد  
یکی گاو و یکی کوسپند دلیل که روزی بروی فراخ شود ولیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهار پیمان وی دوکان شده  
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دوم پادشاه  
چهارم سوم زمان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشه خور و دلیل که مال مردم بحلیت بدست  
گرمای رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شده دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با وی سخن گفتند  
دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان از میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و راج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در راج در  
خواب زنی خوب روی بود به مهر که باشو هر ساز کاری نکند اگر بیند که در باغی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین  
صفت خواهد آمد اگر بیند که گوشت در راج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن مبتدا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در راج  
بسیار داشت و داشت که ملک دست دلیل که بقدردان زن آن و کینه کان او را حاصل آید اگر بیند که در راج از دوستی  
برید و دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که دراعه نو بزرگ و فراخ و بنسب  
بود و دلیل که بقدردان او را جاده و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف  
این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دراعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ بود  
بود و دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند  
که دراعه از تن وی بیرون کرد و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن دراعه در خواب بر هفت  
وجه بود یکی فرخ و دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم کرامت هفتم زن در خواب بین  
زن بود و اگر بیند که دراعی بسته از جای معمر یا جھول در برابرش کشاوند و آن درگاه کشاوند شد بر جانب راه بود  
دلیل که مانی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرانی در برابرش کشاوند و دلیل که مانی از پادشاه بیاید و بر عیال نفقه کند  
و اگر بیند که در سرای لشکرست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کشته شود  
بروند و کس ندانست که کجا بروند و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او انباشتند و دلیل بر  
مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در وی کوچک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرای چنان فراخ  
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت با خضومت اگر بیند که حلقه  
در سرای او می جنبانید اگر بایش آمد و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کجی بیاید و اگر بیند که چون حلقه جنبانید  
از او و آن سرای را بکشد و دلیل که خدا تعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد که مانی رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که در محکم بخت و قلی بر و نه و دلیل که زنتش میرد یا زنا حلاق دهد و اگر بیند که در درگاه فرمود تا در نو بزرگ

خانه او نهادند دلیل که کتیرگی و دشمنی و مجرور و اگر بیند که در خانه ویران خلق بنود دلیل که زنی میوه بخا هر مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که  
 روان بر در خانه وی میسپندد و با ملک میگرداند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بیند که در آسمان پاکشاده شد دلیل که مردم  
 اندک یار و خیرات بجایانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سر سه وجه بود یکی خداوند سراسی دوم زن سوم  
 در روانه این سیرین رحمت الله علیه گوید هر که در وازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و در زبان در خواب  
 دیدن مردی بزرگ بود و در بانی کرون این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد زود روا  
 و از زودی بزرگ عود جاه یا بد و اگر بیند که در بانی میگرد و در خواب و دلیل که حاجت بروی سبب کسی بود و او شود اما او جاه نیا بد مغربی  
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در بانی پادشاه میگرد و دلیل که مقرب پادشاه گردد و در بر گرفتن شرح بر گرفتن در حرف الف گفته اند  
 و خندان و انیل علیه السلام گوید در ختی که پیش مردم غریز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر در ختی بیند که پیش  
 مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر در ختی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و در ختی بی بر دلیل بر مردم درویش بود و در ختی  
 که در دیار خواب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر در ختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و در ختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخدا  
 باغ اگر بیند که در ختی این بخت دلیل که مرد بر از جاه و نعمت افتد و در خت خمر اگر در خت خمر بخواب بیند دلیل بر مردی شریف  
 و عالم بود و اگر بیند که در خت خمر دارد خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خمر چون باغ بیند دلیل که تا مدتی او بخدا و خدا بخدا  
 گردد و در خت بنوس دلیل بر مردی فرومایه شود و در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کثیر و در خت آلودگی طیب بود  
 که اندکی نفع بر کس سد و در خت با و ام زنی خوبروی صاحب جمال بود و در خت انار مردی توانگر بود با منفعت و در خت  
 پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و در خت بر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و در خت ترنج دلیل بر مردی مخالف خود  
 رای کند و در خت زیتون دلیل بر مردی پهلوان باشد و در خت خنجر دلیل بر مردی درویش بدین کند و در خت زرد  
 دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و در خت سرو و دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند و در خت سجد دلیل بر مردی سبک  
 و محشم باشد و در خت سیب دلیل بر مردی بیمارگون باشد و در خت شمامه دلیل بر مردی تیز و ولست کند که زود و طراک  
 شود و در خت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشهر باشد و در خت عود و دلیل بر مردی نیکروی و خوش زبان باشد  
 و در خت حشوق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود و در خت کل دلیل بر مردی شاد و کام باشد و در خت فندق دلیل بر مردی غریب  
 سخت دل بود که لهو دوست دارد و در خت بلوط و دلیل بر مردی بخیر منافق بود و در خت جوز و دلیل بر مردی شریف و جوانمرد  
 بود و در خت جوز بهندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای درخت بود دلیل بر مردی  
 بزرگ پیوند دوازده منفعت و بزرگی یا بد و در خت لیمون و دلیل بر مردی بود که با و کند یا خج بود و در خت مورو و دلیل  
 بر مردی کران طبع و ناساز دار بود و در خت نی و دلیل بر مردی بد خوئی و سخن چین بود و هر در ختی که میوه دارد و دلیل بر  
 میوه او بود و اگر بیند که از در ختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و معتبران گویند دیدن در

در خانه

در خواب

در ختی

در خت

در خت

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد  
 همچون درخت خیار و خرفه و گاویش بر مردمان و دین بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر گهای درخت توی بیند دلیل که زکوة مال  
 داده باشد و اگر بخلاف این بود و دوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بدو شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان  
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد و نامیش بخلاف این بود  
 و میوه درخت این بر خداوندش که پر میزد کار و دین دارد بود و اگر بیند که درخت پیر و بیفتا و دلیل بر مرگ خداوندش بود و مخری  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی مصحح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی بیبو و نامی  
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مضطرب و بیادانت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران که تاه درخت بود دلیل بر مصیبت  
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی میبکشد دلیل که بقدر آن تنگ چیزی بودی رسد و اگر بیند که درخت در زمین  
 بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی می نشاند دلیل که با  
 آورد و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشود دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میگردد دلیل که بقدر آن  
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میگردد دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت بشود و اگر درختان میوه و آب بسیار  
 دادند که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرد دلیل که بیمار گردد و یا از آن کسی  
 بهر سو اگر بیند که در وقت غران در باغ مجبول بود و میبرد که برگ از درختان می افتد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت  
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند و دلیل که بیمار شود و یا از آن موضع حرکت  
 کند کسی میرد مخری رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که نیکو  
 بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و خفته  
 بود و دلیل که در سایه مردی بود که بدان درخت سبب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر وجه بودگی  
 پادشاه و مردم زن سوم بازندگان چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عنوان نهم خدمت دهم مال شصت  
 فرواندا هم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بر خواب بیند که اندامهای وی درد میکرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر  
 بیند که سرش درد میکرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه نکند و صدقه دهد قوله تعالى فمن كان منكم من ضلأ او بلاء او غی  
 من و اسیه ففذلک من ضلأ او بلاء او غی و اگر بیند که پیشانی وی درد میکرد و دلیل بر فساد دین  
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در کرد و دلیل که او را کسی ماه نماید بخت و اگر بیند که دوش درد میکرد و دلیل که از هر کس سخنانی  
 شنود و اگر بیند که بینی وی درد میکرد یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که سخن گوید که بوال باز گردد و اگر این خواب باز در کافری  
 دلیل که در تجارت و روع گوید اگر زبان خود بریده بیند دلیل که بر صلاح و پارسائی نبود و اگر بیند که کاش در درد میکرد و آسایش  
 دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دندانش درد میکرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او درد میکرد و دلیل که آقا

در خواب



در خواب

در کرون وی باشد و نمیکند از او اگر بیند که شکست در میکرد دلیل که مال حرام خورده اگر بیند که پشت او در میکرد دلیل که از مهر خود از روی او کرده  
 و اگر بیند که پهلوی او در میکرد دلیل که بسبب خویشان در و بیند و بر بخور شود و اگر بیند که جلگه او در میکرد دلیل که بر فرزندان مشفق بود و اگر  
 در و در دست بیند دلیل که برادر بسیار را بجا نمیکند و اگر بیند که در و نکشت داشت دلیل که کینه دارد و اگر در و ناف بیند دلیل که عیال را رنجاند  
 و اگر بیند که عورت او در میکرد دلیل که بفساد و آید و اگر بیند که مقعد او در میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرش در میکرد دلیل  
 بر خویشان و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی در میکرد دلیل که بر زیر دستان شفقت کند و اگر بیند که تن وی را در میکرد دلیل که  
 مال یا بد و مردم این سیرین رحمة الله علیه گوید طبعی مردم مختلف بود و مردمی باشد که در مرا بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن  
 است در بیداری و بعضی بجهان گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن فرخش شود و با توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم  
 بود دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد و بدان نشن صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از تعبیران گویند اگر بیند که درم  
 یافت دلیل بر فرزندان کوچک بود و بعضی از تعبیران گویند اگر بیند که درم صنایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزندی خود دزدید  
 و آید و اگر بیند که درم گوشت گوشت کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز یافت دلیل که فرزندی او جلاک شود و گاهی  
 رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیک بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که در خانه  
 با جمعی از خود در هم او دست ختم کرد و دلیل که میان ایشان داور می افتد و اگر بیند که درم در خانه پیچید داشت بقدر آن مال باید  
 و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد و دلیل که مردم را رخت و باطن باز دارد و قوله تعالی **جَمَعَ مَالًا وَحَدَّ يَحِبُّ أَنْ مَالَهُ أَخْلَقَهُ** اگر  
 گوید درم سپید و کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن درم از وی صنایع شد دلیل که فرزندی نبیر و اگر بدین درم و توانا  
 یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مخبر رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یا بد و بسیار مردم در خواب  
 بیند و در بیداری همان یا بد جمیع اشفت رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صغای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر  
 بیند که پادشاه او را درم داد و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بریانده وجه بود و اگر  
 درست و درم گذاردن حاجت سوم و لایب چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزندان هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم اینی دهم  
 کینک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب است و بود و اگر مستور نبود دلیل که رحمت فرزندان و غم و اندوه بود و اما درم  
 شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت و دوم جنگ و خصومت سیم بندگان چهارم گفتگوی در مسنه این سیرین گوید بر نه  
 در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود و دروغ گفتن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن  
 در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گویای دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود و مخبر رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوش و بدی او گویند و عراست و آبروی او برود و دروغی کردی کردن این  
 سیرین رحمة الله علیه گوید دروغی در خواب نیکو خواه مردم بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذنب باشد و برادرانش  
 روزی که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی **كَانَ قَوْمٌ خُشِبٌ مُسْتَكَنٌّ جَعَلَ صَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ** گوید در

در خواب

در خواب



خداوند

ت

ت

ت

ت

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از نوک کاس می گرفت دلیل بر پلک وی باشد قوله تعالی وَاَسْكَنُكُمْ عَنْ الْقَرْيَةِ الَّتِي كُنْتُمْ  
حَاضِرِيهَا لَكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَعَادٌ وَ لَكُمْ فِيهَا مَعَادٌ وَ لَكُمْ فِيهَا مَعَادٌ وَ لَكُمْ فِيهَا مَعَادٌ وَ لَكُمْ فِيهَا مَعَادٌ  
زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی ملاک شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش صده بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مالانجم عالم ششم  
کار بی بزرگ و در شایع ترین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را  
خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید در خواب اگر یکج و آخر میگرد دلیل که صاحب دین  
و اگر بیند که از گل خشت میگرد دلیل که از غافل است و اگر در درخت میخ میخورد دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در  
از درخت میخ میخورد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در درخت میخ میخورد دلیل  
صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و در وی کردن اگر بیند که مال کسی در زوید  
و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشد و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و اما ندزد دلیل که کسی مکره می رسد و بعضی گویند که بجا  
شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزد و بدلیل که برخی و آفتی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند  
که او در دست درو سپرد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دروان بروی راه زد و دلیل که غم  
و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در وی کلاه کسان برود دلیل که عیش بر خداند خواب تبا شود و جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید و زوی بخواب بیماری بود و مختار گویند آنجا که در وی کنند دلیل وادی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداند خواب  
خامی دارد سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید و در خواب دیدن خیانت و حلیت بود و ستار چه ابن مسیرین رحمة الله  
عنه گوید اگر بیند که دستار چه از گنجان بر دست داشت دلیل که او را زمری پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستار چه  
از وی ضایع شد یا سوخت دلیل که او را زبانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و ستار چه در خواب بر سر وجه بود یکی منفعت  
دوم کثیر سوم عطاء اندک و ستار چه ابن مسیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخت دیدن دین بود و اگر بیند که دستار چه  
یا سبز بود یا از گنجان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و ستار چه  
و اگر بشیم دلیل که بی حال اینجا بود و اگر بیند که دستار و دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و شرفش بیشتر گردد و اگر بیند که  
از وی بخت و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و پیرستی او باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود زده بیند دلیل بر نقصان  
قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری چیده خوب داشت دلیل صاحب دین و دنیا ساز گاری کند و اگر بیند که دستار طرازد  
دلیل که در میان سفر و مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه شش جمله سبز بود دلیل که بهشت اوت از دنیا برود و مغربی رحمة الله  
علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد غرضش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خرد و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر  
دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی شتم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر سبز بیند دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که در

فصل

در

و اگر بگوید که دست راست را بر دست چپ

و مضرت بیند که خطیب و قاضی و اگر بر سر دست را بر پیشین بیند دلیل که منصف و واکر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دست  
را بر چپ نه بود دلیل که از سفر زود باز آید و دست را بر پیشین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دین و ستاره را  
بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرقت ششم توانائی هفتم سفر و دست را حامی در حرف می بیند  
کنیم انشاء الله تعالی دست راست این سیرین رحمة الله علیه گوید دست راست در خواب ز فکر رستن بود و اگر بیند که دست  
راست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست چپ در شب گسست دلیل که خداوند دست هلاک یا در محنت است  
و اگر بیند که دست چپ گسست بدزدید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که دست چپ گسست و غیره خود را میگرداند دلیل بر خصومت بود و دست  
و انبیا علیهم السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خاهر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که  
کار برادرش ناچارش نیکو گردد و اگر بیند که هر دو دستش بازگشته شد دلیل که برادر و خواهر از وی روی برگردانند و اگر بیند که هر دو دستش  
کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز نگردد و اگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا  
و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان هر دو دست میزند دلیل که  
در اینجا عوسی کند و اگر بیند که میتهما دست میزد و شادی میگرد و دلیل غم خواند و او را اگر بیند که قاضی یا سلطان دست راست  
بریده بود بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش برید و اگر هر دو دستش بریده بود دلیل که از کسب و مراد خود بازماند  
و اگر بیند که یک دست از دست دیگر پوست باز میگرد و دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بیند که دست خود را بکار و میبرد دلیل  
که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود قوله تعالی ففقطعون ایدیهم و اگر بیند که کف دستش را بکوبد یا میزند دلیل که خوشی  
بجای آرد و اگر بیند که یکی دستش بریده و او را برادر و زن و دلیل که نیز آن موضع مغرول گردند و اگر بیند که مانند چهارپای بجا آید  
و پای میرفت و بازگردد روی آسمان دشت دلیل که از زوجه محال شود و دشواری بر آید و اگر بیند که دست وی مادر را خشک بود دلیل که  
از صدقه دادن و کار خیر فروماند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که هتشن نفعی علم  
بود و اگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را حلیتی رسد و اگر بیند که چون دستش  
بریده شده و قرآن میخواند دلیل که دستش از حلیت باز دارد و معمران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان از آن کردن  
بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند که دست راست او از بر گناهی بریده و اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دینت بود مغربی رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که دست خویش چون چنبره گردن کرده بود دلیل که برادر نیک و نمازه طاعت و حج و غزای کردن و کردار نیک بجای آورد  
و اگر بیند که دست راست او بریده و دلیل که سوگند بدو رخ خورد و اگر بیند که دست از تن وی تحمل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن  
پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بی دین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بیند که یک  
وی اند دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب کند یابد و اگر بیند که هر دو دست میرفت دلیل که از خود احتیاج نماند و متعبر  
گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بیند که از بهر دست خود مرد

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اعمیل است رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود و دلیل  
بزرگی و پادشاهی باید و اگر بیند که دست راست او زمین شده بود و دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بیند که دست خود با نشان  
و صابون می شست و دلیل که ناهمید شود و اگر بیند که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ و بیرون آمد و بدست راست  
بدر شد یا از دست دهنست بدر آمد و بدست چپ بیرون شد و دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمدرود و اگر آن جانور تاولین  
باشد و دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت  
یا دست در گروان داد و او آنکس زنده است یا مرده و دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست شری دستبند میگرد و دلیل که آن  
شترک بدست وی سلطان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر و دوم خواهر  
سوم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم صبیح  
دست او بر بختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید و دست او بر بختن در خواب زانما را شوهر بود و در دوازدهم و اندوه بود و اگر بیند  
که دست او بر بختن تخمین داشت و دلیل که اندویش کثیر بود و کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست او بر بختن بدو و دلیل که  
او را فرزندی آید یا برادر بی و اگر این خواب زنی بیند و دلیل که شوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که بر دست  
او بر بختن داشت و دلیل که او را مال و نعمت بختن حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بر بختن در خواب  
بر بختن وجه بود یکی از یاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شستن ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید اگر بیند که دست و روی بآب صافی بشت و دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیماری بود شفا یابد و اگر وام دارد بود و ایش گذارده شود  
و اگر بیند که دست و روی ناسته نماز میکند و دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که بهر دو دست و روی می شست و دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست  
و او را حدیثی بدید و وضویش باطل شد و دلیل که در کار و کسب خود چهارم گردد و اگر بیند که او را حدیثی بدید و وضویش باطل شد  
شست و نماز افاز کرد و اما زانما تمام نکرد و دلیل که عمرش با آخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست  
و روی او را شست و او تامل در آن میکرد و دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب بر دوازده بهتر از زمان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید اگر بیند که سینه از آهین در دست داشت و دلیل که او را توانگری و قوت بود بر دشمن ظفر یا به خاصه که سینه از پولاد  
و اگر سینه زیرین یا سپهر باشد تا ویش چون دست او بر بختن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر سه  
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کار نامی و نیادی دشمن اگر خواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد  
و دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخزد و دلیل که در بلا و مصیبت  
افتد و بهر بایر گروان تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بسگی کار را  
دوم غم و اندوه سوم خسران مال و ششام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که کسی او را دشنام میداد و دلیل که او را

دست

دست

دست

دست

دست

دست



احوال خویش و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که چون اسب غر و کا دوم داشت دلیل که مالش زیاد و در دزدگانی او  
براحت کرد و اما در راه دین سست بود و اگر میند که دم او چون دم سگ یا چون دم کرک یا شغال بود دلیل مال حرام یا بد و دم او را نکلا  
میند و اگر که در دست دم سب یا کما و یا خرد داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت یا بد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت  
او حرام بود و دلیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و نبال خواب دیدن چهار وجه بود یکی بیج دوم باران سوم مال  
چهارم راحت و پیش و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که نبال داشت دلیل که مالش زیاد شود بقدر نبال اگر نبال  
وی و شکافت و خون آمد دلیل که چندی از مال می تلف شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از نبال خون و عرق می آمد و می کشید  
که بقدر آن مال حرام یا بد و اگر میند که در نبال نهد و جامه از خون بشت دلیل که از حرام توبه کند و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال  
در خواب بد و مال بود که یکی نگه میدارد یا مال آن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر میند که در نبال جامه میخورد دلیل که مال شبهه خور و اگر  
میند که در نبال میخورد دلیل که دشمنش از مال می بخورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که او را چون گوشت سفید و نبال بود دلیل که او را فرزندی  
که خداوند دولت آقبال بود و زوزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در نبال در خواب دیدن بد و زوزی بود و نبال ابن سیرین  
گوید و نبال در خواب دیدن ابرو خندان بود و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
و دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
و دلیل بر خوششان و دور بود و سفیدی و پالیزی دندان و دلیل بر قوت و جاه و اهل حیت بود و بعضی معتبران گویند که دندانهای پیشین  
از سوی رست است و دلیل بر پدر و خوششان او بود و آنچه از سوی چپ است و دلیل بر مادر و خوششان او بود و اگر میند که دندانهای پیشین  
همی جنبه دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی بیاورد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که دندان پیشین او برکت دست یابد  
کنار یا بر زمین هست و بجا که آلوده نکشت و دلیل که او را فرزندی آید یا برادرسی یا خواهری و اگر میند که دندان می در خاک افتد  
یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر میند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد دلیل از اینها که گفتیم یکی که رافقی  
رسد و اگر میند که دندان پیشین او گوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصوصت افتد و اگر میند که از دندان یکی بگذرد دلیل که با چنین  
او رستخیز نکشت بگیند و از وی مفارقت جویند و اگر میند که دندان پیشین وی زیاد شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی و رست  
باشد و اگر میند که جنب دندان از دندان دیگر برست اگر از زیر بود و دلیل که او را دشمنی آید و اگر از بالا بود و دلیل که او را پسری آید و اگر از  
که دندان پیشین خود بر کند و دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله دندان بیفتد و در حال بدید شد دلیل بر هلاک اهل  
خانندان او باشد و اگر میند که دندانها برکت دست یابد و کنارش افتاد و دلیل که اهل خانه دانش بسیار کرده اند و اگر میند که همه دندان او از او  
زیر بود و اگر میند که خواب صلاح بود و دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود و دلیل بر شر و فساد او بود و اگر میند که دندانهای او  
ایا از آب گیند بود یا از سفال دلیل بر هلاک او بود و معتبران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند و دلیل بر جنگ و خصم  
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید و دندان بالا که در مقابل چشم است دلیل بر برزیند کند و دندان زیر دلیل بر مایه کند و اگر میند که جمله

در خواب

جمع

در خواب

جمع

و ندانمش در کنار افتاد و جمله در کف دست گرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند که از  
 نداننا بوی خوش می آید دلیل که خویشانش ناسا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل که عیبت وی کنند و اگر بیند که نداننا شکر و سبزه  
 و لیل بر عزم و اندوه بود و اگر بیند که نداننا شکر و بود و دلیل آنکس که بدان مشوب بود و اگر بیند که نداننا می او سپاه شد  
 و دلیل که او را غم داند و درسد و اگر بیند که نداننا شکر افتاده بود و ز کوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد و چنانچه همه خویشان خود را  
 کند سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نداننا وی در و میگرد و بدست خود بر کند و بهر دو دست گرفت دلیل که مال فراوان یابد  
 و اگر بیند که از دانه کسی دانه ای خون آلوده بدست گرفت دلیل منفعت او را بود که نداننا برگرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بیند  
 که بعضی از نداننا پدید شد و دلیل که بعضی از خویشان وی بخریبست روند و بسلاست بآیند و اگر بیند که نداننا می او در میان با  
 جمع شده و دیگر مردانی بجای خود باز شد و دلیل که از خویشان متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نداننا در خواب شکر  
 بود یکی ابل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نداننا  
 و در خواب کلید کار و راه و حاشیه کار وی و هر چه از دانه بیاورد و دلیل بر جوهر و کلام بود و اگر نیک باشد و اگر بد باشد  
 و در دهن بود و دنیا وی بود و اگر آن بکر است و در دانه بود و دلیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دانه شیرین بود و دانه  
 فرود و دلیل بر معیشت و درخت و عیش بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دانه وی سخت بسته بود و دلیل که هلاک شود  
 و اگر بیند که دانه اش از آرد و جو یا کندم آگه بود و دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که دانه او فراخ شد چنانکه طعام بسیار  
 در و بخشد و دلیل که بقدر آن او را نعمت و روزی برسد و اگر بیند که دانه او نیک بود و دلیل که سخنانی می پوشد و اگر بیند که گوشت  
 او بفتاد و دلیل که در باز نیامی رسد و اگر بیند که از دانه اش خون بیرون آید و دلیل که با کسی گفتگوی کند سحیل شخت رحمه الله علیه گوید  
 اگر بیند که از دانه اش کرم و یا جانوری بیرون آید و دلیل که یکی از عیال او جدا شود و اگر بیند که از دانه ای پلیدی بیرون آید و دلیل  
 که هر چه بجای برده باشد بسبب مت نهادن باطل شود و اگر بیند که از دانه ای مراد پدید آید و دانه او مردم بر میگردد و دلیل که  
 مردم از عظمی بهره یابند و اگر بیند که از دانه خود پلیدی می انداخت و مردم از آن میگردند و دلیل که شاعر بود و مردم را بجا گوید  
 و اگر بیند که کسی در دانه وی مهر نهاد و ندانست که کیست و دلیل که رسوا شود و قوله تعالی الیوم نحکم علی اهلها هم و نکتلهما  
 ایدلیمهم و تشهد ارجلهم حافظ میر رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دانه ای بیرون آید و دلیل که شخصی گوید  
 نیکو معنی دارد و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دانه نهاد و آن چیزی نیکو بود و دلیل که چیزی حلال خورد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن دانه در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم کنشایش کار چهارم مان هم  
 حاجت ششم وزیر هفتم دربان و بل زنون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ویدن زنون در خواب کلام باطل خبر کرده و دروغ  
 و کارهای سپید روشن بود و تا میل این جمله زنده و بل بد باشد اگر بیند که با دبل نای زنده و پایی کوفته و دلیل بر غم و اندوه بود  
 و اگر بیند که دبل تنها میزدند و دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن زنون در خواب خبرهای مختلف بود و در دانه



هیچ نایه نبود و علیه کرمانی رحمة الله علیه گوید و علیه در خانه خادم بود اگر بید که در میان باوان بود و نیکو بود و دلیل بر تقدیر استی نظام  
 خادم خانه بود اگر بید که در میان خراب استی بلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که در میان خانه را دیوار داشت  
 و کل بود دلیل که اگر اکل بود خادم خانه معصومیدین بود و وال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب میزد و وال را دلیل خیر  
 و شفقت بود و بعد قیمت آن جانور که دوال از پوستی بود یا بدو اگر بید که دوال یا به پاره کرد یا صنایع شد دلیل که بعد از  
 حضرت بنید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است  
 دلیل که مال حلال یابد و اگر بخلاف این میزد دلیل که مال حرام یابد و و ختن جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب  
 که جامه خود میدوخت دلیل که کارش بر او شود و عالیشان اصلاح آید و اگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بید  
 که جامه زنی بچانه میدوخت دلیل که عینی و زبانی بدو رسد و اگر بید که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی میزد و اگر بید که  
 سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل بر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بید که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که پیش  
 ای فرسخ گردد و مال تمام از میراث یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار  
 بود و اگر بید که شلوا ری بدوخت و نیفته آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بید که قهای بدوخت دلیل  
 که بخدمتی مشغول گردد و اگر بید که جامه عیال میدوخت دلیل که گفتگوی عیال در اندیشه شود و اگر بید که از بهر جامه رشته پتاف دلیل  
 عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بید که از بهر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و بهت کنایه اندوه یا جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید در زری در خواب دیدن کسی بود که کالای پرکننده بدست وی جمع شود و باصلاح آید و دو این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید و در خواب با و شاه شکر بود اگر بید که از جانب شرق یا مغرب و دوی عظیم بود دلیل که مردم آند یا ر  
 از دست با و شاه جور و ستم کشد و اگر بید که در عالم بر خاسته بود و آتش بانه میزد و دلیل که غننه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه  
 علیه گوید اگر بید که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بید که از  
 خانه یا از دمان وی دود می آید دلیل که با و شاه ظالم او را مضرت یا مصداقه کند و مال وی زورستاند و فرخ ابن سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بید که در و وزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاهی و بد کردار باشد تو به باید کردن و اگر در وزخ را دید و آن  
 کوفتی بوی زرسید دلیل که در رخ و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بید که در و وزخ مقیم بود و ندانست که کی انجا رفت  
 دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بید که طعام و شراب ابل و وزخ میخورد و در آتش پیوسته دلیل که در دنیا کار بد  
 در آخرت و مال بود و اگر بید که فرشته از سوی پیشانی او را گرفت و در و وزخ انداخت و دلیل که بیدنه خواب را علامت بد  
 باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در و وزخ میزد دلیل که بر گناه کردن و دیر بود و اگر بید که از قوم و جمیع خود و دلیل که بعلی ابل  
 و جمل مشغول گردد و اگر بید که شمشیر بر کشید و در و وزخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بید که در و وزخ چیزی میخورد و دلیل  
 که مال مینمورد و اگر بید که نزدیک و وزخ آتش می افروخت و دلیل که کاری صحب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

در خواب  
 دیدن  
 کسی  
 بود  
 که  
 کالای  
 پرکننده  
 بدست  
 وی  
 جمع  
 شود  
 و  
 باصلاح  
 آید  
 و  
 دو  
 این  
 سیرین

و  
 دو  
 این  
 سیرین

و  
 دو  
 این  
 سیرین



یا از آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بینه که پادشاهی یا بزرگی ویرا دولانی داد و دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بسازد  
 و اگر بینه که از دولاب آب بخورد و یا جمع میکرد و دلیل که از خزانه دار او منفعت رسد و لو که مافی حقه الله علیه که بدو در خواب مرده  
 بود که مالها ناشناخته بیرون آرد و اگر بینه که دل و پراک و یا بدو آب میکشد و دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر  
 و اگر بینه که دل و پراک صافی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بینه که بدو آب از حوی بر میگرفت و دلیل  
 که بقدر آن مال یا بدو آن مال بکر و خیلست بدست آرد و اگر بینه که آب از دل و بر زمین ریخت و دلیل که مال بگیری خرج کن جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر بینه که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مروی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد  
 و او است این سیرین حقه الله علیه گوید اگر بینه که دواتی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی از خویشاوندان خویش خصوصاً  
 و اگر بینه که بدوات می نوشت و دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بینه که دوات شکست یا بدو دیدند یا ضایع شد و دلیل  
 که زن بیوه بکر است بخا هر دو اگر بینه که بقم سیاهی در دوات میکرد و دلیل که او از نذری نریزه نشود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر  
 که دوات زین بود و دلیل که متفکر شود و اگر بینه که دوات مسین بود و دلیل که زن خواهر یا کتیرکی خرد و اگر بینه که دوات و برین  
 بود و دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهین بود و دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات مسین بود و دلیل که چیزی کمتر بوی  
 و دیدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بینه که میدوید یا ستور میدواید و دلیل که بسفر رود و هر چند و بدین الوند  
 تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بینه که بر سبب بالانی سوار بود و میدوید و دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی رحمه  
 الله علیه گوید اگر بینه که در دویدن بر کسی سبق گرفت و دلیل که بخرم مال از وی سبق گیرد و اگر بینه که در دویدن مامده شد  
 و آرام گرفت و دلیل که دنیا را ترک کرد و دویا ابن سیرین گوید و دویا در خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان  
 بینه بهتر بود و اگر مردی بینه که قیای دویا و پریشان پوشیده بود و غرا کرد و دلیل که غر و جابه یا بدورین و دنیا مغربی رحمه  
 علیه گوید اگر زنی بینه که جبه و لاجه اطلس سبز پوشیده بود و دلیل که آن زن دیندار و با و پانت بود و اگر بینه که اطلس سفید پوشیده بود و دلیل که  
 او کند و اگر اطلس کبود بود و دلیل که از بصیرت رسد و اگر بینه که اطلس سیاه بود و دلیل که اندوگین گردد و دویا با ف در خواب مردی  
 مسافر بود با صلاح دنیا و خدا و دین و تاویل پریشان چون تاویل دویا بود و یک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و یکت  
 و در خواب زن بود و معبران گویند که و یکت که خدای خانه بود و اگر بخواب بینه که و یکت فر گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد  
 و خوردنی می بخفت و دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بینه که و یکت مسین یا و یکت سنگین داشت  
 و دلیل که بقدر قیمت و یکت فائده یابد و اگر و یکت سفالین بود و دلیل که کاری کند که بدان کار از عمر خانه چیزی بوی رسد  
 و اگر و یکت بر آتش نهاد و دوری هیچ طعام نبود و دلیل که مردی را کاری بدارد که در آن کار او را اگر است باشد که مافی رحمه الله  
 علیه گوید و یکت در خواب که خدای خانه یا که باز بود و اگر بینه که در و یکت گشت و خوردنی نبود و دلیل که روزی بی بی بوی رسد  
 و اگر بینه که و یکت وی شکست و دلیل که که خدا و که یا نوچه و بهر نه جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و یکت در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

برنج و جود بود یکی که خدای عزوجل فرمود که با نوسیدم برین چهارم خادم خیم سوختن بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر  
در خواب برو و جود بود یکی که خدای عزوجل فرمود که با نوسیدم برین چهارم خادم خیم سوختن بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر  
بینه که یکدان بشکست دلیل که که خدای عزوجل فرمود که با نوسیدم برین چهارم خادم خیم سوختن بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر  
نزد ایشان دینار و ایشان علیه السلام که یکدیگر برین در دست دینار داشت که بعد پیش از چهار بود دلیل که او را که هست رسد بخانی  
شدند که ویرا دشوار آید این سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر برین در دست دینار داشت که بعد پیش از چهار بود دلیل که او را که هست رسد بخانی  
یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عددی باید که هفت بود و اگر بینه که دینار گسی و او یا ضایع شد  
دلیل که از جهت فرزند او مصیبت رسد و اگر بینه که دینار های بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و مقبول گویند که دینار را در  
خواب مانده بود که درونی قوله تعالی و من انهم من ان تأمنه به بسیار لا یؤثره الیک اگر در کف دست خود دینار بینه  
دلیل که هیچ ناز و فزنی بجای آرد و اگر بینه که دینار های بسیار داشت و بجای حکم کند و دلیل که امانت مسلمانان نگه دارد و اگر بینه که دینار  
مست کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد و مغربی رحمه الله علیه که یکدیگر بینه که یک دینار یا نیت دلیل که بروی  
قباله نویسد از بهر امانتی که بدو سپارد و بسیار بود که در خواب دینار یا بدو در بیداری هم دینار یا بدو اسهیل شست رحمه الله علیه  
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه درست مدام که بدان دینا صورت نقش نگردد باشد و اگر بینه که دینار داشت و یک دینار  
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بینه که صاحب خواب مسلمان بود و دلیل که مرد شد و اگر کافر بود مسلمان شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه که بدو دینار در خواب برین فرمود و اگر بینه که بعد هفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بینه که بعد ده  
بود تا وایش بخلاف این بود و حافظ مبر رحمه الله علیه که بدو دینار در خواب زن و فرزند و کنیز بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود که برنج  
و خصوصیت بدست آورد و به ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر بینه که در وی بود و نام آن دین ندانند دلیل خیر و نیکی بود  
و اگر نام آن دین و اند دلیل بر بدی باشد و اگر بینه که از دین بیرون آمد دلیل بر نیکی باشد و اگر بینه که در دین رفت دلیل بر بدی  
باشد و مغربی رحمه الله علیه که یکدیگر بینه که از شهری بدی آید و آن شده که در وی لغت بود و دلیل بر خیر و برکت و خوشحالی  
کند و اگر بخلاف این بینه دلیل بر شر و ادا بار بود و اگر بینه که در وی کشده بود و دلیل بر خیر بود و مغربی رحمه الله علیه که یکدیگر بینه که  
بینه که کسی دینی مجبور بوی داد یا بخیر یا عمارت کرد و دلیل که بقدر عمارت و دین خیر و منفعت بینه و اگر بخلاف این بود و دلیل  
مصرت یا بدو و او ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر دینار حال بینه خواب باشد و اگر بینه که دینار حکم و نیک بود و دلیل بر نیکی  
حال او بود و دینا و اگر بینه که دینار گنجه بود و خراب میکرد دلیل که مال یا بدو و اگر بینه که دینار بود و خراب میکرد دلیل بر غم و اندوه بود  
بقدر غرضی و دینار اگر بینه که دینار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بینه که بدو دینار بر پای بود و دلیل  
حالتش مستقیم باشد و اگر بینه که دینار او خفته بود و دلیل بر پرگشنگی احوال و زوال عیش و روی بود و اگر بینه که دینار ریخت و دلیل که در عیش  
و صنعت بیعتی که مانی رحمه الله علیه که یکدیگر بینه که دینار شهر یا دینار مسجد جامع ریخت و دلیل که دالی آن شهر برباد شود و اگر بینه که





که مانی رحمه الله علیه گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند اگر بیند که رانی باریک  
 دلیل که از خویشان می ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خویشان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی شکست  
 دلیل که از همتری دل و خواری بدورسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خویشان وی ضایع شود و مغز  
 گوید اگر بیند که رانهایش بر پستان بسته بود دلیل که از خویشان جدا نشود و پیوستگی بکنج کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوسته  
 بعد از آن مال خویشان بجز و حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا  
 شده بود و بر روی من بسته بود و بکسی گفتم که موی ران من بر تنش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو داری واری و از خویشان  
 تو کسی دایم ترا بگذارد و بهم در آغاه کسی از خویشان آن شخص پیدا آمد و دو لیست دینار و ام بگذار و جعفر صادق رضی الله  
 عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چنانچه خشم  
 راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و حسن برستی در راه دین و اگر بیند که در راه  
 میرفت دلیل که راه دین بود و اگر بیند که گریه را بر راه در هست بر میری میکرد دلیل که قومی را بر راه راست و صلاح دین است  
 کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یاد کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که در راه کلاه  
 او را از راه بردند دلیل که بعد از آنچه بر دند غرامت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده گشته دلیل که حق خود را  
 از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست بر آید دلیل که بجهتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که  
 بشب تاریک میرفت و راه بر او شکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه درست یابد و اگر  
 راهیانی بیند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بدوین دارد و اگر بیند که راه  
 بروی مشکل شده ندانست که کجا میرود و بقول پیغمبر صلی الله علیه و سلم جانب است راست گرفت دلیل که راه حق بروی  
 پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست میسر رفت دلیل که بر دشمن مکر و حیل سازد و اگر بیند که راه درست میرفت از راه  
 حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت  
 و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بکسو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مغز او بر حمله و طعنه  
 گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده بچنان میرفت دلیل  
 که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود و قوله تعالی *ان هذا صراطی مستقیم* فاتبعوه و اگر بیند که کسی از راه  
 برود دلیل که برضا و دین وی بود و قوله تعالی *من دسها اسمعيل* اثبت رحمه الله علیه گوید راه راست و حقا  
 مسلمانان بود و راه کج خلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند  
 سوم کار نیکو چنانچه خیر و برکت چشم آسانی و رحمت را برهن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید برهن در خواب مردی بر تن آمد و پیش از  
 کند اگر بیند که برهن مال وی بسته دلیل که با مردی پیوندد که او را غریزه و گرمی کند و از وی فایده نماید و اگر بیند که از تنهیب و با

و اگر بیند که رازمان بروی جمع شده و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود و شفایا بدرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که رازمان از وی چیزی بدزد و دلیل که اگر برهن با وی دروغ گوید و اگر بیند که رازمان کلاه او را بردند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد  
سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رازمانی کرد و کالائی کسی را برد و دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد  
دلیل که آنکس بیمار گردد و شفایا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رازمانی در خواب بر سر نهاده بود یکی جنگ دوم خصومت دوم  
و دروغ گفتن سیوم تنابهی عیش و بیماری را بهما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ربهما در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوش بوی  
بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر ضررت و رنج و اندوه بود و بخت رب در خواب چنان شیرین بود دلیل که خیر  
و منفعت بود و چون ترش بود تا و بیش بخلاف این بود به باب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن  
باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بیند که رباب میزد و دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را بد و دستایش بد و دروغ کند و اگر  
که در پیش وی رباب میزد و دلیل که سخن باطل و مضاد هرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رباب جنگ و چغانه و نامی بود  
و آنچه دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب شکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ تو بکند و اگر بیمار بیند که رباب میزد و دلیل که میزد  
یا بیماری بروی سخت شود و رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر  
بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا و بیش بخلاف  
این بود که مانای رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و که خدای بود و اگر رخساره چندی میزد دلیل که نقصان که خدائی بود  
و اگر بخلاف این بود دلیل که خدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال شادمانی  
بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر زکی کریم و نیکی کار بود و اگر  
بیند که زری داشت که در رخساره پاکیزه بود و در هنگام وی دلیل که زنی نیکو کار برنی کند و از و خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که در رخساره  
رز را هیچ برکن نبود تا و بیش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملکات و تبت و تا و بیش بخلاف  
رز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سر نهاده بود یکی زن کریم و نیکی کار و مردم منفعت سیوم رنج و اندوه  
و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود و رز تخم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آتش و صفت  
بر خواست دلیل که حقتعالی جل جلاله در اندام عدل بخت و اگر باد شادان و یا در عالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر  
مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خداستعالی استا و اند دلیل که خشم خداستعالی استا  
ستد که مانای رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر غاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد دلیل که محنت  
نزد که علامتی از عظامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا بروج یا جبال علیهم السلام سیاه شد یا  
الهی باز گردد و اگر بیند که بشمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اَقْبَلْتُ لِلْغَاثِ حَسَابًا  
و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیادتی رسد قوله تعالی حَسْبُنَا مَا فِي الْكُتُبِ

بک

بک

بک

بک

بک

بک





خواب

خواب

خواب

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را زود بپوشد که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا دوستی که در وی خیر نباشد  
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را زود بپوشد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و زود بپوشد و اند  
 جنگ و خصومت بود و بچند کار خود را با صلاح آورد و از خصومت برید و رخصت کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید بای کوفتن  
 در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مر و از از زمان خلاصی بود که کرمانی رحمه الله  
 علیه گوید رخصت کردن در خواب زمان را رسوائی بود و مر و از مصیبت اما صوفیانه و کسانیکه رخصت بسیار کنند ایشانرا غم و اندوه  
 نبود و رخصت در خواب سیرین رحمه الله علیه گوید که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخصت کردن در خواب  
 غم و مصیبت بود رک کشا و ن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را رک کشا و ن دلیل که از دوستی سختی شود و یا  
 تلف شود و اگر بیند که رک کشا و ن خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را جنتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل  
 اندک رحمت باشد و بعد از خون رحمت یا بد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عالمی او را رک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد  
 دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسامعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رک از دست راست کشا و ن  
 مال و خوشه بود و اگر از دست چپ کشا و ن دلیل بر زیادتی مال و دستان بود و اگر بیند که معروفی او را رک کشا و ن اگر زشت است  
 دلیل که آفتبش شود و اگر آفتبش بود دلیل که دشمنی او مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رک زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل  
 که او را سختی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رک زدن در خواب لیل بر چهار وجه بود یکی کشا و ن کار دوم سفر سوم خصومت  
 چهارم از جهت مال بنازی کردن و اگر بیند که رک زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد  
 در تن خون نماند و دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که بر جراحی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رک زدن  
 در خواب اگر بیند خواب مستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد و کدر رخصت این سیرین رحمه الله  
 علیه گوید بر گماعتن دلیل بر اطمینان بود اگر بیند که رک را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه دارند  
 و هر یکی که معین است که یکی تعلق دارد بر گماعتن و دلیل بر بهتران کند و گماعتن دست و بازو دلیل بر فرزندان و گماعتن  
 دلیل بر خویشان مادر و گماعتن پشت دلیل بر خویشان پدر کند و گماعتن سیرین در آن لیل بر اطمینان و ن و دستان و گماعتن  
 ساق و دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که گماعتن بختا و بر پهنار و بریده شده یا شکسته شده دلیل که از خویشان وی یکی که  
 تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که غمی و اندوهی خویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان  
 جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سختی درشت شود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی رفته  
 ل یکی از خویشان خود تلف کند و انبال علیه السلام گوید اگر بیند که رک قیال بکشد و دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که  
 سلیق کشا و ن دلیل بر دین و چون سایل گوید که از رک من خون می آید و دلیل بر که باشد مان یا بد و اگر گوید که از دست من خون  
 میرفت دلیل که او را زبانی رسد و معتبران باید که در لفظ گویند خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رک از تن وی

بود و دلیل که او را ندیدی رسد رکاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجاب بیند که رکاب ازین جدا بود و دلیل بر فرزند یا نداشت  
 بود و اگر رکاب بنین بود و دلیل بر فرزند نبود که در هیچ خیانت نباشد که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رکاب ازین جدا بود و دلیل بر فرزند  
 خویش بنین و شک بر آورد اگر بیند که رکاب سیرین بود و دلیل که فرزند کمال نیافریده شود و اگر بیند که رکاب سیرین بود یا برنجین بن  
 فرزند و بن همت بود و اگر رکاب سیرین بود و دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود و دلیل  
 فرزند او بد را می و فرومایه بود و رکاب دار و در خواب نیکو بود زیرا که او بهر آن نزدیک است رنگها ابن سیرین رحمه الله علیه  
 رنگ عقیق نجاب و دین در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را که است و سرخ بود و زنا را نیک بود و رنگ  
 زنا را و مردان را نیک باشد و دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد که کسی نیک باشد و رنگ کبود زنا را و مردان را نیک باشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید و دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس این هشت است رو باه  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب مردی فرمیده باشد یا زن یا کثیر دروغ زن اگر بیند که رو باه در بن و بود  
 و دلیل که او را با مردی خصوصیت افتد و اگر بیند که رو باه میحت از پریان و دلیل که ترسند و شود و اگر بیند که با رو باه نماند  
 و دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رو باهی سانه میگرد و دلیل که با کسی  
 حیلت کند و او را بفریبد و اگر بیند که رو باهی پیش او چای پلوسی میگرد و دلیل که غریبی با او مکر حیلت کند و پوست رو باه مالی  
 که بحیث بدست آرد و شیر رو باه نجاب خوردن و دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و  
 بعضی از متبران گویند که شیر رو باه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب  
 دیدن زن در غلو باشد اگر بیند که رو باه گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی فرمیده و دروغ زن خوابد و اگر بیند که رو باه  
 در خانه وی آمد و قرار گرفت و دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود که اگر بیند که رو باه از او بگریخت و دلیل که دام دارد و بگریزد  
 رو باه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رو بزرگ صافی شد و دلیل  
 با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رو دبیر و آن دلیل که از بلا و غم رستند و  
 و اگر بیند که در رو دبیر بزرگ رفت و آبش تیره بود و دلیل که با مردی بزرگ شکر پیوندد و اگر بیند که در آن رو غرق شد  
 و دلیل که تارک از آن سستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رو بزرگ و زیر بود و اگر بیند که رو بزرگ خشک شد  
 و دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رو زیادت بیند و دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو تیره بیند و دلیل که مال  
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رو کدنه بیند و دلیل که بیمار گردد و اگر آب رو سرد  
 و خوش بود و دلیل که از وزیر نجات یابد و اگر بیند که در جوی خون بود و میرفت و دلیل که در آند یار غم میخیزد  
 بسیار شود و اگر بیند که آب رو سفید و خوش بود و دلیل که مرم عام ثنائی و زیر کویند و اگر بیند که آب رو زرد و خوش  
 رفت و هیچ نماند و دلیل بر عقوبت باشد و آند یار قتل را قیام ان اصبح ماء و کم محو و آفتی باشد



دلیل که در سفر باشد یا سایر کرد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که روزه قطع می شد پشت دلیل که از بیماری  
برین کرد و اگر بیند که یک سال تمامی و بیای روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بیند که روزه عاصی روزه داشت دلیل که از غم و اندوه  
خلاصی یابد و روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجمل و بد دلیل بر حسیر بود و اگر  
در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی و غایت  
و عذاب این کرد و کارش نظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل آن خلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که در روستائی ملک او بود یا کسی بومی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیک بومی رسد و اگر روستا خراب بیند آتش  
بخلاف این بود و روستائی این سرین رحمة الله علیه گوید روستائی در خواب بیند بی بود اگر بیند که روستائی را گرفت یا کسی بومی  
داد و دلیل کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدینی بود و قوله تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِیْنَ**  
**مِنَ الظّٰلِمِیْنَ** که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسید و افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود و قوله تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِیْنَ**  
**اِنَّهُمْ صَدَقَ اللّٰهُ** که آنی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که پیران بی روستائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید و بدن روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین بی و دیم علم سوم راه راست چهارم عافیت و عافیت  
روغن و انبیا علی السلام گوید و روغن در خواب مال نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کاودا  
و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و میان مردم غریز شود و اگر روغن گو سپند بیند چنان دلیل دارد و اما روغن گاو و بقر  
از روغن و نه روغن با و ام روغن کجند مال و نعمت بود و روغن غنای دیگر گرانمای چون روغن بلبلان و روغن بنبشته و روغن  
زیتون و دلیل که جمله منفعت بود و از برهان روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از روغن و روغن زیتون منفعت باشد  
از روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر سگ  
دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سمن و دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغن ها چون خوش بوی  
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کسده بود ناویش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب آلود  
بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد و مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر  
مالیدن و دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که روغن سینه چرب میکند دلیل که سوزند و روغن خرد و سمعیل اشعث  
رحمة الله علیه گوید روغن ها همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخورن و دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه  
بر روغن آلوده شد دلیل که اندوگین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش و خج و بوی نیکو زن خج و بوی  
دوم کینه که سیوم شای نیکو چهارم منفعت پنجم سخفهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کسده دلیل بر رسته و بد بوی است  
روسی دوم فسخ سیوم سخفهای زشت و ناس این سرین رحمة الله علیه گوید روغن و خواب دیدن دلیل که از  
دنیا بود و خوردنش دلیل بر ضررت و پنج بود و اگر بیند که جامه خود بر و ناس سرخ کرد و دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

و اگر بیند که روزه عاصی روزه داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجمل و بد دلیل بر حسیر بود و اگر در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی و غایت و عذاب این کرد و کارش نظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل آن خلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در روستائی ملک او بود یا کسی بومی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیک بومی رسد و اگر روستا خراب بیند آتش بخلاف این بود و روستائی این سرین رحمة الله علیه گوید روستائی در خواب بیند بی بود اگر بیند که روستائی را گرفت یا کسی بومی داد و دلیل کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدینی بود و قوله تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِیْنَ** که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسید و افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود و قوله تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْفٰسِقِیْنَ** که آنی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که پیران بی روستائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدن روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین بی و دیم علم سوم راه راست چهارم عافیت و عافیت روغن و انبیا علی السلام گوید و روغن در خواب مال نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کاودا و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و میان مردم غریز شود و اگر روغن گو سپند بیند چنان دلیل دارد و اما روغن گاو و بقر از روغن و نه روغن با و ام روغن کجند مال و نعمت بود و روغن غنای دیگر گرانمای چون روغن بلبلان و روغن بنبشته و روغن زیتون و دلیل که جمله منفعت بود و از برهان روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از روغن و روغن زیتون منفعت باشد از روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر سگ دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سمن و دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغن ها چون خوش بوی دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کسده بود ناویش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب آلود بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد و مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر مالیدن و دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که روغن سینه چرب میکند دلیل که سوزند و روغن خرد و سمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید روغن ها همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخورن و دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه بر روغن آلوده شد دلیل که اندوگین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش و خج و بوی نیکو زن خج و بوی دوم کینه که سیوم شای نیکو چهارم منفعت پنجم سخفهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کسده دلیل بر رسته و بد بوی است روسی دوم فسخ سیوم سخفهای زشت و ناس این سرین رحمة الله علیه گوید روغن و خواب دیدن دلیل که از دنیا بود و خوردنش دلیل بر ضررت و پنج بود و اگر بیند که جامه خود بر و ناس سرخ کرد و دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

فصل اول در بیان  
در بیان خواب و بیداری  
و در بیان خواب و بیداری

دین فرو گذارد و معنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجهال تر از آنکه هست دلیل که شرف و شرف او زیاد  
 گردد و اگر روی خود رشت و ناخوش بیند ترشش کم گردد و اگر کسی روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که رؤیای  
 گردد و اگر بیند که گوسفند روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمُ فَفِي تَحْتِ**  
**الْأُتْبِ فَفِيهَا خِلَافٌ** و اگر بیند که گوسفند روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گوسفند روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا  
 گردد و اگر بیند که باسیابی روی او سفید پوشیده بود دلیل که او را دشمنی آید و قوله تعالی **وَإِذَا ابْتِشَرْنَا أَحَدَهُمْ بِالْأَنْفِ خِلَافٌ**  
**وَجْهَهُ مَسْوَدٌ أَوْ هُوَ كَظِيمٌ** و اگر بیند که باسیابی روی او گداز آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خن آلوده بود یا  
 زرد و آب از رویش می آمد و او را بروی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تنهایی حال وی می  
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وادار شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نینکد بیند در آب یا در آینه یا کسی  
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر رشت بود تا پیش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را  
 بکسی مناظره افتد و خشم خود و در روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه  
 و مناظره کفر بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمُ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ آيْمَانِكُمْ** و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل  
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کسب خدای تعالی خلل افتد و اگر دور روی بیند دلیل بر سختی  
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر بهشت وجه بود و یکی شرف و بزرگی دوم خدای و حقارت سیوم نظام  
 کار را چهارم دین و دایمیت پنجم اندوه و در سوائی ششم و هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت و نهم اگر بیند که ریحان در میان سبزه  
 و خوشبوی بود دلیل بر فرزندی بود و کندن ریحان از زمین دلیل بر سستی و اندوه بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه  
 خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و انبیا علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب  
 کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان خواب بر بهشت وجه بود و یکی زن دوم کمین  
 سیوم دوست چهارم فرزندی پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر  
 کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ریحان در خواب بوقت خود نیکو بود و در لیسان در خواب ضرر بود و اگر بیند که از چشم یا موی سر او  
 می رشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر ریسمان بچو لایحه بر و تا جامه بافتد دلیل که در تدبیر کاری باشد  
 که او را از آن خصوصیت بود و اگر کسی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از چشم یا موی می رشت دلیل که او را از آن  
 از سرساید و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان او گشته شد دلیل که غایبش در سفر و یا باز گردد و اگر بیند که ریسمان بسیار و رشت دلیل که  
 در آن بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از آن ایشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر  
 دوم نزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال و یو کس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بوی  
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که روی او پس بیند اخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که روی او پس

چند

چند

چند

تبرکات

بود دلیل که حضرت کتیر بود و الله اعلم ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم کند خدای او باشد و خبر کرده  
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست **سُبْحَانَ مَنْ زَيْنَ الرَّجَالِ بِالْحَيِّ وَالنَّسَاءِ بِالْأَنْثَى** یعنی پاکست  
آنچه آنیکه بسیار است مردان را برایش و زنان را بکین و اگر بیند که ریش او را زشت دلیل که کار کند خدای او ساخته کرد و اما چون بد را زنی است  
که زشت باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را با خن بیدار است دلیل که خدای او خود را بسیار بیند و اگر بیند که ریش خود را  
که ریش او دلیل که حال خود را بد مان نماید و پند شود و اگر بیند که ریش خود بر زمین میکشد دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او بر  
پای بود دلیل که زبان مال خواست و جاه او بزد و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و استیلا و زیادت شود و لیکن عکس  
و اگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل که اهل بیت ویرانان رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ  
سفا جات بیم باشد و مان آبرویش برود و اگر بیند که ریش او زشتانه کرد و بجز دو و گلاب بر ریخت دلیل که شغلی کند که مردم بکشند  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ریش او را زشت چنانکه بخت ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فراگرفت  
و یا ریش بدست او بماند و آنرا بیداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاه داشت  
دلیل که مال نگاه دارد و اگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر او را دارد دلیل که قوتش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل  
که بغم گردد و اگر بیند که ریش او زمین افتاده بود دلیل که میرد و اگر بیند که ریش او گنده شد دلیل که هر تنش بیکبار برود و اگر  
بیند که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم باشد و حیل اشقت رخ نه شده  
علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بوسه بچهره سر تراشد و اگر او را در دلیل که او را شگزار شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که  
سر و ریش را بیکبار برسد و دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتد و نقصان  
در وی ظاهر شد دلیل که از پنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در هر تنش نقصان شود  
و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که ازان رسد و اگر مردی بیند که او را ریش بر آید دلیل  
که او را بر کفر و زندان باشد و اگر فرزند آید محشم و قوی گردد و اگر گوی نام بالغ خود را برایش بیند دلیل که در غم و اندوه است  
و اگر بیند که ریش کسی گرفت و میکشد دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب  
برده وجه بود یکی بیج دوم غر و جاه سیدم مرقت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکی هفتم ترویج هشتم مال نهم فرزندان  
و هم گرامی شدن توه تعالی و لقد کفرنا بآبجی آدم اما ریش ستردن بواب حاجب از او زدن یا زدن یا نیکو باشد پاک  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب بیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریش میکشد دلیل که از هر  
کسب شغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریش مجز و یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت  
لیکن باریخ ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بواب بیند که بر تن می ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل

نسخه

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

که بقدر آن ریم و مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آید و باز  
 بجای میشد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که ریم عید و میخورد و دلیل که مال  
 و دلیل که مال حرم خوردی البتة جمع شدن ریم در اندام و دلیل جمع مال بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می  
 و دلیل که بقدر آن مال او را نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود و دلیل که مال بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که جمله او را  
 ریش بود دلیل که غم و اندوه بود و ریم این سیرین رحمه الله علیه گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم  
 می آید و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون می آید و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او  
 بیرون می آید و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ریم میخورد  
 و میخورد و ریم و سیم و این و غیره و دلیل بر غم و اندوه بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ریم و سیم و سیم و سیم و سیم  
 و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علایجی ریم و خورد و از آن تندستی حاصل شد و دلیل که بجهت و تندستی  
 و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند و دلیل بر بخت و بیماری بود و الله اعلم **حرف الزا** زن ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر زنی خواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت و دلیل که چیزی بوی رسد و از خوششان خرم شود و اگر بیند که  
 پسری زاد او را و دلش آسبتن شود و دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری زاد و دلیل که او را پسری آید که مافی رحمه الله علیه گوید اگر  
 پادشاهی بیند که دختری بر او را و دلیل که شوهرش کنجی یا بدد اگر بیند که پسری بر او و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری  
 بر او و دلیل که نکین شود و اگر بیند که پسری بر او و دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر و شیر و بیند که دختری بر او و دلیل که تاویل  
 آتین دار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی خواب بیند که پسری بر او و هم در آن روز با وی سخن گفت و دلیل بر بر  
 بیند که او و اگر بیند که دختری بر او و دلیل که فرزندی از نسل وی آید که معتز قوم گردد و راغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 راغ و خواب مروی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بیند که زاعی را بگرفت و دلیل که با کسی بدین پیوندد که صفت  
 او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زاعی را بگشت و دلیل که در آنجا دروان و فاسدان و فاسقان  
 گرد آید و اگر بیند که زاعی شکار کرد و دلیل که از جانی باطل مال یا بدد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر زاعی خواب بیند که زاعی  
 تاویل آن باشد و زاعی بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زاعی را پوست بر کند و دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر  
 بیند که زاعی را بگشت و دلیل که اهل بیت او در حضرت رسد و اگر بیند که زاعی بسیار در خواب دیدن لشکر بود و دلیل که  
 در آن دیار لشکری پیدا آید بقدر آن را عطا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که زاعی و تندر و هر دو در شل و بود و دلیل  
 که با کینه کشتا و کند و اگر بیند که با زاعی عجا مکت میگرد و دلیل که مروی در زواری کند زاکما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 زاکما زاک سبیه تر بود و دیگر زاک سبیه و زاک زواری بود و زاک سیاه مصیبت بود و خوردن زاک دلیل بر مرگ بود  
 و زاکت جامه و غیره بدین تاویل باشد و در دیدن زاک هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاک و خواب



بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیدوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان ژاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر بیند که در شهری یا در قحی ژاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را زباده و شاد و بخت رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برقی  
 و یا ژاله بود دلیل که در اینجا قحط و تنگی و مصرت بود که مانی رحمه الله علیه گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراخ  
 و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن برنج وجه بود یکی با دوم خصومت سیدوم لشکر چهارم قحط پنجم  
 بیماری زانو جانور است که در آب می باشد بیماری آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زانو در خواب دیدن  
 دشمن طاع بود و اگر بیند که زانو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بروی چیره گرد و بقدر خونی که خورده باشد زانو  
 وی نقصان شود و اگر بیند زانو در گلوئی وی شده دلیل که دشمن از درون خانه با وی مجالست کند و اگر بیند که زانو از  
 اندام خود جدا گردد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر باید که مانی رحمه الله علیه گوید زانو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند  
 که زانو بسیاری جمع شدند و خون و پیرامی مکید دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه اگر بیند  
 که زانو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن او مصرت رسد زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اصل  
 زانو در خواب معیشت بیند خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کاری قوی گردد و عیش و  
 فراخ شود و اگر بیند که زانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بروی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانو  
 وی ضعیف یا خشک بود دلیل که کاری تبا گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او فاقد دلیل که مایه که دارد از دست و  
 کرمانی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بوده و اگر بیند که زانوی وی سخت قوی گشت دلیل که کسب  
 و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و مقطوع گردد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه برنج و عنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو  
 بیند تا ویش چنین بود که یاد کردیم زبانه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زباده با خود داشت یا کسی بوی واد  
 دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان محب و ثنائی او میگویند و اگر که از آن زباده بوی خوش می آمد دلیل که مردمان  
 نگوشت می کنند و اگر بیند که از آن زباده بوی نیاید دلیل که با کسی نیکوئی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زباده هیچ  
 دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زباده در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب  
 دوم فرهنگ سیدوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده  
 و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زبانش بسته شده تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که  
 زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و بر جسم روان گردد و ظفر لهید  
 و اگر بیند که زبان وی دراز شده بخت دلیل که سخن گفتن دراز شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان  
 بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود بر پشته سخن نگوید دلیل که از گفتن بخل

فصل

شبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حقیقتی اجل و علایق را رضی نباشد و اگر بیند که کسی زبان در راه  
 وی سنا و دلیل که او را از کسی قوی و محبتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی میگوید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند مگر بی  
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود دلیل بر ضا دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان درویشی برید دلیل که  
 چیزی بر درویش دهد و اگر بیند که زبان زنی برید دلیل که بیشترش کند و از نشاشکار کند و اگر بیند که زبانش کجاست که بر خیم بود  
 دلیل که دام دارد شود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان می قوی و ستر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبان  
 ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بنده و یا دروغی گوید و اگر بیند که بر زبان می موی برآمده بود دلیل که از نسب گفتار نشاید  
 افتد و اگر بیند که زبان وی آسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استعجیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که زبان وی ووشلخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از همه خلعاف و مانده و اگر کسی بیند که  
 زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن بر لبش گشت دلیل که شغل وی بدست گیل بر آید و اگر بیند که زبان خشک شده بود  
 دلیل که در پایان باشد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن زبان در خواب شش جبهه بود یکی حکمت دوم ریاست  
 ترجمان چپا هم حاجت چشم و گیل ششم یار سخن گفتن در زبانها در حرف سین یا خو هم کرد و بر جبهه این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید بر جبهه در خواب دیدن لیل بر خیزد و عاقبت کند و اگر بیند که بر جبهه بسیار دشت لیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند  
 و اگر بیند که بر جبهه در وی صنایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن بر جبهه در خواب  
 بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند زبور میخواند دلیل که  
 خداوند تبارک و تعالی بازگرد و بگا خیر رحمت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بر او نفاق کند  
 مگر بی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبور میخواند دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل  
 کار و کردار را نیکو گرد و زجر خال گرفتن سیانک مرغان بود و اگر بیند که سیانک مرغان خال میگرد و دلیل که مرغان خال می گرفت دلیل  
 و در خواب و بیداری از راه تاویل نکو سپیده بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سیانک مرغان خال می گرفت دلیل  
 که باطل دنیا مالین بود و در راه دین ضعیف باشد مگر بی رحمه الله علیه گوید اگر کسی سیانک مرغان خال میگرد و اگر فرد باشد  
 دلیل که نیکو بود و اگر بعد و زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد و چشم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر تن  
 دشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر زخم زنده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلود  
 شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بکشت دلیل که زنده او را بجای می یابند و اگر بیند که زخم خود  
 دین او خون آلوده بکشت بقول کرمانی رحمه الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید زخم و  
 دیدن بر سه وجه بود یکی خطر یا خشن دوم خیر و منفعت سوم نقصان مال زنون و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را  
 آزار نماند و نه چنانکه اثر زنون پدید آمد یا او سبب خون بستد و چندان زنده که خون از وی بیرون آمد تا ویش بد باشد

جبهه

جبهه

جبهه

جبهه

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زدند و دلیل که مالی حرام بر حال او یا خاصه چون ببیند که از آن مال  
 خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پیدا شد و دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از معتبران گویند که  
 جامه نو پوشد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد و دلیل که انگشتان حرام یابد  
 و اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا ی وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر کسی  
 چند آنکه تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه پیش از زد و دلیل که او را غمی  
 رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد و دلیل که غمگین شود و سبب مری بدین و منافق و اگر ببیند که محبت او را بدیده بر و دلیل  
 که سلطان او را اعل و هو و کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بجای زد و دلیل که از انگشت منفعت یابد و اگر ببیند که کلاهی بر پشت وی  
 زدند و دلیل که کسی او را خضیعت کند و اگر ببیند که طایفه بر روی وی زدند و دلیل که از کسی سخنی زشت نشنود و مغربی رحمه الله علیه  
 گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزدند و دلیل  
 که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش جبهه بود و یکی منفعت و دوم محال و سوم روشن شدن  
 کار مشکل چهارم سفر تهم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن خواب دیدن مرد را زدن دلیل غم  
 بود و زدن زنی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود و کرمانی رحمه الله  
 علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زمان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میفرودخت و میخورد و دلیل که او را غمی و اندوهی  
 و اگر ببیند که زنی بخوار بخانه بر و دلیل که مال بدهد اگر ببیند که زنی بخور و دلیل که بقدر آن مال بر حال خرج کند مغربی رحمه الله علیه  
 ازین خواب مرد را زدن بود اگر کسی زنی و سیم بچا بسم یابد و دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد  
 و گویند که زنی خواب مری باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی محالیت میکرد و دلیل که او را با دروغ  
 گوئی سروکاری افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو بوقت خود چون شیرین بود و بزرگ و الوی که خورد  
 باشد و دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زنی او ترش بود و دلیل بیماری و غم بود و بعضی معتبران گویند که زنی و الو خواب دیدن  
 بود یا مال کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تنه او را بشکست و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید زنی و الو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه  
 زنی و الو خواب دیدن بیماری بود و از میوه خورد و و جامه از زشتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو زشت و خواب دیدن  
 بود و خوردن آنی همچنین و اگر ببیند که زنی زشت از درخت جمع میکرد و دلیل که او را بامریخی خیل خصومت افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی بیخود و دلیل بر بیماری و پاک بود و اگر ببیند که زنی بیخود فروخت یا کسی داد و دلیل که از بیماری  
 گرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی بیخود یافت و دلیل که مال بسیار بدست آید و بیماری بخورد و اگر ببیند که زنی بیخود در جای  
 جمع کرد و دلیل که در سفر بیمار گردد و زنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی پوشیده بود و دلیل که از دشمن این را

خواب

عصر

عین

تخت

تخت

روایت

تخت

میند که زره صنایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گرد و اگر میند که کسی ندی بوی داد و او پوشید دلیل که با او مکر کند یا بقهر کردن  
 دشمن با وی یار گردد و بدو نصرت و بی خواب و بعضی خبران گویند که زره حصن این است که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب  
 میند که زره داشت دلیل که او را و این بیت او را امینی بود و از شر دشمنان و اگر میند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و نشسته  
 این گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن برش و چه بود یکی امینی از دشمن دوم حصن بن سوم تو چنان  
 مال بخر زنگاری ششم نیکوئی و زره کرد خواب بروی بود که مرد و باز او آب آموزد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر کسی بخواب میند که زعفران داشت دلیل که مردم راجع و شاگرد و اگر میند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود  
 اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زعفران ناکفته بود که بوی دادند و دلیل که زنی توانگر خواهد بود اگر میند که زعفران بخورد و داشت  
 و میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آموخت  
 کند اگر میند که زعفران طبع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آتسین میند دلیل که پسری  
 که مقرب پادشاه گردد و اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که زعفران از دست پیر یا از زشت آتسین بود دلیل که فرزندی زاده  
 یازد و نیاز و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگاری سبوم فرزند  
 چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که زعفران داشت یا کسی بوی داد  
 و دلیل که زعفران فائده گرفتار آید و اگر میند که زعفران میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر خیال باشد و اگر میند که زعفران بفرخت یا بخرید  
 یا از خانه بیرون رفت دلیل که زعفران غم و اندوه دستکاری یا بدستکاری میند که زعفران در جراحات متاود و در دست  
 و دلیل که اگر کسی خیمه راحت میند و اگر میند که جامه وی بزرگت آلوده گشت و دلیل که از وی کاری آید که او را از ان رشتی و بدست  
 حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مالش زیادت شود و اگر میند که زکوة فطره  
 و دلیل که نماز و زکوة و سبب زیاد کند و دستکاری یا بدو اگر وام دارد که زکوة شود و اگر سبب یا بدو اگر دشمنی دارد بروی  
 فطره یا بدو که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی وقع شود بقول حضرت رسول  
 الله علیه و سلم حصنوا أموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید خود را بر زکوة مال دادن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند  
 زکوة مال میداد و دلیل بر رفون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ زُكُوفٍ تَزِيدُكُمْ وَجَعَلَ اللَّهُ فَاوْکَ  
 هُمْ الْمُضْطَرِقُ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب برشت وجه بود یکی بشارت دوم خبر و برشت  
 سیوم روشن شدن کار شکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنی ششم فراغ از غم هفتم زیادتى هشتم فطریاتین بر دشمنان  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر میند که زنگار کسی بست و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند  
 و اگر میند که زنگار بر آتش نهد و آتش نیکافروخت دلیل که با پادشاه معامله کند و از وی فایده یا بدی که تانی رحمه الله علیه  
 گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خوشه بود و اگر میند که جامه یا اندامش زنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد و اگر میند

که ز کار میخورد و دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد ز کام این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
او را علت ز کام بود و دلیل که چند روز بهار شود و هر چند که ز کام بیشتر بود و بیماری بیشتر بود که ز کامی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را  
ز کام بود و دلیل که بر کسی ششم گیر و وز و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ز کام در خواب بر ستم وجه بود یکی بیماری است  
و دوم خشم گرفتن سیدم منفعت یافتن ز لابیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ز لابیة در خواب لیل بر کوشش هر دو را اند  
و یافتن بال سیاه و شادی بود و اگر بیند که ز لابیة و شست دلیل که بقدرا ن او را مال حاصل آید و اگر بیند که اندک ز لابیة بوی و او یا در  
و بان وی نهاد و دلیل که ایسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ز لابیة زعفران می خورد و دلیل که بقدرا ن بال  
و اگر بیند که باز زعفران میخورد و دلیل بیماری بود ز لابیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین می جنبید و دلیل که مردم آنجا  
را از پادشاه رنج و علامت رسد بقدربندی زمین و معتران گویند که آفت مردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر بیند  
که زمین برگردد و زیر و بالاشد و دلیل که در آنجا رفته و بلا افتد که ز کامی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید و یک نوبت  
و دلیل که در آنجا پادشاهی آید و ابل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن زلزله در خواب جنب زمین فرو شد  
محنت و بلائی عظیم آید و پادشاه بود و قوله تعالی تحسبنا یاه ویداره الا دحض همه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت ملامت  
بود و ابل آید از زمر و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمر در خواب لیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمر و دوست  
یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که از منفعت یابد و اگر بیند که زمر وی ضائع شد دلیل که فرزندش میرد یا مال او  
تلف شود که ز کامی رحمة الله علیه گوید زمر در خواب دیدن دلیل بر مذنب دین پاک بود و هر زیادت نقصان که در زمر بود و دلیل  
آن مذنب پاک و باز کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید زمر در خواب دیدن سخن نیکو بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمر و در خواب  
بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کثیر کج غلام نیکو و هر چند که زمر و نیکو تر باشد از نیکو که گفته شد  
ز مستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمرستان و خواب پادشاه بود و اگر خواب بیند که زمرستان بود و چنانکه زمر و مر از آن حضرت سر  
و دلیل که ابل آید از پادشاه مضرت رسد اگر بیند که زمرستان بود و هواسر بود و کسی از حضرت سر رسید و کسی از نانی منیشت دلیل  
مردم آید از پادشاه خیر منفعت یابند و زمرستان در خواب بوقت خود دیدن لیل حضرت ظفر باشد زمین و انیا علی السلام گوید  
زمین در خواب ابل بود اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک و دلیل که او را زنی باشد بر سر صلاح چنانکه میان او را  
او فضل و منزلت باشد بقدر بزرگی او و از نانی زمین سبزه و نبات مجبول بود و اندک از آن او سبیل که آنگس بیند که  
و مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات بود و جانی معروف بود و دلیل  
او فضل و دیانت باشد اگر در زمین بنانی نهاد و عمارتی کرد و دلیل که او فضل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت یابد  
و اگر بیند که او را در میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میخورد و دلیل  
که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بیند که زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاک در آنجا بود و او آنگاه پدید شد و دلیل که میرد و اگر

نوع

نوع

نوع

نوع

نوع

نوع

که

در

در

در

در

در

زمین را مانند چاه و سوراخ میکنند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن باشد تلف شود و اگر بید که در منشی فراخ بود و بزرگ  
 بخت شد و میرفت در اینجا دلیل که در اینجا از کار می نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که زمین را بوی  
 سخن گفت و بخیر و صلاح آورد و او دلیل که در دنیا بخی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کند و اگر بید که زمین را در افروخ  
 و بزرگ شد و دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بید که زمین می پیوست و دلیل که بسفر رود و اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید  
 اگر بید که زمین از بهر کشت یا کاشت و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بید که زمین خویش را آبادان میکند  
 و دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین با خراب بیند تا ویش بخلاف این بود و او را با کسی خصوصت افتد و اگر خود را در زمین  
 بیند و دلیل که او را با کسی بنازمی بود و یا زنی را بناکج در آورد و اگر بید که با کسی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تا به نزد دلیل که از  
 پادشاهی طاعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیدم مال چهارم  
 زمان ابرهیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب دیدی بود و زن پیر دنیا و شغل اینجانی و نیز دیدن نان و خواب بقدر خونی  
 و جمال و زیبایی و لاغری بود و بهتر زن که در خواب بیند زنی باشد معروف باشد و زن فربه و معروف و فراخی روزی بود و زن ترشت  
 و لاغر و خط و تکی بود و زن ثامن و آنست که مراد اینجانی بود و پیر زن چرکین دلیل بر نامرادی و بد حالی بود که زنی رحمة الله علیه  
 گوید اگر زنی بید که او را قنصیب بود همچون مردان و دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان  
 بیند که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بیند که قنصیب داشت مجامعت کرد و دلیل که حرمت و بزرگی او  
 کم شود و اگر بید که زنی عاقله مردانه پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر سفید بود و دلیل بر شرف و فساد بود و مغربی رحمة  
 علیه گوید و هر سستی زنان در خواب باطل دنیا را زیاده و بی مال بود و باطل صلاح را علم و زن غریب را تا و دل ستر از زن آشنا باشد و اگر  
 بیند که بر زن و می کسی دست درازی کرد و دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بید که زنی بی عسای و زنی یک چانه رفت دلیل که پیری  
 آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زمان و خواب بر شش وجه بود یکی ثانی دوم دنیا سیدم مال  
 اینجانی چهارم فراخی نعمت پنجم خط ششم توانگری زن ثامن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که زنی را در دست داشت و دلیل که  
 در بین ضعیف بود و اگر بید که زن را بر میان بسته بود و اگر بیند مستور شود و دلیل که کافر شود و اگر بیند مستور بود و اوصاف خصم  
 و اگر بید که زن را بر دیو بیرون انداخت و دلیل که از کار بد توبه کند و بخدا استعا باز گردد و او را صلاح اختیار کند و ثامن این سیرین رحمة الله علیه  
 گوید زن نور در خواب مردی و دن و سفید بود و اگر بیند که زن نور دارد و بکرید دلیل که از مردی دون او را بخی رسد و اگر بید که زن نور بسیار برود  
 جمعه زن دلیل که میان مردم و دن گرفتار گردد و خاصه چون زن نور دارد اگر زنی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زن نور گردید و دلیل که او را با  
 دن و سخن چهرن کار افتد و اگر بید که زن نور را بکشت و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بید که زن نور را از بسیار بقیاس کرد و او  
 بود و دلیل که در آن دیار لشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زن نور در خواب بر شش وجه بود یکی ثانی دوم مرد و دن  
 سیدم لشکر چهارم پنجم ششم ششم فرزندان در غیبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن غیبل در خواب دیدن بود و اگر بید که زن غیبل

که زنبیل داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل مال و نعمت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل در خواب  
بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز چهارم خادم دین پنجم صلاح ششم عمر دوازدهم مال و نعمت هفتم خیر و برکت  
هشتم زنبیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن حضرت در میان و بعضی معتبران گویند  
که زنبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن زنبیل در خواب دلیل بی فنی بود و زنبیل ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید زنبیل در خواب مصیبت و گناه بود اگر ببیند که زنبیل شکست و بیند زنبیل از گناه توبه کند و بخدا بیغالی بازگردد و مغربی حجت  
الله علیه گوید اگر ببیند که زنبیل در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام بیندیشد و اگر ببیند که زنبیل در پای  
داشت دلیل که در خانه های مردم مصیبت کند و دیدن زنبیل در خواب مردی عاصی و گنهگار بود و زنبیل در خواب مهر خانه  
بود و خداوند عقل بسیار اگر ببیند که زنبیل از بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کسی باز  
بر زنبیل او میزند دلیل که مهر خانه آن باوی سخن گوید که از آن بخور شود و اگر ببیند که از زنبیل خون بیرون شد دلیل که بدتر از آن  
از مهر تران خانه آن او را زیان رسد و بعضی از معتبران گویند که در کعبه و کاش فضا ان افتد زندان ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر ببیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر ببیند که  
زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که وارد ویر بماند و در غم و فکر بود که مانی اگر ببیند که خواب دستور بنا شد  
از شناسایی وینی ویر غم و اندوه رسد و اگر ببیند که مردی بایستی بند میرفت دلیل که کار بسته او بکشته یا جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعا قال رب انجني من  
التي تمنا ليك عوفني اليك و چون زندان مجهول بود و کور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهر یوسف علیه السلام فرمود  
التي تمنا ليك عوفني اليك و منزل الكلبوى و منجرباه الاصل قاء و شامة الا على اى يعنى زندان بجواب گور زندگانست  
و منزل ملاست و آنرا میش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست و اگر ببیند که در زندان شد و زود بیرون آمد  
دلیل که مراد تمام بیا بد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زندان در خواب گور بود و زنگنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنگنه در خواب  
جنگ و خصومت بود و اگر ببیند که زنگنه داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر ببیند که زنگنه از زنجیرین بوسی و او دلیل که با تو تگری  
خصومت کند و اگر ببیند که زنگنه سپین بود یا برنجین دلیل که ویرا با کسی عام خصومت افتد زمار ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر ببیند که در زارگر است و پنداشت که هرگز موی نمید و دلیل که کار بروی بسته شود و اگر ببیند که بر زار روی رنجی بود یا در روی  
که بقدر رنج او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زمار در خواب بر فرد و جبهه بود یکی زن دوم مال و هر زبانت  
و نقصان که در زار بود و اوایل آن بر زن و مال بازگردد زمار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمار در خواب خور و مال عرام  
یا خون باطل و ناحق ریزد و اگر ببیند که از خوردن زمار تن می آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند که مانی رحمه الله علیه  
گوید اگر ببیند که تن وی زمار آوده بود دلیل که در کاریکه بود سخت حریص بود و بعضی از معتبران گویند که سخنی گوید و بدان که زمار

خواب

زنبیل

زنبیل

زنبیل

زنبیل

زنبیل

و اگر

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

و اگر بیند که تن او از زهر گزندی رسیده یا آس داشت دلیل که بقدر آس او غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورد و دلیل که اگر کسی خشم فرو  
خورد زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم فرو خورد و اگر بیند که زهره چهارپایی میخورد و دلیل که  
بخونی و دشمنان شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهره مردمان آلوده گشت دلیل که آلوده مردمان چوید و اگر بیند که  
تن وی زهره چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام پوشید و اگر بیند که تن وی زهره داون آلوده گشت دلیل که صحبت  
با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که زمین در دست داشت  
و چیزی دیگر غیر زمین با وی نبود و دلیل که او از فرزندی آید و اگر بیند که با زمین سلاحهای دیگر داشت و دلیل که از پاوست  
او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین را خنثی و دلیل که کسی را سخن بدگوید  
و اگر بیند که بزومین کسی را مجروح گردانید و دلیل که بر کسی بهتان بندد و زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمین  
در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زمین داشت یا کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد  
که مانی رحمه الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد و اگر بیند که روغن زیتونی یا لود میخورد و دلیل  
که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین تلخ نبود و با نان میخورد و دلیل که او منفعت بخشد  
مصل شوزیره باج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره باج در خواب چون ترش نباشد و میل شیرینی دارد و دلیل خیر  
و منفعت باشد و چون ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون دروی زعفران بود و دلیل بر بیماری بود و بعضی از تعبیر  
گویند که خوردن زهره باج در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود و زیلو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیلو در خواب  
گسترده باشد و دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل  
بر نقصان عمر کند و اگر بیند که بر زیلو ی کو چک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد و دلیل که عیش و روزی فراخ شود  
و اگر زیلو بدست خود پیچید و در گنج خانه نهاد و دلیل که غرور و ولت خود را تها کند و اگر بیند که زیلو بر پشت نهاد و دلیل که  
امانت مردم برگردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و کسی دیگر او و دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد و خبری رحمه الله  
علیه گوید اگر بیند که زیلو میسزد و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که زیلوئی که منته و دریده بود  
و دلیل که عیش و روزی دشوار شود و اگر بیند که زیلوئی که جمول افکنده بود و دلیل که آنچه دوست دارد و دوست او برود و اگر  
بیند که زیلوئی نو بدو دادند و در خانه بکسرت و دلیل که دولت اقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
ویدن زیلو در خواب شیش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیدم روزی فراخ چهارم غم و دولت پنجم دشواری شش  
ششم گناه زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره در خواب چون بسیار بیند و دلیل منفعت زمین و دنیا می وی باشد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زهره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمین  
چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیکت و بدان بر اکب باشد





در خواب

و

و

و

و

و

و

دلیل که پادشاه بروی چشم گیر و مغربی رحمة الله علیه که با اگر بیند که سایبان پیشین یا کپس بود و لو که آن بن برپا سپید بود و دلیل که چشم  
 پادشاه طالع کند سپهر این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه و پادشاه بود و اگر بیند که سپهر  
 سلاح دیگر بود و دلیل بر روی بود که در دست و بر او از انز و شرنگا پارو و اگر بیند که سپهر بر زمین نهاد و دلیل که او را با مردی حاصل صحبت  
 جعفر صادق رضی الله عنه که پدید سپهر در خواب بر پیش و چه بود و یکی بر او و دم یا رسیدم قوت چهارم سپهر پنجم یعنی ششم شصت  
 و پنجاه بقدر زندگی سپهر نیز این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب دیدن مال شادی بود و اگر بیند که سپهر در کا و دشت دلیل که  
 او را در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر بیند که سپهر دشت دلیل که او را از مردی مال حاصل آید و اگر بیند که سپهر چهار پای دشت  
 دلیل که او را از مردی غیب مال حاصل شود و اگر سپهر در آن دشت دلیل که بقدر آن مال از زیر سبزه جعفر صادق رضی الله عنه که سپهر  
 دیدن سپهرهای مجموع در خواب مال بود و سپهر جانور که گوشت و حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت و می حرام باشد مال حرام  
 بود و سپهره این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب دیدن بود و خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی خواب بیند که زمین را شست  
 در آن سپهر بسیار بود و دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در آن سپهر گیاه مجبول بود و او آن گیاه را نشناخت و در آن می گریست  
 و دانست که در آن زمین ملک و است ایمنه دلیل بر دین و دایمیت بیند که کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروفه بود و دلیل بر فرا  
 نعمت و مال وی بود و مغربی رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب چون بوقت بیند و دلیل از بد و درج بود این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر  
 در خواب نیک بود و اگر بیند که در سپهره از زمین شست و دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سپهره زار مقیم بود و دلیل بر بقیت  
 و ثواب خیرات او بود و اگر مانی رحمة الله علیه که پدید سپهره زار پاکیزه و خورم بیند و دانست که ملک و است دلیل بر دین پاک و در ع و دایت  
 او باشد و اگر سپهره زار زرد و پر مرده بیند وایش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سپهره زاری بود که ملک دیگران بود و دلیل بر صحبت  
 او با مردمان پارسا و دایمیت باشد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که صحبت او با مردمان مفسد بود و جعفر صادق رضی الله عنه که پدید سپهر  
 در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام و دم وین سوم عتقاد پاک چهارم بر پیرنگاری بسمل این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر  
 که چشمه های وی سبز است چنانکه نمیتوانست دیدن و دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمه های آن رقی بود و دلیل  
 در آن بود و دلیل که در راه دعوت ماند و اگر چشمه های شمالا و در و سبل در آن بود و دلیل که فرزندش بسیار بود و اگر بیند که سبل چشمه های بر سرش  
 و دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غیبت بود و دلیل که سلامت در وطن خود باز رسد و سبب  
 این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب بر منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود و اگر مانی رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب  
 کنیزک یا خادم بود و اگر بیند که سبوی نو فر گرفت یا بخیر و دلیل که کنیزک بخیر یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که سبوی ضایع شد یا بخت  
 و دلیل که کنیزک یا خادم و پیر و اگر بیند که سبوی او را سوراخ شد و دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که سبوی از آب صفائی بود  
 و دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه که پدید سپهر در خواب دیدن برنج و چه بود و یکی خرد و منافق و دم وین سبب  
 خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین سببوس این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر بخواب بیند که

حرف سبک

سبک

سبک

دو

آن سبوس مجور دلیل که در آنجا نقطه و تکی افتد و اگر میند که سبوس را از خانه بیرون بخت دلیل بر نیت و فراخی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبوس در خواب بر سر نهاده بود یکی نیاز سندی و دوم نقطه سیدم تنگی معیشت سبید ابابن سیرین رحمه الله علیه که سبید خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که سبید ابابوشت یا کسی بوی داو دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر میند که سبید ابابروی و پشت دلیل که بقدر او و شتاع و نیا حاصل شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید سبید روی خد مکنار بود و بعضی از سبید میند که خدائی خانه بود و نیک و بدان که خدای خانه باز کرد و سبید عمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که سبید میند دلیل که از زبان وی ظاهر گردد و اگر میند که سبید نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آن کار نداند مغربی رحمه الله علیه گوید سبید مرده در خواب دیدن مرد از اینج و سختی بود و زنا از سوانی و ظاهر شدن را ز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبید مرده در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سیدم ظاهر شدن را ز چهارم رنج و سختی ستارگان و انیال علیه السلام گوید ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و اقباب بر باد شده و ماه دلیل بر فرزند اگر محل را خواب میند دلیل که او را با هم و با قین شغل افتد و او را مال نعمت از او حاصل آید و اگر شتر را بخواب میند دلیل که او را با همتری پارسا و مصلح نیک خواه کا رفت و اگر گریخ را بخواب میند تاویل آن بر زنان خوب روی و ششم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطار را بخواب میند دلیل که او را با مردم حکیم و سبکی است و از وفایده یابد و اگر میند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و فخر است بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان تا سده چون عیوق و عقیق و سبیل و کلک بعضی از ستارگان می پرستیدند اگر یکی از ایشان بخواب میند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر میند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل علمی بر آن دایره و نیار و توتول و حکایت و بالجمیع هم یک شکل و آن اگر میند که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر میند که ستاره بر گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره میند دلیل که او را فرزندان بسیار شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که ستارگان در آسمان تخریق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر میند که ستارگان سعد هم جفتند دلیل که حاش نیک شود و اگر میند که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر میند که ستارگان سطح وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر میند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت وادگر باشد و اگر خلافت بر میند دلیل که پادشاه عالم و متمکار بود و اگر میند که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آنجا جنگ و کارزار باشد و اگر میند که ستارگان در سبیل خود نماند دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شود و در وی کاف و دلیل که در آن فرزند وی غریز و گرامی آید و اگر میند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش زیاده شود و اگر میند که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی با عالمی کند اسماعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که مردم در میان بر او می برند و خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آزادی پرستند دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی افتاد و دوم علم سیدم قصات چهارم خلفا پنجم و در ششم و هفتم عزانه دار هشتم مرد

جمله

خواب  
ستون

بجای

بجای

نیت

بجای نم شاکردان حکایت آورد و اندر بنام و مردی خواب دید که سار و روشن بر زمین افتاد و متعجبان گفتند که عالمی  
 در آن هفته امام عظمی از دنیا رحلت کرد و ستون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود  
 خواب بیند که ستونی داشت و قوی بود و دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خانه وی بنیاد و پاشکست  
 دلیل بر خاک او بود که مانی رحمه الله علیه گوید ستون در خواب سلام بود اگر بیند که ستون خانه بنیاد و پاشکست دلیل که خدا  
 خانه پاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل بر ضعف بن دینی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون  
 در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرکب سیوم و محشم چهارم قوت و کار باجم ولایت و پنجم سجاد و ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید سجاد و خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاد و نشسته بود و دلیل که سفر سجاد زود و قوت  
 و اتحاد و امین مقام ابوالقاسم مصلحی خاصه چون بیند که در مسجدی مستغنی شد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که سجاد و نشین یا بنید داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاد و او بسوخت تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بیند که سجاد و وی نشین بود و دلیل که طاعت وی ریائی بود مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که باری سجاد  
 و نقالی را سجده کرد و دلیل که بر مردی بزرگ خطر یا بدو اگر بیند که غیر خدا تعالی را سجده کرد و دلیل که مراد وی که وار و برینا چهر  
 صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که همسر یا سجده کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد که تعالی تعبد و نون من و نون  
 الله ما لا یففعک ولا یصوکر سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تراز و در دست و پشت و پیش و سینه  
 و دلیل که میان مردم و او می کند و اگر بیند که هستی سجده و دلیل که حکم رستی کند که تعالی و ز نو با القسط المستقیم  
 اگر بیند که هستی سجده اگر ارباب علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم شود و دلیل که بقاضی محتاج گردد و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید راست سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بدوری چهارم حاکم شدن و اگر  
 کج سجده تا ویش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بتاویل بر زبانها گفتن  
 بود و اگر بیند که بر زبان عربی سخن گفت و دلیل که از متران خود جاہ یا بدو اخبار یا حضرت رسول صلی الله علیه وسلم  
 استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید و دلیل که با متران او صحبت فتنه و آزار ایشان نیکی یا بدو اگر بر زبان عبری سخن  
 گفت یا شنید و دلیل که میراث یا بدو اگر بر زبان هندی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی مهل و دن محبت ویرا کار می آید  
 و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را با باقیین صحبت افتد و اگر بر زبان خوارزمی سخن گفت یا شنید و دلیل که خبر  
 کرده و شنود و اگر بر زبان سقلائی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی انصاف او را شعلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن  
 گفت یا شنید و دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را نصیحت تا وای غم و اندوه  
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید و دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از ان منفعت  
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنود و اگر خواب خیر و صلاح بود تا وای آن خیر و صلاح

باشد و اگر سر و قشا و گوید تا یل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خویش گوا  
 راست و به قول تعالی **يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَعْمَلُونَ** ه  
 و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل برستم و بیدار باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب و خواب خصوصت و دواوری  
 بود و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و همین تاویل دارد و سخن رحمه الله علیه  
 اگر بیند که سراب زده شده بود و بخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون بکند و دلیل که از جنگ خصوصت خلاص  
 و در دیدن سراب بجای هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سر خواب دیدن متعرقم بود و اگر بیند که سر برید و دلیل  
 که متعرق و دوست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر خرم شش از تن جدا گردد و اگر دوا را بداند و باشد و دلیل که دوا  
 شود و از خرم فرج یابد و اگر این خواب بنده بیند و دلیل که از او گردد و اگر بخورد بنده شفا یابد و اگر متعرقی بیند و لایت یابد و اگر از او بیند و دلیل که  
 خواهد تا تا اگر باشد بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرانی بریده بسیار بیند دلیل که متعرقان اینجا بسیار جمع شوند و اگر بیند که از آن سر  
 یا پوست یا مغز یا پوست دلیل که از آن متعرقان مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا میخورد و دلیل که از متعرقان و شیان حاصل کند و اگر بیند  
 که پوست سر را در موم میخورد و دلیل که متعرقی با وی عتاب کند و اگر بیند که سر وی محروم میخورد و دلیل که سر وی خورده و اگر بیند که سر را  
 یا بی دشتی میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر وی محمول میخورد و دلیل که سر وی کسی بخورد و اگر بیند که سر وی میخورد و دلیل که بقدر آن مال پادشاه  
 بخورد و اگر بیند که سر وی سر یا پیش او آورد و دلیل که سر او خورده گردد و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر خواب سر زنی بیند و دلیل که از زن  
 تو اگر راحت یابد و اگر بیند که سر او سپیدی میخورد و دلیل که عرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر کاوی میخورد و دلیل که انسان مال  
 نعمت یابد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب خمر بزرگ بیند و دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را در سر او دلیل که کارش قوی گردد  
 و اگر سر خود برهنه بیند و دلیل که از شعله دار و بیفتد و نمکین شود و اگر بر سر خود جراتی بیند که از آن خون می آید و دلیل که با کسی و او سر  
 و اگر بیند که سر وی مغز سیرین آمد و بر منین افتاد و دلیل که سر یا از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نماند و دلیل که مایه بر دست  
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار ثانی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت و دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی متعرق  
 و فرمان و اگر در خواب سر وی سخن نیکو گفت و دلیل که نیکو کار باشد و در کار ما انصاف نگاهد و اگر سخن بد گفت و دلیل که خلاف این است  
 و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست و یک نیمه در دست چپ داشت و دلیل که ماور و پدر وی میرسد و اگر بیند  
 سر خود در دست خود داشت و دلیل که از متعرقی خیر و منفعت یابد و سخن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پیل شد و دلیل که ولایت یابد  
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بفساد و حرام گراید و اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که از پادشاه مال بدو اگر بیند که  
 وی چون سر خر شد و دلیل که از بخت خود کامگاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بنزد خلق خود گردد و اگر بیند که سر  
 چون سر گوسفند شد و دلیل که چهل بروی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شتر بیند و دلیل که فرمان روانی یابد و دشمنان او بترسند و اگر سر خود  
 چون سر گاو بیند و دلیل که دل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شد و دلیل که بفساد و لغو باشد و اگر بیند که سر وی گاو بیند و دلیل که

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سرورین یا مین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او مین یا مین بود دلیل که خدمت سری علیه  
 کند و اگر میند که سر او چپ بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن  
 کند و اگر میند که سر وی چون سر مرغان شد دلیل که سفر رود و اگر میند که سر خود بریده داشت دلیل که او را برادر کند و اگر میند که سر  
 از تن جدا گردد و باز بر جای ننهد و درست شد دلیل که عاقبت در جبهه شهادت یا بد و اگر میند که سری داشت در نش آسین بود دلیل  
 که او را پسری آید و اگر زنی خود را بر سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد و دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بریان  
 میخورد یا کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که از متهری فایده یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تا دین نبی یا متهری کردن  
 باشد و اگر میند که سر خام میخورد و دلیل که متهری را غیبت کند و سر خط بهتر از خام بود و ظاهر معبر رحمه الله علیه گوید سر مردم بخواب  
 بود یا متهری یا پس و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان میزند و اگر  
 سر خود را باز برگردان خود بست و دلیل که آن کسی بضاعت بستاند یا دام کند و اگر میند که سر ای بریده و پیش داشت و قصص میکند  
 و دلیل که متهری را رانم و اندوه و مصیبت شد و اگر سر او شاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یا بد جعفر صادق رضی الله عنه  
 سر مردم خواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس و دوم متهر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم  
 نهم تسبیح غلام یا دهم زن و آواز دهم تو اگر کسی اگر خواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود و دلیل که او را با متهریان صحبت  
 افتد و اگر جامه هر کس بود که پوشید و دلیل که از متهری غم و اندوه یا بد و اگر میند که سر تا در تنور نهاد و دلیل که از متهریان و خادم کارش  
 بر سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علی که در منفعت نبود این سر برین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در زمین بر آبی مقیم شد دلیل  
 که بعلم باطل و سخنی که در خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سر آب میخورد و دلیل که از علم باطل مان صبح کند سر او و این  
 سر برین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و اندک ملک او بود و دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و باشد که متهر شود و اگر  
 که در سر پرده پاوشا مقیم شد دلیل که از پاوشا حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر پرده پاوشا مقیم شد و دلیل که از مال ملک دی بود  
 و اگر میند که سر پرده پاوشا بسوخت و دلیل که پاوشا بمیرد و اگر میند که پاوشا او را از سر پرده بیرون آورد و دلیل که پاوشا بی پای  
 و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سر پرده و خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت و دوم ریاست و سوم ولایت  
 چهارم دولت پنجم سرنگی سسر انیا علی السلام گوید اگر کسی خواب بیند که در سری بیگانه شد و هیچ نشاخت و در آنجا مردگان دید  
 دلیل که آن سری آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل که بر جاهی او بود و پس  
 شفا یا بد و اگر میند که سری معروف شد و بنیادش از گل بود و دلیل که در روزی حلال یا بد و اگر میند که بنیادش از گچ و آجر و آجر بود و دلیل که مال  
 حرام یا بد و اگر میند که سری بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر سری کوچک بود و تا ویش بخلاف این بود این سر برین  
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که سری خود میکند و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که سری کند را میکند و دلیل که در  
 خیرات بروی کشاده شود و اگر میند که سری نو پاکیزه بود و دلیل که بر تن درستی و عمر دوازده و پدر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سری نو

و پاکیزه در شده و دانست که ملک و سیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و در خواب او با بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سرای  
 در خواب بر بخت و بهر بود یکی هر روز زن و زن را شوی و دم نواگری سیدم این چهارم عیش خیم مال ششم ولایت هفتم امانت و غرت  
 سرب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی درون او حاصل شود و اگر ببیند که سرب  
 میگذشت دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخس جامه بداند که در جامه مردان سرخی که است بود و رنج و اندیشه و زانرا آخر و در  
 و اگر مردی ببیند که به جامه وی سرخ بود دلیل که غنچه و خون ریختن او دست دارد و بر مردم ستم کند بعد سرخ جامه سرخچه  
 در خواب دیدن دلیل بر زنا و بی مال بود و اگر ببیند که بر تن وی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی بچ و سختی بدست آورد و اگر ببیند که سرخ  
 از تن او ناپدید شد تا ویش بخلافین باشد سرخه این سیرین رحمة الله علیه گوید سرخه این در خواب برنج و در بود یکی سرفه زد و دم  
 سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآید پنجم سرفه که صغیر برآید و اگر خواب ببیند که بگاه سرخه این بلغم برآورد دلیل  
 پیش کسی شکایت کند از بانی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت  
 وی از محال و بهیوه بود و اگر ببیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل  
 شکایت وی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صغیر داشت دلیل که مردی بود که از بهر شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرفه  
 دلیل که غمخوارین بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر ببیند که سرفه در گلوئی او باشد  
 دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که او را سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یا بد جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرفه دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد سر که این سیرین رحمة الله علیه گوید سر که در خواب  
 مال حلال بود یا برکت و خور و نشن تاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه السلام فرمود خیر اکابر مال  
 و بعضی خبر آن گفته اند که سر که ترش در خواب غم و اندوه بود و سر که فروش در خواب مردی خشم و دست طلب بود سر که این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید سر که این سب و گاه در خواب مال و نعمت بود اگر ببیند که سر که این بسیار جمع آورد دلیل که او مال و نعمت حاصل  
 و اگر ببیند که سر که این مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سر که این می انداخت دلیل که مردی بوی رسد و نقصان  
 مالی بود و اگر ببیند که در بستر پیدای بگرد دلیل که از مال خود بعضی بخیال دهد و اگر ببیند که سر که این نکست و آن سر که این را بجان کشید  
 دلیل که مال در زمین پنهان کند که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سر که این مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بکشد  
 مجهول سر که این فکند دلیل که مال خود بجا فی خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سر که این بیاورد دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که اسباب  
 پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سر که این مردم مال حرام بود و سر که این چهار پایان مال حلال  
 و سر که این دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید بر پیدی که از مردم خدایت شود و دلیل بر این باشد و اگر ببیند  
 مسان پیدی بر خفت و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدی نهاد و بختیاد و جامه و  
 او در کشت دلیل که از خاک مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر که این در خواب بر جامه بوی که مال حرام بود و مردم کشاید





بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پیکر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود و دلیل که  
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که  
 فرزندش میرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم قوت سوم باغ چهارم یکی از  
 خوشیانش سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر دشمنی بود اگر بیند که سطلی از بخیرید دلیل که کینش بخیرد و اگر  
 بیند که سطلی می شورش شد دلیل که عیبی بر کینش ظاهر شود سبط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معتبر در خواب غم و اندوه بود و  
 خوردن آن خصوصیت و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سحر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این  
 بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که بجای رفت دلیل که انحال خود و ور کرده یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود و  
 قوی میرفت یا گریه بود و احوال آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مخبر فی حقیقت  
 علیه گوید اگر بیند که با بزرگ و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود سفر  
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو پاکیزه داشت یا بخیرید دلیل که کینش زشت روی بود و اگر بیند که  
 بران و نعمت بود و دلیل که از آن کینش شفقت یا بدگمانی رحمه الله علیه گوید سفره خواب سفری با منفعت بسیار  
 و اگر سفره کوچک و تنگی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کینش بیشتر  
 یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کینش و دوم خدمت کار  
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقا  
 مردی بود که بر دست وی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طمع میدارد گمانی رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سقائی میگردی طمع دلیل که بجای حضرت راعب باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی ندانند دلیل که مال  
 جمع کند و الا راحت از آن نیاید و اگر بیند که آب بخانه کسان میرسد و دلیل که بخت کسان مال جمع کند و الا از آن هیچ  
 منتفع نباشد سقافور مایه ایست که در میان ریگ میداشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب سقافور  
 داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و متحیران گویند که مایه  
 در خواب کرده باشد سقافور مایه ایست که در میان ریگ میداشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقافور مایه ایست که در میان ریگ  
 و اگر بیند که از بر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقافور مضرت یافت  
 دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرماید بود و هر بان باشد  
 و سگ سیاه دشمنی از غیب بود و سگ سفید دشمنی از بجم باشد و اگر بیند که سگی او را بکشد دلیل که از دشمن گزند نیاید

سجده

و اگر بیند که جامه او باب دهن سگ کرده شد دلیل که از دشمن سخن خسته گرد و اگر بیند که سگ جامه او بدرید دلیل که در مال نقصان  
 آید و اگر بیند که گوشت سگ سیخ و دلیل که دشمنی را دفع کند و اگر بیند که مان سگ و او دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند سگی  
 با وی نزدیکی کرد و دلیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بیند که سگ بروی تکیه کرد و دلیل که بدشمنی فرود آید و اگر بیند که سگ سیخ و  
 دلیل که ترسی و بیجی بوی رسد و اگر بیند که سگ از وی میگریزد و دلیل که دشمنی بر حذر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در  
 خانه وی آمد و دلیل که زنی و دهن حرم و فرود آید برنی کند استخیر الله تعالی رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمنی ظاهر باشد اگر بیند  
 که سگ شکاری شکار میکرد و دلیل که او را از دشمن که دعوی و لشکر کند خیری بدور رسد و اگر بیند که گوشت سگ شکاری بخورد و دلیل  
 که مهربانی یابد و اگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت و دلیل که از دشمنی با منفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرد غماز سگ با ابن سیرین رحمة الله علیه  
 گوید سگ با اگر گوشت که سپید و جوانی نیکو بخت بود و دلیل بر عیش خوش و عروجه بود و اگر گوشت که گندیده بود و دلیل بر یافتن مال است  
 بود و اگر گوشتی که بخت بود و دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکوره  
 نوید و داد و دلیل که سخن لطیف شنود و اگر بیند که سکوره شکست یا ضایع شد و دلیل که سخن باطل شنود و بعضی از معبران گویند  
 که سکوره در خواب کینک بود و اگر بیند که سکوره نو خرید و دلیل که کینک نومی خورد و اگر بیند که سکوره شکست و دلیل که کینک ادعای شود و جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی دشمن دوم خادم سیم کینک چهارم دوام دین پنجم صلاح ششم در بقع مملکت  
 سخن خوش نهم سیرت از جهت زمان سبکبختی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبکبختی در خواب چون شیرین بود و دلیل بر مال و دوزخی حال  
 که آسان بدست آید و اگر ترش بود و دلیل بر غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سبکبختی خورد و اگر شیرین بود و دلیل که شفا  
 یابد و اگر ترش بود و دلیل که بیماری او دوا کرد و صلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بچکانه بود  
 و دلیل که عوام زبان بروی در آید و دلیل که بزرگی رسد و اگر بیند که بزرگی تنها بود و دلیل بر دشمنان ظاهر یا بزرگی مانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب  
 بایه و کمان بیند و دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از ان التماسی که بدان جنگ کند چیزی شکست یا ضایع شد و دلیل بر نقصان بزرگی می بود  
 و اگر بیند که با کسی جنگ نزد میگرد و دلیل که در جنگ حضور است و اگر بیند که کسی او را بود و دلیل که آنکس را حضرت رساند مغربی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزود نماند که آنکس که بود و دلیل که او را حضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم بریم جبهه شد و دلیل که بقدر آن جان  
 شود و اگر بیند که بدان زخم که زد و گوشت استخوان ببرد و دلیل که از آنکس مال نعمت رسد و اگر بیند که در حرب دست کسی ببرد و دلیل که او را سختی  
 سخت گردد و میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر یکی ببرد و دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین صلاح و در خواب  
 وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سیم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و صلاح گرد خواب پادشاه بزرگ داد و اگر بود  
 سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و دلیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر  
 بیند که دشمنی بروی سلام کرد و دلیل که دشمن دوست وی نشود و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که غریب

سجده

سجده

سجده

سجده

در خواب

سلطان

سما

سما

سما

سما

با وی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که از عذاب حق تعالی این گرد و اگر بیند که پیری آشنای  
 بروی سلام کرد و دلیل که زنی خواب روی خواهد کرد و آشنائی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد و دلیل که میان  
 ایشان جدائی افتد و سفری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام  
 بجانب چپ داد و دلیل که کارش شورید و اگر در جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی  
 سیوم اقبال چپ در منفعتی و ثالث سلطان ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در  
 شد دلیل که برخی مصیبتی بران تمام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قرية ففسدوا بها وها اگر بیند که در جنگ و سلطان  
 علیه کرد و دلیل آنکه حاجتیکه دارد روا شود و مقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست راستش بر روی دلیل که سگندش و بیند و اگر بیند که  
 سلطان از تحت بغی یا تحت شکست یا ناپ او را لکه زوایا شمشیر وی شکست یا کادی سرونی بروی زد و او را مجروح گردانید  
 این سه دلیل بر زوال ملک فی بود و اگر سلطان را و اگر بیند دلیل بر شرف بزرگی وی بود و بعد آنکه عدل کند و اگر بیند که سلطان بساط  
 بزرگ بگستر و دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد و سفری رحمت الله علیه گوید اگر سلطان کاخ خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جانش  
 زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشته روی و خرم بیند و با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و دشمنهای مرده او زنده گردد و  
 سما روغ کیا هست که او را کجای خوانند و پند وی خواب زنی بود که بروی خیره نباشد و اگر او را در سماروغ بیند دلیل که آن  
 بود که از زنی بوی رسد که آشنائی رحمت الله علیه گوید اگر سما روغ بزرگ بود دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید سما  
 ابن سیرین رحمت الله علیه گوید سماق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سماق خورد و دلیل که کسی بنگردد و در خوردن  
 سماق هیچ چیز نبود و سماق ابن سیرین رحمت الله علیه گوید سمانه در خواب پیری غلام بود و اگر خواب بیند که سمانه گرفت یا کسی بوی  
 دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بیند که سمانه در دست وی پرید فرزند و خلاصش میرد که آشنائی رحمت الله علیه گوید سمانه در خواب  
 مال روزی حلال بود قوله تعالی و اقولنا علیکم المن و التلوی و اگر بیند که گوشت سمانه میخورد و دلیل که روزی حلال باشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم حیره مال  
 ابن سیرین رحمت الله علیه گوید سمور در خواب مردی کا فظالم در این بود و اگر بیند که سمور بر زمین کرد و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت  
 کند و قوتش او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور میخورد و دلیل که مال مردی غلام بخورد که آشنائی رحمت الله علیه گوید سمور در خواب مردی  
 غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سمور را بکشت و گوشت او بر زمین افتاد  
 دلیل که مال مردی غریب تلف کند سنان ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بکشد و دلیل که خصم  
 بکشت علیه کند و بروی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بکشد یا ضایع شد تا و پیش بخلاف این بود که آشنائی رحمت الله علیه گوید  
 اگر بیند که سنان پولاد درفشند و پشت اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیش از  
 بیند که سنانش زنگنه گرفته بود و دلیل که نفقش از آن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و پند سنان در خواب بر شش وجه بود یکی

دوم و لایت سوم

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

دوم و لایت سوم هر دو از چهارم قطعه پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنب ابن سیرین رحمه الله علیه که بدست در خواب می  
بود اگر بینه که سنبی فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند می آید و اگر بینه که سنبی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت  
یا میرد که فانی رحمه الله علیه گوید سنب ضرر خواب مال بود و اگر بینه که سنبها را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند  
و اگر بینه که بر پای او سنب بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بینه که سنب بیفتاد تا ویش بخلاف این بود سنب ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بینه که سنبی داشت و دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بینه که سنبی خشک داشت تا ویش  
بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که سنبی تازه بخورد و دلیل که مال حلال بدست آید یا فرزند می آید و اگر بینه که در آید یا مشهور  
گردد و اگر بینه که سنبی را آتش میسوزد و دلیل که نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب  
و تو اگر و نا آید و نه بود و پوست و موی و استخوانی مال و خسته بود و گوشتی مال غریبی بود و اگر بینه که سنجاب را کشت  
و گوشت او بخورد و بیفتد و پوست او پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تباہ کند و یا بقصد بستاند که فانی رحمه الله علیه گوید  
اگر بینه که سنجاب را خفه کرد و او را زرد نشخواران و آن شد و دلیل که دو شیرگی دختر میبرد و سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آید و اگر بینه که سنجاب خرید یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بینه که سنجاب  
میخورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجاب در خواب بر سر و وجه بود یکی مال برنج دوم مال برنج سنب  
منفعت از مردم بدو می رسد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سندان خواب دیدن پیش بزرگ بود و اگر بینه که سندان فرا گرفت  
یا کسی بوی داد و دانست که ملک است و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یا بد که فانی رحمه الله علیه گوید سندان در خواب دلیل  
با مهربانی صحبت افتاد و از وی راحت یابد و اگر بینه که سندان کسی داد یا صنایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب برنج و وجه بود یکی مهربانی دوم منفعت سیدم خوت چهارم و لایت پنجم اقبال کار  
سنگها که فانی رحمه الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها برود و وجه بود یکی مال دوم مهربانی و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر  
و اگر بینه که سنگی سپید گرفت و دلیل که با مهربانی خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بینه که سنگی سیاه گرفت  
و دلیل که با مهربانی از عیب او را صحبت افتد و اگر بینه که سنگی سرخ گرفت و دلیل که از مهربانی منفعت او را راحتی باشد و اگر بینه که بر  
گرفت سنگهای بسیار در دامن که گرفت و بیاورد و بگذرد اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منفعتی که بدین سیرین رحمه الله  
علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد و اگر بینه که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکود حیات جمع کند و اگر بینه که  
از کوه میترسید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بینه که سنگ از میان جمع میکرد و دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بینه که سنگ بر  
انداخت و دلیل که بکراهیت از مال خود بکسی چیزی دهد و اگر بینه که کسی سنگ بر او انداخت و دلیل که بقدر آن مال یا بد مغربی رحمه الله علیه  
اگر بینه که کسی سنگ انداخت و دلیل که بروی تمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی  
مال دوم مهربانی سیدم خوت و کار را چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیست که سنگ ریخته بخورد و ابن سیرین رحمه الله علیه





باری سجان و تعالی او را از خواش نگاه دار و سوره النمل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره النمل میخواند دلیل بر  
پایه کرمانی رحمه الله علیه گوید دولت بخش مساعده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یا سوره القصص  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل بر مال و نعمت یا بدو بزرگتر حق تعالی مشغول گردد که کرمانی رحمه الله علیه  
پیوسته در راه دین و صلاح گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راهی رحمت بروی کشاوه گرد و سوره العنکبوت ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل بر توفیق ترک در امان خدا تعالی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
و ملازمین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت و نصیب بود سوره الروم ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید اگر خواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل بر دست وی شهری از روم کشاوه گرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید در کار دین و دوزخ  
مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روم را از دین و صلاح وی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل بر سجده باشد که از دنیا برود که کرمانی رحمه الله علیه گوید که سجده حق تعالی بسیار کند جعفر صادق  
علیه السلام گوید که یافت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاحزاب  
دلیل بر مال و بدو بخشم و در کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل بر صدق و یارید و جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند متابعت باری سجان یا بدو سوره التبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره  
التبا میخواند دلیل بر که زاهد و عابد گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلی کنید  
سوره فاطر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل بر عاقبتش محمود گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاوه گرد و سوره یس ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر خواب بیند که سوره یس میخواند دلیل بر عاقبتش بخیر باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید که عمرش دراز باشد اخذ تعالی حق  
رحمت یا بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود سوره الصافات  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل بر بهدایت دین از باری سجان و تعالی توفیق یا بدو کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که بر راه صلاح در آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزند وی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بیند که سوره ص میخواند دلیل بر مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند  
سوره الزمر میخواند دلیل بر حق سجان و تعالی کنایهش عفو کند که کرمانی رحمه الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید دینش قوی گردد و سوره مؤمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل بر محفل  
بود کرمانی رحمه الله علیه گوید شریعت نگاه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فصلت میخواند از مقربان حق گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا سوره حمع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند

سوره النمل  
سوره القصص  
سوره الروم  
سوره السجده  
سوره الاحزاب  
سوره الفاطر  
سوره الاحزاب  
سوره التبا  
سوره الصافات  
سوره الزمر  
سوره مؤمن  
سوره فصلت  
سوره حمع

سوره حم عشق میخواند و دلیل که در آخرت از عذاب سسته گردد که بانی رحمة الله علیه گوید تا ویش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید عرش در آن روز سوره الزخرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت با  
کند و پیوسته روزه و از جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمة الله  
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند که بانی رحمة الله علیه گوید راست که شبی باشد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید تو آنکه گرد سوره الحاشیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند  
و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سوره کار بود توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب  
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادر و پدر بجای آورد و کتالی حج گوید با مادر و پدر چنان کند و عجاایب بیند سوره محمد علیه السلام  
غنیه گوید اگر نجواب بیند که سوره محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید اوقات و بلا این گرد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الفتح  
میخواند دلیل که در همه باب و ارفع و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحجرات  
میخواند دلیل که مرمرا با القاب خواند و غیبت نکند که بانی رحمة الله علیه گوید که از کس بخوبی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با  
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت شتول  
گردد که بانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ گردد سوره  
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد  
که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کس خود بهره یابد سوره الطور  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الطور میخواند دلیل که بر دشمن ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید که حقتعالی او را  
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود سوره النجم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره  
النجم میخواند دلیل که حقتعالی جل و علا در رحمت بروی گشاده گرداند که بانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر بید جعفر صادق رضی  
عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره القم میخواند  
دلیل که بر دشمن ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مجاور شود  
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب  
کند که بانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یا بد و در آخرت جان  
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از گناهان توبه کند که بانی  
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند سوره الحی یا ابن سیرین  
رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحید میخواند دلیل که روزی برنج و سختی یابد که بانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

سوره الزخرف  
سوره الدخان  
سوره الحاشیه  
سوره الاحقاف  
سوره محمد علیه السلام  
سوره الفتح  
سوره الحجرات  
سوره الذاریات  
سوره قاف  
سوره الطور  
سوره النجم  
سوره القم  
سوره الرحمن  
سوره الواقعة  
سوره الحی  
سوره الحید





کرمانی رحمه الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از معروف کند سوره الجن ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت چنان این باشد جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که دیو و پری مقتدر او را رسد سوره مثل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره مثل  
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المده ثریم میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک  
و راه راست یابد سوره العنیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیمه میخواند دلیل که بشهادت  
از دنیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مایب گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از اطعام دهد و رضای حق تعالی خرد جل جوید کرمانی رحمه الله علیه گوید که سوره  
و شکرت توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل که  
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد  
سوره النبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترسکاره متوکل بود کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنن از مرگ نترسد کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از ذکر و خجالت و خیا نیاید  
گردد سوره عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی نش  
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که روزه بسیار دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره التکوین  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التکوین میخواند دلیل که از در چشم نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید  
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد این شود سوره الانفطار ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیل  
وی ببال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سوره المطففين ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففين میخواند دلیل که کیل و پیمان است و اگر کرمانی رحمه الله علیه  
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمه الله  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راستی  
و هند کرمانی رحمه الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امان و صدقانه روی آسان گردد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که سلسلش بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

سوره الجن  
سوره المده  
سوره العنیمه  
سوره الانسان  
سوره المرسلات  
سوره النبا  
سوره النازعات  
سوره عبس  
سوره التکوین  
سوره الانفطار  
سوره المطففين  
سوره الانشقاق  
سوره البروج

که در دنیا اند و لیکن باشد و عاقبت کاش محمود و در کانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید که از عسافج یا بسوره الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالح  
پیدا کانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند بی فروزی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل خرم شود سوره الاعلی  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند و کانی که میخواند تسبیح و تهلیل  
کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد سوره الفاتحه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که از هر دول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس این گردد که کانی رحمة الله علیه گوید که در ضعی  
حق تعالی عزوجل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود سوره الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر خواب بیند که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که بهیبت و شگوه او کم شود سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که صفت  
دادن برو واجب باشد و دوست دارد کانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که  
خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که از آفات بلیات امن گردد سوره الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
که سوره الشمس میخواند دلیل که بدست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاهای امن گردد سوره الليل  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الليل میخواند دلیل که سایه از مانع نکند و زکوة مال در سوره الضحی ابن  
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی بخوابند گان بد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب از  
غریب وارد سوره الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان  
گردد کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جانی یا بسوره التین  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره التین میخواند دلیل که نیک سیرت و جزو بروی و خوب کردار گردد کانی رحمة الله  
الله علیه گوید که خیر و منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد سوره العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
که سوره العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود سوره القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القدر میخواند دلیل که از دنیا  
نزد و ثواب شب قدر یا بد کانی رحمة الله علیه گوید که عرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد  
سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که با تو باز دنیا برود کانی رحمة الله علیه گوید که  
راه خیر و صلاح دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بین تاویل دارد سوره الزلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
الزلزله میخواند دلیل که او را کسی کاری خند و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بکشد سوره  
الحاديات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الحاديات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

سوره الفاتحه  
سوره البقره  
سوره الم نشرح  
سوره التین  
سوره العلق  
سوره القدر  
سوره الزلزله  
سوره الحاديات

که مانی رحمة الله علیه گوید که بخت ناز و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خاکست و مظفر که دو سورة القارعة  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند و دلیل که در قیامت نرا زوی اعمال  
وی از کردار نیک گران آید که مانی رحمة الله علیه گوید که در کافیه که جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مرد مرا کرامی و در سوره  
الشکاثر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الشکاثر میخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند که مانی رحمة الله علیه  
که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدار و سورة العصر ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند و دلیل که در کار با صابر و شکینا بود که مانی رحمة الله علیه گوید که او را زبانی رب جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود و سورة الهمزة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صور طائفة من  
دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم و شناس گردد که مانی رحمة الله علیه گوید که کمال حرص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که در راه خدا بتعالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل  
میخواند و دلیل که ظالم را یاری دهد که مانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن نظریاد و مرادش حاصل گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
که بر دست و فحی برآید و بر دشمن نظریاد و سورة القریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند  
و دلیل که از ترس بیم این گردد که مانی رحمة الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند و راه دین جعفر صادق رضی الله عنه  
عنه گوید که با خلق حسان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند و دلیل که  
گذار و مانی رحمة الله علیه گوید که عذر باید کرد از صحبت بد و دینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن نظریاد و سورة الکافرون  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکافرون میخواند و دلیل که مال لغت یا بد کرد مانی رحمة الله علیه گوید که از بزرگان عطا  
یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که  
سورة الکافرون میخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد که مانی رحمة الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یا بد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که اجل و فراسیده باشد زیرا که چون این دره منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة  
النصر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النصر میخواند و دلیل که در راه خدا بتعالی متوکل گردد و سورة قیامت  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة قیامت میخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا بتعالی خطا  
که مانی رحمة الله علیه گوید که او را زنی بد کرد و او را باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گرویی به بدی وی کوشند سورة خلل  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند و دلیل که در راه دین متوحد و یگانه گردد و توفیق طاعات  
که مانی رحمة الله علیه گوید که پاک دین و نیک عقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یا بد و عیش و  
خوش گردد و سورة الفلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند و دلیل که جاد و بر روی کار نکند  
که مانی رحمة الله علیه گوید که از شر دیگران امن گردد و سورة الناس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الناس

سورة القارعة  
سورة الشکاثر  
سورة العصر  
سورة الفیل  
سورة القریش  
سورة الماعون  
سورة الکافرون  
سورة النصر  
سورة قیامت  
سورة خلل  
سورة الفلق  
سورة الناس

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

میخواند دلیل که در حق تعالی چشم بگشاید و در وی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که لاجول و لا قوه الا بالله العلی العظیم میگفت  
دلیل که مال و خواسته یابد و اگر خواب بیند که آیتی از قرآن میخواند تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوزن و دشت و چیزی و دشت دلیل که شغلها می پرانند و می جمع شود و جهش روا شود و گمانی  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که جابه میزد و دشت دلیل که احوال و نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او کشد دلیل که احوالش بد بود و غریبی  
رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشد دلیل که شفق احوال و باشد و اگر بیند که سوزن بسیار دشت دلیل که خیر صلاح  
کار او بود و سوسمار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسمار ویرانگر بود دلیل که حضرت یابد و اگر بیند که سوسمار در دشت  
دلیل که دشمن را بفرستد که مانی رحمه الله علیه گوید که خورون گوشت سوسمار در خواب دلیل بر شفقت بود که بوی رسد و اگر بیند  
که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز شنودن بر آید سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سوسون در خواب  
بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزند آید و بوقت دیدن دلیل بر عجز و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسون  
از دشت بکشد و بنگام و او دلیل که غلامش بگریزد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی دشت سوسون بود دلیل که  
میان ایشان گفتگو فی خیر و منفی رحمه الله علیه گوید که در دشت سوسون در خواب بکشد که سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر بیند که سوسون خور و دلیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا ماتی گذارد یا چیزی کند و از آنچه میترسد پنهان گردد و اگر بیند  
که سوسون در دشت خور و دلیل چشم خدا تعالی بود و در دشت افتد که توبه کند و در دشت غرق شود و از پادشاه زیان بیند که پادشاه  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوسون در دشت خور و دلیل که او را توبه باید کرد و از گناه و خطا توبه بکشد و اگر بیند که سوسون در دشت  
خور و دلیل که دینش تباه شود و احتیاطش خلل پذیرد و قوله تعالی وَتَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِّبِ وَهُمْ يَحْكُمُونَ  
منفری رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسون در دشت خور و دلیل که اندوه و مصرت بیند سوراخ ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر خواب بیند که سوراخ بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز یا دشا آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی  
بود و از آن خون میرفت دلیل که او را زبانی رسد و منفی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و دلیل که انجیال  
خود نایمن بود و اگر بیند که در سگی سوراخ میکرد و دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در دشت سوراخ میکرد و مالیش  
بجلا فلاین بود و معتبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیرالمؤمنین  
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت خواب دیدم که از سوراخی کوچک کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز  
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ درین است و آن کاو سخن است چون گفته باز بجای خود فرو سویمان  
در حرف میم بیان کنیم سید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سید خواب دیدن چون سوزن باشد دلیل بر فرزند بود و چون سوزن  
باشد شفقت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد و سوس بود دلیل  
بر بیماری رسید بود و اگر بیند که سیدی سید بد و نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که دار و از وی جدا شود

سید

۱

۲

۳

۴

۵

۶

و اگر بیند که سیدی سرخ از زخمت باز کرد و خورد و دلیل که او را و خری آید که تانی رحمة الله علیه گوید سید در خواب لیل خیر بود و اگر سید  
ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سید شیرین بود و دلیل که خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که  
سید داشت و خورد و دلیل که نفع یا بد و سبب همت بیند خواب باشد در شغل و صفت وی و اگر پادشاه سید بخوابد  
و دلیل که مملکت یا بد و اگر باز گمان بیند دلیل که تجارت نیک است بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سید در خواب بر هفت وجه بود  
یکی فرزند و دم منفعت سوم بهاری چهارم کینز پنجم مال ششم فرمان روائی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر  
سید این سیرین رخ گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرمانی رخ گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود که از سیر مردم گویند که سیر خیر  
و دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رخ گوید که سیر در خواب رخ و اگر سید باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب  
بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم کرمانی پنجم سختی دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه  
اگر کسی خورد و خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خورد اگر سینه بیند دلیل که محصیت  
کند که تانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب است که خوردانه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود  
از وی مزاج برنج آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سیری داشت دلیل که ناشن خیر و نیکی منتشر گردد و اگر بیند  
که در زمین و سبزه بود وقت خود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر همت باشد سیدی ابن سیرین رحمة الله علیه  
علیه گوید سیدی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیدی شد و دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیدی میخورد و دلیل که بقدر آن  
مال حرام یابد و اگر بیند که سیدی می بخشد و میخورد و دلیل که مال حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیدی بسیار داشت  
و دلیل که بقدر آن از دیهقان منفعت یابد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیدی می بخشد و میخورد و دلیل که مالی یابد که بعضی  
باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیدی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و با و دهد و سیدی خوردن خیر نباشد و ولی  
و دلیل بر غل بود و سیدی خراغم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیدی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم  
ترس و بیرون سیوم نعمت اینجانی و سیدی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سید ابن سیرین رحمة الله علیه  
سید در خواب شمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سید انحراف وقع کرده بجائی دیگر افتد و دلیل که بر دشمن  
یا بد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سید می بخشد و دلیل که از دشمن بگریزد که تانی رحمة الله علیه گوید که سید در خواب درو باز  
سیر غم و اندوه بود و در دیا کر سیر دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سید بیند و نداند که این سید از کجاست  
و دلیل که حق سبحانه و تعالی غلظی بدان دیا فرستد قوله تعالی فَاَوْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از متجربان گویند که چون خواب  
بیند که سید جانی خراب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم محاصره بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سید در خواب  
بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه متکبر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی سیام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر خواب بیند که در معدن سیام درون شد یا از آنجا سیام برگرفت دلیل که زلزله در کار افتد و اگر بیند که سیام بفروخت یا

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

دلیل که از کبر و جلالت زن این کرد و اگر بیند که در چشمه سیاه غرق شد دلیل که زنان بروی جاو کند سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 بسیار مردم باشند که در خواب سیم سینه و در بیداری سیم پابند و بسیار بود که در خواب سیم بیند و در بیداری غم و اندوه بود و بسند طبعیت  
 مای مختلف که مانی رحمه الله علیه گوید سیم در خواب خبر است باشد و سیم شکسته خبر و روع باشد اگر سیم در کسبه بود دلیل  
 کسی پیش او و یعنی هند و انبال علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتابه یا پشت سیم خواب بیند که بی اندازه آلات سیمین بیافت دلیل که  
 آن کس یا بد و اگر بیند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از اندام رزنی خواهد و سیم پاره در خواب بروی بود که درختی و سخن زشت شنید  
 سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سیم رخ بر بیند دلیل که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند و اگر سیم رخ مایه بیند  
 دلیل که زنی با جمال و خوب روی بود و اگر بیند که سیم رخ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیم رخ جنات میگرد و دلیل  
 با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیم رخ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یا بد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر  
 که سیم رخ مایه گوشت دلیل که دو شیرگی و ختری بستاند و اگر بیند که سیم رخ از دست وی پدید دلیل که زنا عطا شود و اگر بیند که بچه سیم رخ  
 گرفت دلیل که او طفل نذی باشد یا مغربی رحمه الله علیه گوید سیم رخ در خواب پادشاه بود اگر بیند که سیم رخ در کوچه فرود آمد و او را چو  
 سیم رخ بکشد دلیل که پادشاه آذما برباک شود و اگر بیند که سیم رخ میترسد دلیل که پادشاه او را عطا و هدیه سیم ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید که سینه در خواب شریعت بود و قوله تعالی اَمِنْ مَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ اگر خواب بیند که سینه وی فراخ  
 شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر بیند که بر سینه وی خطی نشسته  
 بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینه وی خطی کبود نشسته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت ببرد و اگر  
 بیند که از سینه موی سرده بود دلیل که او پیش گذارده شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سینه وی دم گرفته بود چنانکه دم نشسته  
 زدن دلیل که دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بیند که سینه وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل و متعلق کسی بود و انبال علیه السلام  
 گوید اگر بیند که سینه او تنگ بود دلیل که تشنگ گردد و اگر سینه خود فراخ بیند دلیل که حرم و شاد گردد و بعضی معتبران گویند اگر کاو سینه  
 خود فراخ بیند دلیل که مسلمان شود و مَن یُؤْمِرْ بِاللَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حِفْظًا مَرُوفًا علیه السلام جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن سینه در خواب بر بخت و جبهه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت و سوم ایمان چهارم کفر پنجم آمان ششم مرگ هفتم خلل  
**حرف الشین** شاد می ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان  
 شد دلیل که از آنکس غم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و محترم بیند دلیل که حالش نیک گردد و خوشبختی و سعادت بود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر خواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرارسیده بود و قوله تعالی حَتَّى إِذَا فُزِّعَ أَمْوَالُهُمْ وَأُوتُوا أَجْلَهُمْ  
 بَقَعَتْ شَعْرُهُمْ وروان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاد و روان نو و فراخ در خواب اگر گسترده بود و دانست که مالان دست دلیل که  
 بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر و از یاد و اگر بیند که بشاد و روان با و و شادمان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل که مالان  
 و داری عمر و روزی بود و اگر بیند که در جای بیگانه یا بیگانه از پدر و شاد و روان گسترده بودند و ندانند که شاد و روان از آن کیست دلیل که او را

در خواب

بی متغیر گردد و در غنبت میرود اگر شاد و روان کو چاک در خواب بیند و لیل که بر روی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شاد و روانی بچید  
 برخو گرفته بود و لیل که از جای خود بجای بگانه رود و اگر بیند که شاد و روان به درت مردی نگاشته بود و آن مرد را پیشاخت و باو سخن  
 گفت و لیل که آن مرد را بدو رخ ستایش کند و اگر بیند که شاد و روان به بخت یا بکسی داد تا ویش بدو و انیال علیه السلام گوید اگر بیند  
 که شاد و روان گسترده بود و لیل که بر و رازی عمر و سباحتی کارا بود و اگر بیند که شاد و روان کو چاک بود و وزیر او فراخ شد و لیل که روی  
 بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند و لیل که روی او تنگ شود و اگر بیند که شاد و روانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت  
 و کج خانه نهاد و لیل که دولت و اقبال خود تها کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روان کهنه و دریه بود و لیل که بخت  
 و نیا مشغول گردد و اگر بیند که شاد و روان سیاه یا کبود بود و لیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شاد و روان زد و بود و لیل که بریناری بود  
 و اگر شاد و روان سپید بیند و لیل که رغبت و فراخی روزی حلال بود و همچنین شخت رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روانی مجهول  
 در جایگاهی مجهول نمکده بود و لیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شاد و روان معروف در خانه کسی گسترده بود و لیل که خانه  
 خانه را روزی و لغت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شاد و روانی انداخته بود و او بران نشسته بود و لیل که سیفر و ده دران سفر مال  
 و لغت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد و روان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال و دوم عمر  
 منفعت چهارم معیشت شتخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب لیل بر برادران و  
 فرزندان و خویشان بینه خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود و لیل که خویشان او بسیار و انبوه باشند  
 و بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف این بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود برید و لیل که از اربابیت خود کسی را دور  
 کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد و لیل که از خویشان او یکی بکاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تا ویش بر  
 باز گردد و زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرابی داد و بدیاسافت و لیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ خیمه  
 بخزد و لیل که بقد آن مال فرزند خود داشته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب نسب نبود و در  
 او اتفاق باشد اگر خواب بیند که سروریش را شانه میکرد و لیل که از عمنافح یا بدو و امش گذارده شود و برادر برسد که زمانی رحمه الله  
 علیه گوید اگر خواب بیند که ریش را شانه میکرد و پیکان موی بر دهن می آورد و لیل که زکوة مال بدو مغربی رحمه الله علیه گوید شانه در خواب  
 یاران موافق در کار خیر باشد و موی را شانه کردن یا خنجر بر او بود و شانه تراش مردی بود که غم داند و از دلش برود و او را غم  
 و بعضی معتبران گویند که مردم خوابی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد و شانه آومی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه  
 آومی در خواب دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود و لیل که زنی میخواهد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را  
 زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی شکست و لیل که زنیش میرود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و گمان بد  
 بود و لیل که در آن سال ریج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند در آن شانه سیاهی بود و لیل که در آن  
 آفت و بلا باشد و اگر در آن سهرخی و یا سیاهی بیند و لیل در آن سال نرختها از آن شانه باشد و اگر در آن شانه زروی بیند و لیل که بسیار بود

در خواب

در خواب

در خواب



و اگر که کاره او خطای بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ بسیار بود شاه رو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاه رو در خواب بیند که  
در طرب دنیا و سخن دروغ و محال بود و اگر بیند که شاه رو در میزند دلیل که دروغ رضا دهد و اگر بیند که با شاه رو و چنگ چنانه و نای  
دلیل بر مصیبت بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه رو در شکست یا بیفکند دلیل که سخن دروغ تو به کند سخن در حقه الله  
عزیزه گوید اگر بیند که شاه رو در میزند دلیل که با زنی بزرگ پیوندد و از وی عز و جاه یا بد شاه اسپر خم ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید بیند که شاه اسپر خم نیز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زرد و پژمرده بود دلیل بر بیماری بود و جعفر صادق علیه السلام  
شاه اسپر خم در خواب بر پیشش وجه بود یکی قزو بزرگی دوم فرزند سیوم و دست چهارم سخن سخن مجلس علم ششم نام نیکو و شاد و روح  
شاه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شامین را گرفت یا کسی بوی داد و او شامین را بدید دلیل که او را شاد  
یا از بزرگی عالم منفعت و جاه رسد که زمانی رحمه الله علیه گوید شامین در خواب مردی بسیار دان بود و اگر بیند که شامین گرفت کسی  
بروی داد و دلیل که او را مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یا بد جعفر صادق علیه السلام گوید در خواب بیند که شامین را بدید  
دلیل که در منزلت و بوم فرزند سیوم مال و نعمت چهارم فرمان روانی شامین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شامین را بدید  
بود تا اول آن خم و اندوه بود و اگر خواب بیند که شب روشن و معتاب بود دلیل که عیش و خوری بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
که در شب شامین میرفت و راه بروی شکل بود و بر نیت راه راست میرفت دلیل که او در این به مقامت بود و شب یمانی  
که آنرا از آن سپید گویند دیدن آن در خواب خم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر بلاک بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر شب یمانی  
دار روشن چون آفتاب درخشنده بیند دلیل بر خیر و گشایش در کارهای وی بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت و بختی کار  
بود شامین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که چنانچه شامین کا و گو سفند و اسپ خر و مانند آن کرد و هر چیز را بقتل  
تاویل بود شامین اسپ دلیل بر ولایت و بزرگی بود و شامین خرد لالت بر تخت کند و شامین کا و دلالت بر سالت و نعمت  
و فراخی بود و شامین کا سفند دلیل بر روزی حلال مال و نعمت بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شامین میکند و در کار  
وی گو سفندی بود و دلیل که پادشاه اند یا را خراب کند و احوال رعیت سبیه گردد و انبیا علیه السلام گوید شامین کا سپید  
دلیل که بر عدوان گو سپیدان او را جمعی همسران بهتری بود و اگر بیند که شامین چیری بوی داد و دلیل که او از بزرگی خایه رسد و منفعت  
یا بد جعفر صادق علیه السلام گوید شامین در خواب مردی ناصح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کار را به کسی بگوید  
نماید شب با زنی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب با زنی کردن در خواب اسو و طرب ما دروغ و محال باشد که  
بیند که شب با زنی یا بر لب و نای میکند و دلیل بر خم و اندوه بود و شب برگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب برگ در خواب  
که راه و محروم بود و اگر بیند که شب برگ داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد و اگر بیند که شب برگ سخن رود دلیل که از کار آگسز و دفع  
شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شب برگ از درخت وی برید یا برود دلیل که از صحبت مردی گمراه او را جدا فی افتد و صلاح  
در آن باشد شمشیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شمشیر بجست دلیل که دشمن را بکشد و اگر بیند که شمشیر بکشد

شاه رو  
شاه اسپر  
شامین  
شب یمانی  
شب با زنی  
شب برگ  
شمشیر



کتاب

ش

خ

ی

ن

ن

ن

ن

ن

ن

شست لیل که خدایان او را غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بدید که بآب شور و راحی شست لیل که رنجی بوی رسد و اگر بدید که جانم بآب  
آب که این بیست لیل در شبهای کار و مشاوری بود و اگر بدید که بآب سرد و یا آب چرکین و غوره و میشت لیل که توبه کند مغز و  
سین و یا آب سرد و چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم اینی از ترس شستن بآب که غم و اندوه  
بود و دست و روی شستن و خواب بر شستن و خبر بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم جمع جمیع  
ششم اینی به هم دین پاک بشنم و اشدن حاجت شش اینی برین رحمة الله علیه که بدیشتر در خواب دوی و خرمی بود و اگر بدید  
که کسی شش بدود او و انگس معروف بود و لیل که از روی خرمی بدید و اگر او شش کسی بدود و لیل که خیر بیاکس رساند مغز  
رحمة الله علیه که بدید اگر بدید که شش خام یا پخته میخورد و از جانور که گوشتی حلال بود و لیل که بقدر آن مال حاصل کند شطرنج  
برین برین رحمة الله علیه که بدید شطرنج بافتن در خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر بدید که شطرنج باخت و خضر غلبه کرد و لیل که نه باطل کسی غلبه کند  
و بهتان نکند که فانی رخ گوید اگر بدید که شطرنج می باخت لیل که جنگ منازعت کند و تجران گویند که شطرنج بافتن خیر و منفعت بود و شعر  
برین برین رحمة الله علیه که بدید اگر بدید که شعر یا غزل خواند یا دیوان کسی یا جوی بخواند و لیل که سخن باطل گوید و قوله تعا و انشعرا  
یشتع له الخاؤون اما اگر تجد یا لغت یا سخن حکمت بخواند پسندیده بود و زنده کار نشود و شغال این برین رحمة الله علیه که بدید اگر بدید که  
شغال سبکست و تخیر بود و نتوانست گرفت لیل که بیمار شود و اگر بدید که شغال بادی بازی کرد و لیل که بر زنی عاشق شود و اگر بدید  
که گوشت شغال میخورد و لیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر و ام وار و دمش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب مال  
شفا لوان برین رحمة الله علیه که بدید شفا لوان در خواب اگر زرد بود و لیل بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کند و اگر بدید شفا لوان  
وزر و بنود کثیر باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شفا لوان در خواب برنج و جود بود  
کثیر و دوم سپهر سیوم علت چهارم مالانجم منفعت از قبل مردی غریب اگر بدید که استخوان شفا لوان شکست و بخورد و توخ بود و لیل  
بر غم و اندوه بود و اگر برین بود و لیل که از روی بی اصل بقدر آن مال منفعت یابد شکار کردن این برین رحمة الله علیه که بدید اگر بدید که گوشت  
یا کاکا و کوسه یا خوراک یا مانند این شکار میکرد و گوشت دی میخورد و عده دلیل نمکونی بود و اگر بدید که شکار میکند و لیل که غنیمتی یابد  
اگر فانی رخ گوید شکار یک بدام گیرند یا بجای طلبند و لیل که زیان بود و بعضی متجران گویند که شکار گیر و خواب چوینده معاش بود و اگر  
این برین رحمة الله علیه که بدید شکار در خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بداد چون فرزند و برادر و دوست اگر شکر بسیار بود و لیل  
مال روزی حلال بود و مغز بی رخ گوید شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و جعفر  
رضی الله عنه گوید شکر در خواب برنج و جود بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال شکر که اگر  
این برین رحمة الله علیه که بدید اگر بدید که شکر خدایتعالی گذارد و لیل درستی و قوت جاه و مال سعادت و در جانی بود و قوله تعالی  
لن یشتکم منکم لکن یذکم و شکر است این برین رحمة الله علیه که بدید که چیزی شکست و لیل که بقدر آن مال از زبان رسد و اگر  
که شکستان دیگری بود و لیل که مضرت آن برسد و باز کرد و اگر بدید که اندامی از اندامی دی شکست و لیل که غم و مصیبت نشانی

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

اندام تعلق دارد بود اگر بیند که از آلات چون چنگ و بابت طبل و رومی چیری شکست دلیل بر موری بود شکم در تفسیر معنی است که اول است  
 و انبیا علیه السلام گویند شکم ظاهر باطن مال بود و این سرین رحمة الله علیه گویند که شکم در خواب دلیل بر خوش نشان است  
 اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوش نشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست و پی چیری  
 نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود جملگی بیرون آید و بیشتر و باز بجای نماند و دلیل بر حال و نیکو  
 شود و مقصدش حاصل گردد و اگر موری بیند که از شکم وی فرزند بیرون آید و دلیل بر اقبال و کسی پدید آید که اهل بیت و احباب است  
 بفرزند مغربی رحمة الله علیه گویند که اگر کسی شکم خود را آما سیده بیند دلیل بر مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافه بیند دلیل  
 بر اورمیدگی سده و اگر کسی بر شکم خود موسی رسته بیند دلیل بر مال و اقبال عیان و ام فاد و اگر کسی از شکم خود موسی سترده بیند دلیل  
 بر غم و دواش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل بر عیان مال و بجز و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که شکم در  
 بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینة سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکسته ابن سرین رحمة الله علیه گویند که شکم در خواب از جاذبه  
 که گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکم بر سر کین بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکم پخته و در شکم  
 خیره و شفقت بیند شکم بر سرین رحمة الله علیه گویند که شکم در خواب دلیل بر خوارگی و پیماری بود و اگر خواب بیند که او را از شکم  
 المی رسید و دلیل بر برین بود و اگر بیند که او را از شکم رحمت رسید تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را از شکم کرد  
 که او را پادشاه کند بیند شکوفه و دختان شکوفه دختان تبایل بود و چشیش بهتر بود و شکوفه زرد تبایل کمتر زرخ و سپید بود  
 و گلزار در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه دختان بقدر کوتاهی بلند و دخت بخ لطف بود و مغربی رحمة الله علیه گویند که شکم شکوفه  
 و دختان بخور و از گروی که بدان دختان نسبت دارند بخ لطف شوند و از ایشان خیره و شفقت بیند و اگر بیند که شکوفه می بوئید دلیل بر مرد  
 او را مدح و ثنا گویند شل شدن ابن سرین رحمة الله علیه گویند که اندامی از او شل شود و کج خانه افتاده و زود فوت است و دلیل بر آن  
 که او را می بدوید کند و شل و از مردم باز دارد و اگر بیند که خواب بی سند بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گویند که اندامی از  
 اندامهای او خسته بود و دلیل بر آنکه از خوشی که بدان اندام نسبت دارد و آفتی رسد شلغم ابن سرین رحمة الله علیه گویند که شلغم در خواب غم و اندام  
 بود و اگر بیند که شلغم کسی داد و دلیل بر بدبختی و رنج رساند مغربی رحمة الله علیه گویند که شلغم پخته در خواب باز خام بود و کانی رحمة الله علیه گویند  
 اگر بیند که شلغم از خود دور کرد و دلیل بر اندام و اندوه خلاصی یا بد شلوار ابن سرین رحمة الله علیه گویند که بد شلوار در خواب کنیز عجمی بود و یا  
 دون که بخوابد و اگر بیند که شلوار نو بخرد و بپوشد و دلیل بر کنیز عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود و دلیل بر زنی ستمگر بود و اگر  
 که او را شلوار بخشنده اند دلیل بر او را خادمی زیاد شود و اگر بیند که شلوار بی نو یافت دلیل بر خادمی نو یا بد و اگر بیند که شلوار بی چکرین است  
 و دلیل بر عقوبت از حق تعالی موعظا یا بد قوله تعالی سر سبیلهم من تطران و لغشی و جوههم النار اگر بیند که شلوار سرخ و ریاضی و  
 و دلیل بر زنی با صفت یا بد و اگر بیند که شلوار زرد و داشت دلیل بر بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل بر مرد و او را طاعت کنند و زنی  
 شلوار زنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید و دلیل بر شوهر کند و اگر بیند که شلوار روی گشته و دلیل بر کنیز خادم بگریزد و اگر بیند که شلوار

در پایی داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شلوار و خواب برسته و جد بود یکی زن دوم که بزرگ بود خادم  
نما نه شلوار بند دلیل بر عورت مرد بود اگر میند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکم قصب کند و اگر شلوار بند کند میند  
بر ضعیفی قصب باشد شمار کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت انداخته مغربی رحمة الله علیه  
بود هر شمار یک آسان تر بود و محنتش کمتر بود و تاویل عدد از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهم کرد شمشیر و انیل علیه السلام  
شمشیر در نیام بود زن باشد و بی نیام مال خود است و فرایه وائی بود و اگر میند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر  
میند که شمشیر از نیام بیرون بود تا ویشن چنین بود و اگر میند که شمشیر در نیام بود و نیام شکست شمشیر بسلاامت بود و دلیل که فرزند  
بسلاامت بود و مادرش بمیرد و اگر میند که شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برونا کسی زن دلیل از سختی اندیشیده بود و کسی گوید  
و اگر میند که شمشیر کسی زن و کارگر نبود دلیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر میند که شمشیر کسی زن و کارگر بود دلیل که آنکس که  
خورد و باشد شمشیر منقطع شود و اگر میند که شمشیر در کون حایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود و اگر حایل شمشیر دراز بود دلیل که  
احتمال ولایت ندارد و اگر میند که حایل شمشیر کوتاه شد دلیل که ولایت بدو سپارند و اگر حایل شمشیر کوتاه بود و کسب دلیل که ولایت  
از دست می برود و اگر میند که بی آنکه جنک بود کسی از شمشیر زن و دلیل که آنکس شهید گردد و اگر بی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بدست خود  
اوخته بود دلیل که او را فرزند آید و اگر فرزند نبود و فرایه وائی یا بد و اگر میند که کسی از شمشیر با و دلیل که توانا گردد و اگر میند که شمشیر  
با نیام هر دو شکست دلیل که فرزند و مادر و پدر و میرند و اگر میند که کسی از شمشیر زن و خون از وی روان شد و جامه وی آلوده شد  
دلیل که او را مال حرام تمت کنند و اگر میند که شمشیر از وی بستند دلیل بر عملی که دارد از وی مبتانند و اگر میند که شمشیر میان بست  
دلیل که عمرش دراز گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که شمشیر آیینین داشت دلیل که کارش قوی گردد و اگر میند که شمشیر زو داشت  
دلیل که زنی بزرگ خیر یابد و اگر میند که شمشیر از مر و آید و داشت دلیل که آنکه های اهل بن قوت یابد و اگر میند که شمشیر از خوب و داشت دلیل  
که کارش ضعیف شود و اگر میند که شمشیر خالین داشت دلیل که از زمان پادشاه فوت یابد و اگر میند که نیام شمشیر شکسته بود دلیل که بی از این  
و بمیرد و اگر میند که شمشیر وی دوری بود دلیل که کارش روان گردد و اگر میند که شمشیر لا جور بود و دلیل که کارش پایدار باشد و اگر میند که  
او چون آینه بود و میدرخشید دلیل که از عمری نواخت و عمرت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب پنج وجه بود  
فرزند دوم ولایت سیلوم حجت چهارم منفعت پنجم طفر یافتن بر دشمن شمشیر کرد و خواب بروی بود قوی و فصیح زبان شمع این سیرین  
گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب میند که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و نعمتش زیادت شود و اگر میند  
که شمع افروخته در خانه خود نماده بود و همه خانه از روشن بود و دلیل که در آن سال نعمت بروی فرخ گردد و تجارت وی روان شود  
و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر میند که شمع افروخته او را و آوند و دلیل که عز و دولت یابد و اگر میند که او را شمع  
با شمعان سیمین بود و دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر میند که شمعان زرین بود و دلیل که زنی از نزدیکان پادشاه بخوابد  
و اگر شمعان از آرزو بود و دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد و اگر میند که شمعان از مس بود و دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر میند که شمعان از مس



و میخوردند و دلیل که مردم از علم او خایه یا بند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معتبران گویند که شهر دلیلی بر کسب  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود  
 شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی ستوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند  
 که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بشهرستان در خواب  
 بر سبقت و جذب بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم چهارم قوت دین پنجم یعنی ششم ظفر یا قوت ششم دلیل بر ستواری کار  
 شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که و نیش قوی گردد و اگر کاری در ویش وارد تمام شود و بمر  
 برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد و دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را بیکنگه یا بر روی  
 شهر بیند دلیل بر بلاء او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زنا طلاق و بدوزن وی استوی دیگر بیند و اگر بیند  
 که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تفرق کرد و دلیل که از دین رستگاری  
 باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فتح بیند و دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند  
 فراخی و از زانی نجات بود و اگر بیند که در شهری رفت و آتش را و را خوش آمد و دلیل که عروجه یا بد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت  
 و دلیل که خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید و قوله تعالی اَهْوَجَبَا مِنْ هَذَا الْقَرْيَةِ  
 الظَّالِمُ اَهْلُهَا و اگر در شهری گشته بود و ناپیش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند و دلیل که در آتش فتنه و بلاء  
 و اگر بیند که زنان در آراسته شهری رفتند و دلیل که در آند یا رنجمت فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند و دلیل که غلام  
 یا پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و سید و کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند و دلیل که در آتش خیرهای ناخوش  
 بود و اگر خواب در شهری جانب مشرق بیند و دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغرب می رود و اگر خواب خود را بشهر هندوستان بیند  
 و دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سلطان بیند و دلیل  
 که بروی خیانت بود و کار یا بروی پوشید و اگر خود را در شهرهای ماوراءالنهر بیند و دلیل که عروجه یا بد و اینها یا بد و اگر خود  
 را بخوارزم بیند و دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند و دلیل که دولت کامرانی یا بد و اگر خود را در شهرهای  
 خراسان بیند کار او با آسانی تمام گردد و اگر خود را در شهرهای فارس بیند و دلیل که صحبت با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهرهای  
 کرمان بیند و دلیل که خیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند و دلیل که حج کند و اگر خود را در شهرهای یمن بیند و دلیل که سلاطین  
 و امینی بود و اگر خود را در شهرهای مصر بیند و دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند و دلیل که در  
 کارهای پنج و بلاكش و اگر خود را در شهرهای منیه بیند و دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند و دلیل که کارش نقصان  
 افتد و اگر خود را در شهرهای فرنگ بیند و دلیل که کار دنیا و دنیاوی او نیک گردد و اما درین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای شیراز  
 بیند و دلیل که کار او شیکو باشد شهرهای مفرو و دیدن کرمانی روح کوید و اگر خود را در مکه بیند و دلیل که عروضا و غرضه یا بد و اگر خود را در

شهرستان  
 شهرستان

شهرستان



میدیدند دلیل که او را با تاجا صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر مین میدید دلیل که از ترس و بیم میس گردد و اگر خود را  
بطایف میدید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بهر بهر میدید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهر بهر میدید  
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که از عام نیکی یابد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که توانگر شود و با نیکو  
او را خیر رساند و اگر خود را بجلوان میدید دلیل که معیشت خوش گذرانند و اگر خود را با صفتان میدید دلیل که او را با بزرگی صحبت  
و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که بر او رسد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را بجلب میدید دلیل که از بزرگ  
منفعت یابد و اگر خود را با ناطا که میدید دلیل که از متری منفعت یابد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که خود کارانی یابد  
و اگر خود را با خلاط میدید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقصر میدید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در درخت میدید دلیل که کارش  
بسته گردد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بکنج میدید دلیل که نعتش زیادت گردد و اگر خود را بخوجی میدید  
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بر اغمه میدید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که رنج رسته گردد و اگر خود را بهر بهر  
میدید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که جهاد و منفعت یابد و اگر خود را بقبر وین میدید دلیل که او را با متری صحبت  
و اگر خود را در ری میدید دلیل که او را سوگند افتد و اگر خود را بکرکان دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که  
شود و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که خود می یابد و اگر خود را بساوه میدید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بهر بهر میدید دلیل که  
ساخته بود بجائی یابد و اگر خود را آتیشا پور میدید دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس میدید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر  
خود را بهر بهر میدید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را بسمرقند میدید دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بقبر می میدید دلیل که از بزرگان  
خیر و منفعت یابد و اگر خود را بکاشغری میدید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را با سکندریه میدید دلیل که کادی و پیش گیر و از ان شیطان شود  
و اگر خود را باندکس میدید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را در حصاری میدید دلیل که کارش فرزند و جعفر صادق رضی الله عنه که پدر دین  
شهر را در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیدم عیش و شمع شام زینک جنتی باشد شور با این سرچشم  
علیه که بدشور باد خواب اگر بگوششت باشد و طعم بوی خوش باشد و دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر عجز و اندوه بود  
مغری رحمة الله علیه که بدشور باد خواب اگر بگوششت باشد و طعم بوی خوش باشد و دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر عجز و اندوه بود  
گوید شونیز در خواب دلیل غم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر میدید که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار  
شود و شیراز این سرین رحمة الله علیه که بدشور باد خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صبر باشد و اگر میدید که شیراز بفرست  
یا کسی داد و از ان هیچ نخورد و دلیل که خود می بیند که مانی ح گوید خوردن شیراز در خواب سخن بد بود که از ان بر بخت شیراز انان علیه السلام  
گوید شیراز خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تا ویش بخلاف این باشد و اگر  
بیند که شیراز می خورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی میدید که شیر در پستان وی جمع شده و دلیل که او را فرزند می آید و اگر مردی  
بیند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزند می آید و اگر مردی بیند که شیر میدوشید و عوض می شیرخون می آید و دلیل که

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر



مال حرام یا بد و اگر بیدار از پستان خود شیر میخورد و دلیل که در کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیدار شود که گوشت شده و بگویند  
 میخورد و دلیل که مردش بر بناید و اگر زنی بیدار شود که گوشتی را از پستان خود میخورد و دلیل که از پستان خود گوشتی را بگرفته و بدو  
 شیر و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 و صلاحت کند و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 بزرگ مال حرام یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 با کسی که خیلست سازد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که  
 سفری رحمة الله علیه که یک شیر دو شیدن در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 و دلیل که بر غم و اندوه و حقد صادق رضی الله عنه که یک شیر در خواب برشته و جبه بود یکی روزی حلال دوم مال فرزند سیوم غم و اندوه  
 شیر این سیرین رحمة الله علیه که یک شیر در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود و که تعالی یغاث التائب فی فیة نصیر  
 اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 جعفر صادق رضی الله عنه که یک شیر در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوخ علم و حکمت چهارم  
 بی پنج شیر میخورد این سیرین رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 بود و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 رضی الله عنه که یک شیر در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوخ علم و حکمت چهارم  
 نیکو چهارم که نیکو خبر وی شیر این سیرین رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 و از هر دو از که ظفر بود غالب و باشد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 طلب میکرد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 و خور و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود  
 در بر گرفت و دلیل که با دشمنی شستی کند و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که زیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوانی که گوشت و حرام بود

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست می بیرون شد و دلیل که از پادشاه او حضرت رسد و انبیا علی السلام گوید اگر خواب ببیند که سرشیر یافت و دلیل که پادشاهی با پادشاهی و اگر ببیند که پادشاهی او سرشیر داد و دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر ببیند که بر سرشیر  
دلیل که دولت و مرثیت او را زیادت گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر زن  
که شیرشیر مید و شنید و دلیل که ویر پادشاه گردد و اگر زنی بپایین خواب ببیند و دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر ببیند که شیر را بر پشت گرفته  
بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر ببرد و اگر ببیند که شیر را در گریز و دلیل که از دشمنی حضرت رسد و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر ببیند  
که شیر را در بر گرفت و دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این ببیند و دلیل که دشمن پادشاه بود و اگر ببیند که با شیر طعام خورد و دلیل که مستبد  
پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمنی بود و اگر ببیند که گوشت شیر میخورد و دلیل که دشمن را باستان  
به دست آورد و اگر بخلاف این ببیند تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب برسته وجه بود یکی از  
دوم مرد و لیبر سوم دشمن قوی شیر خور شستابن سیرین رحمه الله علیه گوید شیر خور شست در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب  
ببیند که شیر خور شست جمع میکرد و دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر ببیند که شیر خور شست میخورد و دلیل که مال بر عیب است و نفقه کند  
و عوض باز بدهد و اگر ببیند که شیر خور شست داشت و دلیل که مال از باز زگانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر  
در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام و دوم فراخی عیش سیدم کام دل یافتن شیشته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شیشته در خواب  
زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زن آن کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر ببیند که شیشته خالی بود که بوی وادند و دلیل که زنی  
در ویش خواهد و اگر ببیند که در آن شیشته روغن بود و مثل روغن گل و بنفش لیل بر زنی دیدن را باشد مغربی رحمه الله علیه گوید زن  
توانگر باشد و اگر ببیند که از آن روغن چیزی بسرماید و دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که از شیشته شرابی میخورد و چون آن  
سیدب شراب نارد و غیره و دلیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که شیشته آگینه داشت و سپید و پاکیزه بود  
و دلیل که زنی خوب روی و پارسا خواهد و اگر ببیند که شیشته شکست و دلیل که زن او هلاک شود و اگر ببیند که شیشته ضایع شد و دلیل که زنی  
حلاق دهد و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که شیشته داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود و دلیل که زنی سازگار  
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که در شیشته چیزی خوش بود و دلیل که زنی مستوره و خوب  
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشته در خواب برسته وجه بود یکی زنی با جمال و دوم کمترین سیدم خادم خانه شیشطج  
دارد و نیست که در خور آن هیچ ضرر نباشد حرف ایضا و صابون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد  
که جامه خود را بصابون می شست و دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر ببیند که جامه کسی بصابون می شست و دلیل که کسی را از کار  
بد باز دارد و اگر ببیند که صابون میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که صابون کجی داد و که بخورد و دلیل که مال خود را بخورد و می  
گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و دلیل که او را خسته حاصل گردد و اگر ببیند که  
خود بصابون شست و دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمه الله علیه گوید صابون در خواب خریدن باز و خرقتن بود و اگر صابون

در خواب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بگفت نیکو بود و صابون گزنی هسته بود و صراحی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه  
صراف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بید که صرافی میکرد و متبرکگاه کند تا سایل از چهره دست اگر بیند و سدر و وینار بود  
که آنچه که موافقت دین بود از آن اختیار کند و اگر سایل چیزی نبشتن نداند تا ویش است که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود  
که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که صرافی میکرد و دلیل که بخت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صراف در خواب مردی خرافات  
گوی باشد که همه آن کند که اوزیان دارد صراف و روح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صراف روح کرد و دلیل که با مردم سخن لطیف  
گوید و صراف روح کرد در خواب مردی خوش بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صراف از هر کسی کرد و دلیل که آنکس مدا و کند حقیق  
صادق رضی الله عنه گوید صراف روح کردن در خواب برسته و جد بودی سخن لطیف دوم مدا کردن سیدم رضای آنکس چنین  
صانع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صانع آتشی بود که از ابرجد اگر خواب بیند که از ابر صانع فتا و دلیل که بقدر آن صانع  
غذاب خداست باطل انتقام رسد قوله تعالی و یؤتیل علیها حسبنا ما من البشکاء فقیح صعیل انی لقا اهل دنیا  
توبه باید کرد و غافل ایشان دفع شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آتشی از هرا مانند باران می بارد و دلیل که باران و فتنه و خور  
از جهه پادشاه بود و مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صانع بیفتا و هار و اسبخت دلیل که عقوبت پادشاه هلاک شود و صبح  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صانع بد میزد و جهان روشن شد دلیل که اهل دنیا را ایمنی حاصل شود و اگر بیند  
که بعد از صبح تا یکی پیدا شد تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید و صبح بود چنانکه زمین از  
عکس آنسوخ شد و دلیل که در آن یار قتل خود بخین شود و اگر رنگ صبح زرد بود و دلیل بهاری بود و حقیق صادق رضی الله عنه گوید  
وین صبح در خواب دلیل بر قوت صلاح دین مردم آید و بود و صبر در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بیند  
که صبر بخورد و دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر بخورد تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم  
بود که بوی رسد صحبت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر صحبت با مردم صبح با رسا میداشت و دلیل بر دیانت صلاح  
از زندگانی او باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که هم را همی  
با پادشاه میکرد و دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که هم را همی با مردی عالم میکرد و دلیل که علم و دانش  
یابد و کارش بنظم شود و اگر بیند که با مشتری هم را همی میکرد و توبه باید کرد و اگر بیند که با بزرگی هم را همی میکرد و دلیل که بدینجه  
شود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خور می و نیکوئی بود و از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر  
صحرا آبی اندازه بیند و در آن خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میکشت و دلیل که او را با پادشاه ستیزی عالم  
صحبت افتد و مقرب می شود و اگر صحرائی بیند که در و سبزه بود و دلیل که با مردم و فاضل عالم صحبت افتد و فایده  
یابد و صحف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که صحف را هم علیه السلام بخواند و دلیل که او را کسی از صواب بخاید و از خطا  
خاصه که از کتابها اند و اگر بیند که صحف از او بریزند و دلیل که صحبت با مردم بنفاق و ریاست صرافی روح کرد و اگر بیند که مسلمان صحف کرد و صحف

علیه السلام بخواند دلیل که عقایدش در دین مسلمانان بود و کبریا و جودان را دوست دارد و میل تمام بایشان بود و صحیفه معنی  
دارد و یکی نامه دوم دوم کاغذ سیوم پرده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی می نوشت دلیل که میراث یابد  
و اگر بیند که بر صحیفه کسی از پدر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردی دین دار با مانست چیزی یابد و اگر بیند که بر صحیفه خطی از پدر  
نوشته دلیل که از منصب زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی می نوشت دلیل که میراث رسد صدق کرمانی رحمة الله علیه  
صدق در خواب زن بود و اگر خواب بیند که صدق داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیز که خرد و اگر بیند که صدق ضایع شد دلیل که  
خادم او بگریزد و صدقه دادن خلاص است معتبر از دین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عالمی صدقه  
دلیل که از علم وی ببرد و نفق رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه درمی صدقه داد  
دلیل که شاگردان را کار آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب اینی بود و خلاصی از پنج و خشتی یابد مغربی رحمة الله علیه  
اگر وام داری بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارد شود و اگر بده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد  
دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی یابد و اگر غنیمت بیند که صدقه داد دلیل که مسلمانان شود فی الجمله صدقه  
دادن در خواب بر سعادت و دو جانی باشد صراط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که بر صراط ایستاده باشد  
دلیل که کارهای کج ببردست وی درست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَ يَهْدِيكَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از باطنی مرکب و بزرگ امین گردد و اگر بیند که از صراط دور و خارج افتاد دلیل که در بیج و ملائمت  
افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
و این صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صبحی کار سوم ترس چهارم حجت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفق  
صفحه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفحه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفحه سرایش نوفا پاکیزه و بلند بود دلیل که بر  
درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفحه بفتاد و خواب شد دلیل بر بلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله علیه  
اگر بیند که صفحه از جانب راست خلل کرد و در آن رخسار افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخسار از جانب چپ بود دلیل که مادر  
بیمار شود و اگر مادر و پدر نداد و دلیل که او را غم و اندوه رسد صلوات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که صلوات  
بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم می رسد و دلیل که حاجت های او را در روزی بروی فراخ گردد و و خاتمت کارش تجارت  
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار می رسد و دلیل که حج کند و گویند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم را خواب بیند دلیل که  
سنت های پیغمبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد و صمغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که صمغ از درخت آبخندانست که فضله آن غرض  
و اگر خواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد و دلیل که بقدر آن از فضله مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد و دلیل که از فضله  
مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان و رخسار سبب  
اگر صمغ با اوام خورد و دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ نزد او خورد و دلیل که از مردی بپایر منفعت یابد و اگر صمغ سندان داشت

دلیل که از روی بیابانی منفعت یا بد صیغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صیغ در خواب مکره و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند که  
در پیش او صیغ نیز و ندلیل که دروغ و باطل صادره و اگر بیند که صیغ یا چنانکه چنان نیز و ذلیل بر غم و اندوه مصیبت بود که باطل از صیغ  
رسد و اگر بیند که صیغ شکست یا بنیادخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صیغ زن زخواب  
برخ و جبهه بود یکی خبر کرده دوم کلام باطل سوم مشغله چهارم دنیا پنجم غم و اندوه هفتم صندل بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
که صندل داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بد و دشمنی او گوید و اگر بیند که صندل پدید داشت دلیل که از روی بزرگوار عطا  
یا بد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت و بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل در خواب بر چهار  
و جبهه بود یکی آفتاب و دوم خمر و برکت سوم جبهه و منفعت چهارم صندل پدید بتر از صندل سرخ بود و صندل  
بن سیرین رحمه الله علیه گوید صندل در خواب زن بود و بعضی محترمان گویند که عروجه بود و اگر خواب بیند که صندل  
بزرگی بود بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن عروجه یا بد و اگر بیند که صندل در صیغ شیدا یا شکست دلیل که جبهه  
کم شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صندل در صیغ پاکیزه داشت دلیل که زنی خوب روی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندل  
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل در خواب بر سه وجه بود یکی عروجه دوم لذتی  
و مرتبت سوم زن بود صورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که  
احوالش بد آنکه دیده باشد بگرد و اگر بیند که بصورت خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر خواب صورت  
خود باز گویند دلیل که هر کس روی از روی گرداند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت جانوری  
شد دلیل که بد و فساد و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت در خواب کسی بیند که بر خداوند تعالی دروغ  
ضوف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چنانچه صوف در خواب خیر و منفعت دنیا بود خاصه که مردم مصلح را و اگر بیند که  
صوفیان بیرون آمد دلیل که میل او بخلاف کند و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صوفی شده و مرتفع پوشیده و در میان  
صوفیان مقام داشت دلیل که همین بیداری بیند اگر بیند که صوفیان او را از میان خویش سید نه هم راهی  
این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت و بفاق کند یا عالم میکرد و دلیل که علم و دانش  
شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کینه بد که با بزرگی همراهی میکرد و دلیل که بد و فساد  
چهارم طمع کسی نداشتن صیقیل ابن سیرین رح گوید صیقیل در خانه و نیلوی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر  
بیند که صیقیل میکرد اگر از اهل صلاح بود و دلیل که پادشاه را انجا میکشت دلیل که او را با پادشاه ستکبری طالع  
که صیقیل در خواب مردی باشد که بدست خود حق را سبزه بود و دلیل که با مردم و فاضل عالم صحبت افتد و فایده  
بود و اگر صنی روشن و پاکیزه بیند دلیل که زن خا و بد که صحف ابیهم علیه السلام میخواند و دلیل که او را کسی از صواب بخاید و از خطا  
و اگر بیند که آلات حسنی داشت یا از گرفت و لیا محبت و با مردم بفاق و یا با ستکبری رح گوید اگر بیند که مستألف و اگر صاحب



دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند اگر بینه که طاوس داده بود و داد که کفایت دست و دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بجا و از مال  
 و فرزندان حاصل کند که زنی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که طاوس با کبوتر جفت شد و دلیل که تو ادلی کند و انبیا علیه السلام گوید که  
 طاوس در خواب زنی نموده بود و اگر بینه که طاوس زنی با وی سخن گفت و دلیل که ولایت یابد و اگر بینه که تدر و طاوس با هم بود  
 و دلیل که سیکانه یا خیال و فساد کند و اگر بینه که طاوس از خانه وی بیرون و دلیل که زنا طلاق دهد و اگر بینه که طاوس را بگشت دلیل که از  
 و خمری و دوشیزکی بستاند و اگر بینه که طاوس در دست داشت و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بینه که بچه طاوس را بگرفت دلیل که  
 او را و خمری آید و اگر بینه که طاوس زنا و دست وی بیرون دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس  
 در خواب برو و وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزیمه و مال طبع در خواب بروی عریض بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بینه  
 که طبعی میگردان طبع بطعم خوش بود و دلیل که خیر و نیکی میند و اگر بخلاف این میند و دلیل که مضرت یا بد طبع این سیرین رحمت الله  
 علیه گوید طبع در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که ویرایه بینه شاد و گرد و اگر بینه که طبعی بزرگ داشت  
 و دلیل که بزرگ صفت او را خامی حاصل آید و اگر بینه که طبعی شکست دلیل که خادم او بمیرد که زانی رحمت الله علیه گوید اگر بینه طبعی  
 بود آتش افتاد و بسوخت و دلیل که کینه زکی و پاپرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن طبع در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینه سوم فایده چهارم بینه طبع این سیرین رحمت الله  
 علیه گوید طبع در خواب سخن باطل و دروغ بود اگر بینه که باطل نای و دروغ بود و دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بینه که طبع  
 مفرد و میزد و دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدورسد که زانی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که طبع میزد و دلیل که کاری باطل  
 کند و طبع در خواب بروی بود که دروغ آید که طبع این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بینه که طبعی بیمار را علاج کرد و دست  
 شد و دلیل که یکی را از راه فساد و راه صلاح آورد و اگر بینه که بیماری را نکس صحت شد تا و پیش بخلاف این بود و اگر بینه که مردم  
 را و او را و نافع آمد و دلیل که علم گوید و پیوند و مردم پیوندی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر داری وی نافع نبوده باشد  
 بخلاف این بود و طبعی کردن در خواب مردم مصحح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفید را صلاح تن و کسب حیات  
 بود و طعام و انبیا علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا و پیش بد بود و اگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلو از آن  
 روغن و اکسین باشد و این هر دو در مال بود این سیرین رحمت الله علیه گوید هر طعام که بخورند و شراب و بینه باشد با طبع  
 رنج و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود که زانی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که طعام از رنج  
 و سیم بست و دلیل بر زیان مال باشد و اگر بینه که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عمرش بمراده باشد و اگر بینه که چندان طعام  
 بخورد که طاقت نداشت که بر خیزد و دلیل بر مرگ وی بود و اگر بینه که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی  
 عنه گوید اگر بینه که درویشی را طعام داد و دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بینه که کا فر یا طعام داد و دلیل که در کار و شغل  
 حق تعالی او را یاری دهد طبع نیره زون بود و اگر بینه که کسی را نیره زون و نیره در تن وی درون شد و دلیل که اینک بقدر آن خیم

و شش اینکس در دل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر می کسی را طعنه زد و جای او درست  
 دلیل که از سخن که در حق وی گوید او را در و حاصل آید و اگر در و نکرد تا و پیش بخلاف این بود طلاق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر از زنی دیگر بود یعنی این زن و دلیل که از شرف و جاه بعضی  
 نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از ان پشیمان شود و طلع کردن در خواب  
 توانگری بود و قوله تعالی **وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَكُنِ اللَّهُ كَالْكَافِرِينَ** طلع این سیرین رحمه الله علیه طلع بار خراب بود اگر بیند  
 که یک طلع یاده یا سه فراگرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار  
 داشت و از آن نیز خورد و کسی بیند و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع  
 در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم سندن مال تصب طلق این سیرین رحمه الله علیه گوید  
 طلق اندک مایه سخنی بود که در کار بازیر که جوهری از سنگ است اگر بیند که از جانی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکر حلیت  
 از سفر مال حاصل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که طلق مخلون تن ببالید و در میان آتش رفت و آتشش هیچ ریج بوی نبرد  
 و دلیل که شتر یا پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق مخور و دلیل که مال ریج و سخنی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی جدا شد  
 و دلیل که مالش تلف شود طنبور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد و دلیل که در آنجا غم و  
 بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست و دلیل که توبه کند و اگر بیند که طنبور میزد و دلیل که مرگش نزدیک است و اگر کسی بیند که او را  
 طنبور می نشیند و دلیل که سخن باطل شنیدن رخصت و بد طوطی این سیرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود  
 کسی خواب بیند که طوطی از دست می پرید و دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی  
 گوید یا کاری کند که مرده را از آن عیب آید و طوطی ماده و خنثی و شیریه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد یا رسا بود  
 اگر بیند که طوطی ماده را بکشت و دلیل که و شیریه و خنثی میزد و اگر بیند که طوطی از زبان یا از مقعد او بیرون آید دلیل که او را فرزندی  
 آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم  
 و خنثی و شیریه سوم شاکر و پارسا طوق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او طوق بود و از زری یا زسیم دلیل که  
 آن ولایت یا بد و در آن انصاف نگا دارد و اگر بیند که از آهس بود و دلیل بر بی مانتی و فساد دین بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر  
 طوق در گردن خود بیند و دلیل که دعوی بد و غوغا کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق در زین بیند و دلیل که ولایت  
 یا بد و اگر از مس یا از آهن بود و دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب شش  
 وجه بود یک چرخ دوم ولایت سیوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کینه و اگر طوق در گردن اسپ خود بیند و دلیل که  
 از پادشاه مال و بزرگی یا بد طلیسان این سیرین رحمه الله علیه گوید طلیسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بیند که  
 نو و پاکیزه بود و دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند و دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طلیسان بدرید یا سوخت و دلیل که عزیزی

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب



خواب

سیر

حاج

عاج

سیر

تج

از آن او میرود انبیا علیه السلام گوید دیدن طلیسان و خواب امانت و واپاست و قوت بین بود و اگر بیند که طلیسان پاکیزه بود  
و لیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و لیل که امانت در گردش بماند و اگر بیند که طلیسان زرد و سیر و لیل که در غمی سخت  
افتد مغربی رحمته الله علیه گوید طلیسان سپید و در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود و لیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد  
و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طلیسان در خواب برده و وجه بود و یکی  
عزیز جاه و دم و لایست سوم فرزند چهارم دولت و پنج بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین یازدهم شرف الظاهر  
ظلم کردن ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که بر و ظلمی رفت لیل که بر ظلم کننده نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد و در لیل  
انگس بروی خطریابد و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد و لیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد و لیل  
از پادشاه مضرت یابد و سحیل اشعث رحمته الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر چهارم ظلم کرد و لیل که آن چهارم را نفرین کند و اگر خواب  
بیند که بر بنده ظلم کرد و لیل که از خواب او را به ملا و محنت رسد و ظلمات ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود  
و بر روشانی بدل شد و لیل که راه دین بروی کشاده گردد و اگر بانی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر روشانی آمد و باز  
در ظلمات رفت و لیل که منافق باشد قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَيْكُمْ فَاهْبُتُوا وَاَوْكُوا بُسْتًا اللَّهُ الایه مغربی رحمته الله علیه گوید  
ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در بدو لیل ظلمات ظاهر شد و لیل که در اند یا در غم و اندوهی صبر نماید و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید در ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی که فردوم تخر سوم فروستن کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو اگر بیند  
که بدویشی آمد و لیل که زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتوانگری رفت و لیل که کارش بد بود و حرف العین ع حاج  
ابن سیرین رحمته الله علیه گوید عجاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عجاج داشت و لیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عجاج از  
ضایع شد و لیل که مالش ضایع شود مغربی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که عجاج در صندوقی داشت و لیل که یکی از خویشان وی زنی  
بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عجاج داشت و لیل که پادشاه او را کیترگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عجاج بشکست یا ضایع  
شد و لیل که زن پاکیزه او پاک گردد و هر چند که عجاج سپید تر و پاکتر باشد مال پیشتر بود عاریت کردن ابن سیرین رحمته الله علیه  
علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و لیل که ثابت شود و اگر چیزی بود  
که دوست ندارند تا ویش بخلاف این بود عاشق ابن سیرین ح گوید اگر خواب بیند که عاشق است و حریص بود و لیل ضیاع  
و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و لیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبری عاشق شده بود و اگر در آن  
عشق نیت حرام بود و لیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود و لیل بر خیر و صلاح بود و سحیل اشعث رحمته الله  
علیه گوید اگر بیند که از عشقی کام دل یافت و لیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در اصل جاهل بود  
و لیل که مردم سخن نگویند و در زبان مردم افتد و بدی و اگر عالم یا فقیه بود و لیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم  
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی گذشت که در آنجا ترس و بیم بود و لیل که مردم آن موضع از ترس و بیم این شوند و پاد



جلد ۱ و اگر عدد نو دیند دلیل که چند زار از بزرگان بکج کند قوله تعالی **لَتَشْعُرْنَ عَجْرَةَ نَارٍ**  
 و اگر عدد صد دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مَائِدَةً تَلْجَأُونَ بِهَا إِلَى اللَّهِ** و اگر سلطان خود  
 بیند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی بیند که ویرا صد درم و اندود دلیل که متمی بزبان  
 نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَأَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ** و اگر بیند که کسی او را  
 صد دانه کند یا چوب یا چیزی از دهن او دلیل که او را خیر و برکت بود و عیش و روی فراخ گردد قوله تعالی **فِي كُلِّ**  
**سَنَةٍ مِائَةَ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ** و اگر عدد دو دیند دلیل که دشمنان بر او  
 ظفر یابد و اگر عدد سیصد دیند دلیل که بروز کار مرادش حاصل شود قوله تعالی **وَلَيَبْشُرَنَّ فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ**  
**سِنِينَ** و آن را دوازده شصت و اگر عدد چهار صد دیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه  
 و سلم فرمود که **خَيْرُ أَجْيُوثٍ أَوْ لَبْعَةٍ أَلْفٍ** یعنی بهترین خواها چهار صد و بهترین لشکر با چهار صد هزار و اگر عدد دوازده  
 دیند دلیل که کارش بموفق باشد و اگر عدد شصت دیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر عدد هشتصد دیند  
 دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد هشتصد دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد نه صد دیند دلیل که دشمن  
 بروی ظفر یابد و اگر عدد هزار دیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی **وَأَنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُ**  
**أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ** و اگر عدد دو هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد سه هزار دیند دلیل بر فیروزی بود قوله تعالی  
**يَكْلِفُهُ الْآلِفُ مِنَ الْمَالِكَةِ مُتَوَلِّينَ** و اگر عدد چهار هزار دیند دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنجاه هزار دیند  
 دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شصت هزار دیند دلیل که کارش بتمام آید و اگر عدد هفت هزار دیند دلیل که کارهای او  
 گردد و اگر عدد هشت هزار دیند دلیل که کارش بتمام شود و اگر عدد نه هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد دوهزار دیند دلیل  
 که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد بیست هزار دیند دلیل که تاویل دارد و اگر عدد سی هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر بدینک  
 یابد و اگر عدد چهل هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار دیند دلیل که برنج و غنای فراوانده شود و اگر عدد  
 و مقلد آن **خَمْسِينَ أَلْفًا** و اگر عدد شصت هزار دیند دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هشتاد هزار دیند  
 دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار دیند دلیل که کارهای بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود هزار دیند دلیل که  
 دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی **وَأَرْسَلْنَا مِائَةَ أَلْفٍ مِنْكَ**  
 عدس متعبر از او تاویل عدس خلافت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت  
 ابراهیم علیه السلام وارد دست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل  
 را از زمین و سلولی طال گرفت از حق جل و علا عدس سپرد و پیاپی خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب  
 مال بود که از زمان بومی رسد خاصه که بخت بود و اگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد عموماً و ابن سیرین رحمه الله علیه



عصا  
عصا  
عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

توانست گفت دلیل که اندک کن بوی رسد عصا را بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که عصای میگوید دلیل که  
بکاری مشغول گردد که او را شنا گویند نام نیکی و خیر برود و عصا بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگوار  
با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که  
عصای وی ضایع شد و بلیش بخلاف این بود و اگر بیند که کجی بر عصا کرد دلیل که بمعادنت مردی بزرگ آنچه میجوید  
گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که بر او رسد و اگر کوتاه شد و بلیش بخلاف این بود و اگر  
بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از وفات  
یا پدر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب برسته بود یکی مرد بزرگوار دوم پادشاه سوم فوت عصبه  
بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصبه نوعی از عظام است و آن بهتر که زعفران بخورد و دیدن او در خواب نالی بود که عصبه  
بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصبه در دهان نهاد و دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصبه بسیار خورد و دلیل که مال  
بخصوصت حاصل کند عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که چیزی او را عطا و انداخته یا دیگر کسی  
او را ازین عطا کند که او را آنچه بود و زود یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول ندان یا مرد بود و چون جمله اینها است که  
تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آید و دست میدارد و دلیل که ازان عطا کند بوی داد نیکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول  
و دلیل که بسبب دنیا و اخاری رسد و اگر عطا بوحده خطا بود و بخیل دروغ بود و اگر بیند که عطا بسته و دیگر باز داد و دلیل که نیکو  
آن عطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را سیوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا داد و دلیل که با کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده  
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر عبت ستد و دلیل که ایمان او بر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا خواب بیند که کس  
ایش را عطا داد و بر عبت بستد دلیل که مسلمان شود و گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او را شکر گفت دلیل  
که زیادتی مال و تشددستی بود و اگر شکر نگفت تا و بلیش بخلاف این بود و مغز بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیکو  
و عطا دهنده دون بود تا و بلیش بد بود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و او را  
بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر تو انگر بود دلیل که ازان مال نفع رساند و گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
خود عطا داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و شنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب برنده و همه بود و  
شای نیکو و دم سخن خوش ستود علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کهیم معتزم مرد با فربنگ ششم دین پاک ششم  
خوش عطا را اگر خواب بیند که عطاری میگوید دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم بوی خوش میفرودخت دلیل  
و عده دهد و نیکو خلاف کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطر دوشی و آشنائی شد دلیل که مردم  
او را نفع و شنا گویند و نازدار شود و عطر بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عطر دوشی و او را الحمد گفت  
و دلیل که اگر بجای است او را بطیب احتیاج افتد و اگر نذر ستد و دلیل که کسی حاجتش روا کند و بر وی منت نهد و اگر بیند

تجرب

عقل

تجرب

عقل

عقل

عقل

که نه با عقل و ادب و دلیل بر نیکی و قهرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد و دلیل که مراوش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی بازگشت گرفت و دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه داد و بخاطری از بینی بازگرفت و روان شد و دلیل که در وی نخی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و چون داد و بیرون آمد و دلیل که از جوهر آن چند داد و فرزندش آید که بدان حیوان منسوب باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر عطسه در خواب باستانی داد و دلیل که مانی باستانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد و دلیل که مال بدشواری بدست آورد و عقل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و دانند که عقل نیست اگر بیند که خواب آن باشد و دلیل که او را فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بدین صورت بیند و دلیل که بخت روی کسی بند و غرور جاه یا بدو تو انگر شود و انبیا علیه السلام گوید عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و دلیل که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غائب باشند و زنده بودند و دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند و دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت بختی دیدم که مال جان من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من درآمدند و هر سه بنشینیم و شراب بخوریم و شکر میخوریم و من صلی الله علیه و سلم فرمود که عقل شست و نجاش است و جان شست آن جان کار تو برادر شود و اگر بیند که عقل و جان نیزه و لجاج میکردند و دلیل که سلطان ولایت بخانت کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت و دوم مادر و سوم فرزند یا پادشاه چهارم مال و هفتم عقیق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بزرگی مصاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از و صانع شده وایش بخلاف این بود و اگر بیند که بخور عقیق داشت و از و چیزی بخورد و دلیل که او را فرزندش آید که شرف و بزرگی و جاه یا بدعلاک کند و اگر بیند که علک بر آتش نهاد و دلیل که بخت در مال و نقصان شود و اگر بیند که علک میخاید و دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یا بد علم در خواب مردی و انما یا امام زاهد بود و شخصی که مرده بوی افتد کند و اگر بیند که علم در دست داشت و دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی شناس شود و از وی راحت یابد و اگر بیند که علم از دست می بیند یا صانع شده وایش بخلاف این بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر خیر بود و اگر بیند که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یا بدخاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که علمی سپید بزرگ و درست داشت و دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن علم در خواب بر چهار وجه بود یکی بهتر و دوم سفر سیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجنان بود و اگر بیند که بر زمین عمارت شده بود و از بهر خراب عمارت یک روحی و کانی و ماندن این دلیل که فایده ایجنائی یابد و اگر بیند که حامی معروض بود و عمارت

شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمول و مقیم شد دلیل که از آن مقام چیزی صلاح و منفعت بقدر عمارت آن مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح چیزی است دوم خیر و منفعت سوم کار مرئی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب آنست که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر سر تیر یا راسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر مبدع عمارتی میفتاد و یا آن عمارت بیرون شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانند دلیل که با بزرگی میوزد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با همشری محمود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود و مختبران گویند که چنهای سخت باشد و اگر بیند که عمودی بر کسی زو دلیل که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که عمود آیین داشت دلیل که او را از پادشاه فوت و باری بود و اگر بیند که عمود از دوستی بسته شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد درست دوم سختی سخت یار داشت سوم همشری بزرگ عذاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب بکسی داد و دلیل که از او بد آنکس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از دوستی میگرد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند عسیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عسیر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر بیند که عسیر بسیار جمع میکرد و با زیادت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عسیر کسی داد و دلیل که از او بد آنکس رسد و اگر بیند که عسیر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عسیر مالید دلیل که بجای او نیکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عسیر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کار مرئی چهارم شنای نیکو عسیرانوعی از نوا بود چون جنگ و بر لب و مانند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عسیر میزد دلیل که باطلی و حق محال ضايع دهد و اگر بیماری بیند که عسیر بشکست یا بیفتد دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عسیر میزد و دلیل که زود میرد و اگر بیند که عسیر از وی دور شد دلیل که از مردی جلا دهد و در شود عمو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو دور شد دلیل که از وی خیر و منفعت یابد و عمو در خواب مردی خوب دوی و لطیف طبع بود که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو غایت داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از او بد و دلالت یابد و هر چند که عمو خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمو در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی خبر روی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عمو و سوز ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عمو سوز در خواب کبریا یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عمو سوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کبریا که از او بد باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل جود باشد اگر از آهس بود از اصل کبریا باشد و اگر بیند که عمو سوز بشکست یا ضایع شد

بسیار

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

و دلیل که غلام یا کنیزان پاک شود عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مرد و او  
مسید بداند دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشد دلیل که ستر او زود پوشیده گردد و معتبران  
گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر بیار بود شفا یابد و اگر و ام دارد و دلیل که ویش گذارد  
شود و اگر ترس دارد و دلیل که امین گردد و اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورتش برهنه بود و بیدار شد و از آن سرش  
شد و دلیل که در حال نیک آید و اگر بیند که عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد  
یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود و دلیل که او را بامردی  
کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود و دلیل که او را بامردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که تانی رحمه الله علیه گوید  
اگر کسی بیند که عید بود و مردم است بر سر او آمدند و دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف از دست  
گردد و عاشورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کاس گاری یا بدو قله تعالی کلمت لکم  
دینکم و اتممت علیکم فخره و در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بروی خجسته و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح  
حرف الغین خا را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود  
و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غار  
و آن غار روشن بود و دلیل که او را بر زندان کنند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد و دلیل که رنج  
شود و شفا یابد و غارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمتی می غارت کردند و دلیل که غم و مصیبت بود  
سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام و یا کفر را گرفت و غارت کردند و دلیل که اهل کفر را غم و مصیبت بود و اگر بیند که  
لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب  
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زبان سوم عمو اندوه چهارم فرج از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب  
فرسنگ و نام آور بود اگر بیند که غالیه کسی را و دلیل که آنکس را از وی اوبه فرسنگش آموزد که تانی رحمه الله علیه گوید غالیه نشان  
حج بود و معتبران گویند که غالیه یالی باشد که از حضرت بد رسد و اگر بیند که غالیه یافت و دلیل که از زنی یا از مردی بازگان منفعت یابد  
و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه یالید و دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم داد و عا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش می غالیه یالید و دلیل  
که او را مستم بد و غلوی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی اوب و فرسنگ دوم ثناء  
و فرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر  
نزدیکی آید و دلیل که نامه و یا خبر غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد و خبر  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسیده  
و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود و با نعمت و مال باز آید و اگر





در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن

در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن

در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن

در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن

در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن

که در میان ایشان وقت افتد و اگر بیند که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن  
اجابت بشت دلیل بر پاکی از نور و غرور بود و هر زیادت و نقصان که بشتن از اجابت پدید آید دلیل بر دین دروغ شود و غسل در آن  
رحمة الله علیه گوید و دیدن غل در خواب کفر باشد و سلیش بناحق بود و اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر میرد و اگر بیند که غل  
گردن بند سبک شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانان بدو  
کنند که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت دلیل بر کفر او کند و قوله تعالی و قال لا اله الا الله و هو الله و هو الغنی  
عزت ایدیکام و لعنوا بما قالوا و مقصود از غل غل است ابن عباس رضی الله عنه معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن  
بیند دلیل است دست از کارش بردارد و خلاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلاف در خواب زن بود و اگر بیند که خلاف شیر بکشد  
و شمشیر و سلامت بازند دلیل که فرزند سلامت از مادر بیرون آید و مادراک شود و خلاف کار و بهین حکم دارد و خلاف ابن سیرین  
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شده بود دلیل که بگاری سخت افتد و در آن رجوع نشود و اگر بیند که غلامی بگریخت یا بخیزد دلیل که در آنجا نیکویی  
بود که تانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود و قوله تعالی و کثیرا ناکلکم حکیم و در جای دیگر فرمود یا بشری هذا  
غلام جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که غلام یا کثیرن میفرودخت دلیل که نیک بود و اگر بیند که بخیزد یا بشد و اگر بیند  
غلام و کثیرن اگر زرد و سیم ستانده بود و اگر اجناس تانده بود یا نیکو باشد علیه کرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بروی غالب شود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب  
و شادی بود و اگر بیند که غمگین شده بود دلیل که فرج یابد و برادر برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اند و بگین شده بود دلیل  
بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از غم رسته بود تا ویش بخلاف این بود غنیمت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب  
اگر مال کافران بود دلیل که نرخیان گران گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن دیار غنیمت بسیار  
بروند غنیمت شود و نرخیان از آن شود و اگر بیند که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل که بقدر آن اورا منفعت حاصل  
شود اصل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بدینا فرو رفت و مر و آید بدو دلیل که بقدر آن علم و دانش آید  
و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیند که بدینا رفت و هیچ نیارد دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد و لیکن فایده نیاورد و اگر بیند که  
از قصر در یار آورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد و غرور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که  
بوقت خود میخیزد و دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن پادشاه و کراتانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غم  
میخیزد و دلیل که اند و بگین شود و اگر بیند که غم و بهر دخت یا کسی داد و امان هیچ بخورد و دلیل که اند و بهش بکشد بود و اگر غم و بگشت  
بخته بود بهتر باشد غم و غم و حرف و او شج آن گفته شود و حرف الفاء فاخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته  
در خواب زنی ناقص دین بدو بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بدین میان بخوابد و اگر  
بیند که بچه فاخته گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گشت فاخته میخیزد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و حج کند که تانی رحمة



توضیح

توضیح

توضیح

توضیح

هست که اگر بیدار از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مغلس و تنگ دست گردود و اگر بیدار از فرج وی نخچیر و نان آمد دلیل که شوهرش  
 او را دوست دارد و اگر بیدار از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت جن با وی جماعت کند و اگر بیدار از فرج وی  
 ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیدار از فرج او آبی تیره بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیدار  
 که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بدو اگر بیدار از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهانگیر  
 و اگر بیدار کسی فرج وی بذرید دلیل که از آنکس منفعت یا بدستگیری اشعت رحمة الله علیه گوید اگر بیدار بر فرج وی سویی  
 بسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خواندگی می شود و اگر بیدار بر فرج وی سویی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیدار  
 فرج وی آساید بود دلیل که مال بدو اگر زنی بیدار که او را بجای فرج قضیب بود و اگر آسبتن بود دلیل که پسر آید و نماند و اگر آسبتن  
 نبود دلیل که پسرش میرد و اگر بیدار از فرج وی گوهر نایم و اید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید و فرجی این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی آسبتن که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین که نه بود تا ویش بخلاف این بود  
 که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی از دیار بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد و لیکن اگر مردم پارسا بود و دیاری نیک  
 از ملون بود و فرجی که پارسا و بر شیم دلیل بر زیادت وین بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی زن آن پوشیده بود دلیل  
 که او را امامت رسد و اگر بیدار که در آن فرجی با کسی جماعت کرد دلیل که حاجتش روا شود و از آنکس که با وی جماعت کرد استغفار  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امامت و پارسائی کند و اگر بیدار که فرجی سیاه پوشیده  
 بود و اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت پسین  
 مصیبت و غم و اندوه بود و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیدار و دختر آید دلیل که خیر و راحت یابد و از اهل  
 بیت شادمان شود و اگر بیدار که پسر آید دلیل که دختری و آید و اگر بیدار که دختری آمد دلیل که پسر آید و مغربی رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیدار که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بسته دلیل که چهار شود استغفار رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که در جانی  
 چکنده بیافت یا کسی بوی داد و دلیل که از جایگاه امید نذر و چیزی بوی رسد و فرعون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیدار که یکی از فرعیان با تقدم یا از شاه مقدم شود و شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه السلام آید و ظاهر گردد و اگر بیدار که  
 مقدم می در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آید و ظاهر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرعون عطائی بود یا  
 یا خلعتی در بختید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یا بد فرمودن این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که کسی او را یکتوی یکت پیر دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیکت گردان نشود  
 یعنی بر چند باشد و اگر بیدار که بدو گفتند که نایب شکن یعنی برادر از اخوش دارد و اگر بیدار که کسی گوید که گندم بفرش یعنی  
 بدو اگر بیدار که گویند میان زار بند یعنی فایده برگیر از کار و اگر بیدار که گویند توقف کن یعنی بر دشمنان خیر خواهی باشد و اگر بیدار  
 که کسی گوید یا کتش کم باشد یعنی مال نگه دار تا در ویش نشود و اگر بیدار که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بیدار که گویند



علیه گوید غلوس در خوابیدن و لیل بر مغلسی بود فندقی در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخوابد بیند که فندقی داشت لیل  
 که از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند که بخوار فندقی داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندقی  
 شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فنگت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنگت در خواب مردی غریب توانگر و آسوده  
 با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنگت مطیع  
 بنود و دلیل که فایده نیابد و اگر بیند که فنگت را بگشت و پوست و براب کند و گوشت ویران بکند و دلیل که مال مردی غریب تلف  
 و اگر بیند که فنگت را خبیه کرد و از کون او خون روان شد دلیل که دو شیرینی دختری غریب بستاند و اگر بیند که فنگت بسیار مردی جمع شد  
 و از ایشان کز نشید دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند ضررت یابد فواق ابن سیرین رحمة الله علیه  
 گوید اگر کسی بخوابد بیند که فواق آمد دلیل که ششم گیرد و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید که فواق رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هنگام خوردن  
 و از فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق پیاپی می آید دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد و اگر بیند که فواق او با بکالت  
 بود و دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را علامت رسد و اگر بیند که فواق نرم و آهسته بود و دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود بگذرد  
 و اگر بیند که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فوده و خمیر خشک باشد که از آن آبگامه سازند و در  
 وی در خواب غم فاند و دود و اگر بیند که فوده میخورد و دلیل که بسبب کاری تنگ گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با دشمنان  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فوده در خواب بر پنج چیز یکی بیماری و دوم غم و اندوه و سوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسا کار  
 بر عیال فوطه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت  
 و دلیل بر راحت دین و دنیا وی بود که با بد خاصه چون نود و پنج بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة  
 الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و پنبه مستور بود و دلیل بر زیادتی  
 تر بود و اگر بیند که خواب مغسب بود و دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه پادشاه بیند  
 و دلیل که عدل و داد آرد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشیده دلیل که حکم برستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر قاضی بیند  
 نائب کرد و اگر در پنبه توبه کند و راه صلاح جوید صرف القاف قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند  
 که قاضی شده در میان خلق و اوری میگرد و از اهل قضا بنود و دلیل که در پنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر فرست  
 باشد او را قطاع الطريق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیند که خواب عالم نبود و جوان بود و اسفر  
 سلامت باز آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخوابد بیند و دلیل که بمنزله علمای دین برسد و اگر قاضی  
 محمول بیند که نشسته بود و او کسی را دزدی داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی و الله  
 یحکم لا محقق حکمه و در جای دیگر فرموده یقضی الحق و هو خیر الفاضلین مغربی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بیند که قاضی بروی حکم کردن همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی تر از در دست داشت و دلیل که در میان خلق حکم برآورد

قالب

و اگر میند که قاضی میرد شفقت بر او نگاه کرد و بای لطفت و مدارا سخن گفت و لیل که او را نزد اهل علم حرمت و جاد نبود و خواند و فرمود تا پادشاه  
 قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که از کتاب فقه سوسی خانه می آمد و لیل که کار بسته وی کشاده گرد و او از خوشنشان و دور شود قالب  
 کالبد بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر قالب کفش بایموزه در خواب ببیند لیل که زن و خان و محکم کارهای وی رست و از دو اگر ببیند  
 که قالبی داشت و لیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قالب شکست یا بسوخت و لیل که آنجا دم خانه او هلاک شود و مغربی رحمه الله علیه  
 علیه گوید که اگر میند که قالب بسیار داشت و لیل که او را از خادمان خیر و شفقت رسد و اگر میند که کفش بایموزه و روز بود و لیل که بهتر شد  
 قالی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که قالی بزرگ از بروی افکند و بود و دانست که ملک و است و لیل که برادر از می سر  
 و فراخی روزی بود و اگر میند که بر قالی نشسته بود و در جانی بیگانه و ندانست که آن جایگاه کیست و لیل که دنیا بروی متغیر شود و در غایت  
 میرد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود و لیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمه الله علیه  
 اگر میند که قالی در پیچیده بود و بردوش داشت و لیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراتر  
 باشد مصیبت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراج شده و لیل که عیش و روزی وی فراج کرد  
 و اگر بخلاف این ببیند و لیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه بنهاد  
 و لیل که دولت و اقبال بخیر و تیا کند و اگر میند که قالی بر پشت نهاده و میرد و لیل که بره بسیار کند و انیال علیه السلام گوید که اگر میند که قالی  
 کوچک و سبزه بود و لیل که روزی بروی تنگ شود و اما عمرش دراز شود و اگر میند که قالی سبز و پاکیزه داشت و لیل که روزی بروی فراج شد  
 و اگر میند که قالی در خانه کسی افکند و بود و لیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر میند که در خانه جمبول قالی افکند و بود و لیل که سفر  
 کند و مال و نعمت یابد و قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که قبا که پاس و در خواب پناه و وقت و سفر بود و اگر میند که قبا می کرد پس  
 فراج پوشیده بود و لیل که از غمنا فراج یا بد و اگر میند که قبا می حریر پوشیده بود و در خواب کرد و بود و مگر که با سلاح پوشیده بود و اما از  
 مردی بزرگ شرف و منزلت یابد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند قبا پوشیده و بحرب میرفت بر دشمن نظریه یا بد و اگر میند که قبا می  
 سبز پوشیده بود و لیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و غم و اندوه باشد و اگر ملون بود و کارشن نظام گردد  
 و اگر قبا می کهنه و دریده بود و لیل که در اطلاق و بد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که قبا می عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد و لیل که غم  
 خواند و بود و اگر میند که قبا می پوستین سیاه و سپید پوشیده بود و لیل که زنی توانگر زنی کند و اگر میند که قبا از پوست رو باه بود و لیل که  
 از قی بار سبازنی کند و اگر قبا از پوست سمور بود و لیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قبا در خواب بر شش و جبهه  
 می پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی خواب  
 که قباله خط داشت و لیل که بعد خط و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی واد و لیل که او را آن  
 گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی واد و لیل که علم شریع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قباله در خواب بر شش و جبهه  
 می ریاست دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که قباله در خواب بر شش و جبهه

بخوابد و گفته قبایح در خوابش نای بود و زبانه اش فرو می بود و وقت گذاردن حکم مغربی رحمه الله علیه گوید قبایح در خواب قاضی بود و اگر  
 بینه که قبایح داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر بینه که قبایح چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد  
 قبله ابن سیرین رحمه الله گوید اگر بینه که قبله گذشت و بجانب شرق نماز گذارد و دلیل که بر او حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بینه که  
 قبله نشاخت دلیل که در راه دین سرگشته و متحیر گردد و قبله کند و در حرف کاف بیان کنیم قح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی  
 بخوابد بینه که قح آب یا جلاب داشت و از آن بخورد و دلیل که زن بخوابد یا اینکه خورد و فرزند صالح و پارسا بیاید و اگر بینه که آب  
 بر سخت و قح باشد دلیل که فرزند عمیر و وزن سلامت باشد و اگر بینه که قح شکست و آب ریخت دلیل که فرزند و زن هر دو عمیر  
 و اگر بینه که قح بود و از آن بخورد و دلیل که او را فرزندی دیگر در آید و از و محنتی به چهرهسد و اگر قح می بخوابد بینه دلیل که او را فرزند  
 نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قح در خواب برسته و چه بود یکی زن و دوم کنیز سوم خادم که شرک خوای خانه بود  
 قدید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قح در خواب اگر کسی پسندد و دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ بود دلیل بر غنیمت بود  
 سپاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت بود و بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد قرآن خواندن در خواب  
 دلیل بر حاکم است اگر بخوابد بینه که آیت حجت و بشارت از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حق تعالی جل و علا  
 بگذارد و اگر بینه که آیه عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدا تعالی غرض بود و توبه کردن باید و بخداوند تبارک تعالی باز  
 گردیدن و اگر بینه که آیت انحصار و امثال میخواند دلیل که موصیت کرد و مانی رحمه الله علیه گوید اگر بخوابد بینه که نیمه قرآن میخواند  
 دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بینه که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بینه که آواز قرآن می شنید دلیل که کار  
 در راه دین نیکو گردد و اگر بینه که کسی قرآن وی میخواند و او از آن هیچ فهم نمیکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بینه که جمله قرآن ختم کرد و دلیل که مراد با بیاید و بعضی از معتبران گویند عمرش بهر رسیده باشد و اگر بینه که قرآن با او  
 بلند میخواند دلیل که کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بینه که یاد دارد که کدام آیه میخواند دلیل که تفسیر آیه تعبیر  
 باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بینه که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بینه که از اعراف نام برد  
 بخواند دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بینه که از مراثی سوره الناس بخواند همه حاجات وی بر آید و اگر بینه که تمام سی پاره  
 قرآن خواند دلیل که سال و ماه بروی مبارک باشد و اگر بینه که هفت سی پاره قرآن خواند دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر  
 کسی قرآن خواند و بخوابد بینه که قرآن میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اِنَّ قَوْلَهُ كَانَ كَمَنْ يَنْفِيكَ  
 عَلَيْهِ اَنْ يَوْمَ تَحْيَا اَنْ يَوْمَ تَمُوتُ اَنْ يَوْمَ تَحْيَا اَنْ يَوْمَ تَمُوتُ اَنْ يَوْمَ تَحْيَا اَنْ يَوْمَ تَمُوتُ اَنْ يَوْمَ تَحْيَا اَنْ يَوْمَ تَمُوتُ اَنْ يَوْمَ تَحْيَا اَنْ يَوْمَ تَمُوتُ  
 خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن یا افتاد و  
 تو انگری بعد از رویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرسه گذاری فرمودن کسانی را که مستور باشند و رقیب  
 حجت بر ایشان را بعد از عاقبت قربان کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بینه که اشتراک یا و یا گو سپند قربان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان

حجت بر ایشان



کرد و دلیل که گرسنه بود آواز شود و اگر در پنج و بلا و سخت گرفتار بود و شفا یا بدر اگر در بند بود خلاصی یا بد اگر در پیش بود تو اگر نشود و اگر ترس  
 دارد و این کرد و اگر دوا و دوش گذارد و شود اگر گرسنه باشد حج بگذارد و اگر بینه که بصحرای جهت قربان رفته بود و دلیل که آن قوم اگر  
 از چیزی ترسند این کردند و اگر محبوس باشند خلاصی یا بند و اگر قحط و تنگی بود و فراخی بدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید  
 باشد تا ویش زودتر از کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که گوشت قربانی مردم قنمت میکرد و دلیل که مردی محشم آنجا میرود و بینه  
 قنمت کنند و اگر بینه که گوشت بزد و بید و دلیل که بر خداوند تعالی عزوجل دروغ گوید و قربان در خواب بشارت بود قوله تعالی و  
 کثیر ناه باسحق فیتیا من الصالحین و باز که ناه علیه و علی السحق اگر خداوند خواب زن بود حامله پس صالح آنرا جوهر  
 صاف و بعضی انداخته گوید و دلیل قربان در خواب بر شش وجه بود یکی آینه از ترس دهم چهل شدن مراد و حاجات سوم چوب  
 چهارم ششم زوال قحط و تنگی قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به در خواب کسده پیری بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر  
 در قرا به آب یا جلاب یا چیزی خوردنش حلال بود و دلیل که آن کسده پیر حلال خوار بود و اگر بینه که در قرا به چیزی بود که شکنی  
 و دلیل که آن کسده پیر خرم خوار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که قرا به داشت و دلیل که او را بکسده پیری صحبت افتد و اگر بینه  
 که از قرا به آب یا جلاب خورد و دلیل که او را از کسده پیر خرم و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترش خورد و دلیل که غم و اندوه و خوردن  
 قرا به بخی میخیزد و شمر رسد و اگر بینه که قرا به شکست و دلیل که از آن کسده پیر جدا گردد و قرفل این سیرین رحمة الله علیه گوید  
 قرفل در خواب شنای نیکو بود و اگر بینه که قرفل بسیار داشت و هر کس عطا و دلیل که اهل دنیا بر روی شاکویند نامش بختی بیشتر  
 گردد و اگر بینه که قرفل میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به بر ششم چون سپید باشد  
 بر نعمت اینجانی باشد و اگر زرد بود و دلیل که بیماری کند و دیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود و اگر بینه که ابریشم یا قرا به سوخت یا صانع  
 شد و دلیل که دیر از بانی رسد و اگر بینه که قرا به بر ششم داشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خبر و منفعت یابد و اگر سبز بود بهتر باشد و اگر  
 سرخ بود مردانزد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل که غم و اندوه باشد و اگر بینه که از بر ششم داشت و دلیل که او را از هر رنگی متاع حاجت  
 و ابریشم مردانزد و این کرده بود و از آن نیک باشد قسط این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که قسط در زیر خود میسوخت و دود  
 میکرد و دلیل که مردم آن ولایت او را بد و شاکویند و نامش در دنیا بر نیکی منتظر گردد و اگر دود کند و ناخوش بود تا ویش خجالت  
 این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود و قنمت کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که میان بی  
 چیزی قنمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف را نگه دارد و اگر بینه که مال خود بخر و صلاح قنمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان  
 قنمت کند و اگر بینه که مال خود بشود و قنمت میکرد و دلیل که مال وی تباه شود و اگر بینه که مال کسی رضای او قنمت میکرد و اگر بینه که  
 یا قنما و دلیل که خبر و شتر آن بوی باز گردد و قنما ب این سیرین رحمة الله علیه گوید قنما چون مجول باشد ملک الموت بود و اگر بینه  
 که قنما ب و سرانی یا دود که در دلیل که در آنجا کسی میرود و اگر بینه که قنما یا است و قنما بنود و دلیل که کسی را بکشد و اگر بینه  
 که با قنما بنماید کرد و دلیل که او را با ظالمی صحت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که قنما بی کرد و قنما بنود و دلیل که غم و اندوه

از وی زایل شود و اگر بنید قصاب بود خون حق ریزد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصاب مجبول در خانه وی در آمد با در که چه در آن  
 دلیل که در آن موضع مرگ می افتاد پیدا شود قصه گفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قصه مجبول می افتد دلیل  
 که از ترس و بیم ستمکاران این شود قوله تعالی فَاَتَا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوَى  
 الظالمین که آنانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرد را قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر بنید می گفت و اگر می گفت دلیل  
 بر شر و فساد و کد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصه می گفت دلیل که کارش نیکو شود و مردش حاصل گردد و قصه گوی و در خواب  
 مردی نیک محض بود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بنید اگر کسی بخواب بنید که  
 شاخ درخت تازه و بار یک بود و دوا نذ و انگس معروف بود و دلیل که او را از انگس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بنید  
 که شاخی بار یک و خشک بود و دلیل که پی خیری بوی نرسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاخ درختی که ترش میوه او بود  
 و بد و دوا نذ و دلیل که از انگس بد و غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یابد قطایف ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قطایف بشکر و با و ام کسی بوی و او و از آن بخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر  
 بخور و دو و شتاب بود و دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود  
 یکی سخن خوش و دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت برنج قطران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قطران  
 خواب مال حرام بود و اگر بنید که قطران داشت و از آن یکی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که تن یا جگر  
 وی بقطران آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بنید که قطران از  
 خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند قنما خور و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بنید  
 و دلیل که وام دار شود و اگر بنید که موی از قفا همزده بود و دلیل که و همیکه دارد که آلوده شود و اگر بنید که بر قفای او سیلی  
 کسی زد و چنانکه آس کرد و دلیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بنید که بیگانه بر قفای او سیلی زد و دلیل که  
 از بیگانه یا بد کرد آنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی و او را  
 کند و زیانش رسد و اگر بنید که قفای خود بدید و دلیل که عیالش بر وی خیانت کند و اگر بنید که بر قفای خود حجامت کند  
 و دلیل خیر که خیریده باشد قبل از نوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رویش افتد کشت و دلیل که با مردم منافق کند  
 قفص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قفصی داشت دلیل که در جایی گرفتار شود و معتبران گویند که او را با  
 از خویشان در زندان کنند و اگر بنید که قفصی داشت یا ضایع شد و دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی  
 عنه گوید و دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سیری نخاس قفص ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید قفص در خواب و دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بنید که قفص زد و بکشد و دلیل که کارها  
 بروی کشاده شود و شاید که حج اسلام بگذرد و اگر بنید که قفص نتوانست که قفص نکند و دلیل که کارش ویران شود و مغربی رحمه الله علیه

بنید  
 بنید  
 بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جای نهد و دلیل که مال خود را مصلح سپارد و اگر بیند که قفلش بسته و ضعیف بود و تا پیش  
 بخلاف آنکه جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین قفل در خواب برشش وجه بود یکی ساختن کار و دوم خوت سوم حجت چهارم  
 منفعت پنجم زن ششم عتدا بر کسی مصلح داشتن قلعہ در بود و حرف و ال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل  
 قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یقنی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمه الله  
 علیه گوید قلم فرشته است که بفراوان خدا یقنی اجل و علی کار کرده و اگر کسی قلم را با انصورت که هست بیند و دلیل  
 که او را با پاوش پای عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را داده است و القلم و ما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست  
 گرفت و دلیل که او را فریدی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بران قلم که در دست داشت چیز  
 بدست دلیل که علم آموز و قوله تعالی علم الا نشان ما لکم لعلکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین قلم در خواب پنج  
 وجه بود یکی امر حق تعالی دوم فرشته سوم تو انگری چهارم حقیقت کردار یا پنجم قلم خامه گویند و شرح آن در حرف خامه یا دیگر  
 قلمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلمی که با بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد و هر چند که قلمی چشم خوشتر بود و منفعت آن بهتر  
 باشد و اگر قلم از گوشت و غیره باشد و خورد و دلیل که در آن سال از ترس بیمین بود و اگر از گوشت پیره یا زغال خورد و دلیل که مالی اند  
 یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلم از گوشت سب خورد و دلیل که مال از پادشاه سرخ و سختی بدست آرد و اگر از گوشت  
 خورد و دلیل که مال از فردی بزرگ بدست آرد و اگر قلم از گوشت پایی خورد و دلیل که از بخت زنان بکر مال بدست آرد و اگر از  
 خواب معند بود و دلیل بر غم فاندوه کند و اگر بیند که قلم از گوشت چهارپای خورد و دلیل که مال حرام خورد و مع  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که بخت و خواب غلام و کینز بود و مع بزرگ و بی مرتبه بیکند و بود و اگر بیند که قلم که بخت و کینز  
 یا کسی بومی داد و دلیل که غلام یا کینز که بخت بخورد و اگر بیند که قلم او شکست یا ضایع شد و دلیل که او را انجی چین مری  
 سفارقت افتد و اگر بیند که قلم او سیرین بود و دلیل که او را با مری نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قلم او سیرین  
 بود و دلیل که با مری قوی و مای و شجاع صحبت افتد و از خیر و منفعت یا بد قند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلم او  
 دلیل که بتجیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند در میان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که پاره  
 قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند می فروخت و دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود  
 قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب ببیند که در خانه  
 قندیل فروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه یا پارسا بخوابد و اگر ابن خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن و دوم توفیق سیوم عز و ولت چهارم کشش  
 در کارهای بسته و قندیل نا فروخته دیدن منفعت اندک بود و قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب ببیند که قنوت  
 خواند و دلیل که مردم مع و ثنا گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

بازگشت  
بجای  
بجای

که صلح بود و از رنگ حق تعالی حاجتی او برآید و اگر بیند که مضطرب بود و دلیل که از بزرگی کارهای دنیای می برای قفسینه این برین  
 رحمت الله علیه گوید قفسینه در خواب خادمی بود که کلید خانه بد و بسیار بزرگ کسی خواب بیند که قفسینه داشت و در وی آب بود و چنان  
 یا چیزی که درون آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال باشد و اگر قفسینه چیزی حرام بود و از آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام  
 چیزی حاصل شود و اگر بیند که قفسینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادوم او بگریزد که مانعی رحمت الله علیه گوید قفسینه در خواب خادمی  
 بود که چیزی را بر دست وی باشد قیامت این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی  
 در اندیشه او رفته و اگر اهل آن دنیا را ظالم باشند و دلیل که مافقی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دنیا را مظلوم باشند و دلیل که حقیقتا  
 خود جل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دنیا را پیش حق تعالی جل و علا ایستاده و بود و دلیل که خیر و عذاب حق تعالی جل و علا باشد که  
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخواست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا  
 چنانکه آفتاب مضطرب برآمد یا وصال و یا جوج و یا جوج پیدا شدند باید که توبه کند و محبت تعالی گراید و اگر بیند که گور یا شکافت و مود  
 بیرون آمد و دلیل که بر دشمن خطر یابد و اگر بیند که او را بر تخت باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا یابد و اگر بیند که شمشیر  
 گاه بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی اقْتُوبَ لِلنَّاسِ حَسْبُهُمْ غَفْلَةٌ مَعْصُوفٌ اگر بیند که با وی شمشیر کرد و دلیل  
 که او را زان برسد قوله تعالی فَمَا سَبِّحْنَا هَاجَسًا بِأَسْمَاءِ بَدَلًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا تَارِكًا اگر بیند که در راه با سنج  
 وی یکی زیادت آمد و دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ  
 و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود و دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا  
 أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ أَلَدًا قَدْ بَانَ اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامر وی بدست راست داشت و دلیل که بدی بر او  
 بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْإِنزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامر کردار وی و او بد  
 که بر خوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْوُوا كَمَا بَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْبُؤْسَ  
 اگر بیند که بر صراط است و دلیل که بر راه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود و جعفر صادق علیه السلام  
 الله علیه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرح از غم سیوم نظریافتن بر دشمنان چهارم ابل  
 و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیامت این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که قیامت داشت و دلیل که بقدر آن  
 و روزی یا بدیغری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بسیار داشت و بخانه برود و دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برود و اگر بیند که قیامت زان  
 بیرون افتد تا ویش بخلاف این بود اگر بیند که در قیامت افساد و سوخت و دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش را بستاند و اگر  
 بیند که قیامت میخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی خبر آن گویند که او را غم رسد قیامت کردن این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند  
 که قیامت میگرد و آسمان بر وی آمد و دلیل که توبه کند و اگر بیند که قیامت توانست کردن یا در وقت برآمدن باز جانی رفت و دلیل که از توبه  
 بازگردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زان افتد و اگر بیند که قیامت میگرد میخورد و دلیل که از بخت چیزی عیال

بجای

بجای

کتاب

نفته کند که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قی میگرد و طلسم او ترش و ناخوش بود و دلیل که بعد از توبه بر سر کارنا رود و اگر بیند که بسیار  
 قی کردن چیزی از شکم وی بر زبان آید و دلیل که بسیار شود اگر بیند که بغیر بر آرد و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار  
 بر آرد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که صخره بر آرد و دلیل که از بخت بد و اگر بر چه در شکم بود بر آرد و دلیل که پاک شود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن  
 ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخرد و دلیل که چیزی بختی بخشد و اگر آنکس باز ستاند جعفر الکافی  
 کا جی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا جی بر او غن کند و شکوفه و روغن بادام خور و دلیل که بعد از آن  
 خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر او غن و انگبین میخورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کا جی بر او غن و ماست میخورد و دلیل که  
 از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کا جی بخیزی ترش میخورد و دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که کا جی بخیزی شیرین میخورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش میخورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی  
 کار و این میبیند رحمه الله علیه گوید کار و فرزند باشد و نیام کار و دزدان بود اگر کسی بخواب بیند که کار و دزدان دوست داشت و دوست  
 از آن دوست دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که سلاح پوشیده و گاوی دوست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و گری آموزد و مغربی رحمه الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که کار و از نیام بر کشید دلیل که زرش سیری آرد و اگر بیند که کار و در نیام شکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان  
 پدرش میرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت دلیل که بعد از خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند که بکار و چیزی ترش دلیل  
 که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخنه افتاده بود و باز نک گشت یا علی در و ظاهر شد و دلیل که نقصان مال  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بیدار کردن در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم  
 توانایی هفتم و لاسنت کارزار کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی  
 بخواب بیند که کارزار میکرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قهر کرد و دلیل که از علت طاعون  
 یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعثت طاعون پاک شود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کار  
 با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا خطر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بر  
 میکرد و همین تاویل دارد و اگر تیر و کمان کارزار میکرد و دلیل که میان ایشان بر زبان گفتگو می شود که زمانی ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که کاری میکرد و اگر کارزار بود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه تاویل غم و اندیشه بود  
 و کار پاک کننده چرک است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بد  
 و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه در دیده ریخت و دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشتن سپید شد و دلیل که از توبه  
 و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید میشد و دلیل که همواره در گناه باشد بخیر می رسد که گوید کارزار در خواب مردی

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

که بدست و می خیرات و حسات هر دو برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از روی خواب مردی پرسید  
 که غم و اندوه اندول مردم بر و ازین سبب چنان گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد  
 و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شود که از روئیا کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار  
 میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار وین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی شگفت بود  
 و اگر بیند که راهی و نیای وی راسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بیند عرش دراز بود و اگر بیند که کارهای  
 مشغول بود که در او غیور و از ان منفعت نبود دلیل که بجاری مشغول شود که در ان خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید اگر بیند که با مردی بجاری میشود در راه شبست دلیل که مخالفین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْمُخْلِفُونَ** بمعنی خلد  
**الْمُؤْمِنُونَ** الله کاروان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصالح  
 و پارسا بود و دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تا ویش بخلاف این بود  
 بیند که سوار بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا ویش بخلاف  
 این بود که راهی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کار و بر وی کشاده گرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و بر وی  
 بسته گردد و کاریز ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروف کار تیزی میکند دلیل که با کسان خود  
 و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کاریز آب پیدا نشود و چون آب پیدا آید و روان گشت حکم کاریز کشیدن چنین گویند  
 که باقی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کاریز آب می ستد دلیل که بکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کند باشد منفعت  
 بقدر آنکه از او برآورد وی رسد و اگر بیند که آب از کاریز برآید و در خیم و رخت یاد رسد و دلیل بر مالی باشد که طرح کند و اگر بیند که  
 کاریز افتاد و دلیل که در بکر و حیلت افتد و مغرب رحمه الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کاریز آب می آید و دلیل که با بن خود مجامعت کند  
 کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکر و حیلت ساز کند کاسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه چوبی چون در وی  
 بود و بخورد و بقدردان از سفر روزی حلال یابد و کاسه حالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود و کاسی رحمه الله  
 علیه گوید کاسه طعام خاوی بود با برکت منفعت که بدست وی خیرات رود و مال او بوضع صلاح تمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی  
 خردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسه آبیگند دلیل بر آن کند و کاسه سی  
 مغلسی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی  
 و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندیشه بود و کاسه خدای ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کاغذ در خواب ثل و بزرگی بود اگر بیند که کاغذ سفید و پاک است  
 دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاغذ وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان  
 شود و کاسی رحمه الله علیه گوید که کاغذ در خواب علم و دانش بود و اگر کاغذ و ند خواب پارسا بود و اگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که فضل  
 علم شهرت یابد و اگر کاغذ و ند خواب مفسد و جاہل بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین کاغذ و خواب بیچاره

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک و سیرین  
بود در راه حق اگر بیند که کا فور میسخت و از آن بوی ناخوش می آید دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت بدارد و اگر بیند که اندکی کا فور یا  
دلیل که بشمارش آوی بیاورد و اگر کا فور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور در خواب  
بر سخت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کینه که خبر وی هیچ مال بسیار ششم شای و فرین و سخنهای خوب هفتم ریش  
نفس کا فور بر سر غم نیاست که شکوفه آوزر و بود و از وی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که بیخ و تنای او در دنیا  
جمع مردم باشد و اگر بیند که کا فور بر سر غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شای و با قطع شود و اگر بیند که کا فور بر سر غم میخورد و دلیل که او را  
غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور بر سر غم در خواب بوقت خورشید بر سر غم بود یکی شای و آفرین دوم نفع اندک سوم غم  
لطیف ششمین و گفتن کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کا فرشته است دلیل که او را بخت کفر میل باشد و اگر بیند  
که کبر شد و آتش بر سرشید دلیل که نجات او از تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نوز و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جود وین خود را مال  
حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور در خواب بر سر غم وجه بود یکی سبیل کفر و اشتن دوم حجت با مردم و اشتن و با بخت عاوان  
نشت و خوست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور می چنان  
وزارشند که کلهی از دروازی او بسته شد دلیل که بدینا حریص بود و در غایت کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بلائی می  
بر سرین لب بود دلیل که کار با بوی بسته گردد و اگر بیند که کا فور در آرزو شده بود و بر سرین بدیداشت دلیل که ترک حرص و از بگوید مردم  
را غیبت نکند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کا فور در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میخورد دلیل که بقدرت  
برنج و اندوه بوی رسد و اگر کا فور سی داد و او بخورد دلیل که نکلس از وی بخورد دل کرد و غمی و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه  
عنہ گوید که کا فور خردون بر سر غم وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سیوم خصومت و گفتگوی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
که در خواب مال نعمت بسیار بود و خاصه که کا گندم باشد و اگر بیند که کا بسیار داشت و در خانه میخندد دلیل که مال و نعمت حال  
بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا جو بود آنچه گفته کمتر از آن باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کا و دانی رفت و اندک مدت است  
دلیل که تو اگر شود و مراد و جانی یا بد معزنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا و دانی افتاد و کا و دانی سوخت و دلیل که با او  
او را مصداق کند و مال فخرسته از وی بشاند و اگر بیند که چهار پائی کا میخورد و دلیل که بجهت مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه  
عنہ گوید دیدن کا و در خواب بر سر غم وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سیوم کام دل و شادی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
اگر کسی بخواب بیند که کا بوی شیرین بوقت خود میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کا بوی تلخ بود دلیل که حضرت و زیان بیند  
و اگر بیند که کا بوی تلخ و نیکو بود و دلیل که با کسی گفتگوی کند کا ورس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا ورس میخورد و دلیل که  
و خسته یا بد اگر بیند که کا ورس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کا ورس بفروخت دلیل که او را نصیب  
رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا ورس بود و دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا و دانی علی السلام

اگر کسی خواب ببیند که بر کاوش شده بود و کاوازان او بود و دلیل که از پادشاه عین گیر و نفع بسیار اندی بیاید خاصه چون کاوشگاه  
 باشد و اگر کاوش نرزد و ببیند دلیل که بیاید بود و اگر ببیند که کاوشی نرزد در خانه وی و در دلیل که حقیقتی در خیر و روزی بروی کشاده  
 لیکن اندیش سپری نکرده و اگر ببیند که کاوان نرزیب و اشتد دلیل که غلامان بسیار زبردست وی شوند و او در کار ایشان تنگ  
 کند و اگر ببیند که کاوشی نرزد و آبسرون بزد و از قشرش بیرون برود دلیل که از غلامان او با حضرت رسد و او خود را معزول گردان  
 و اگر ببیند که کاوش را آتش برون بود و در موضع سر بود دلیل که بعد هر سر و بی غلامش کمال عمل می کند و اگر در اندامی از اندامها  
 وی افزون ببیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان ببیند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید کاوش  
 در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و در موم کاوش و خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر ببیند که دنبال کاوش نرزد و سر  
 و آمد دلیل که مال بسیار یا بد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچه خویش کاوان بسیار ببیند دلیل که ممتگر گردد و در کار او خیر است  
 و برکت پدید آید و اگر کاوشی نرزد و آبسرون بزد و ببیند خاوب صاحب عمل بود و دلیل که معزول گردد و اگر  
 بازگان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بختد و اگر ببیند که کاوشسرون بزد و او ببیند و دلیل که کسی بروی سر  
 و بزرگی کند و در غل وی کشته مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کاوش از میان کاوان بکشد و قسمت کرد و کاوش  
 عامل بود و دلیل که مردی بزرگ از آن که چه بکشد و اگر ببیند که کاوش بکشد و کوشش او بخورد و دلیل که خداوند کاوش را بکشد  
 و مالش بستاند و اگر ببیند که کاوش بکشد که نه کاوش بود و دلیل که مردم محترم در آن موضع میرند و اگر کاوان بسیار نرزد و محکم  
 ببیند که در آن موضع آمد و شد میکرد و دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیاری کشند چون لاغر باشند و اگر کاوش فریب باشد و دلیل که  
 و ازانی بود و اگر ببیند که کاوان زمین را بیش کافتند و دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر  
 که با کاوش بکشد و دلیل که او را بهتری جنگ افتد این سیرین رحمة الله علیه گوید کاوش خواب سال بود و اگر ماهه کاوش ببیند دلیل که در  
 آن سال فراخی و نعمت و اگر ماهه کاوش لاغر باشد تا ویش بخلاف این بود و کوشش ماهه کاوش و فراخی در آن سال بود و پوست وی  
 زخیر باشد و اگر ببیند که ماهه کاوش را سید و شیده و اندویش میخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده ببیند از کار کرد و در پیش ببیند توکل  
 کرد و اگر از او ببیند از مردم بی نیاز شود و اگر خجاری ببیند غریز کرد و اگر ببیند که ماهه کاوش و آبستن بود و دلیل که سید واری بود و صاحب رحمة الله علیه  
 گوید اگر ببیند که گوشت کاوش ببرد و دلیل که در آن سال زنی توکل زنی کند و اگر ببیند که ماهه کاوش بدوشید از آن شیر میخورد و دلیل که مال بسیار جمع کند  
 از آن چیزی بخورد و اگر ببیند که ماهه کاوش با وی سخن گفت دلیل که عین وی فراخ گردد و اگر ببیند که ماهه کاوش پیش آمد و دلیل که سال بی بارک بود و اگر ببیند که ماهه  
 زنی بود و دلیل که آن سال بی بار باشد و اگر ببیند که ماهه کاوش بدوشید و دلیل که حال بروی تنگ گردد و اگر ببیند که ماهه کاوش بکشد و دلیل که در آن سال  
 محروم کند و اگر ببیند که ماهه کاوش در آن زمین غنیمت کرد و دلیل که در آن سال این غنیمت بود و اگر ببیند که ماهه کاوش را بر دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر ببیند  
 ماهه کاوش ناگاه در خانه او درآمد و دلیل که ناگاه مال بیاید و بیغم گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین ماهه کاوش خواب بر شمع  
 یکی خواند و دوم مال سوم بزرگی چارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو کاوش و شتی که مانی رحمة الله علیه گوید کاوش و شتی در خواب







پاک بیند دلیل که امانت بگزارد و بعضی متبران گویند اگر بیند که برکت نوی داشت از جانی که خبر داد و مال یا بد کثیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کثیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بعد آن فضل از مری بخیل بوی رسد و اگر بیند که کثیر بخور و دلیل که مال را جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کثیر از خواب برستد و بر روی فضل مال هر دم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت از خواب برسد کچ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کچ در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کچ داد و دلیل که در جنگ و خصومت شد و اگر بیند که کچ کسی داد و او پیش خلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید که کچ در خواب سختی باشد و هر بنیاد که از کچ درست بیند همه بد زیرا که همه بد باشد بخت نماند و اگر بیند که کچ میخورد و دلیل که همه پاک او بود و کمال هر که کمال را خواب بیند دلیل بر صلاح کار گذشتها کند و راه نمودن بکار های که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کمال میگرد و داری او چه بشناسد و دلیل که خلق را به صلاح خواند و اگر راه نماند و مردم را از وی منفعت حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمال میگرد و دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر او بومی وی نافع نبود و او پیش خلاف این بود که مانی کرون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را چیزی منفعت بسیار رسد و با هر کس زندگانی بطف کند او را ملامت و اگر بیند که از راه چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد و دلیل که کار بروی بسته گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گدائی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه که و ابن سیرین رح گوید که در وقت خواب خود اگر کسی بخوابد که در خانه او درخت که بود و دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بسیار بیند شفا یابد و اگر بنده بیند از او کرد و اگر کافری بیند شفا گردد و اگر مسلمان بیند بسلامت و وطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که دینی داشت و دلیل که از دینی پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت که دوازی بر کند و دلیل که از دینی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که دینی بخت میخورد و دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که در خواب برستد و بوی عذوبه دوم مال سوم نظام کار را که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب مال و خسته بود اگر کسی خواب بیند که بر تن وی که بد یاد و او را اندک خدائی میگرد و در کریم بود و دلیل که مال پنج و سختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرد داشت و جمله از تن وی خورده و ناپدید شد و دلیل که مال بمحکوم روا و تلف شود و بعضی متبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود و دلیل بر نالی که جمیع کار از حرام بود که با سوختن و دست و پدین وی در خواب مری بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کرباسوز را گرفت و دلیل که مری بزرگ بخواستن نزدیک کند و اگر بیند که کرباسوز را گرفت و دلیل که آن مفسد از بزرگ برزد و اگر بیند که کرباسوز را بگشت و دلیل که آن مفسد را حالی تنه شود و اگر بیند که گوشت کرباسوز میخورد و دلیل که بعد آن مال حرام از مری مفسد خورد که به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کرباسوز در خواب فرو مفسد بود اگر کسی خواب بیند که کرباسوز معروف بخاند و در آمد و دلیل که مری معروف بخاند و در آید و اگر کرباسوز را بجمول بود و مری بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد و یا بر و دلیل که در در خانه وی چیزی خورد و اگر بیند که کرباسوز را بگشت و دلیل که مری در خانه کدائی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت بخورد و پوست از او بپزد

بجای

دلایل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گریه جنگ میکرد و گریه او را بخارشد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را فراموش کرد  
که از بیماری شفا یابد و اگر نه او را بگریه دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معتبران گویند که بیمار نباید خواب بود و این است  
گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو نشود و بیرون رود  
و دلیل که از در و درازان خانه که آزادی یافته باشند زنی را برنی کنند و اگر آزادی بیند که شیر گریه بخورد و دلیل که او را با کسی صورت  
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه در خواب بر صفت وجه بود یکی زرد و دوم غماز سوم خادم چهارم بیمار  
پنجم زنی شفق ششم خود هفتم جنگ و صومت که تبه جائه کوتاها باشد که مردم از او طلق خوانند و پوشیدن آن در خواب  
توت و سفر بود و اگر تبه وی بسوزد از مردی پناه و قوت یابد این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گریه سست  
بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که گریه زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که گریه تبه پوشیده بود  
و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بستر نه نیا مشغول گردد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گریه  
بر ششیم پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود و اگر خنجر که گریه بخت  
یا ضایع شد و دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن گریه در خواب بر چهار  
وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار با گریه این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گریه خنجر  
ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود و دلیل که کار  
پوشیده در آن وضع بود که از آن چگونه بیرون آید و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که روی او را زرد پوشیده بود و دلیل که او را  
برنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمین که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال و خوشه یا جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن برسته وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و حق تعالی گردان و این است  
گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن معتبر شد دلیل که او را قوت در امانت گذاردن  
و صلاح دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاها و ضعیف بود و دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود  
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود و دلیل که زکوة مال نداده و تقوی سبط و قون و باج و اباه و یوم  
القیامه اگر برگردن خود گردانی بیند بی آنکه چیزی برگردن داشته باشد و دلیل که بیمار شود و اگر باری برگردن خود بیند  
و هیچ گردانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی معتبر و قوی  
شده بود و دلیل که امانت نیکو گذارد و کلاهش قوی گرد و اگر گردن خود دراز بیند و دلیل که امانت گردن وی دیر بماند  
و از گواهی دادن خود باز ماند و اگر گردن خود کوتاها بیند و دلیل که امانت از گردن خود زود و ور کند و اگر گردن خود سیاه  
بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند و دلیل که از مرد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت  
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاها بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر برگردن خود هموی بیند و دلیل که او را

از حیث

از حیث امانت گذاری و امانت داری و اگر کسی از زون خود بستر و لیل که او را گناه شود و اگر گوشت از زون بریده  
 و لیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر زون خود را کوه بینه و لیل که مالی در پیش می نهاده باشد خیانت کند مغرایی حقه  
 الله علیه گوید اگر بینه که گوشت کردن وی میخورد تا و لیش بخلاف این بود اگر بینه که برگردن کسی نشسته بود و لیل که بر دشمن  
 طغریا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن در خواب برنج و جبه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم  
 و ام پنج بیاری کردن بنده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که گردن بنده از مراد یوسف داشت و لیل که بی بی  
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن تو تیر بود و علم و دانش او بیشتر بود و کفایتی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده ای از زون بود یا از سیم مرتضی که بر نای کرانما به و لیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که  
 امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بنده او را زنده و لیل که امانت بگذارد و اگر گناه بود تا و لیش بخلاف این بود مغرایی حقه  
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده خود بجا هر مرتضی کرده بود و بام صیغه در گردن داشت و لیل که جاده و ولایت یابد و اگر گردن  
 بنده ای در زون بود و بخیل که منزلت یابد و اگر گناه بود تا و لیش بخلاف این بود و اگر بینه که گردن بنده ای بسیار داشت  
 و لیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن بنده ترین در خواب بر شش و جبه بود یکی  
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینک و هم او گوید گردن بنده این حج باشد  
 و از آن سیرین کینک کردن زون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که او را گردن زنده و سرش از تن جدا شد اگر بینه  
 بود و لیل که از او شود و اگر بیا بود شفا یابد و اگر او را گناه شود و اگر خوف دارد و این گردن و اگر کار و کوشش  
 شود و اگر بوقت گردن زون سرش از تن جدا شد تا و لیش بخلاف این بود و اگر آنکس که گردن زد و معروف باشد بخیر ناکه  
 گفته شد از زون زنده بدور سد و اگر گردن زنده کوک و نابالغ بود و لیل که اگر بیا بود و میرد کفایتی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که  
 گردن او زنده و سرش است و از او توانگر بود و لیل که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال و بخشش ندور و لیش شود و سیرین  
 کار با ملک شود و علی الجبله گردن زون در خواب مرد و ایشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مراد و اگر آن و خداوندان  
 نعمت را بد باشد که در خواب مال نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند و اگر بینه که کرده بخته یا بر این کرده بسیار داشت  
 و لیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاید و اگر کرده از جانوری که گوشت و حلال بود و داشت و لیل که بافتن مال حلال بود و اگر  
 از جانوری که گوشت و حرام باشد و لیل که مال حرام بود کفایتی رحمة الله علیه گوید که در خواب مال نهان کرده  
 و بعضی مخبران گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند می است و از او بود و می آید اسمعیل است حقه  
 علیه گوید اگر بینه که کرده است و بخت میخورد و لیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بینه که کرده گاوداشت و لیل که  
 در آن سال مال بخت حاصل کند و اگر کرده که سپند داشت و لیل که در آن سال مال نعمت حلال یابد و بخت ششم اگر بینه که  
 کرده های غلام میخورد و لیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخورد و آنچه نصیب کند و گردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه

سیرین

م

م

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

برگردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون بود  
 دلیل که در پنج و هفتی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهایی خود گردونی بود و او دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی باید  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر شرف و جبه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم  
 بزرگی پنجم سبب ششم غری میفتم رفعت ششم آسانی فد کاه اگر سنگی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سنگی در خواب بهتر از سیری  
 بود و سیری آب بهتر از سنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و ازش در مال دنیا کمتر باشد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سپهر شد  
 دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه  
 ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم  
 حرص و از سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کرسی بواب علم است  
 و از راه ضرر و چنین واجب کند که از تبارک و تعالی جل علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کسینه السموات  
 و الارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه گوید کرسی عاقل و قدرت خداست  
 و بعضی از متبحران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد که تقوی  
 بحال دارد و یا پادشاهی مایل و پیر میگرد و اخی و آنچه که در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و همیشه خواب  
 از سلطان عادل خیر و نیک بیند و مالش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی در خواب شرف و جبه بود یکی عدل  
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکری نشسته بود و دلیل که کار او  
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مراد ببرد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق  
 پیدا شود و اگر این کرسی که در و در میسازد و در خواب بیند و دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه نشست و بر سر  
 و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست و دلیل که دختری و شیر بخواهد و اگر بیند که در زیر  
 بر وی کرسی مشکست و دلیل که زن وی همیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کسند بود و دلیل که زن وی درویش و حقیر و ورمانده بود  
 و اگر بیند که کرسی داشت اما بر نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد و کرفس ابن سیرین گوید اگر کسی بخانه  
 که کرفس بخورد و بوقت خود بود و دلیل که غمگین شود و بعضی از متبحران گویند که چیزی مکره خورد و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد  
 آنچه گفتیم که بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن  
 چیزی مکره و اگر کرفس مرغی بود بقدر که بکورت و تاویل آن زن کنند اگر کثرت در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کثرت  
 خورد و اگر بیند که از دست دی پیرد و دلیل که زن از طلاق دهد و اگر کثرت دارد و بگریزد و اگر بیند که او را بخت و گوشت او بخورد و دلیل که او را  
 آن پیران زن یا بد که کس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کس مشر مرغان بود و قوی و تیز بین و از عمر از مرغان بود و اگر بیند که

داشت و لیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر استخوان یا پیران گوشت که کس دست  
ببیند تاویل دارد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کس را برگرفت و در هوا بر وزید آسمان رسید و لیل که سفری کند  
و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بقضا بود و بسبب آنکه فرو و بر کس آسمان بر رفت و اگر میند که کس را  
از هوا بریزد یا خود از چنگال کس بچفتد و لیل که از شرف و بزرگی بهفتد و کارش خراب شود و اگر میند که کس را با آسمان  
بروز و آنجا مقیم ماند و لیل که بسفر رود و در آن سفر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر از ابله پادشاه بود  
یا از ابله خویشان خود بزرگی یابد و اگر کس بی چنگال در خواب بدین فرشته بود زیرا که فرشتگان حمله العرش بصورت کس  
و اگر میند که کس بی بالای سر وی شکار میکرد و لیل که میند خواب باز گانی کند و اگر میند که با کس جنگ میکرد و او بر کس  
غالب شد و لیل که با مردی بزرگ خصومت کند و بروی غالب شود و اگر بخلاف این میند و لیل که دشمن را قهر کند و اگر در خواب  
بچه کس میند اگر زن دارد و لیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد و لیل که دختری و و شیرازه بزرگ کند و اگر میند که کس بر  
نشسته بود و لیل که با بر و او را کند و آیتال علیه السلام گوید اگر میند که در آن کوچه کس فرو و آمد و لیل که پادشاهی بهمان کوچه فرو  
آید و اگر میند که در آن کوچه کس آبکشند و لیل که پادشاه آید یا زمرضول گردد یا ملاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان روائی سوم ریاست چهارم شاد و ستایش پنجم مرتبت ششم امری  
کردن اگر کس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس در خواب پادشاه دروغ زن سنگر بود و اگر میند که با کس جنگ و نیزه و لیل  
که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر میند که شیر گرسخورد و لیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود  
و اگر میند که گوشت کرک مسخورد و لیل که از پادشاه سنگر تقدیر آن مال یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کرک را بخت و لیل  
که اهل اسلام از وی روی بگردانند و روی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند و اگر میند که سر کرک بیافت یا کسی ببرد  
و لیل که شرف بزرگی یابد بقدر وی و اگر میند که کرک در خانه وی رسد و زیانی نداشت و لیل که او را از پادشاهی محضرت رسد  
و اگر میند که زیانی نکرد و لیل که پادشاه جهان آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کرک در دست او بکین کرد و لیل که پادشاه آید  
و یمن او کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم و دوم زن دروغ زن و سوم  
مخالف صیغه چنان کرک نداده باشد که مایه ابن سیرین گوید که با به در خواب غم و اندوه بود و خوشی شستن شادی و خوشی بود و آب نیکو نیکو  
و آب سخت گرم بد باشد و اگر میند که در کبابه رفت و غسل کرد و خود را پاک شست و لیل که از بخت و فکر سنگاری یابد و اگر میند که در کبابه رفت  
خود را نشست و لیل غم و اندوه بود که بدل وی رسد بسبب آن که مانی گوید اگر میند که در کبابه رفت و آب گشود و خود را نیکو شست و لیل که  
وارد اوین شود و اگر غمگین بود و پادشاه در و او را مبار بود شفا یابد و اگر و او را در و او را شمش گذارده شود و اگر میند که تو انکه است ازین  
چیزا که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر میند که آنکه بخود مالید و خود را شست و لیل که کارش تمام نکرد و سفری چنانچه  
علیه گوید اگر میند که بر کبابه رفت و دست و روی و سر و تن را بشت و بیرون آمد و لیل که از غم بیرون آید و اگر میند که در کبابه

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

خانه که ما به بود و دلیل که در آن مقام نمی روی پدید آید و اگر بیند که بر ما به شد بی آنکه بشنود محتاج بود و دلیل که غلبه و ام و ارشود و اگر  
بیند که در ما به جائه او و زور بر او و برینه باند و دلیل که بسبب کاری غلبه و بر او شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر  
در خواب بر شش و صد و یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نا کاری پنجم دوست ششم وام و کر ما به بان تا و زن  
بود و بعضی محراب گویند که حدای سرای بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر ما به بانی میک و اگر بود و دلیل که زن محترم خواهد بود  
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که شهری بدین صفت کند که مان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کرمان بسیار  
در شکم وی شدند و طعام در شکم میخورد و دلیل که عیالان و دیگر از مال گیری خواهد و اگر بیند که کرمان در از تنش می افتاد و زنی  
بر تن و جائه وی کرمان بسیار بود و دلیل که مال عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می  
افتد و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و بیمار نشان نداد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای  
او کرمان خورد و دلیل که عیال از مال وی خورد و اگر بیند که از کرمان تن و یا مرضت میرسد و دلیل که او را از عیالان برنج و مرضت میرسد  
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد گرم بیرون می آید و دلیل که بقدر آن مالش با عیالش زیاد شود و اگر بیند  
که کرمان از تن وی می افتاد و دومی مرد و دلیل که عیالان وی بکالت شوند یا زوی جدا گردد و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی  
و غیره بر میرفتند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین کرمان در خواب پس  
وجه بود و یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته که اخلاص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر میان کرمان  
و دلیل که از کار می که دور بود بران بچک کند و اگر بیند که کرمان بمان باز شود و دلیل که بر آنکار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم بر سبب  
و کرمان دلیل که روز کاری در شغل آنچه بسته بماند چنانچه کشودن بنوی تواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا دنیا کرمانی رحمة الله  
علیه گوید سبب کرمان در خواب دلیل بر بستگی کار با کند و هر چند که کرمان سخت تر بود و بستگی کار را سخت تر بود و اگر بیند که کرمان  
توانست و دلیل که کار وی بسته بماند کرمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی کرمان است یا تن خود را بچیزی کرمان  
و دلیل که از کرمان بسیار بر تن خود میسزد که کرمان است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود کسی را و دلیل که بروی ستم و سب  
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی گروند و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر  
که خود را بگوید و دلیل بر فساد دین کند کل نفس بها کسبت و هدینة و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرو  
و دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و حضرت یابدر گوید که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرمان است و دلیل که غلبه  
و متفکر شود و اگر بیند که کرمان به سجود و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوی بوی رسد زیرا که بطعم طع و ناخوش بود و چون  
طع و ناخوش باشد و تاویل غم و اندوه بود که بخت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بخت و خواب رستگاری بود و اگر  
کسی خواب بیند که از دشمن یا از جانوری کزنده میک بخفت و دلیل که از شر و خوف این گرو و بر خصم مظهر شود و زیرا که  
علیه السلام در خواب دید که از قرقون علیه السلام میک بخفت پس از شر قرقون رستگار شد و سر انجام بروی غافل گشت



بود اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را میدید دلیل که متفکر شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در  
 میگریخت دلیل که او را از بزرگی شمت سد قوله تعالی **يَوْمَ تَكُونُ لَهَا كُلُّ مُرْصَةٍ عَسَاوَضَتْ** اگر بیند  
 که مردمان از زمان میگریختند اگر زمان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید اگر بخشن در خواب شنای بود چنانکه با نیک مصیبت اندوه بود و اگر مضع کر سیتن اگر بیند که از سیتن بر روی وی  
 نشان بود دلیل که بگردار نیک و در طعنه زدن گرفتاری رحمه الله علیه گوید اگر سیتن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی  
 اگر در خواب بیند بر گناه گریست یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر گرم باری تعالی باشد که بفضل خود  
 بروی رحمت کند و کنایان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست داشت ناخوشیم وی بی آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته  
 حسرت خورد و توبه کند اگر از بر مصیبتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر  
 رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی **هَؤُلَاءِ صَحَابٌ وَابْنُ**  
**كَرِيمٍ** در خواب در پیشی و بد حالی و فرو بستگی کار با بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب تپایی بر رخ غم و اندوه  
 و کار با بروی بسته گرد و در او ش بر نیاید قوله تعالی **صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ** اگر تپان رحمه الله علیه گوید اگر در  
 خواب لیل بر نیوانی و بستگی کار با کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی کشاوه شود و بهر دو کام دل  
 و از رحمت تعالی نصیب یا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر در خواب بر چهار وجه بود یکی در پیشی دوم تپایی دین سوم غم  
 و اندوه چهارم بستگی کار با و نامرادی که در خواب مروی منافق و پیچیده بود و بعضی از متبحران گویند دیدن که در خواب در حلال باشد  
 که بی منت خلق بد و در سد قوله تعالی **وَإِنْ كُنَّا عَلَيكُمْ الْكُوفُ وَالشَّكْوَى** اگر بیند که از اکین بسیار داشت و بخورد و بوسی فراوان  
 که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد که از آن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از آنندی پوشیده بود دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان خیر گردد و اگر از خواب بی بیند دلیل که شوهر  
 و از شوهر خیر و نفع بیند جعفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از آنندی پوشیده بود دلیل که زنی تو را بگوید پارسا بزی کند و اگر بیند که از  
 سیر پوشیده بود دلیل که از آن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که از آنندی مسخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشره و طرب دوست بود و اگر  
 قرآن سپاه پوشیده بود و بیند قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد والا بد باشد اگر قرآن نوب و دلیل که از آن حد و حد  
 بود و اگر قرآن کند که سینه بود دلیل که از آن پلید و بکار بود و اگر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب شمنی ضعیف بود که در مردم  
 و دوست و دشمن نزاد و چنان است اگر کسی بخواب بیند که در دم او را بگریزد دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر  
 بیند که در دم را بگشت دلیل که بر دشمن ظفر ببرد و اگر بیند که بعد از کشتن در دم زنده شد و باز قصه وی کرد دلیل که بعد از این  
 بر دشمن ظفر ببرد و دیگر باره دشمن قصدا و کند و اگر بیند که در دست او در دم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم بد گوید  
 مردم را بد گوید که از اندوه غمناک و اگر بیند که در دم بخته یا بریان کرده میوز و دلیل که بعد از آن مال دشمن خود را بدین که در دم

و بان نهاد و بخور و دلیل که دشمن را نجان دارد و با وی جالست و خفت و خیز کند و اگر بیند که کزوم در درون جامه و پشت همین  
 تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کزوم ترسید و کزوم او را بیدار کند دلیل که از دشمن بگریزد و بعضی از متعبران گویند  
 بازن جماعت متواتر کند و اگر بیند که کزومی در پیرامون وی بود و دلیل که از دشمن بگریزد و از حضرت رسد و اگر بیند که در شلواری  
 کزوم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کینک وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کزوم در خواب بر  
 وجه بود یکی دشمن و دوم حاسد سوم سخن چین کزوم خواره این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم خواره در خواب  
 که در خورستان در میان آب می باشد و دوم بزمین می کشد چون کسی زخم آن پیشور حال ملاک شود و گمانی رحمه الله علیه  
 ویدن کزوم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که  
 کزوم خواره او را بگریزد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بجا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کزوم خواره گزندی  
 نرسید و دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کزوم خواره بود و از او می ترسید دلیل که اگر کسی اندیشه دشمنی دارد  
 و او نه دشمن وی باشد کز این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم در خواب غم و اندیشه بود اگر کسی خواب بیند که کزوم  
 و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کزوم شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر کزوم  
 گوشت پخته باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی متعبران گویند خوردن کزوم در خواب بیماری بود و اگر  
 کزوم بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود و کزیدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند  
 که کسی او را بگریزد و دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را خشم و کینه ببرد دلیل که بقدر آن از وی زیادت  
 برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را غری بگریزد دلیل که کارش از سخت و خطر بود و اگر بیند که او را بگریزد دلیل که او را  
 از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگریزد دلیل که در آن سال حضرت بیند و گزیدن جمله دوکان در خواب چهار وجه بود  
 یکی حضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال گشتی گرفتن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی بیگانه  
 و آنکس او را بیند اخت دلیل که حال و نیکی گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیگانه و تاویلش بخلاف این بوده و اگر هر دو  
 قایم بود و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمناکه باشد اما بظاهر باید دوستی کنند کاسنی این سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن  
 کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخور و دلیل که اندوه بکین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب ترس  
 و خصومت بود گشت و زار این سیرین رحمه الله علیه گوید گشت و زار خواب توکل بخداست عاجل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و یکی  
 و نیز مردی فاضل و نیک مضر باشد و اگر بیند که از هر تخم گشتن زمین کافت و دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت هستند  
 گویند اگر بیند که گشت و زاری میکرد و دلیل بر بیماری بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین کافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد  
 دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که گشت و زار و بازش می خورد و از آن گشتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن گشت خیری حاصل نشد  
 که بازش چگونه است و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گشت و زار و بازش می خورد و از آن گشتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن گشت خیری حاصل نشد  
 که بازش چگونه است و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گشت و زار و بازش می خورد و از آن گشتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن گشت خیری حاصل نشد

کزوم

خواره

پخته

کزوم

کاسنی

گشت

بجای

شیت

مال بسیار حاصل شود و اگر میند که کاوش میکند دلیل که مال اندک یا بد و انیال علیه السلام گوید اگر میند که در زمین خود تنم نمیکشت دلیل  
که زن خود و کارش ساخته گرد و اگر باز کار نمی زمین خود ناکشته میند دلیل که زبان بند یا کسی خصومت کند و اگر میند که بجای کار محمول  
زمین پیشگفت و تنم نمی انداخت دلیل که بر فراز صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت و بیدار دلیل  
نفت بروی فراخ گرد و اگر کندم با چو درخت در زمین خود کشت دلیل بر عود جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که  
در خواب برین وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن و دوم خیر و منفعت سوم بهاری چهارم عود جاه پنجم معیشت کشته زار این بهرین وجه  
علیه که کشته است و چون معروف بود و در جای معروف بوقت خوب میند دلیل بر فرزندان مرد بود و اگر میند که کشته همی در وید که  
مردم در جنگ کشته شود و انیال علیه السلام گوید اگر میند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر میند که  
گرد و در وید و در غمر من فکند دلیل امید که دارد بر آید و اگر میند که در میان کشت زار میرفت دلیل که با غازیان بغزار و دستخوری کشته  
علیه گوید کشت و در خواب دلیل بر ضرب و خصومت بود و بعضی از متبران گویند اگر میند که در میان کشت زار رفت و میزد و سبزه بود و  
دلیل که در میان صلف و دو و اگر میند که آتش در میان کشت زار افتاد و بود و همه بسوخت دلیل که در اندام باطل پیدا شود و اگر میند که  
کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی بر منفعت دهد و اگر میند که آتش بیاد و کشت ویرا بسوخت  
دلیل که او را زاپا و شته حضرت رسد و اگر میند که در میان کشت زاری رو و بزرگ می آمد دلیل که در اندام باطل و تنگی پیدا شود و اگر میند  
که از خوشی می گندم و دنیا بر زمین می افتاد و دلیل که بقدر آن خداوند کشت زاری رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که از  
آن بخداوند خواب بود و قوله تعالی **لَا تَنْسَ الْوَعْدَ الْكَلِمَةَ** کلام فاق و حق که آتی ششم و اگر کشت زار در وقت خویش سر میند دلیل  
و اندام زار نعمت فراخ گرد و اگر زمین ملک او بود دلیل که عاقبتش بر او گردد و اگر بوقت خویش کشته زار در وید و خوشه بخانه بر وید دلیل  
بود و اگر میند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغزار و جعفر صادق رضی الله عنه گویند کشت و در وید و خوشه رسیده  
خواب بوقت خود دلیل بر نیکویی و منفعت کند چون ناهرسیده و سبزه بود دلیل بر و با و بیماری بود و همچنین اشفت رحمة الله علیه  
کشت و در وید بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یا بد تا مخرج رویشان خیرات کند قوله تعالی **وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ إِذَا قُلْتُمْ**  
**يَوْمَ مَعَصَاةٍ** اگر این چیز که میدید و میدرد و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن این بهرین وجه الله علیه گوید اگر میند که  
کسی را بکشت بی آنکه سرش برید و دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکویی بوی رسد و معبران گویند که کشته بر کشته ظلم اندیشه و اگر میند  
که وی را بکشت و دلیل که عمرش دراز بود که مانی و حجة الله علیه گوید اگر میند که کسی را بکشت دلیل که خیر و منفعت میند و اگر میند که  
کردی او را بکشت و دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بد و رسد قوله تعالی **وَمَنْ قَتَلَ ظُلْمًا**  
**فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا** فَا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ و اگر میند که کسی را بکشت دلیل که عاصی و ظالم باشد و حق تعالی  
جمله عا کس با بر کار و تا او را بر بخاند قوله تعالی **وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ** و بعضی گویند که ستم بر فرزندان بر با به خردن  
باشد و اگر میند که کسی را بکشت خون از تن وی روان شد دلیل که بقدر آن مال بد و اگر تن خود خون آلوده میند دلیل که از مال خود چیزی را

و در کشتی

و در و اگر میند که خون روان شد و دلیل که دین کشنده برود و جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید اگر میند که ستوری یا چیزی از شترت کشت  
 و دلیل که بر خصم خود ظفر یا به و یکسکه بران حسن منسوب باشد قتل کند و کشنده و غن او و دیدن غدار و سید اگر باشد کشتی و آتیا علی  
 گوید کشتی و دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیاید  
 یا کشتی در دریا فرو مانده بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که در کشتی بود و سبب است از آنجا بیرون آمدن دلیل که از  
 رنج برده و قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ مِنْ مَّحَصِّنٍ وَفِي الْفُلِ الْمُنِجِ چون اگر میند که بدریا کشتی ملاک شد دلیل که بدست قوی ملاک  
 شود و اگر میند که کشتی وی زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار نشود و در سنگاری ویر دست دهد و اگر میند که کشتی غرق شد و او بستاند  
 بماند دلیل که حاش تلف شود و او سلامت بماند و اگر میند که کشتی شکست بخورد غرق شد و دلیل که مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر میند که در کشتی بر جای نماند  
 و کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را از پادشاه و بزرگان قری و بزرگتر پیدا شود و اگر میند که در میان دریا کشتیها و کازیرفت دلیل که بسفر رود  
 و اگر کجاء المُنشَاةُ فِي الْبَحْرِ کلا حلا و اگر میند که کشتیها ایستاده بود و ند دلیل که در سفر رود و اوین بماند بلکه در سفر مقیم شود و اگر  
 که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد و دلیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر میند که کشتی ایستاده بود و از هر جانب  
 بکشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم ملاک وی باشد و قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْكَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر میند که کشتی از  
 پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد و قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ وَاحِصًا لِلتَّقِينِ  
 اگر میند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی لَكُمْ الْفُلَاكُ فِي الْبَحْرِ  
 لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ اگر میند که در میان کشتیها چیزی نبود و محمی میرفتند و دلیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر میند که  
 غرق شد و دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملاک بود  
 و دلیل که او را ملاک اندیشه نبود و اگر میند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میترسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بعد بزرگ کشتی او را منفعت رسد  
 و اگر در کشتی بر نشسته بود و دلیل که او را از پادشاه چیم بود و اگر میند که در دریا کشتیها بجای محاصی ملون آهسته بود و دلیل که پیش پادشاه میرفت  
 شود و اگر میند که کشتی در قعر دریا فرو شد و دلیل که او را از پادشاه قوی عظیم باشد و اگر میند که کشتی میرفت تا ویش خلاف این بود دلیل  
 اشفت رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر میند که کشتی در آب  
 روان بود و دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر کشتی خود را در خشکایا شده و دلیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید  
 و دیدن کشتی در خواب بر پشت وجه بود یکی فرزند تو و دوم پدر تو و زن چهارم مکرک خیم فرج ششم امی مغرم و ششم تراگری کشف  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مروی را به عالم باشد و از صحبت او  
 رسد اگر کسی بخواب میند که کشف داشت یا بخانه او درآمد و دلیل که او را باز با هی صحبت افتد و اگر میند که کشتی کشف بخورد  
 بعد از آن علم حاصل کند که زانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشتی در سرکن وانی بیافت و دلیل که صحبت علمی رسد و اگر میند که کشتی در سجن  
 جای غریز بیافت دلیل که ناپدید شود و عزیزان بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید دیدن کشف در خواب

و در کشتی

بر سه و سه بود یکی از اهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع ذکر کارما کشکاب ابن سیرین رح گوید اگر بیند که کشکاب غناست و بخت  
 میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و پنج و خم از دلش نبرد و اگر بیند که کشکاب غناست خوردن تا ویش از این  
 بود کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش خواب لیل بر مان و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بود و بخورد  
 و دلیل که بعد از آن خیر و منفعت باشد با کسی نهاده و اگر بیند که کشمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود و دلیل که کشمش زیادت شود و اگر باز در کان  
 بود و مالش زیادت شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخورد و داشت اگر عالم بود و دلیل که مال زیادت شود و اگر کشمش  
 بود و دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه و سه بود یکی منفعت دوم  
 مال حلال سوم کسب کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشمش داشت و خورد دلیل  
 که بعد از آن اور غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کعب بخواب تا ویش تمام بود اگر بیند که با کعب بازی  
 میکند و دلیل بر جنگ و خصومت کند اگر بیند که کعب بسیار داشت دلیل که بعد از آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او  
 شکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوسی رسد که تا ویش مناعت بود و کعبین خصومت و کبر و حیلست باشد مغربی رحمه الله علیه  
 بازی کردن با کعبین دلیل بر دشمنی جعفر و جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج و سه بود یکی  
 دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالی و کواکب الثريا و کاسا دهاقا اگر بیند که کعب بازی داشت  
 که گوشت وی حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کعبه در خواب  
 خلیفه بود و نه کسی قبله وی کعبه بود و نه زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طوطی کعبه میگردد و دلیل بر صلاح  
 وی بود و اگر خلیفه راحت نماید و اگر بیند که احرام گرفته بود و روی کعبه داشت دلیل بر زیادت و صلاحیت او بود و اگر بیند که ساری کعبه  
 شده بود و در ورم زیادت میکرد و دلیل که امانت نیکو نگه دارد و در حرم منزلت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که کعبه  
 بر او خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بغیا و یا با تش سوخت دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که کعبه چیزی برگرفت  
 دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که کعبه ناز میگردارد و دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اصل کعبه  
 ایست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و در عاوش مستجاب گردد و قوله تعالی و من دخلها  
 کان امانا و اگر بیند که روی بخیر الاسود و نهاده بود و بوسه میداد و دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول صلی  
 علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که حج رود و سلامت یابد و اگر خود را بر با کعبه بیند دلیل که بد مذمت  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار و سه بود یکی خلیفه دوم امام موسی ایمن مسلمانان چهارم یعنی ازیم گفتار  
 در خواب زن داشت پلیه و دیگر دار باشد آن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کعبه بسته بود و دلیل که زنی زشت پلیه بخوابد و اگر  
 که گوشت گفتار میخورد و دلیل که بروی جا و و کشت کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شکر گفتار میخورد یا از پوست یا از تخم یا از چیزی  
 داشت دلیل که از آن زن فایده یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گفتار یا وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان بازی کند

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفچه در خواب کار فرمای خانه بود  
 اگر بیند که کفچه نو پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود و مخفی رحمه الله علیه  
 گوید اگر بیند که کفچه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر صنایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد کفچه آتش افشان  
 گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و انگش که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدنگاری خانه و ابل وی باشد  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدنگاری حاصل شود و اگر انظام بکشت یا صنایع  
 دلیل که خدمتکارش بمیرد یا بمیرد و کفشن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفشن در خواب زن باشد اگر بیند که کفشن نزدش  
 بود پای کرد دلیل که زن خواهد یا کینیک خرد و اگر بیند که کفشن دیگر دمی کرد دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفشن سیاه بود دلیل  
 زنی سلیقه کار بود و اگر کفشن سرخ بود دلیل که زنی عاشق و طرب دوست دارد و اگر کفشن زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر  
 کفشن سفید بود دلیل که زنی خوب روی خواهد که زنی که کفشن از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخوابد و اگر از پوست  
 گوسفند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بیند که کفشن از پایی وی بنیقا و صنایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر  
 بیند و اگر کفشن ز پایی او شک بود دلیل که زن او تبا و کار بود و نیز گویند که کفشن که در خواب و دیدن بهتر از کفشن بود و جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفشن در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کینیک چهارم قوت شکست  
 ششم مال بیقیمت سفره و کفش در خواب مردی بود که متهمت میراث کند کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در  
 کف داشت و دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها و دست بر جمعی نمودند دلیل که آنجا عوسی و شادی بود  
 و اگر بیند که کفها و آخته یاریش بود دلیل که از سفر و تحویل بازماند و اگر بیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر فراخ دستی  
 بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگ دستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود  
 یکی دست فراخی دوم مال سوم زیاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم بازن بحرام و در شدن کف در میان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید کف در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از هر مرد  
 یا زنده کف بیاخت اگر انگش معروف بود دلیل که آنکس بوی برخی رسد و اگر بیند که کفن مرد معروف کند دلیل که در دنیا طریقی  
 آن مرد و جوید که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرد و میدرید معتبران گویند اگر بیند که صالح و پارسا بود و طالب علم  
 و سخنی با دیک گوید دلیل که دنیا روی بوی دهند و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مرد کانه کفن میکند و از جانی بجائی نمیرد دلیل  
 که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیند که مفید بود دلیل که منافق و غارت باشد و عیسا و مردم گواهی دهد کلاب  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کلاب در خواب تندستی بود و اگر بیند که کلاب بدوی ریخت دلیل که تند تر است بود و مردم او  
 روح و تنگ گویند و اگر بیند که کلاب بر کس میزد و دلیل که نامش در آید یا منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره  
 مند گردند کلاب از ه مرضیت و آنرا عتق گویند در خواب و دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا بود و دیدن بود و اگر بیند که کلاب زده

کفچه

کف

کف

کف

کف

کف

کف

بگرفت دلیل که بامردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نبرد میکرد دلیل که بامردی بدین صفت  
 که بگرفتیم خصوصیت کند و اگر بیند که کلاه از دستش بیاید دلیل که ترک صحبت آنمزد کند و اگر بیند که کلاه را بکشت و گوشت  
 وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد و کلاغ این سرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب بامردی با حق  
 و با عیب بود و اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بجای می آورد و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته  
 بود و یا نکست میکرد دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر پنج و شصت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه  
 و انشای علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه بود و بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت و دلیل که بر خصم حیره شود  
 این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بجای منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغنیان  
 بر سر داشت دلیل که غنای بیانی یابد و الا بدین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند  
 که کلاه محتابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه برومی بر سر داشت دلیل که خیر دینی و دنیای وی حاصل کند  
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاده بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد و داشت و اگر کلاه ابریشمین داشت  
 دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که پیش مردم  
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عروجه و قوت بیند و یا بدو اگر  
 از چوب بود دلیل که خود را از مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر  
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید  
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بفتاد دلیل که از عمل معزول گردد و یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از بن کلاهها  
 که صفت کردیم بر سر ویش نهاد و ندلیل که بقدر قیمت کلاه از خیرتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی بر گرفته بود دلیل که از  
 عروجه بفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد و دلیل که آن زن از پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه و یا بر سر  
 نهاد و دلیل که آنکس بدین بود اما پادشاه یا نژاد شایسته بود و مغربی رج گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت  
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه وریده و کهنه بود دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در بر بود دلیل که از مردی  
 بزرگ دور شود و اگر کلاهش زپوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین  
 و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر باو کند  
 و اگر آنکه ازین نوع کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل بر بیماری باشد و تعجیل از عیش گوید اگر بیند که کلاهی سرخ  
 پوشیده بود دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین و انقضای بود و اگر بیند که کلاهی آتشی افتاده بود دلیل  
 که پادشاه و نور مصا در کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف و  
 بود و کلی لایست و دم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه و پنجم مقدار ششم منزلت کلاه و در خواب کسی بود که حدت بزرگان کند



کل شدن  
بنیاد  
م

خواب

خواب

کل شدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سروی گل شده بود و دلیل که مال خوشه بسیار یا بد و بعضی از متحران گویند که غم  
 اند و از وی زایل گردد و اگر وام دارد و وامش گذارده شود و اگر بیند که او را با مردی کل صحبت بود و دلیل که با مردی تو اگر دوست  
 داشته شود و اگر بیند که سروی گل بود و بعد از آن وی بر او رو دلیل که یا وی تلف شود و وام دارد و کل این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید حکم بر کل در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه کل درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و کل که انداختنی نبود و دلیل بر غم  
 و اندوه بنیده خواب بود و اگر کسی گل سرخ بوقت خویش درخت بیند و دلیل که او را فرزندی آید و چون بوقت بیند و دلیل که  
 بسبب فرزند او در مصیبت بود و درخت کل در خواب همتری و سخن روانی بود و درخت کل زردی بود باز در کان حاجت  
 روا کننده و درخت گل سفید و دلیل بر غرور و ولت و جاه بود اگر در سرای خویش درخت گل بیند و دلیل که دختر یا بنکاح آورد  
 و اگر در سرای خود گل صد برگ بیند و دلیل که بسبب فرزندش و شود و اگر گلها از هر گونه شکفته بیند و دلیل که از خوشی و دل  
 بیت شادمان شود و اگر گل سرخ درخت گل از زمین کشته بیند و دلیل که مردم سرایش کل با نشاند مغربی رحمه الله علیه گوید کل در خواب  
 دون همت و دو عهد بود که با کسی فاخته و اگر بیند که کل کسی را و یا از دست بگنجند یا صحبت چنین مردی دور افتد و محبت  
 رحمه الله علیه گوید کل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسیده یا آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب  
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم و دست سیوم مرد و دو همت چهارم که تیرک پنجم غلام ششم نامه غائب گلشنک این سیرین  
 رحمه الله علیه گوید گلشنک در خواب کل انگبین و خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بیند که گلشنک با کل این  
 داشت و از آن بخور و اگر تو اگر بود و دلیل که مالش زیادت شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر غمگین بود و شادمان گردد و اگر وام دارد  
 و وامش گذارده شود کل خور و ن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کل میخورد و دلیل که از پس مرگ و کان بیند که  
 و اگر بیند که کل با خاک میخورد و دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم بخورد و دلیل که  
 حج گذارد و اگر بیند که خانه کل می اندود و دلیل که غمگین شود مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن کل سفید در خواب مال حلال بود و کل زرد  
 بیماری بود و کل سرخ لیس و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آبی تره و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان گل  
 غرق شده بود و دلیل که در محنتی عظیم افتد که مائی نیابد و اگر بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشت و دلیل که از غم  
 و اندوه مائی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سر و سر صعبتر بود که در کم سیر کل تین این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید کل تین در خواب مائی بود که بخوابی از دست پادشاه بدو بر مردم نفقه کند و اگر بیند که کل تین در دست داشت و دلیل که او را مال و نصیب  
 و اگر بیند که کل تین می ضایع شد و دلیل که او را مائی در سفره مائی روح گوید اگر بیند که کل تین چیزی از میان راستن بیرون آورد و دلیل که بقدر آن را پادشاه  
 کلام این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلم داشت و بخورد و دلیل که از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت خورد و دلیل که  
 کشته بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر گوشت کلم یا هم خور و دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کرم خور  
 میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منفعتش بیشتر باشد گلشنک این سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن گلشنک در خواب عروسی



خبر  
خبر  
خبر

یا کینه بود یا کینه خوب خاصه که به هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گنار از درخت میفتد و دلیل که از دیدار خوش یا کینه یا کینه  
ماند کلنگ در خواب بروی غریب بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بود یا دلیل که با بروی  
غریب بود و با وی نیکوئی کند و اگر بیند که کلنگ یا کوشت او داشت و دلیل که از بروی غریب راحت بیند که آبی حمله  
علیه گوید اگر بیند که کلنگ از اینچرا بیند دلیل که بر بروی غریبان و درویشان مستر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت و دلیل که در  
شود و کلنگ بر سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ آلی ندارد و دلیل که امانت و و ام  
بگذارد و اگر بیند که پنج و اقی در کلوی وی پیدا کند تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بروی  
گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانت را نیک نگه دارد و سفری رحمة الله علیه  
اگر بیند که کلوی او را بریند و دلیل که برنده بروی ظلم کند یا دروین و طعنه زند و هر جانوری که کشتن او را و نباشد چون بیند  
کلوی او را بریند و دلیل که بروی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم رستم کند و اگر بیند که همیشه را کلوی بریند و دلیل که کار بروی  
گردد و اگر بیند که کلوش را بضرورت برید و گوشتش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود  
مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می برید و دلیل که بر آگس پیدا و رستم کند یا دروین و طعنه زند و اگر بیند که کلوی کسی را بضرورت  
کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دلیل بر دخل مردم کند اسمعیل  
رحمة الله علیه گوید که در نشودن در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش و خلب بود و کلیچه این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب دلیل  
عیش و خشن و نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچه میخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که  
بخوار داشت و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در وان نهاد و توانست خوردن و دلیل که مال و نعمت و ثمت  
و بکران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که با آسان بدست آید و دوم روزی  
فراخ سوم نعمت چهارم عیش و خوش کلید این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب بروی کشاید کار بود و اگر کسی بخواب بیند که  
تغلی یا کلید باز کرد و در بخش و دلیل که کارهای بسته بروی کشاید شود و بر و شش نظر باید و اگر بیند که در دست کلید بسیار  
و دلیل که بزرگی و منزلت یا بقوله تعالی که مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ آيَةً كَرَامِي رحمة الله علیه گوید که در خواب دلیل  
در خیر بود و بسن شرو بعضی گویند که کلید در بسن تزیین بود و اگر بیند که کلید در دست داشت و دلیل که دروین  
سلطان بود و عاقبت کارش نیکو و محمود بود و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهین داشت و دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند  
که کلید بر چن یا صیمن بدست داشت و دلیل که او را سخن و والی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت و دلیل که بر نیکوئی کثر بود و اگر کلید  
زیرین یا صیمن داشت و دلیل که سخن و والی باید و نیز گویند که کج یا بد سفری رحمة الله علیه گوید که در چنانکه کلید بسیار بود و مال بیشتر بود و بیشتر  
که کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفل نهاد و در را باز کرد و دلیل که حاجت روا  
و کار بسته شود و کشاید شود و اگر بیند که کلید در کلید دان شکست و دلیل که دعا و وی خالص نباشد و اگر بیند که بیک کلید و قفل است

و در بارگاه و دیل که زنی خوروی بخوابد

و اگر

و اگر

و اگر

و در بارگاه و دیل که زنی خوروی بخوابد و چشم بر حرمه الله علیه گوید اگر کسی دست خود را بکشد بپند و دیل که ناز کند زنده بود و اگر بکشد می بمیرد و دیل که کابل نازد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بکشد و خواب بر پشت و چه بود یکی کشا و ن کار و دوم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم یافتن برادر و پنجم قوت بین چشم که از دین حج معتم اجابت ششم دانستن علم کلیه و آن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کلیه در نزد بکشد و در حمت نداد و دیل که کار نامی دینی و دنیاوی کشاید و اگر بدید که کلیه در آن بدشواری بکشد و تا ویش بخلاف این بود و اگر بدید که کلیه در آن توانست شود و در بسته ماند و دیل که کار نامی دینی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کلیه در آن زود باز گردد و اگر غمگین بود و دیل که زود فرج یابد و اگر بسیار بود و زود شفا یابد و اگر بکشد و از آن باز گردد و اگر حاجتی دارد روا شود و اگر در عا کس مستجاب شود و کار نامش بخاتم گردد و کلیسا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کلیسا رفت و در کلیسا بکشد و اگر بدید که کلیه در آن توانست شود و در دین قوی شود و از هر آنکه کلیسا جای عبادت است که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کلیسا بود و دیل که پیش از بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سومی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بدید که در شتاد اگر بپندید خواب پارسا باشد و دیل بدو و خاصه که بدید و اینجا معتم شد کلیسم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بکشم و در خوابش و سرور بود و اگر بدید خواب بهتر بود و دیل که بزرگی و جاه و منفرد و بعضی از توبه آن گویند مردی ضایع و گرنده بود و از رویان وینار بود که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کلیسیا یافت و دیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر این خواب بی بدید و دیل که شوهر کند و از غیر منفعت بدید و اگر بدید که کلیسیا گویند نشسته بود و دیل که زنی خوروی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بدید که کلیسیا سیر بود و دیل که زنی سینه و دیندار بود و اگر بدید که کلیسم ملون بود این خنده گفتیم در زن موجود بود و اگر بدید که کلیسیا پوشیده بود و دیل که در پناه و متری پارسا و از منفعت یابد و اگر کلیسم از خود دور افکند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدید و کلیسم و در خواب و سرخ بود و یکی مرد پیش و دوم بهتر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کثیر کنیز و منفعت حکمان و انیال علیه السلام گوید اگر بدید که کما را بی تیر میکشید و دیل که بسفر رود و با فایده باز گردد و اگر بهنگام کشیدن زنه کمان برید و دیل که سفرش نام نشود و باشد که در شش رسد و اگر بدید که کسی کمانی بوی داد و دیل که بسفر یابد و اگر بدید که کمان بی شکست و دیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود اگر بدید که از کمان تیر می انداخت و دیل که از بزرگی نامنه بد و رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بدید که از کمانی تیر می انداخت و دیل که سخن حق و باطل گوید بسبب و کج رفتن تیر و اگر بدید که از بهر خود کمانی ساخت و دیل که او را از پادشاه جمعی شرف و بزرگی حاصل یازنی جمعی بخوابد و او پرسی آید و اگر بدید که از کمان تیر می انداخت و دیل که او را از پادشاه یا از آن زن فایده نیابد و اگر بدید که کمان از جعفر و یا کسی داد و دیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تیر و دیل که از زنی عمر بود که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بدید که کمانی نو و پاکیزه داشت و دیل که زن خواهد و اگر بدید که کمان بکشد و دیل که زن پادشاه بد و اگر بدید که کمان ضایع شد و دیل که از زن جدا شود و اگر بدید که کمان سوخت بود و در وقت کشیدن زرم باشد و دیل که زنی بکجای بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن خبر بر آید

مجلس

کتاب

تفسیر

کتاب

کتاب

و اگر بیند که گمان است بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گمانی بدست خویش از بهر خود میساخت دلیل که کار ساخته  
 گردد و اگر بیند که گمان از بهر سختی و از بهای او و دم و دنیا رستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای گمان از بهر خود چیزی می  
 بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که گمانی عطا وی دادند دلیل که زود تر از خواهد بود و شمس ظفر باید اگر بیند که گمان از بهر خود کشیده  
 بوی و اندکی آنگه که از آب کشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که گمان در گمان این نهاد و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که گمانی  
 بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشد که بجا هنجی بفرماید و رسند و اگر بیند که گمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که در دین  
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و چو گذارد و آنچه بدین نماند بخداوند تعالی نزد یک بود و تو که عالی همگان قاتب قوس بین و آنگاه  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن گمان در خواب پرشش و چه بود یکی سفر و دم فرزند یا زار و دوم تن چهارم قوت چکر و در کار  
 نیک ششم مرد و در دست و در کار با حکمان علاجی این سیرین رحمة الله علیه گوید حکمان علاجی در خواب شناخت زنده بود و اگر بیند  
 که گمان علاجی در دست داشت دلیل که متافقی کند و اگر بیند که گمان علاجی داشت و نداشت که ملک است و دلیل که شنب  
 خواهد حکمان آسمان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که خانه آسمان زد بود و دلیل بر بیماری مردم آند یا بود که مانی حرم  
 الله علیه گوید اگر بیند که سبزی گمان آسمان بیشتر از سبزی بود و دلیل که در آند یا نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سبزی بیشتر از سبزی بود  
 تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آسمان علامت سحر می کرد و اعمو شده دلیل که پادشاه آند یا را قوت و  
 کاهگاری رسد و اگر عموهای بسیار بیند تا ویش بخلاف این بود حکمان که هر چه این سیرین رحمة الله علیه گوید حکمان که هر چه  
 در خواب کار پادشاه بود با عمو و آند و اگر بیند که گمان که هر چه در دست داشت و کلمه می انداخت دلیل که کسی را این چنین است  
 گوید و دشنام و بد زبانی که گمان که هر چه در راه دین ناپسندیده بود و مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حکمان که هر چه کلمه مردم آند  
 و دلیل که بسبب از مردم نمکین شود و اگر بیند که گمان که هر چه وی شکست یا ضایع شد دلیل که آزار کسی بخود بکشد این  
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و  
 پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که کرم بد بد و جواهر مرغ بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه  
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محشم قبایل گردد و مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبب چهار بار زکری میان بسته داشت  
 دلیل که او را مال محشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که مری بد و واقعه در میان است و دلیل که بسفر رود و اگر  
 که شکست و بیفتاد و ضایع شد و دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مری بخوابد و مرغ  
 بود و دلیل که بهتر قومی شود و این سبب می تواند که شود و اگر بیند که کرم بیشتر از سبزی بود و دلیل که چو بسته و لیکن کرم و اگر بیند که  
 او را کرم بیشتر شد و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن که در خواب شش وجه بود یکی تسخیر اقلین  
 یا برادر یا خویشان و دوم فرزند سوم بزرگی پناه چهارم عمر دراز پنجم نضاف دادن و یافتن از ششم پاک دین و اگر بیند که کرم  
 بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بسیار نماند و اگر گذشته بود که شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که

و دلیل که در آن وضع که بود و ضایع شود زیرا که او را معرفت شناسد و قرب و نهانند و اگر بیند که عیال یا فرزندان و گشت و دلیل که اگر بیند  
 اندوه گین شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی کشد اگر آنچیز بنا ویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت  
 از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آنچیز بنا ویل بد بود غم و مضرت از وی زایل شود و کارش نظام نشود و گشت این برین  
 گوید اگر کسی خواب بیند که گندی بدین اذیت و مرد و دیگر گشت دلیل که با ناز و گند اندر گی یاری خواهد اگر بیند که گشتش از  
 رسن بود و دلیل که از مردی یاری خواهد اگر بیند که گند از مردی خوش بود و دلیل که از مردی کا فر یاری خواهد و اگر بیند که گند  
 انداخت و در گردن مرد آمد و دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد و دلیل که از  
 مردی مسد فریاری خواهد و اگر بیند که گند انداخت و خصم را نتوانست گرفت و دلیل که هیچکس او را یاری ندهد گشت این برین  
 گوید که اگر خواب آن بیغش بود و از میوه یا هر چه میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوه مستر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود  
 و اگر بیند که کنار بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت پیش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر خواب  
 مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخورد و اگر گشت دلیل که مال بسیار یا بد گشت این برین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که گنا میگرداند آنست که آن گناه چه بود و دلیل که در گناه و فتنه افتد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب هم مصیبت  
 و گناه بود و توبه باید کرد تا آنوقت استحقاق آن غم و دل این شود و کارش صلاح آید گشت این برین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب  
 بود و اگر گشتی پاکیزه بیند و اندک ملک و ست دلیل که زنی خوروی خواهد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر خواب شرف بزرگی بود و اگر گشت  
 که در گشتی بزرگ بود و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گشت در خواب بر چهار وجه بود  
 یکی آن در دوم گشت سوم منفعت چهارم عروجه گشت این برین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت بیافت و دلیل که بیمار گردد  
 یا برخی بدل و رسد و اگر بیند که گشت او ضایع شد تا به پیش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید که گشت یافتن در خواب در جایگاه  
 خراب بیمار یا مال شود و اگر بیند که در جایگاه آباوان یا بد و دلیل که بیمار یا بد گشت این برین رحمه الله علیه گوید که گشت یافتن در خواب  
 مالی بود که بر روز زیادت باشد و اگر بیند که گشت او میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که گشت کسی داد  
 و دلیل که بقدر آن از مال خود او منفعت رسد و اگر بیند که گشت خود و طعم آن ناخوش بود و دلیل که بقدر آن مال حرام باید بخورد  
 از جوهر آن گویند که او را غم و اندوه رسد گشت این برین رحمه الله علیه گوید که گشت یافتن در خواب نیاید باشد و گشت پیر مسلمان که بجایگاه  
 باشد و دلیل که مال حلال باید و گشت پیر که بجایگاه کین باشد و گشت فریب و بنا و مال حرام بود و گشت پیر خوهر وی و نیکو جامه بپوشد  
 اینجا و آن جهان باشد و اگر بیند که گشت پیر فریب و مسلمان بزرگی خواست و دانست که ملک و ست و دلیل که مال حاصل کند  
 و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که بترک دنیا بگوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گشت  
 پیری جماعت کرد و دلیل که مراد از اینجا را حاصل شود و گشت این برین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت میخورد یا گشت  
 و دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت او داشت و دلیل که گشتش

و تهنوت فحشه و لی نجه و لحد اگر بیند که ماده پیش فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل زنی چشمت که کفیم او را محب و خوشگاری  
 شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده پیش صنایع شد و دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل شوش دحمه فحشه و  
 اگر بیند که ماده پیشی را کلو برید و دلیل که زنی مستور و پنهان کند و اگر ماده پیش سیاه بود و دلیل که آن زن از عرب بود و اگر  
 بود و اگر تخم باشد و پوست کوسپند غنیمت مال حلال بود و دیدن کوسپند در خواب برنج و جبه بود یکی حمتری دوم زنی بزرگ  
 سوم مال چهارم فرمان پنجم جبه و منفعت کوشمخا و انیال علیه السلام گوید که شته تا بایل هر چند پنجه خورد و دلیل  
 بر مال منفعت کند که آسان بدست آید و گوشت های که خام خورد و دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت  
 گوشتها در خواب غم و اندوه بود این سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پنجه بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت  
 بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد و دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از متبحران گویند کاری کند  
 که از انکار پشیمانی بخورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد و دلیل که غیبت مردم بناحق کند و لهه آیت الله که آن را کلام  
 حکم اخیه مینا فکر هتوه و اگر بیند که مردی را برادر کرده بود و او گوشت او میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر  
 بیند که گوشت کوسپند خربه بخت بود و میخورد و دلیل که مال و نعمت یا بد و اگر بیند که کوسپندی مسلخ بخانه آورد و دلیل که  
 بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام کوسپند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود و مغربی رحمة الله  
 علیه گوید گوشت خربه بهتر از گوشت الاغ بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را همیز و دلیل که او را بزبان بخورد و اندام او را  
 غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد و دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یا بد و اگر بیند که از قصاب گوشت  
 بخرد و بهایش بداد و بمنزل خود برد و دلیل که هلاک شود و اگر بیند که گوشت از دماغ میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن  
 بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پا دشا  
 چیزی بدورسد و اگر بیند که گوشت شتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت  
 شتر میخورد و دلیل که بقدر مال پستی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفایا بد و بعضی از متبحران گویند که از مردم باوشت  
 او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت شتر مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردم بیایای او را منفعت رسد و اگر بیند  
 که گوشت آله میخورد و دلیل که از پا دشا هتکه او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد و دلیل که بقدر آن  
 از زنی بخورد و او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد و دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آورد و خرج  
 کند و اگر بیند که گوشت پرستو میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از متبحران گویند که مال دشمن بخورد و اگر  
 بیند که گوشت بظ و دلیل که بقدر آن مال و نعمت یا بد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آور باشد  
 و شرف نزدیکی یا بد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد و دلیل که از مال مردی زنی یا مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود  
 و اگر بیند که گوشت بوزله میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یا بد و

بینه

بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکار و اسفند رسد و اگر گوشت نذر میخورد و دلیل که مال مردی نذر خورد و اگر  
 بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که مال در دیده خورد و اگر بینه که گوشت چکا و ک میخورد و دلیل که چیزی از مال بینه خورد  
 و اگر بینه که گوشت خرمیخورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بینه که گوشت خرگوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک یابد  
 و بعضی از معتبران گویند که میراث یابد و اگر بینه که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر بینه  
 که گوشت خرچنگ میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بینه که گوشت راج میخورد و دلیل که مال  
 زن بستاند و خرج کند و اگر بینه که گوشت راس میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بینه که گوشت زایغ میخورد و دلیل  
 که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بینه که گوشت سنک خار میخورد و دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر بینه که گوشت  
 سوسمار میخورد و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و دلیل بر مکاتیب است  
 اینجانی یا مخن با شده و اگر بینه که گوشت سگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بینه که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال  
 مردی غریب خورد و اگر بینه که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بینه که گوشت شاپور میخورد و دلیل که از  
 مال مردی شکر نفع یابد و اگر بینه که گوشت بزم میخورد و دلیل که با کسی که راه محروم پیوندد و اگر بینه که گوشت شیر میخورد و دلیل که  
 تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بینه که گوشت طایوس میخورد و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بینه که گوشت طوطی میخورد و دلیل که مالک  
 و ویرا منفعت نکند و اگر بینه که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بینه که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی  
 خوب منفعت یابد و اگر بینه که گوشت ماده کا میخورد و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر بینه که گوشت کبوتر  
 میخورد و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیز نفع رسد و اگر بینه که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر  
 بینه که گوشت گربه میخورد و دلیل که منفعت یابد و اگر بینه که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بینه  
 که گوشت کشف میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بینه که گوشت کفتار میخورد و دلیل که پیره زنی بروی جادو کند و اگر بینه  
 که گوشت کلاه میخورد و دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بینه که گوشت کوزه میخورد و دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بینه  
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال از کنیز یا از خادم جمع شود و اگر بینه که گوشت ماهی میخورد و دلیل که چیزی از مال زن خورد  
 و اگر بینه که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بینه که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بدی یاد کند و اگر بینه  
 که گوشت ننگ میخورد و دلیل که برنج و بلبا بدو رسد و اگر بینه که گوشت هده میخورد و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بینه  
 که گوشت هابی میخورد و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بینه که گوشت هزار و شصت میخورد و دلیل که مال  
 زن یا فرزندی غلام او را منفعت رسد و اگر بینه که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال شصت بخورد و اگر بینه که گوشت یوز میخورد و دلیل که مال  
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران و پند بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم تو انگری چهارم مصیبت و اندوه  
 گوشت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بینه که گوشت او بیفتا و یا بریده شد و دلیل که زنا اطلاق دهد یا دخترش را بیایند

بود که در گورستان در خواب دیدن صحبت با جاها ان بود که دین و دنیا بی ایشان بفساد گردد و دشمنانی بود که آتی رحمت الله  
 بود اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بیند که در گورستان باران بارید و دلیل که اهل گورستان را  
 رحمت از حق سبحانه و تعالی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر تو اگر بیند که در گورستان میرفت و برگردا سلام میکرد و دلیل که در گورستان  
 و از مردمان که آتی کند زیرا که گورستان جای مفسدان است و اگر بیند که در گورستانی معروف بود و مردگان از گور برخاسته بودند  
 و دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بیند که در گورستان گور را باز میکرد بعضی مرده و دید بعضی زنده و دلیل که در آن  
 ولایت محنت و تنگی پیدا آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در گورستان در خواب بر سینه وجه بود یکی از دندان دوم غم سوم  
 محنت و بلا کوزه در خواب مالی بود که بخت و بلا و رنج و سختی حاصل گردد و اگر بیند که با کوزه بازی میکرد و یا کوزه در دستش داشت  
 و دلیل که بخت و خصومت بود که آتی رخ گوید که کوزه که مغز آن تپا شده باشد و دلیل که مال حرام بدور رسد بقدر کسی و بسیاری از  
 مغز کوزه بطعم خوش بود مال حلال بدور رسد و اگر بیند که کوزه میکشید و دلیل که از مردی عجب مال گیرد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه  
 داشت و دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کوزه تلخ و ناخوش بود و دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند  
 که از مغز کوزه روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کوزه بندی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی کوزه  
 بوی داد و دلیل که سخن قال گیرد و میخشد و اگر بیند که کوزه بندی میخورد و دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی از متجربان گویند  
 که کوزه بندی در خواب مردی و دین یا کینه کندی بود که آتی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه بندی میخورد و دلیل که سخنان متجربان  
 پندارد و اعتقاد بر آن داشته باشد کوزه بویا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کوزه بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شریع  
 بیند که کوزه بویا خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه بویا بسیار  
 میخورد و ببرد و دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را دیگران از منفعت بود و اگر بیند که کوزه بویا می خورد و دشت از آن  
 کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت او را و نه دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کوزه بویا و دلیل که تعلیم علم بخم کند کوی  
 زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بیند که کوی زمین پنهان بود  
 که از آنجا او را بیرون آمدن نبود و دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدشواری بر آید و هر چند که کوی دور تر بود کار  
 صعبتر بود و اگر بیند که آن کوی مانند سرداب بود و دلیل که در دوازده چیز میبرد که آتی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوی یا چاهی  
 و دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر از آن کوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن کوی بکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدین  
 معیشت کند و اگر بیند که کوی از بهر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در  
 کوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت و دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند  
 و دلیل که رستگاری یا بد کوزه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کوزه از سپید رو بین یا زمس بود و در خواب خادم باشد و اگر  
 سفالین نبود و دلیل که او را کینه کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که کوزه آب خرب و دلیل که با کینه جماع کند

و اگر بیند که زده بکشت دلیل که کثیرش بمیرد و مغربی رحمه الله علیه گوید که زده در خواب مال و نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زده است و پشت  
 او را مال خسته حاصل شود و اما در آن مال تحت باشد و اگر بیند که کوزه سفید رویش یا قلمی داشت و دلیل مال و نعمت باشد و اگر  
 کوزه آهین داشت و پشت دلیل مال بود و اما کمتر خفیه صادق می باشد و اگر بیند که کوزه در خواب بر نه و وجه بود یکی زن و دوم خادم و سوم  
 کنیز و چهارم قوام و پنجم صلاح تن ششم عمر و از هفتم مال هشتم خیر و نهم میراث از قبل زمان و کوزه آویز را برادر و خواهر  
 تا ویش بخواب فی بزرگ زاده و معتبر بود که ساله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که ساله زنی را گرفت یا کسی را  
 دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که ساله مادی بود دلیل که او را دختر آید و اگر بیند که ساله بخانه برود و برود دست مالید دلیل که  
 اندوه بکین شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ساله در منزل او زده و شد میگرد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ساله  
 و شتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوساله سوار بود دلیل که باید شاد و غمی پیوندد و از بزرگی باید بگریزد  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ساله وی برود دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کوساله وی ضایع شد دلیل که فرزند از وی مفارقت و جدایی  
 و اگر بیند که کوساله داشت و از گوشت می بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد و همچنین اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله  
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که کوساله ابلق بود دلیل که میان برود و اگر کوساله سیاه بود دلیل که فرزندش  
 بود و دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاخوار و تا ویش بخلاف این بود که سپید این برین رحمه الله علیه گوید که  
 علیه گوید که سپند در خواب غنیمت بود و اگر بیند که گو سپند میچراپد دلیل که برگردی بزرگی و مهمتری یابد و اگر بیند که گو سپندان  
 بعضی سپند و بعضی سیاه بودند دلیل که آنکس ده بعضی عیب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گو سپند بسیار جمع شدند و دانست که مال  
 اوست دلیل که او را مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که گو سپندی برگردن گرفته بود دلیل که مژگن کسی برگردن گیرد و اگر بیند که گو  
 گو سپند پنجه بخورد دلیل که بقدر آن اور غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند  
 که از هر خورون گو سپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مالی بخورد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تریشی فرا گرفت  
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که تریشی را کلبه برید و را که دلیل  
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که تریشی نشست و مطیع و فرمان بردار بود و دلیل که بر مردی  
 بزرگ چیره گردد و اگر بیند که تریش بر وی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرو پای تریش بکشد دلیل  
 که بر آن مرد که صفت کردیم غالب شود و اگر بیند که سرو پای تریش دراز و قوی بود دلیل که این مرد قوی و توانا شود و اگر  
 که تریش بر تن تریش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که تریش بسیار حاصل شد و دانست که مال  
 اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند  
 که بعد از تریشی او را سالی بزرگی و شرف یابد و مغربی رحمه الله علیه گوید مدهیش در خواب فی بزرگ و کریم بود چنانکه  
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود قوله تعالی اِنَّ هَذَا اَبْحٰی کَمَنْ شِئَ وَ



زیرا که تلخ است و در تایل اندوه بود و کندش این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کند سه بار و شست و لیل که بیماری دراز کشد و عاقبت  
 شفا یابد که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر بید کند سه سحر و لیل که در پنج و بار گرفتار شود و اگر بید کند سه بیتی ز گرفت و عطسه و آو لیل  
 حاجتش بر شوی بر آید کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب مال حلال بود که پنج بروم رسد و اگر بید کندم میخورد و لیل  
 که صالح و دیندار بود و اگر بید میخورد و لیل که غمگین شد و اگر بید کند و آن ناشکرم او را از کندم خشک شده بود و لیل که عمرش با خرسیده باشد  
 که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر بید که خوشنمای کندم میخورد و لیل که در اند یار خطا و تنگی پدید آید قوله تعالی سُبْحَ سُبْحَ لَكَ خَيْرُ  
 و آخر یا کسایت و اگر بید کندم میکشت و لیل که در اند یار حق سبحانه و تعالی مرغ غدا را زان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کندم  
 در خواب بر سینه وجه بود یکی مغرول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریب استعجال اشعث ح گوید اگر بید کندم بریان میخورد و لیل که  
 هیچ شفقت نیابد و اگر بید کندم بوقت خود میبرد و لیل که مالی بسیار خرج حاصل کند و کندم فروش در خواب و دیدن مردی بود که دین بسیار  
 اختیار کند کند نا و انیال علیه السلام گوید کندم در خواب مردی بود که مردم را بدوستی یابد کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب  
 مال حرام بود و کندم زشت بود اگر بید در خواب مستور و مصلح نباشد و لیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کثرت  
 هیچ شفقت نباشد کند و امس بگیرین بود اگر بید کند و آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد و لیل که رسولی پیش او آید و او را شادمان کند  
 که راست یابد و بعد از چهار روز از قبل زان مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کشت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
 که در کشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد و لیل که عاقبت تو بکند و بخند و ند تعالی باز گردد و بدین قوی گردد و بسبب آنکه کشتن جای  
 عبادت است و اگر نماز سوی قبله جهودان گذارد و لیل که برای جهودان وارد گردانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در کشت بید و لیل که  
 مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را  
 شر و فساد بود و کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید کند بوقت خود و کندم میخورد و لیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کنگر در خواب  
 نفع نبود و اگر بید کند کند داشت و میخورد و لیل که غم و اندوه کمتر باشد **کنک** این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میزند  
 که کنگ شد بود و لیل که در ویش بد حال گردد که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در خواب کنگ بید و لیل که بتاهی و نقصان و بیوفای  
 بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده قل لا یؤخربکم شیء منکم فمهم لا یؤخربکم شیء منکم فمهم لا یؤخربکم شیء منکم فمهم لا یؤخربکم شیء منکم  
 وجه بود یکی در ویش دوم بد حال سوم غم و اندوه چهارم نقصان و عیش پنجم مصیبت ششم نقصان بان هفتم نقصان دین و اگر کنگی در خواب  
 بید کند زبانش کشوده شد و لیل که کار بسته بر وی بکشد بید کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب عیال مردم بود و اگر کند  
 که کندم نام میخورد و لیل که بعد از آن عیال ز مال او بخورد و اگر بید کندم بسیار بر چهار پای بود و لیل که مردم از چهار پایان او فایده  
 بپند مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بید کند که نما از خود و در می انداخت و لیل که عیال از خود و در کند و اگر بید کند که نما از چهار پای خود میگرفت  
 در می انداخت و لیل که هیچکس را فایده نرساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کندم در خواب بر سینه وجه بود یکی عیال و مردم فایده  
 چشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بید کندم میکشت و لیل که با خیر نای که نقدیم نقصانی بود و کندم کشت این سیرین رحمة الله

علیه که یک کینک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال و اگر کسی بخواب بید که کینک خیر و نیکی داشت و دلیل که چیزی پنهان بوی رسد  
 و از آن چیز مستفاد کرد که مانی رحمة الله علیه گوید کینک در خواب مال بود و اگر بید که کینک خیر و نیکی بود و اگر بید که کینک  
 بضر و خست تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که کینک بضر و خست و بهای او بست و دلیل که او را غم رسد و اگر  
 که کینک بخیر و دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یا بد و اگر بید که کینک بضر و خست بود و دلیل که زیانی بد و رسد و اگر بید که کینک  
 خیر و نیکی بسته بود و در خانه وی درآمد و دلیل که شادی و منفعت بد و رسد که با این شیرین رحمة الله علیه گوید که با در خواب بسیار بود  
 اگر کسی بخواب بید که کینک داشت و دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او را زکند و او را شش این شیرین رحمة الله  
 علیه گوید که او را شش در خواب چون شیرین بود و دلیل که منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد و دلیل که غم و اندوه و درج و ضعیف  
 بود و هر گوارش که بوی خوش بود و دلیل که مدح و ثنا بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه  
 گوید که شیرین خوردن غم و اندوه بود و گوارش دار و ناخوش و در خوردن و دلیل که استایش کند و مال این شیرین رحمة الله علیه  
 گوارش در خواب دلیل که مردی عالم باشد و چیزی نای که در و از خیر و شر بود و بنیقول دلیل از امیرالمومنین علی که رحمة الله علیه می فرمود که  
 فرمود ان القفا و عیة مغربی رحمة الله علیه گوید که گوارش چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود و دلیل که منفعت بسیار بود و مال  
 اندک باشد که او با این شیرین رحمة الله علیه گوید که او با کینک در خواب بید بهتر از خواب خرا بخم و بعد از آن که خواب حیس  
 با و ام و بعد از آن که خواب مان و بعد از آن که خواب خشی را بنا و دلیل که منفعت از اینها کمتر باشد و اگر بید که خواب حیس بخیر و دلیل که  
 بقدر آن مال و نعمت از مردی بخیل بدست آرد و اگر بید که خواب خشی را بخیر و دلیل که بعد از آن مال حاصل شود و با فایده اش کمتر بود و مال  
 که خواب مان بخیر و دلیل که بقدر آن مال و نعمت از مردی پارسا و راست آید و اگر بید که این خواب با کینک گفتم و داشت و از آن چیز  
 بخیر و در آن گفتم بد و رسد مغربی رحمة الله علیه گوید که او با این شیرین و خوش طعم بود و دلیل که بیک کینک و ناخوش بود و دلیل  
 بر بدی کند که او را نیال علیه السلام گوید که در کور و بنا و این زندان بود و اگر بید که گوی از بهر خود کند و دلیل که احوال بروی تنگ شود و  
 گویند در آن موضع که گوار باشد از بهر خود و بهای نوسازد و اگر بید که او را در گور کرد و دلیل که احوال بروی دشوار شود و قوله تعالی  
 ثُمَّ أَمَّا تَهَ فَاقْبَرُ ثُمَّ أَكْشَرُ و اگر بید که او را در گور کرد و خاک بر سر او کرد و دلیل که درین برافقسان بود و در تنگ  
 از دنیا برده و این شیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بید که خود را در گور نهاد و دلیل که او را در زندان کنند و اگر بید که در گور بود و دلیل که در زندان  
 بمیرد و اگر بید که بر باغ او گوری می کند و دلیل که زندگانی او را دراز بود و اگر بید که بر سر گور ایستاده بود و دلیل که بر کینه و قسیم و استیاء  
 بود که مانی رحمة الله علیه گوید که اگر خود را در گور مرده دید و فکر و فکر از خواب کرد و دلیل که پادشاه آمد یا را در مطالبه کند و اگر خواب  
 منکر و کینک خطا و دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر بید که او را از گور بیرون آورد و در بر او کرد و دید که باره در گور نشاند  
 و دلیل که پادشاه او را سزا داد و خلعت پوشانید و بعد از آن که زندان کند اما اگر این خواب باز در کان دیده باشد حساب با او با کینک  
 بود و شمار هر کس یا جنس خود و معتبران یا دیگر که قیاس از چیزی نای نیک باشد تا خطای نیفتد که درستان این شیرین رحمة الله علیه

جدا شود و بعضی معتبران گویند که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کشته چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل خداوند  
و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خیر سوم دوس چهارم  
ز قبح پنجم پیر ششم غلام هفتم مال خوشه هشتم ترس نهم گوشواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بر دو گوش  
نوشواره داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند که در بر دو گوش مروارید گرانبه او نیخته بود دلیل که علم و دان  
بیا موزد و عالم و داناشود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نیود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و زمانی رحمة الله علیه گوید  
بیند که بر دو گوشواره داشت دلیل که بزرگی جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زرو یکی از سیم  
و دلیل که زن از طلاق و بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش  
دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه سبطی و ادن زن کو شکست این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
خواب بیند که در گوشش شد دلیل که او را مال خوشه حاصل آید خاصه که گوشش از خشک خام و گل بود و اگر بیند که از کف آب  
و دلیل که مال یا بارادیرین و نقصان بود و اگر بیند که باوشه گوشش بود و دلیل که از پادشاه مال حاصل کند و زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که گوشش و خواب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشش آتش شفت و دلیل که پادشاه او را مصداق کند جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید دیدن گوشش در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم دلالت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری  
پادشاهی ششم رهنش ششم شادی و خرمی بقدر بلندری و نیکوئی گوشش گوید و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب  
و اندوه بود و در دیدن گوشش و خیر و منفعت بود گوشش و انیال علیه السلام گوید که کوکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که  
شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که گوشش صلاح از فساد و خاندن معتبران گفته اند که اگر  
خود را گوشش بیند دلیل که کارش ضعیف شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کوکی بریان کرده پیش او نهاده  
و میخورد دلیل که خیر بسیار باید و آن گوشش با حلقش بسیار برسد و زمانی رحمة الله علیه گوید که گوشش خبر روی تباه و شسته  
بود و گوشش زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خواره شده بود دلیل که آن مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کوکی  
شیر سید او دلیل که بوقت زاد او سلامت بود و کو و انیال علیه السلام گوید اگر خود را بگوئی بیند و اندک آن کوه ملک است  
و دلیل که مردی بزرگش و در دنیا خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام  
گردد دلیل که از مردی بزرگ غرور جاه یا بد و اگر بیند که بر بالای کوه می نشیند دلیل که بزرگی و جاه یا بد و بعضی معتبران گویند که اگر بشود  
بر بالای کوه می نشیند دلیل که غم و اندوه بد و رسد اگر بیند که از کوه بزرگ آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوه می نشیند  
و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مرتب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی می نشیند که در میان کوهها و یا بانگ ناز میزد و دلیل که  
او نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه که گوشش در فتن و خواب دلیل بر مقصودی که دارد بسیار و اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف  
این بود و اگر بیند که بر دهن کوه بنشیند و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بر دهن کوه ناز میگذارد و دلیل که کاری کند که موافق برین باشد

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

و اگر

و اگر میند که در که مردی از گستان پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر میند که کوه بختید و بعد از آن قرار  
گرفت دلیل که زمری بزرگ در انجا رنجور شود و دشمنایا بد و اگر میند که کوه را می کند و کوه کندن بروی آسان بود و دلیل که بزودی عطا  
یابد و اگر میند که کوه از خاک بود و دلیل که او را با همتری خیس طبع باشد و اگر میند که بر کوه قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرارسیده باشد  
و اگر میند که بر کوه طور سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مردش حاصل آید و اگر میند که بر کوه عرفات بود و دلیل که تو بکند  
و از کناه پشیمان شود و اگر میند که بر کوه کبنان بود و دلیل که با علما و صاحب صحبت دارد و اگر میند که بر کوهی تاریک بود و دلیل که او را  
بیم ملاک باشد و اگر میند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزرگان گرفتار آید و اگر میند که بر کوهی روشن بود و دلیل که مانع بود  
استیصال اشعث رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیرمی انداخت و دلیل که  
او را از پادشاه شکر بیم بود و اگر میند که میان و کوه میرفت و تیرمی انداخت و دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر میند که در  
سورخی بود و در آن سوراخ شد و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سوراخ چیزی بیرون آید و دلیل که از آن پادشاه عطا  
یابد یا حظه معتبر گردد و اگر میند که بر کوهی بالا میرفت و دلیل که بخت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر میند که از کوه بهاسنگ میگرفت  
و هر یک بجای می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه مینهاد و دلیل که ماطا بقیع جمع کند و اگر میند که از کوه بها در کوه گرفته بود و دلیل  
که خود را بکسی بزرگ بنده از وی خیر و منفعت یابد و اگر میند که از کوه بزرگ افتاد و دلیل که مرادش بر نیاید و اگر میند که بر کوه نزدانی از کوه  
و اگر بسته بود و بدان زردبان بر سر کوه شد و دلیل که مرادش زود حاصل شود و اگر میند که زردبان از کوه خشت خام بود و دلیل که بهتر باشد  
و اگر از مس بود و بد باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر میند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و  
مال بسیار یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دهری سوم ظفر چهارم بخت  
پنجم ریشی یافتن گوهر هفتم برین رحمة الله علیه گوید دیدن کوه بر پنج باب زن با جمال توانگر بود و اگر میند که گهری داشت و دلیل که  
دارد و طلاق دهد و اگر میند که گهر بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که تا می رحمة الله علیه گوید اگر میند که گهر میرفت و دلیل  
که بخت زن مشغول گردد و دلالت کند و اگر میند که بعضی کوه را سوراخ داشت و بعضی نه داشت و دلیل که دلالتی دختران و شیر و زنان  
بیرون کند مغربی رحمة الله علیه گوید که هر چند در خواب بنزد بود و اگر میند که گهر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گر آن بجهای پنجم زن با جمال  
ششم سخن معنی خیر و برکت ششم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو نباشد و دلیل پشیمانی بود و گهر فروش در خواب  
علم و حکمت بود و گوچه این برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که در کوه آبا و اجدان بود و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و حاصل  
که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این میند و دلیل که شر و مضرت بد رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کوهی فراخ میثم  
و دلیل که غم و اندوه بوی رسد که کسی خواب میند که کبکیر داشت و دلیل که او را و دلیل که اندوه گین شود و اگر میند که کبکیر خود  
و دلیل بر غم و اندوه صبر بود و اگر میند که کبکیر کسی داد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و در دیدن کبکیر هیچ منفعت نباشد

و اگر

و اگر

و اگر

و آنکه علم حرف اللام لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه در خواب دیدن نیکوئی و پادشاهی دین بود و چنانچه  
 که سبز باشد و اگر بنید که لبیاچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مروی با و پادشاهی بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید  
 که لبیاچه سبز داشت دلیل که او را از مروی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر بنید که لبیاچه سفید بود دلیل که از مروی مصلحت  
 تو انکار او را نفی رسد و اگر لبیاچه سرخ بود پوشیده دلیل که از مروی محاسن و ثمره بهای آن او را منفعت رسد اگر  
 لبیاچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لبیاچه بنید که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لبیاچه سیاه بود  
 اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل که مضرت و بختی یابد و تحصیل اشقت حتمه الله  
 علیه گوید لبیاچه و بیامرو و از نقصان دین بود و زنا تراشاده بود و لبیاچه عثمایی مرد را زنا تراشید باشد خاصه که  
 سفید و فاح بود و دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبیاچه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبیاچه که پادشاه  
 و مرد را زنا تراشید بود و لبیاچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان و دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت  
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود  
 اما ترس و بیم عظیم بود و سرسده لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بنید که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشویش خیری رسد  
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بتر از آن بنید که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بنید که  
 و اگر بر خود لباس متران بنید دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بنید دلیل که گناه بسیار کند و اگر بنید که لباس  
 سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بنید که لباس علماء پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بنید  
 که دین داشت دلیل که از دنیا دست بردارد و اگر بنید که لباس نوکران داشت دلیل که جمیع کردن مال حریص بود و اگر بنید که لباس جهلان داشت  
 داشت دلیل که دلش از ایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر منفعت وجه بود یکی دین پاک و دوم تو انگریزی  
 هر وجه چنانچه منفعت چشم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه و چنانچه  
 دیدن دلیل بر بر آمدن حاجات بود و لبیاچه برین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متجربان گویند لب در خواب خجسته  
 و قریبات بود و اگر بنید که لب بالائی وی از جازایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و طلب یرین همین تا میل دارد و اگر  
 بنید که لب بالائی وی برید و دلیل که زنا طلاق دهد یا زن او را طلاق کند و اگر بر و لب فاده بنید دلیل که او را مصیبت  
 رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در و منند بنید دلیل که تخمین شود و اگر بنید که لبها حسن  
 پوشیده بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بنید دلیل که غوازی یابد  
 که در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه  
 بیم پاک بود و اگر بنید که لبهاش آسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بنید که لبهاش سرخ شده بود دلیل که  
 روگردان و اگر بنید که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستی غم خورد و اگر بنید که لبهاش سیست و ضعیف بود

دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود  
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بید که الحاف نو داشت دلیل زن  
 خواهد بود اگر بید که الحاف نو بخرد دلیل که کینه کی و دشمنی بخرد و اگر بید که الحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد  
 و اگر الحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که الحاف  
 نو داشت دلیل که زنی ویندارد و تو انگر خواهد بود اگر بید که الحاف سفید بود دلیل که زنی تو انگر  
 و پارسا او را بود و اگر بید که الحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر الحاف  
 زرد بود دلیل که بر زنی بیارگون باشد و اگر الحاف اولون بود دلیل که زنش سکاره و فریبنده بود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین الحاف در خواب چون نو باشد برتره وجه بود یکی زن که  
 دوم دختر و دشمنه سوم لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که لرزش میلزید  
 دلیل که در امانت واری ضعیف بود و اگر بید که سروی میلزید دلیل که از مالش زیان رسد  
 و اگر بید که تفایش میلزید دلیل که زنیست و آهنگی ندارد و اگر بید که دستهای وی میلزید  
 دلیل که نیکبختیست بود و اگر بید که سینه وی میلزید دلیل که سختی بشود که اندوگین شود و اگر بید که شکم وی میلزید دلیل  
 از مردی که قوت او بد و پناه او نبود و بخوبی بوی رسد و اگر بید که پایش میلزید دلیل که در سفر بخوبی بوی رسد و اگر بید که اندیش  
 میلزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و رنج سختی بید و انیال علیه السلام گوید لرزیدن اندام در خواب ترس می بخشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم  
 مضرت بیماری لرزیدن چیزی را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که آسمان لرزید دلیل که در اندیشه  
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بید که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آندیا را رنج و مضرت رسد و اگر بید که ستارگان  
 لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بید که زمین میلزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بید که کوه  
 لرزیدند دلیل که پادشاه آندیا را مضرت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که عرش میلزید دلیل بر فساد و بی و یانستی علماء بود  
 و اگر بید که لوح و قلم میلزید دلیل بر بد حالی و بی اطمینان علم بود و اگر بید که بهفت آسمان لرزید دلیل که عذاب خشم باری سبحا  
 و تعالی بسبب فساد و برباط آندیا بود و اگر بید که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلزیدند دلیل بر جنگ و خصومت  
 پادشاه آندیا بر قتل و خونریزی بود و اگر بید که گوشک یا سیری پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر  
 بید که قوی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که لشکر و جایگاهی بود یا فرار  
 دلیل که اهل آن موضع را گردنی رساند و اگر لشکر آریسته بید دلیل بر قوت و نصرت آندیا که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود  
 که لشکر از آن را بد و اگر لشکر بی صلاح بود و دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه بود و دوم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید

لشکر و خواب بر پنج وجه بود یکی آنکه دوم سیل سوم باد سخت چهارم چنانکه حضرت خنجر بلا و محنت لعل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 لعل و خواب فی با جان او تا آنکه بود و اگر بیدار شد لعل آتش فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید و دلیل که بدیصفت که گفتیم فی با جان او یا که بیدار  
 پاکیزه خرد و اگر زارش باشد و خری با جمال لطیف صورت زنده و اگر بیدار شد لعل بسیار داشت و دلیل که بقدر آن حال صل کند لیکن در دین  
 کرده بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار کسی آشنا پدر لعل بود و دلیل که بقدر وقت که زنی توانا و زوایشان خود خواهد و اگر بیدار  
 که بیکانه او را پاره لعل داد و دلیل که زنی مجهول بدیصفت خواهد و اگر بیدار جوانی پاره لعل با و داد و دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کثیر سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق  
 لیسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که طعم شیرین خوشبوی بود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیدار که چون لعوق  
 و لعوق پلغوزه و لعوق شخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ ترش بود بوی ناخوش داشت و دلیل بر شر و ضرر باشد مغربی رحمه الله علیه  
 ان الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و تلخ ترش بود تا و دلش بخلاف این بود و افاح الشما  
 و مستنبویه را گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که مستنبویه پیروز و دلیل که پیروز شود و اگر کسی داد آن کس پیروز شود و اگر بیدار که  
 افاح را بوی میگرد و دلیل که خشمنا می خوش شود و اگر بیدار که افاح بسیار داشت و دلیل که مال و خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه  
 افاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف لعل ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید لعل در خواب بر وی با حسب و نسب و ازاد و غایت اندیش بود و اگر بیدار که لعلی بگرفت یا کسی بیدار و دلیل که او را  
 یا کسی بدیصفت صحبت افتد و اگر بیدار که لعلی ناکشت و دلیل که دشمن بزرگ بر دست وی طاعت شود و اگر بیدار که لعلی با وی  
 سخن گفت و دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از محقری او را منفعت رسد و اگر بیدار که لعلی بر بام و می نشست  
 و دلیل که مهنری در خانه وی و یا پدر و اگر بیدار که لعلی از دست وی پدید و دلیل که از صحبت مردی و بهقان جدا ماند و اگر بیدار  
 که گوشت لعلی بخورد و دلیل که بهقان مال و بهقان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لعلی در خواب بر چهار وجه بود یکی  
 مردم و بهقان دوم پادشاه ضعیف سوم یا سبب چهارم غریبی و درویشی بود لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار  
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد و دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا و دلش بخلاف این بود  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و دلیل که مال حلال یا بد و اگر بیدار که لقمه شیرین  
 گرم در دهان وی نهاد و دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا و دلش بخلاف این بود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوی خوش دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر  
 لقوه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیدار که بوی از علق لقوه کج شده بود و دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر  
 بیدار که رویش پاکیزه و نیک بود و دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر منافعتی بود  
 که میان مردم سخن اتفاق گوید و اگر بیدار که لقوه شده بود و دلیل که آشکارا شدن علت و نقصان دین بود لکام ابن سیرین رحمه الله علیه



علیه که دیگر بیند که لگام شکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه سپاهان  
را باشد دلیل که روز و روز و از آنکه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با کجا و بدسکال تربود لگام در  
و نا نش رود و مغربی رحمة الله علیه که دیگر لگام در خواب بر سر بندد نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر از او نیکو بود و گویند  
که بیند خواب با اوب و فرزند گت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سر وجه بود یکی شرف بزرگ  
دوم روزنه داشتن سوم اوب و فرزند گت و لگام فروش در خواب بدتر کارهای ولایت باشد لکن زدن این بر سر چنانچه  
علیه که دیگر کسی خواب ببیند که کسی را لکد زود دلیل که از وی یا از خویشانی یا از زیان رسد و اگر بیند که اسب و را لکد زود دلیل که در  
شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معتبران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمة الله علیه که دیگر بیند که زنی او را لکد  
دلیل که بسبب زنی اند و بگین شود و اگر بیند که کنده پیری لکد زود دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لکد زود دلیل که از مرد  
مخشوم او را زیان رسد و اگر بیند که خری او را لکد زود دلیل که در سفر او را زیان و ضررت رسد و اگر بیند که گا و او را لکد زود دلیل که در سفر  
او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لکد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهارم  
فساد و خیال لکات این بر سر رحمة الله علیه که دیگر کسی خواب ببیند که لکات داشت دلیل که کسی فرومایه او را منفعت رسد و اگر بیند  
که لکات را برایش نهد او دو و دو و یک و دلیل که نامش در آید یا برینگی مشتگر گردد و اگر بیند که لکات سیخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که  
در دست وی بود و لکات محکم میکرد دلیل که در میان دو کس صلح پیوندد لکات این بر سر رحمة الله علیه که دیگر لکد و خواب  
بوقت خرد و اگر بیوقت بخت یا غم دلیل غم و اندوه بود لوح محفوظ این بر سر رحمة الله علیه که دیگر لوح محفوظ باوایل عالم  
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که زانی رحمة الله علیه که دیگر لوح محفوظ باوایل علم و حکمت و قرآن باشد اگر  
بیند که لوح محفوظ را کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت دلیل که کارش مشکوک گردد  
بیند که بر لوح محفوظ میرفت دلیل که او را با یا دشمنایی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نوشته  
بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیاده دوم بر سر سوم  
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت و نور نبیه این بر سر رحمة الله علیه که دیگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند در دهان  
سنا و دلیل که از کسی سختی لطیف شود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه کسی را و او را  
او را سختی خوش گوید یا از بهر کار نیکو کند مغربی رحمة الله علیه که دیگر لوزینه خوردن در خواب دلیل مال لغت بود و اگر بیند که لوزینه  
یا خرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال نعمت از حلال یا بدو خرج کند و اگر بیند که لوزینه کسی را داد دلیل که از وی بگسالت  
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لکات شدن این بر سر رحمة الله علیه که دیگر بیند  
که لکات شده بود دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و سست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معتبران گویند اگر کسی خود را  
لکات و حقیر بیند دلیل که بجهنم مردمان خود را حقیر گرداند و اگر زانی رحمة الله علیه که دیگر کسی خود را لکات بیند دلیل که در زمین و دنیا

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب



بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بخواهد ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که  
 لنگ شده بود و بعضا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که  
 بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاہر بر کسی اعتماد کند و احتقادش حقیقی نبود و مغربی رحمتہ شد علیہ گوید اگر کسی  
 خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشکر که خدائی در ویش و عاجز و در و مند بود  
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمیتوانست رفت دلیل که از لشکر کس این کرد و اگر بیند که در بهر دو  
 پای وی بخار بود و آما سیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد بر دو مال و جاه وی زیادت شود و تمجیل اشاعت  
 شد علیہ گوید اگر لنگ خواب بیند که پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گرد و از مردم  
 که نو میشدند بسیار بد و کارش بنظم گرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لنگی در خواب بر رخ و وجه بود یکی سستی در کار  
 و دوم نادرادی سوم در ویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و لذت و خواب خد متکاثران که اصلش ترس بود و  
 و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتگارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرخین  
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید نیفتاد و بشکست دلیل که خدمتگارش بمیرد و زمانی رحمتہ شد علیہ  
 گوید اگر بیند که لوید و سوراخ شده بود دلیل که خدمتگارش بهار شود و اگر بیند که لوید پرازان صافی بود دلیل که خدمتگارا و  
 منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر خور و بی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید خود دلیل  
 از خدمتگارش خیر و منفعت رسد لیمو ابن سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون نزد  
 بود دلیل بیماری و درد و بویخ بود و چون سبزه بود غم و اندوه کتبه باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و  
 علم بالصواب حرف المیم ما را بن سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر  
 بیند که در خانه وی بار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرای بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با جنگ  
 و نیزه میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیا بد و اگر بیند که مار  
 او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد  
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار بر باد و باره کرد دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند  
 که بر دو نیمه را گرفت دلیل که مال دشمن را گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که بر او عجب کاری پیدا آید  
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تنه می درشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی ظفر نیا بد و اگر ماری مرده بیند  
 و دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند و بی آنکه بجای بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد  
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی و سبزه را  
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران بگرداند دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بسیار کون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی طرف دوست معاش بود و اگر بیند که با پاپا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که با رسیا  
بر پیش می صبح شده بودند و کز او را بر سائید دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند لیکن از ایشان متضرر نشد  
و اگر بیند که ماران سر و نهاده اند و اشتند دلیل که دشمن او کینه دارد و بدسیرت بود و غریبی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مار  
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از خصیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دمان او بیرون  
آمد دلیل که سخنی گوید که برادران و یا مال شده است و محیل شبع حمله الله علیه گوید مار زخمید و دشمن بود و مار سیاه سر بکشت لشکری  
باشد و اگر بیند که از مار میکشید و مار او را ندید دلیل که در مش و غریبی یا بد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزند می نکرد دلیل که بزرگی یا  
وار و دشمن این کرد و خلف صحنهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که کجی یا بد و اگر بیند که راستین او  
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار یا بکشت و خوش در خود مالید دلیل که مال دشمن یا بد و اگر بیند که بر ستر خود ماری  
دلیل که زلزل میزد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دمان او بیرون آمد و بر زمین فرو شد دلیل که هلاک کرد و خوار مار در خواب دشمن ضعیف بود  
صدا و خوشی الله علیه گوید در خواب برده و بر بود یکی نمادی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم پستالاری ششم دشمن  
و دولت هفتم مرکز خیم سپرد و هم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد و بوقت خود دلیل که بقدر این مار  
منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود و قشیشا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درین مار  
در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از  
درخت مار و جمع کرد دلیل که رنج و سختی مال حاصل کند و اگر بیاید بیند که بخور از او داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بیند  
که مار میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل که غم و اندوه بود و بعضی  
رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده و دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار زیون  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زیون در خواب در وقت و بی وقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال  
هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر نیست  
و ترش غم و اندوه بود و انیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال نه  
حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و کفایتی میدهد  
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال جلال بدست آرد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید ماست در خواب اگر بخورد دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و اندوگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت  
و بر دم داد و قیل که سبیم کرد و کفایتی رحمة الله علیه گوید ماست در خواب چه خشک و تر و خام یا بخته دلیل غم و اندوه  
باشد ماکیان مرغ خانگی بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خاوم و کثیر بود و اگر بیند که مرغ  
خانگی بخورد یا کنی بود دلیل که کثیر بخورد و یا خاومی بخورد اگر مرغهای خانگی بسیار و بقیاس داشت دلیل که ریاست و سرور دارد

باز

در خواب مار

باز

باز

باز

باز

باید و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد و دلیل که بقدر آن مان نعمت از خادمان باید و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کینک است  
 بستاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کینک او تبلائی گرفتار شود و گاهی رحمة الله علیه که  
 اگر بیند که خانه ماکیان را یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه که ماکیان در جزای  
 زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان بنق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که سخن ناخوش  
 شود و همچنین اشعث رحمة الله علیه که بچه ماکیان در خواب برسته وجه بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم ماسیر این  
 سیرین رحمة الله علیه که ماسیر خواب دلیل بر بیماری کند که ویرانان خیر و صواب حاصل شود ماسیر این سیرین رحمة الله علیه  
 بود ماسیر خواب که بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماسیر خواب خیر نباشد ماه و انیال علیه السلام گوید  
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا در ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد  
 و اگر بیند که با ماه جنگ نمود و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه  
 گردد و اگر بیند که نوزاد ماه بست و دلیل که وزارت یا بدو اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نوزاد شجاع داشت نیز تاریک  
 نبود و دلیل که انغمنا فرج یا بدو اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه خواهد  
 و اگر بیند که ماه بادی سخن گفت و دلیل که مردم از وی تطمیع کنند و او خود خواهد و اگر بیند که ماه مادی سخن گفت دلیل که ولایت  
 و اگر که دو ماه یا یکدگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم دیگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بقیه و پاره پاره و نقصان  
 شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بقیه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود و دلیل که  
 زن خود هر دو اگر ماه هلال بود و دلیل که زن برهمنی است و اگر ماه بایک نیمه بود و دلیل که زن از اهل مولا از او گمان باشد  
 و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن باصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بد نصفت بخوابد و اگر  
 که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از او یا بدو اگر بیند که چیزی ماه را پس نشان  
 که پادشاه بر وزیر متخیر شود و اگر بیند که ماه منخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و گاهی رحمة الله علیه  
 اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آنجا به از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند  
 و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند و دلیل که او را بخت و کرامت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قول و نه در نزد  
 شد یا بدو کشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا  
 کاری صعب افتد که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متجربان گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه  
 و یا به پسر آید و اگر نوزاد یا بد بیند دلیل که آن پسر از نذکافی و اندوه و اگر ماه را بد بیند دلیل که عمرش میانهد و اگر ماه نقصان  
 بیند و دلیل که بخت بد پادشاه یا وزیر مشغول شود و همچنین اشعث رحمة الله علیه که دیگر بیند که ماه بدست گرفت یا کینک روی آید

باید

باید

باید

و لیل که فرزند ی عالم و انا و آید و اگر این خواب کسی از مقتربان پادشاه بیند و لیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و اوقات چهل  
 ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بود و لیل که بیند خواب بیاک شود و اگر مصلح بود و در غم و اندوه افتد یا سینه بیمار کرد  
 و عاقبت شفا یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله و سلم که ماه در خواب بر بخت و وجه بود و پادشاه دوم وزیر سوم نهم چهارم  
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم و دست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم سیزدهم حوازه دهم سیزدهم  
 سیزدهم پدر چهارم دهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هیفدهم همیز گزاری مایی و انبیا علی السلام گوید مایی در خواب  
 در دیار گرم سیر بلاد سختی بود و در سرد سیر تا ویش بخلاف این بود چون مایی تازه و بزرگ بسیار وید و لیل که در غنیمت کند  
 و اگر مایی خرد و بیند غم و اندوه یا بد و اگر در شکم مایی سرور یا بد یافت و لیل که او را پسری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 خشک باشد کسی بود و لیل که از پادشاه یا بزرگی او حضرت رسد و اگر مایی شور خورد و لیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند  
 که مایی شور بریان کرده بتاویل سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن مایی شور و خمر و سرت باشد و اگر بیند که چیزی  
 از انعام مایی چون خون و استخوان و آنچه در شکم مایی باشد بیافت و لیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند  
 که در دیار مایی گرفت و بزرگ بود و لیل که از اهل کسی زنی بخوابد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مایی تازه بران  
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که مایی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آسمان  
 آورده اند و قوله تعالی وَ تَبَا تَوَلَّی عَلَیْنَا مَا یَدْعُوهُ السَّمَاءُ اگر بیند که از دمان مایی بیرون آید و لیل که سختی و رنج در کاری  
 و اگر مایی از قضیب وی بیرون آید و لیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دمان وی مایی بیرون آید و لیل که از دمان وی مایی  
 بیند که از دیار مایی گرفت و لیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر بیند که مایی تازه میخورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند و لیل  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مایی فروشی میکرد و لیل که او را و کسان و از خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مایی از حوض یا از چو میگرد  
 و لیل که از مردی عامه بکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند که ماسیان در یا یا و سخن در آید و لیل که از راز پادشاه آشکارا گردد و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید ویدن مایی در خواب بر شش و چه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم و خرد و شیر چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کینه و بد  
 مایی خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مایی خواره در خواب ن بود و اگر بیند که مایی خواره را گرفت یا کسی بر وی داد و لیل  
 زن خواهد و اگر بیند که مایی خواره از دست می سپرد یا ضایع شد و لیل که زنا و طلاق دهد و اگر بیند که گوشت مایی خواره میخورد  
 و لیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید مایی خواره بتاویل عمر و اندوه باشد مبر و سوان باشد این سیرین رحمة الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که مبروی داشت و رنگ بدان میزد و لیل که کاری مشکین بروی کشاده گردد و خاصه که این ملک باشد و اگر بیند  
 که آئین و شج پاکیزه را در آنجا بخیر می سپرد و لیل که کاری کند که در آن زیان و حضرت بیند و بعضی گفته اند که مبر و سخن نرم باشد  
 و اگر بیند که مبر و او شکست یا ضایع شد و لیل که کاری طلب کند و بدست می باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
 که کسی از آئینها و سخنان مبر و در سخن میکرد و لیل که چیزی از وی بخادم خانه وی رسد یا شغل خاموش سبب و یا از خاصه یا بد

حی

حی

حی

مجلسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نوداشت دلیل که از سفر او از خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مطهره نکرده و در  
بودن او و پیش بخلاف این بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که هر کس که مطهره نکرده و در خواب بر سر نهاده و بویکی مطهره دوم مال سوم زندگانی مشتمل  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیشه خوبی یا درختی سوراخ میکرد و دلیل که بکر و حیلست از وی چیزی بستاند و بعضی از اعتبار آن گویند  
که مقصودش حاصل شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیشه اندام کسی را سوراخ میکرد و دلیل که بکر و حیلست و یکدیگر را در میان  
مجلس علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار را توضیح  
میکفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند که خلاف شریعت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم میگفت پس دلیل  
بکار دنیا مشغول شود و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که عموگین شود و اگر او را در مجلس علم بدیدند و پیش  
چنانکه عقل از وی بر میزد و دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار رنجه و تیرش شود اما سر انجام آن بخیر بود و مجلس شراب ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود و شراب بخورد و دلیل که بفناء و حرام مشغول نشود اما رضاد و اگر بیند که در مجلس شراب  
و چنانچه چنان بود و دلیل که او را عجز و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند و حمره خود سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته اند  
مجلسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مجمره در خواب بیند و دلیل برنی پاک دین و عالم بود و اگر بیند که مجمره داشت و دلیل که  
زنی عالمه برنی کند و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که مجمره بشکست یا ضایع شد و دلیل که زنش میرد اگر زن ندارد و از پیش  
او یکی میرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که اگر آنچه در دست تو آن یا ماهی یا ماهی فداست یا باشت و دلیل  
بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد و دلیل بر شر و فساد بود و محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در محراب  
سگدار و دلیل که او را بفرزد صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه حضرت زکریا علیه السلام فرمود و هو قاضی  
فی الامر ایضا اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزند صالحی حاصل شود و اگر بیند که در محراب نشسته و دلیل  
که در نماز کامل بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد و دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال  
خود را صرف کند جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که هر کس که در محراب بر سر نهاده و دوم پادشاه سوم قاضی چهارم  
پنجم میبایستی مردمان بود و محنت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محنت شده بود و برینیت زمان خود را بسیار است و دلیل  
که بعد از آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامه زن از تن بریزد و جامه مردان بپوشد و بجال مردان بپوشد و دلیل  
که ترس و بچاکی و بلا از وی زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با محنتان داشت و دلیل که پنهان خطا  
کند و اگر بیند که در میان ایشان اومقیم شود و دلیل که از صحبت منفذان جدا شود و اما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تدا  
بجواب دید و دلیل که محبت بزی فراخ شود و اگر بیند که مدا و از وی ضایع شد و او پیش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که مدا و بر جامه وی ریخت و دلیل که او را زانی برسد و اگر بر سر بود و همتری یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که  
در خواب بر چهار وجه بود و یکی همتری دوم شرم محبت چهارم شادی و اگر بیند و ناصح باشد اگر بیند که مردمان پندید و

دلیل که اورا شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرا ایند میداد و دلیل که درین  
 بند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرا ایند و بنده دیو بود و دلیل که او بخوابد  
 تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و فتنه نگاه دارد و مژدی آب نشا ط بود چون کسی شهرت باری کند  
 اول آب ندی از قضیب او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن ندی در خواب شادی و خرمی بود بقدر آنچه دیده باشد  
 مرد جان این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد جان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مرد جان با جوهرهای بسیار بیند  
 و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد جان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم  
 زینت سوم جمال چهارم مال از جنة خادم مرد و مصروف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در یک  
 همچنان بیند با هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که سخت  
 باشد و خیر و بزرگی یا بد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که  
 مویش سیاه شده بود تا مویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی دین وی  
 او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که از بزرگی و نعمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سر و گفت دلیل  
 که با مردی بدان صفت و خصومت افتد و بر وی ظفر یا بد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بچهل کند که او را همه دنیا  
 طاقت نکند و اگر مردی بیند که زن و میرا قضیب بود چنانکه مردان را باشد و دلیل که او را پسری آید که متره این بیت کرد و اگر مردی بد  
 که او را فح بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود  
 مرد را دیدن مرد جوان و کرم و حلیت چیزی که مرده بود مرد و اسنگ این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد اسنگ در خواب بیماری  
 و اگر بیند که مرد اسنگ بخود دلیل که بیمار شود چنانکه بیم ملاکت باشد و اگر بیند که مرد اسنگ کسی بخشد یا بفروخت دلیل که از بخت  
 و بیماری این شود و مرد اسنگ نزد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد اسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی  
 دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و در خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد و مردم بر وی میگردانند و زاری  
 میکردند یا بر ایستند و در کفن چیدند یا بر جنازه نهادند و بگردند یا بخیله دلیل بر فساد او در دین بود و اگر آنکه بیند که او را اگر  
 برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گوش از خاک پر کردند مردم از سر کرده  
 بازگشتند دلیل که دینش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که مرد و زود و بر جنازه نهادند و محال جنازه اش برداشتن خلق  
 بسیار از این جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا گردانند و اگر بیند که مرد و زنده بود و زنده بود دلیل  
 که گمانی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیروی دلیل که شهید گردد  
 شود و اگر بیند که نبرد و کسی بر وی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد بر گزافه او  
 نه شود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است دلیل که با مردمان جا بل سفر

درین  
 سیرین  
 رحمة الله علیه

اسنگ

ان انصاف

که باین سیرین رحمة الله علیه گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک است یا صلاح چگونگی است اگر مردگان صلاح و برادر و خاکی  
 پیداوند و بوی سخنان نیکو میگفتند و کشته روی بودند دلیل که حال وی نزدیک است سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بدینکه  
 مردگان بادی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک است یا سبب بد باشد مغفل رحمة الله علیه  
 گوید هر که معاصیات و خطای دیدن و دلیل بر احوال و عذاب کافرو و اگر معاصیات نبود و خداوند برین بود و هر چه  
 که جان بکشد خود سخت تر بیند عذاب عقوبت بهتر بود و اگر بدینکه بر کسی از اشیاست دلیل که تاب کرد و اگر بدینکه از پس جنازه وی نیمی  
 در هوا میماند دلیل که بزرگی از آن شهر و سفر میبرد و گمانی رخ گوید اگر بدینکه بر او و بر جنازه بنا و در خلق از پس جنازه او میماند دلیل که بزرگی  
 و لایق بزرگی یا بد و اگر مرد و بر جنازه کران بود دلیل که بر مرز و قمر و تمکارب بود و اگر بدینکه بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکو کند و اگر بدینکه مرد  
 بر داشت وی بر و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بدینکه زنده بر و او را بر تخت خواندند و آن تخت بر کف بنا و بدلیل  
 که بخندمت پادشاه بود و دوازدهی منفعت و راحت یا بد و اگر بدینکه بر و زنده شد دلیل که آتش بر خراب کرد و اگر بدینکه بر  
 باره بر و دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بدینکه فرزندی از آن او بر و دلیل که او اگر شود و نیکو بدینکه از دشمن این شود  
 و اگر بدینکه پدر و مادر وی بر و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بدینکه آتش بر و بر و مردم بروی میگردانند  
 دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بدینکه مرده بار و دیگر بر و بر کف بر و بدینکه بر و بدینکه بر و دلیل  
 که از اهل بیت وی یکبار برنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بدینکه بر کدی زمان و مردان و خان بر و شد و نوحه میکرد و دلیل  
 که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بدینکه بر و او را بشنوند و بر جنازه بنا و بدلیل که سخن نیکو گوید اگر بدینکه او  
 و من کرد و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بدینکه مرده زنده شد دلیل که حال وی  
 نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشته روی بدینکه مرده را مرده بدینکه دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که بر و  
 بود و اگر کسی بدینکه بر و او را که مرده است زنده و خرم و کشته روی و با جامه پاکیزه بدینکه دلیل که دولت و اقبال  
 و کارش سخته کرد و اگر تا در زنده بدینکه دلیل که از غم فرج یا بد و اگر زنی بدینکه پسری زنده شد دلیل که غیبت از سفر یا بد  
 و اگر بدینکه مرده بیکانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بدینکه زنده بر و تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بدینکه مرده را زنده کرد و دلیل که کافریست و می مسلمان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترسید  
 و غمگین و با جامه های چرکین بدینکه دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در سراسر حق است هر صفت کسی مرده  
 در خواب بدینکه دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را کشته روی و با جامه های پاکیزه بدینکه دلیل که  
 بسیار یا بد و اگر بر او خود را بدین صفت که کریم زنده بدینکه دلیل که شرف و بزرگی و جاه یا بد و اگر بخلاف این بدینکه  
 بخلاف این بود و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام و دلیل که سخن  
 مرده نیکو دران جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد و تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

نیکو

نیکو

بَلْ أَحْيَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يُؤَدُّونَ فَرَجَيْنَ بِمَا أَنْتُمْ اللَّهُ مُوقِفِينَ و این آیه دلیل است بر آنکه هر چه مرده کوید  
 گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که  
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تنه است و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او  
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و  
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا و پیش خلفا این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر وی حسرت و  
 بلای منظره میکرد دلیل بر روی از وی برگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیامده و مرده باشد و اگر  
 بیند که مرده شاد و خندان بر روی است ی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر خلفا این بیند دلیل که در حق وی  
 تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکی گفت دلیل که حال وی نیکی رود و اگر سخن با گفت یا او را وصیت کرد و تا و پیش بر شام  
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را مسو عظمه کرد و پند داد و دلیل بر خیر و صلاح وین و دیانت خداوند خواب بود و اگر  
 را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر خلفا این بیند  
 دلیل که مرده از عذاب خدا تعالی امین باشد و عاقبت محمود بود و حاطت متبرک و اگر بیند که مرده دست در گردن او در آورد و در کنار  
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه بایاد و او را بدعا  
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و باز نگویند دلیل که آن مرده مسلمان مرده  
 و اگر مرده سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الْكَاذِبُ فَذُتْ وَجْهُهُنَّ أَكْثَرُ ثُمَّ بَدَلْنَا نَمًّا وَتَقَفُوا  
 الْعَذَابَ بِمَا كَانُوا يَكْسِرُونَ و اگر مرده را در مانده و بجا می بیند دلیل که حال مرده بد باشد استعیل اشعث حمله شد علیه  
 اگر بیند که مرده در نماز بود و دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متبرک گفته اند که مرده را بجای حاجت ثواب است  
 دلیل که بیننده خواب طباعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در جائیکه زندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک و پنی مرده و صلاح  
 عاقبت زنده بود و مرده چیزی را و آن و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از متعلق دنیا و دلیل که از بجا  
 که امید دارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی را بخورد و یا آشامیدنی بود یا در بخورد و دلیل که روزی هلالی و اگر بخورد و یا  
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال نفس غم مانده و رسد و اگر جامه پوشید  
 و پنهان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این آخرین حمله شد علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بد و او را از آن جامه  
 در پوشید و باز بیرون کرد و ببرد و دلیل که او هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر بیند که جامه خود ببرد و او گفت  
 که جامه بد و زیاده است یا تنگ دارد دلیل که او را غم مانده و رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بجا ریت بد و او دیگر باره از وی  
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را در بجا باشد و اگر مرده جامه بسته بد و او دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نبود که بپوش  
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین مانده و او دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

اگر بیند که مرده  
 در نماز بود و دلیل  
 که آن مرده در زندگی  
 استغفار بسیار کرده  
 باشد و متبرک گفته  
 اند که مرده را بجای  
 حاجت ثواب است

اگر بیند که مرده  
 در نماز بود و دلیل  
 که آن مرده در زندگی  
 استغفار بسیار کرده  
 باشد و متبرک گفته  
 اند که مرده را بجای  
 حاجت ثواب است



مرده جامه میفروخت و دلیل که انچه که ان کرد و اگر چیزی برده می بخشید و قبول کرده دلیل که او را حضرت و زیان رسیده بود و دلیل  
 این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی مرده را بد حال و نالیده ببیند و دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر مرد  
 را بپایر بیند و دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند و اگر مرده از در و سر بیناید و دلیل که از بجز بگوید در دنیا کرده باشد و اگر سوال  
 و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر پدر کرده است با و سوال کنند و اگر از در و دندان می نالید و دلیل که از غیبتی که در حق  
 از عدم کرده باشد و اگر سوال کنند و اگر از در و چشم بیناید و دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد یا از سوال کنند و اگر در و گوش بیناید و دلیل که  
 سخن خوش شنفته باشد و دنیا و از ان سوال کنند و اگر از در و دست بیناید و دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد و سوال کنند  
 و اگر از در و پهل بیناید و دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود و از سوال کنند و اگر از در و پشت بیناید و دلیل که مادر پدر کرده باشد و  
 سوال کنند و اگر از در و عورت بیناید و دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد و از وی سوال کنند و اگر از در و سرن بیناید و دلیل که آنچه در حق  
 خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از در و ساق و پاهای بیناید و دلیل که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند  
 و جماعت کردن بامر و در جعفر صادق رضی الله عنه گوید مثل این خواب نیست که اگر بامر و جماعت کند  
 منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا وی آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویش باطل باشد  
 و اگر بیند که بامر و جماعت کرده دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بود و جماعت  
 کرده دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بود و جماعت کرده دلیل که صدقه و لوا  
 بدان مرده برسد و اگر بیند که بامر و در که اهل حرمت بود و جماعت میکرد و دلیل که از ان مرده چیزی بوی رسد و اگر مرده را  
 بشنود بوی سه میاید و دلیل که زن خود را زهر مرده خیری کند یا او را بد عایا و کند و اگر با مرده جماعت کرده دلیل که از انال  
 مرده چیزی بوی رسد از پس مرده شدن که مانی رحمه الله علیه گوید از پس مرده شدن و دلیل که اگر مصلح و پارسا  
 بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و میرت او گیر و اگر نداند که مرده مصلح بود یا مفید و نانی وی میشد و دلیل که بپا  
 شود و حاجت شفا یا به مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده ویرا بکثرت جواب داد و مرده ناندید و دلیل که از دنیا  
 زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرانی مجهول در شد و دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیایفت  
 که بیایم و دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مرده مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر بیند که مرده او را بسپرد و  
 خواند و او را منع ننهاد و دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسپاری خود خواند و او را بسپاری مرده زرفت و دلیل  
 که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برود و دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد و سمعیل اشعث رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی خود را در میان مردگان ببیند و دلیل که از معروفی نمی شنود و از وی نشنود و اگر بیند که بامر و دوستی گرفت  
 و دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادای و تفریحی یابد و اگر بیند که میان مردگان بود و چنانکه خیر و میان  
 کسی دیگر زنده نبود و دلیل که با گروهی جماعت کند که دین ایشان نغساید و اگر بیند که او را بسپرد و ایشان مرده

این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی مرده را بد حال  
 و نالیده ببیند و دلیل که از کردار بد  
 که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند

و اگر بیند که بامر و جماعت کرده  
 دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش  
 بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بود و جماعت

و اگر بیند که مرده او را بسپرد و دلیل  
 که کسب و معیشت او نیکو گردد و سمعیل اشعث رحمه الله علیه

و دلیل که در دین او نیکو بوده اگر میند که روی مردگان طعام خوردند دلیل که در آن دنیا طعام کمران شود و حفظ مقبره رحمة الله علیه  
گوید اگر کسی بیند که پاره از تن مرده میخورد و دلیل که از زمین بجای یابد و اگر میند که مردگان مجهول را بشنمید کردن همی در اگر مصلح  
بود و دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کار و بار بد باز آیند و بعضی معتبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه را دلیل  
و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که مرده او را راه می نمود و دلیل که راه شریعت در یابد و اگر میند که مرده خود را می  
دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر میند که مرده را بر زمین میکشید و دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یابد و اگر میند که مرده  
را پر داشت دلیل که مال حرام یابد و اگر میند که مرده گنازنده میکرد و دلیل که و باغی کند و اگر میند که با مرده در یک خانه خفته بود  
و دلیل که عمرش دراز بود مرده را جاجیا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده جامه سبز پوشیده بود و دلیل که باقیست  
از دنیا رفته باشد و اگر میند که جامه سپید داشت دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر میند که جامه سیاه پوشیده بود و دلیل که  
بد باشد و جامه و زرخیان سیاه باشد و اگر میند که جامه سرخ پوشیده بود و دلیل که بد باشد و اگر میند که جامه زرد یا کبود پوشیده  
بود و دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود و دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او مصیبت  
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده در خواب چون مرده را  
جامه پودشاند دلیل که اجلش رسیده باشد تاویل کفن مرده که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده معروف است  
کفن کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده بود و اگر عالم بود و عالم و اگر مالدار بود و مال و اگر نجواب بیند که مرده را کفن میکنند و دلیل که  
آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر میند که مرده را کفن کرد و دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب برشته و جبهه بود یکی مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر میند که  
مرده نیکو است دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سرایش خرابی یافت و اگر میند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بود و یکی  
گرد چنانکه اگر مغرول بود عمل یابد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت گردد و امید یکد و او را در دار شغل برود و با  
یابد قوله تعالی فَاَمَّا تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ اَلَا يَهْدِي مَغْرَبِي رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گوید اگر میند که مهمتری یا عالمی زنده شد  
بود دلیل که ذهب یا نیرت زنده شود و اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر میند که مرده او را آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود  
و کایش بالا گیرد و اگر میند که چیزی نمرده و او دلیل که آنچه غریز گرد و درخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید بود و اگر میند  
که مرده از وی طعام میخواست و دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و مرز نکوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده  
می پوشید و دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر میند که مرز نکوش از جای خود بر  
و دلیل که پسرش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد و او را غم فاند و درسد و اگر میند که وزیرینی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته و دلیل  
که مرده مردم مصلح بسیار باشد که تانی رحمه الله علیه گوید و حجت مرز نکوش در خواب کسی بود که اهل خانه او در او دستد بود و اگر میند  
که مرز نکوش نبرد بود و در زمین او رسته بود و دلیل که کسی از اهل بیت او دستد اش شود و اگر میند که مرز نکوش زرد پیر مرد بود و دلیل

بسیار

از او

بسیار

بسیار

که آنکس مفسد و بد بخت بود مرغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که بهشت در آنجا طلب کند که  
 عظیم تر باشد و اگر ببیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بانگ میکند و دلیل که اهل آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر ببیند که خانه مرغ  
 داشت دلیل که او را فرزندی آید که تانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر ببیند  
 که مرغ در دست او برود دلیل که اندوگین شود و اگر ببیند که باز بر پشت مرغ ننهد و برود دلیل که بدان مرغ منسوب باشد  
 او امضرت رسد و اگر ببیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر ببیند که گوشت از اندام خود میبرد  
 پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن  
 و بد آنکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد منسوب بود و این ماقول بیان کرده ایم مغربی رحمه الله علیه گوید هر مرغی  
 نحاس بود که غلام و کثیرت فروشد استخیر الله و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن  
 لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر ببیند که مرغ چشمتی وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر ببیند که خون مرغ  
 میخورد دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ ابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرغ ابی در تعبیر بهتر از مرغ آن دیگر است  
 و اگر ببیند که مرغ ابی فرا گرفت یا کسی بود یا او دلیل که مال و نعمت و بزرگی یا بد و بکام دل برسد و اگر ببیند که مرغ ابی بسیار در چرخ  
 شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و هر دشمن ظفر یا بد که تانی رحمه الله علیه گوید مرغ ابی معیشت بود و اگر ببیند که مرغ ابی بخت  
 یا کسی بود یا او دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یا بد و استخوان وی همه مال و نعمت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ ابی  
 بجای می نشست دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر ببیند که بچه مرغ ابی را گرفت یا کسی بود یا او دلیل که او را فرزندی آید و حقیر  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ ابی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم بزرگی سوم ریاست چهارم فراموشی و زاری  
 که مرغ ابی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغ ابی در خواب ببیند هر  
 مرادیکه خواهد بیا بد هر دو مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مردمان بسیار جامه های بنفشه و دلیل بر این است که  
 و پاک و بی وی بود و اگر ببیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین داشتند تا و پیش خلاف این بود و اگر ببیند که جامه های کبود داشت  
 دلیل مصیبت و اندوه بود و اگر ببیند که جامه های نو و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود و هر غراری ابن سیرین رحمه  
 الله علیه گوید اگر کسی بخواهد مرغزاری ببیند که جوهر نباتی او نشاء و دلیل بر دین و سلام او بود و اگر ببیند که میان مرغزار  
 بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر عقاود دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او نشاء کرد  
 دلیل که صحت او باندگان باشد و اگر ببیند که در مرغزاری خوش و خرم میکشید که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظم گردد  
 و مرغزار در خواب مردی بزرگوار نبود بقدر بزرگی و نیکی و اگر مرغزار سبز و پاکیزه ببیند و اندک ملک اوست دلیل که او با  
 بامردی بزرگ پیوندد و از وی خیر و نعمت یا بد و اگر ببیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و درختان  
 در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود و دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری ببیند با شهادت

بخت

بخت

بخت

بخت

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آنرا از خدمت چشم خویش جدا  
مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از هیچ برکنده و خراب گردانید که  
پادشاه اند یا رامک مغاجات رسد مغربی رخ گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شده و در آن جاشیلان و درویش که پادشاه اند ظاهر  
و شکر بود و اگر در آن مرغزار گوشت پندار و دید دلیل که پادشاه اند یا رامک بسیار جملش و اگر در آن مرغزار کاه و درخت و دید دلیل که لشکر پادشاه و سوار  
و برایشان عطا و شاد و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد و جمل اشاعت و حمد و ثناء که  
مرغزار و خوابان بود و اگر بیند که در مرغزاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از پیغمبر و خوبروی بزرگ کند و اگر بیند که مرغزار خرم  
بود و بیش بخلاف این بود و جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن مرغزار و خواب برفتن و جبهه بود یکی بین و دوم عقدا و سوم معیشت و نظام  
چهارم پادشاه و پنجم مرد بزرگ و ششم خیر و منفعت و هفتم یافتن مراد و هفتم بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مردم در آنجا  
خسته و دریش میهند و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مردم میخورند و دلیل که حرام خورد یا نداده و مضرت بد و رسد  
و اگر مردی بیند که مردم بکسی داد و دلیل که فرزندان مرد و اخیر و منفعت رسد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم براندام خسته یا  
دریش نهاد و آن مردم گوشت میخورند و دلیل بر نقصان مال می بود و مر و ارید و انیال علیه السلام گوید مر و ارید در خواب فرزند  
یا فرزند کنیزک بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید مر و ارید در خواب کنیزک خبر وی بود یا زن با جمال اگر بیند که مر و ارید بسیار  
چنانکه در شمار نیاید و دلیل که بعد مر و ارید او منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مر و ارید پرانده بیند دلیل بر سخن حکمت  
بود و بعضی گفته اند دلیل بر سیران و دختران بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند و دلیل بر زنان و دختران کند و اگر  
که مر و ارید بسیار داشت دلیل که بعد از آن مال بماند و اگر بیند که از دامن وی عقد مر و ارید بیرون آمد و دلیل که از دامن وی کلام  
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مر و ارید میخورند و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند یا آنرا فراموش کند و اگر  
بیند که در منزل یا در راه عقد می مر و ارید که سبزه و شاد و دلیل که در راه علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی  
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هر نیم مر و ارید میخورند و دلیل که علم و حکمت بسیار بر مردم آموزد که سبزه و شاد و دلیل که علم و حکمت  
و اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود و دلیل بر زیادت و قوت و دین و دین است و می کند و اگر تو اگر بود و دانش یا داشت  
که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید داشت و دلیل که او را فرزندی خوبروی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرمود  
است **كَانَ نَهْمُهُ لَوْ لَوْ مَكُونٌ** و اگر مر و ارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مال بسیار او حاصل گردد و اگر بیند  
که مر و ارید را بفر و خست و دلیل که علم و ترازان فراموش کند و اگر بیند که مر و ارید در دامن انداخت و فر و دلیل که او را حق تعالی  
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مر و ارید را بجای مجهول بیند اخت و دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر  
بیند که عقد مر و ارید در دست بسته داشت و دلیل که مر و ارید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت  
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دامن می یکت یکت مر و ارید گر نمای بیرون می آید و دلیل

سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا به پسندند و اگر بیند که عقد مراد از دست او بیفتد و شکست دلیل که بسیار گوید سهیل شمس  
 علیه که دیگر بیند که مراد بدسترسین و آن با بجای پیدا کند دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مراد بدست خست  
 یا شکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مراد بدست زیر پای وی شکست دلیل که فرزندش بسیر و اگر بیند  
 مراد بدست خست وی بیرون آید و آن مراد بدست خست دلیل که او را دختر می آید و اگر بیند که عقد نامی مراد بدست خست  
 دلیل که از هر که بدست علم می کند و اگر در کردن کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره مراد بدست خست  
 داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مراد بدست خست دلیل که بقدر آن مال می کند حافظ مغربی رحمه الله علیه گوید  
 بیند که مراد بدست خست می کند و دلیل که آنکس را پسند و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس را علم نبود دلیل که او را فرزند  
 بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین مراد بدست خست بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرسنگ سوم مال  
 چهارم زن پنجم کثیران با جهل ششم فرزند نیک و مراد بدست خست و خواب کسی بود که فرزند آن مال بسیار دارد و علم دین و دنیا  
 مراد و آن را بن سیرین رحمه الله علیه گوید و اگر بیند که مراد در خانه وی کار می کند و دلیل که ویرا با خویشان پادشاه خست  
 الله و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بیند که در خانه کسان مزدوری می کند و دلیل که بجاری صاحب کفا  
 شود و خدا و در خانه را کسی خصوصت افتد و اگر بیند که مراد در خانه وی کار می کند و دلیل که غمگین شود سهیل شمس  
 علیه گوید و اگر بیند که مراد در خانه وی خاک می کشید و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند  
 و دلیل که مال وی نقصان شود و شرکان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و اگر بیند که در خواب گنداشتن بین باشد اگر کسی بخوابد بیند  
 شرکان وی جنبید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شرکان چشم فرو ریخت و دلیل که در دین وی فساد بود و کافری رحمه الله علیه گوید  
 بیند که شرکان چشم وی باز نماند و دلیل که بقدر آن مال و از آن مال بود و اگر بیند که شرکان چشم وی جنبید و دلیل که بیمار شود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین مراد در خواب بر چهار وجه بود یکی گنداشتن دین دوم دوست متناقض سوم مال  
 و روزی چهارم خرمی بقدر فرزند فی الجمله بر خیر و شر که بر شرکان بیند و دلیل برین چهار وجه بود و هر قور ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید مراد ناچون ترش و ناخوش بود و در آن چربی باشد و دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود و دلیل  
 مضرت و غم بود مس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مس از جبهه جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت و دلیل که بقدر آن مال  
 مال حاصل شود و کافری رحمه الله علیه گوید و اگر بیند که شراب و افشاء و آنچه بدین ماند جمله دلیل که خدای بود و خرمی رحمه الله  
 علیه گوید و اگر بیند که مس یکدخت و صاف پاکیزه گوید و دلیل که کاری مشکل بردست وی کشاد گردد و گوید که مال حلال است  
 بدست آورد و مستی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کجایی کردن چنانکه در کلام مجید فرمود  
 تَرَكُوا لِيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَاتِبُوا الصَّلَاةَ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ لِلَّهِ إِنَّهُ يَبْغِضُ الْمُكَافِرِينَ  
 شرب بود و دلیل که بقدر مستی ترس بر عظیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مسجد اکاوان بنا و تعمیر وی عالم بود که  
 مردم نیز دیکت او بسیار آیند از به صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده و قوله تعالی وَمَسْجِدَ الْجِدِّ کَوْفَرِهَا اَسْمَ اللّٰهِ کَثِیْرًا  
 اگر بنید که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر سلامان خیر و نیکی کند و از آن اورا جزو ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر  
 و شریعت بداد و مغزنی رحمه الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نباد و زن خواستن بود و اگر بنید که مسجدی بنا کرد و اگر دنیا و تمام کرد  
 حلیل که زن حلال خواهد از آن دیدار و پارسای بود و اگر بنید که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندان اش نمیرند و اگر بنید که در مسجد جامع  
 نشسته بود و پیرامن و سبزی رسته بود و دلیل که بروی کمانها بر ند که در وی نباشد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را  
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بنید که در مسجد نماز میگذارد و در وی شوی قبله نمود تا ویش بدو اگر  
 بنید که در مسجد دست و روی می شست و دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرا و شرع حاصل شود و اگر بنید که مسجد پیش  
 و دلیل که عالمی سیر و تحصیل شست و رحمه الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خاوش بود و جمع کردن مردمان  
 که در ضلالت باشند باز صلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین عَصَوْا عَلٰی اَمْرِهمْ  
 لَنُتَخَذَنَّ عَلَیْهِمْ مِّنْجِلًا و اگر بنید که جایگاهی از ملک می مسجد بکشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یابد و خلق را  
 بدعت حق خواند و اگر بنید که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزگی برنی کند و اگر بنید که در مسجد چراغی برافروخت و دلیل که او  
 فرزندی صالح آید و اگر بنید که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد و دلیل که از همه ترس این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گفته گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب  
 هفتم مؤذن هشتم مسجد بنم میر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و دوازدهم نیکو کردن و اگر بنید که مسجد او بین  
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت میکرد و دلیل که درستی وین و ایمان وی بود و اگر  
 بنید که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بنید که مسجد موزه میگرد و دلیل که او فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغزنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مسجد موزه  
 میکرد و دلیل که بضرر و دوران بضرر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد و مسکه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 روغن تازه بنا و یا مال نعمت حلال بود و اگر بنید که مسکه فراگرفت یا کسی بوی او و از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال  
 یا بدکردانی رحمه الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی رست و اودن بود و اگر مسکه کو سپند در خواب بخورد و دلیل که او  
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آنسال بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوریکه  
 گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید مسکه در خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم مصیبت مسواک  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغزنی

مسجد

مسجد

مسجد

رحمة الله عليه گوید اگر بیند که دنیا نهی پیشین را سوا کند و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه زندانها را  
سوا کند و دلیل که با همه خدیشانی یکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر بگو عالم  
است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهته بادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجاری  
صلاح بمشرق بود و دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند و دلیل که مرادش بر نیاید و همه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو  
شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال نزدیک بود و جای فرو شدن آفتاب دلیل از بار و فروطندگی بود و مشرق شدن  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمان میسر و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میکند و پیشتر  
تعالی میگردد و دلیل که مسلمان شود و نعمت بر وی زیادت گردد و چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی ان الله نور السموات  
والارض مثل نور کواکبه اگر بیند که مشرک در خانه مسلمان می آید همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
اگر کسی مشرک را بخواب بیند و بیند که خواب سستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر بیاورد اگر سستور نشاند دلیل که با پدر  
بد مذنب او را صحبت افتد مشک و انبال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با او بد و فریبناک بود و همه  
کس بروی آفرین گفت و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آید یا کافور و دلیل که یقین می یابد که پاکیزه و صاف گردد و در راه  
حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مشک را میسود و دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشک بشکافت و از آن  
مشک بوی ناخوش می آید تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی  
زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کینک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش مشک آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک  
سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نوبد و دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب که نه بود تا ویش بخلاف  
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف در خواب تاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرد و دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر  
بیند که مصحف را بافتن بسوخت و دلیل بر فساد دین او بود و اگر آتی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصحف کشاده و بر سر و دیده نهاد  
و دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و والی آتشگر رود و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر  
گفت دلیل بر شر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم  
امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
که مصطکی می خواند دلیل که ویرا گفت گوئی بود و کرمانی رحمه الله غیب گوید اگر بیند که مصطکی باب  
میخواند و دلیل که بقدر خواندن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطکی بافتن بخرد و دلیل که ویرا از پا و شاد بخیر رسد  
مطهر بخوبی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطهری از بهر بیماری می بخت و آن مطهری موافق بود و دلیل که صلاح و برنج  
اگر مطهری موافق نبود و دلیل که صلاح دین از وی بخیرید و اگر بیند که مطهری بخرد و در وی اثر کرد و دلیل که صلاح و تندرستی و خیر بود

تفاوت در خواب

مشک

مصحف

مصحف

مصحف





علیه که اگر مسلمانان بخوابند و دیگر باره مسلمان شدند دلیل که بر بلا افتاد اینست که اگر کسی بیدار شود و مسلمان شد دلیل که  
 حق تعالی مسلمانان روزی کند اگر بیدار شد که مسلمان شد دلیل که کارهای وی مستقیم شود و مغربی رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیدار شد که مسلمانان کار فرشته شود و خاستگاهش بخیر نبود و اگر بیدار شد که کارهای وی بدست وی مسلمان شد  
 دلیل که کسی را از فقر و فساد بازدارد و مسلمانان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد و بیدار شود دلیل بر مردی بزرگ بود  
 که بخار یا ایستاده باشد و هم پیوندد و بعضی معتبران گویند که مسافر در خواب پادشاه یا امیری بزرگ بود اگر بیدار شد که مسافر بزرگ  
 بود یا شت دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیدار شد که چیزی بسیار بدوخت دلیل که تشبیه مردی بزرگوار کارهای وی  
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیدار شد که مسافر شکست یا ضایع شد تا ویش مخلای این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسافر  
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه بامردان عهد پیوندد و سوم امیر یا والی چهارم مکروه و حضرت کارهای مکمل  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید یکس در خواب در دم سخته و درویش بود اگر بیدار شد که کسان بروی جفتند یا در چشم و دهان وی  
 دلیل که کسی سخته مال حاصل کند اما مضرت یا بدو اگر بیدار شد که کس در گوش وی شد دلیل که اگر کسی سخته سخن برشت شنود که از آن  
 خاطر کرد و اگر بیدار شد که بانگ کس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیدار می شد رحمة الله علیه گوید یکس در خواب مردی حاسد و غوغا  
 بود اگر بیدار شد که سیرین او کسان جمع شوند دلیل که بامردم حاسد و از غفلت افتد و اگر خواب بیدار شد که کس بسیار در خانه وی می کشید  
 که مردم سخن وی گویند و اگر بیدار شد که کسان او را می کشند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند و اگر بیدار شد که کس ریخت دلیل  
 که حاسد از آخر کند و اگر بیدار شد که کسان در زیر زمین می کشند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و غرنه کنند و در  
 حضرت رسد یکس انگبین این سیرین رحمة الله علیه گوید یکس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و روزی کسب کند  
 و اگر بیدار شد که کس انگبین فرا گرفت یا کسی بود یا دلیل که بقدر امان و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار شد  
 که کسان انگبین بروی جفتند و او را می کشند و دلیل که برنج مال غنیمت حاصل کند و اگر بیدار شد که کسان انگبین می خورند  
 دلیل که او را بقدر آن زبان و حضرت رسد و اگر بیدار شد که انگبین از کسان می ستند دلیل که سخنهای باخبر و منفعت  
 و از آن فایده بیند مکمل مهارت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در یکس دلیل که زیارت کعبه  
 کند و حج در یابد و اگر بیدار شد که از بهر تجارت رفته از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد و مغربی رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیدار شد که در مکمل صلاح و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در منفعت دنیا باشد  
 و اگر مکمل را با دو پیر بیند دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خواب بیدار شد تا ویش  
 بخلافتین بود و طبع این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب لشکر بود و طبع پنجه درم و دنیا بود و اگر بیدار شد  
 شهری یا در موضعی طبع پیدا شد و در انجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن طبع و انجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را  
 بلا و رحمت رسد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار شد که طبع بسیار جمع کرد و در طبعی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکار

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

دن و ده و اگر بینه که بیست و یک سال در دریا می جمع شد مذنبات آنجا خوردند و دلیل که مان بقیاس در آنجا جمع شود و همه  
 بتازاج بپزند و دلیل که خراب کنند منادی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که منادی گذشت و کلامش  
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که  
 منادی بصلاح آنجانی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر و نیاید کرد و دلیل که مراد آنجانی بیاید و اگر بشیر  
 و مناد بود تا ویش بخلاف این بود مناره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردی از ارباب  
 دین خواند و اگر خواب ببیند که مناره بنکار و دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام مجیدار و اگر ببیند که مناره  
 و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود و کافی رحمه الله علیه گویند  
 در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره ببیند دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از کوچه و از  
 دلیل که از منتهی سلطان بود و اگر مناره از پشت خام بود و دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره  
 از سنگ و آهک ببیند دلیل که آن مهتر یا پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب ببیند دلیل که آن مهتر سفلن و دین بدست باشد و اگر  
 مناره بر درسی دید و دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بخوار می شریعت خواند و اگر ببیند که مناره مسجد افتاد و  
 و دلیل که از یکی بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکنگی افتد و اگر ببیند که میان شهر مناره بود و دلیل که پادشاه  
 کند و اگر ببیند که سران مناره از منبر بپایند و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر ببیند که سران مناره از منبر بپایند و دلیل که  
 پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از پشت بخت بود و دلیل که پادشاه که نکش و شکست بود و اگر خود را بر مناره  
 آید و ببیند و دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر ببیند که بر مناره طعام نهاد و دلیل که در آن مناره  
 پدید آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در مناره بود و بانگ نماز میگفت و دلیل که پادشاه خلق را عذو میکند و اگر  
 ببیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد و دلیل که عمره آرد و اگر ببیند که مناره بجنبید و دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر ببیند که  
 پادشاه مناره را ببنگد و دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند و جعفر صبا و قاضی  
 عنه گوید و دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منبر  
 رحمه الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شریک در منبر بیند و دلیل بر سلطان کند و اگر خواب ببیند که  
 منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبوت و دلیل که فرزندش یا کسی از خویشان با او عالم شود و اگر ببیند که بر منبر  
 میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و دلیل که در میان اهل اسلام بددینی و بدعت رسوا گردد و بعضی از متعبدان گویند که  
 بر وار کنند و اگر پادشاهی ببیند که بر منبر بود و آن منبر بقیه و یا بشکست و دلیل که از پادشاهی مغرور گردد و اگر پادشاهی  
 الله علیه گوید اگر ببیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آید و دلیل که از خطابت مغرور گردد و اگر نبی ببیند که  
 ظالم و حکمت و علم در میان مردم میگفت و دلیل که رسوا شود زیرا که از نماز علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردم رواست

و نیز مردان را خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتا و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوا  
 و حقیر شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر نشاند و دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یا بد و اگر غصب بود دلیل  
 که او را بد زوی بگیرد و برادر کند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر منبر ثلث و جاه بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن منبر و خواب بر سرخ و چه بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم برادر اگر دین منجیب بن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که منجیب شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یا بد و منبر ثلث و بالا گوید و اما سخن دروغ و محال گوید چنان  
 که در خواب سخن از احکام بخم گفته باشد که فی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم خرم و سهیبت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و  
 بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام خرم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی بخند منجیب بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمان  
 سنگ منجیب می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنامی بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجیب می انداخت  
 دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگردد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیران شهری منجیب بناده بودند  
 و بنامی آن شهر را خراب میکرد دلیل که آن شهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند که منجیبها بشکست یا با تش بسوخت دلیل که با او  
 آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آن شهر از ترس و بیم این شوند منبیل و شمار بود این سیرین رحمه الله علیه گوید منبیل که  
 خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز کرد و اگر بیند که منبیل نداشت یا کسی بود یا دلیل که او را خادمی حاصل شود  
 و اگر منبیل نرسید بود دلیل که خادم وی با وی نیست بود و اگر منبیل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشره و سرکش بود و اگر منبیل زرد  
 بود دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر گوید بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منبیل سی  
 فوط بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منبیل از پیش یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان بود  
 باشد و اگر از قریب یا بر سریم بود دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرمین یا کهنه یا پنبه بود دلیل که از آن خادم نیکوئی نبود و اگر منبیل  
 ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر منبیل بسوخت دلیل که خادمش بمیرد منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو دادند که در آن کامها فاشته بود دلیل که صلاح وی در دین و بحالت آخرت باشد سعادت  
 دنیا و آخرت یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که دستگاهی نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بود یا دلیل که شرف و بزرگی یا بد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یا بد  
 و کارهای وی بنظم شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی درون بود و تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید اگر بیند که فرشته یا پیغمبر منشور بخط فاشته بدو داد و دلیل که حق تعالی او را پیامرزد و از وی خوش شود و رضی شود و اگر منشور  
 سیاه بود تا ویش بخلاف این بود منقار این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را انسان مرغ منقار بود دلیل که بقدره  
 منقار مانع حمله کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را منقار بزد و او را در و کرد و دلیل که در این مرغ منجیب

و نقصان مال می بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار مری داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ را بر بزرگی نعمت و خیر و  
رسد و اگر بیند که مقدار داشت و مرده را به مقدار کند سببند دلیل که مرده را از وی گرفته و رحمت رسد منی آنی بود که از وی گرفته  
پیدا آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که باید و از آن نشا و شود و اگر بیند که یک سبب منی از آن سببی  
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب منی بسیار بیرون آید دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر  
منی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب منی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال بزرگیانه بدور رسد مغربی رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آید دلیل که مالی بد چنانکه با ریشالی فرو جفت و مال را خلقنا الا انسان من نطفة امشاج  
تبتکلیف الخ جعفر صادق رضی الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم زیادتی مال سوم نقصان مال  
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آید معتبرا باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی منی اندک نقصان مال  
بود محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محمد بود دلیل بر راحت است  
و عیش خوش می بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از محض بیفتاد و ما ویش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر  
بیند که در محض نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینتری خبر روی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محمد در خواب آنجا  
و خودم بخت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان جای حبس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد  
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسائی و راحت و دوم عیش سوم غم چهارم دولت پنجم مرگ ششم اینی بخت  
کینک مهربان ششم زن و دیدن محمد در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه  
چهارم بخت و محنت محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد دلیل که خداوند انگشتین بخت  
و بزرگی باید و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاينه چیزی بدور رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود دلیل که  
و خزیند را محسوس کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینة بوی سپارد و اگر سزاوار نماند پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی  
مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه  
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد  
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین مانند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت  
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بینند و خواب محمد بن سیرین رحمة  
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخیزد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدشگار  
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدشگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بود دلیل که خدشگار  
مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدشگار شمس بجاگون باشد و اگر سیاه بود خدشگار شمس سخت ل و بد خواب باشد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدشگار سوم کینک چهارم مال پنجم آ

و فرستاد ششم فرزند هفتم غلام خود و بر زیاده و نقصان که در مریه بیند بین بخت خیرید محسنان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید بهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بیند که قومی را بهمانی خانه دلیل که کاری کند که انکار او را از همه شغل باز دارد و اگر  
 بیند که او را در باغی بهمانی برود که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود دلیل که بفرار او و شهادت شود و قوله تعالی فیما  
 فاکه کثیره و شراب که مانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در اینجا چنگ و خانه و نای و رقص بود  
 دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید بهمانی در خواب دلیل  
 بر آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی کجاست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه  
 مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه به نوبی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در  
 وی فرارند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای بخوابی دیگر کنند و اگر بیند که مورچه  
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در بخانه وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا زدن وی  
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود مورچه  
 بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود و استمیل اشعث رحمه الله  
 علیه گوید مورچه خورد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر زدن مال از این است  
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی  
 عنه گوید بین موران تاویل اینست بیند خواب بود و اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنجا بد باشد و اگر بیند  
 رحمه الله علیه گوید مور و در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مور و در  
 که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یا بدگمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که درخت مور و شکست  
 یا از هائی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمه الله علیه گوید مور و در خواب مال نعمت  
 بسیار بود و بعضی از معبران گویند که مور و فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مور و در خواب  
 بر چهار وجه بود یکی مردوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مور بسته  
 شود هر دو دلیل که کجاست ایشان پایدار بود مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور تو اگر از مال بود و دینداران را  
 و برکت مور بهترین برکت درختها بود و اگر بیند که مور فرا گرفت یا کسی بود یا دو آنکس تو اگر بود دلیل که مالش زیاده  
 گردد و اگر بیند که مور میخورد دلیل که منفعتی بی دنیا وی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مور و در خواب بر سه وجه  
 بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند که اگر بختش بیند که مور میخورد دلیل  
 که زنی خوب روی و توانگر زنی کند و از وی منفعت یابد مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور و در خواب زنان سرشان  
 دلیل خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه و مهران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر

بیند که موزه در پانی داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت  
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه اویم در پانی داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند  
 که موزه اویم در پانی داشت و باز که بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش  
 داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود دلیل که زنش میرود و اگر بیند که از پانی موزه سیر  
 آورد دلیل که شادی و تفریحی یابد و اگر زن آن بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه از شن بساخته دلیل که زنش میرود و اگر بیند  
 که موزه او صایح شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش  
 از خانه بد افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بزم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او خیرد و اگر  
 بیند که موزه او بدزدید دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدید دلیل که جوانان قصد عیال و کنند و حقه صا  
 در منی افتد عه گوید موزه در خواب چون نرم بود و پانیا زار بود دلیل بر بخت و جود بود که زن دوم خادم سوم کنیز که چنان  
 عوت پنجم حدیث ششم ظفر یافتن بهتم منفعت یافتن موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب بی بود  
 که بظاهر مستوره باشد و بیاطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا دلیل که زنی بدین صفت که فقیر  
 خواهد و اگر بیند که موش را در طبقه گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند  
 و جمله کیسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی  
 سیاه و بعضی سپید دلیل که اختلاف بتاویل آن در شب و روز بود و در خیز است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود  
 شب و روز و موش اند که عمر و درامی بید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ مینی یا از سوراخ قضیب او  
 موش بیرون آمد دلیل که او را و ختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که  
 در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تخمیر موشان در خواب مال و کالای زن منصفه بود و موش خانگی و دشتی یا چکان بود  
 استغیل اثبت رحمة الله علیه گوید گوید اگر بیند که موش گرفت دوم نداشت دلیل که زنی فاسقه خواهد و اگر بیند که موشی در دست  
 وی بود دلیل که او در مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند  
 که سنگ موش انداخت دلیل که کسی را مسموم گرداند و اگر بیند که موشی در دست وی بود دلیل که زنی منصفه منصفه کند  
 و اگر بیند که موش مجزور دلیل که مال زنی منصفه مجزور و موم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موم سپید در خواب مال و نعمت  
 بود و موم زرد بیماری و اگر بیند که موم سپید مجزور و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موم از وی صنایع شد یا بقر  
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موم هر زکات که باشد مالی و نعمت بود و اگر بیند که موم سپید  
 بود و میخاید بهتر از مومهای دیگر بود و اگر بیند که موم می خواشد دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موم با تش سبب بخت  
 دلیل که بقدر آن پادشاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موم شمع میگرد و نیز موم میآید و دلیل که مال خود بخیر و صلاح و خیر

کتاب  
توکل

خارج کند و با مردم خود و احسان کند مومنیانی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومنی میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود و گوید  
بیند که مومنی کسی بخشد یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بجهت شکی  
ندام مومنی خود و صحت یافت تا پیش بخلاف این بود مومی و انبیا علی السلام گوید مومی در خواب میبیدار و غم و اندوه  
وزن از رینت و مومی چهار پایان مال اندک بود و اگر مومی بیند که مومی سر او دراز شد و دلیل که او رینت و صلاح یابد و اگر مومی  
بنود و دلیل که غم و اندوه بود و بقدر روزی مومی و اگر بیند که قدری از مومی ببرد و بیند اخت و دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود  
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج مومی سر را سترد و دلیل بر صلاح دین و کفالت گناهان بود و اگر در خواب  
مدهمائی حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعدة و محرم بیند و دلیل که او مالش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که مومی تمام  
بستر و دلیل که آنچه گفته بشیر باشد و اگر صاحب خواب آن امیری بود و بیند که مومی سر بستر و دلیل که شوی بستر و پادشاهی کرمانی حجت  
الله علیه گوید اگر پادشاهی مومی خود بیند و دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند و دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی مومی تن ستم  
غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که مومی سر او آشفته بود و دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر مومی سر خود را بخندد و دلیل  
بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا حجت بهتری بود و اگر سر خود را صلع چند بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را بسا  
علو بان دو گیسوی بود و دلیل که بهتری یا بدوشیک نام گرد و اگر بیند که مومی خود را میکند و دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند  
که مومی خود را شانیک و دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود و سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومی بوی سر او را بوی  
صلاح دین وی باشد و مومی بغل ستردن و دلیل بر یافتن مال و مراد بود و نام ستردن مومی بغل و دلیل بر زیادتی تیر و تی بود و اگر  
بیند که در سینه وی مومی بود و دلیل که دام بروی جمیع شود و مومی بر تن و ام بود و اگر بیند که مومی از تن خود بستر و دلیل بر نقصان  
مال وی بود و اگر انگشت درویش و دام دار بود و مالش گذارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگشت بر تن خود است  
و مومی از تن خود بستر و اگر توانگر بود و دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود و توانگر گردد و اگر درویش است رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که قدری از مومی فرا بخشد مگر توانگر بود و دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود و توانگر گردد و اگر دام دار باشد و مالش گذار  
شود و اگر بیار بود و دلیل که شفا یابد و اگر بیند که مومی ریه است او مشرق رفت و مومی چپا و مغرب دلیل که او زاد و پسر باشد  
که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ محقر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که مومی او جفت بود و دلیل بر عیبت  
و دولت وی بود و اگر عالمی بخواب بیند و دلیل که لغت و عزت یابد و اگر بیند که مومی میکند و دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که مومی زانو  
در آید و دلیل که او از زبانی رسد و رازی مومی زانرا نیک باشد و اگر بیند که مومی زانرا خود می ستر و دلیل که دین وی نقصان شود  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن مومی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عز و جاه  
چهارم امینی تجم دولت و بار یتالی در کلام محمد فرمود و محققین رُئُوسُکُمْ و مَقْصُورٌ تَبِیُّهُمُ اگر خداوند خواب را مومی ستر  
عادت بود و دلیل که نیک و بدان سهل باشد می بخشد این سیرین رحمة الله علیه گوید پادشاهی مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

که غنی خور و دوست شد و دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت یابد و اگر بیند که بی می بخفته و خمر مست شده دلیل که ترس و بیم عظیم بود پس  
 قوله تعالی لا یؤتی الک الناس سکران الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بخفته یا شرب بریزد و خور و نال نعمت که شود  
 و اگر بیند که می بخفته داشت و بهمنامی خور و دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بخفته عرق شد دلیل که  
 در خصومت باک مشغول است و اسمعیل شوش رحمه الله علیه گوید اگر بیند که می بخفته میخورد و دلیل که مال حلال بگرام مبدل گرداند و اگر بیند  
 که می بخفته با کسی بود و دلیل که مال بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان پستاند و اگر بیند که می  
 بخفته میخورد و دلیل که چیزی حرام فروشد میخورد این سیرین رحمه الله علیه گوید میخورد خواب برادر بود و اگر بیند که میخورد و بود  
 ز و دلیل که برادرش در آنجا که میخورد و مردی فرایر وزیر که دیوار بنا و میل بر داشت و اگر بیند که میخورد بر سنی به بست دلیل که برادر  
 بیرونی پیوند و اگر بیند که میخورد بر پشت ز و دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا  
 شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد که مانی رحمه الله علیه گوید میخورد خواب بهمه چیزی بزرگی و شرف و زین و دنیا بود و  
 بیند که میخورد در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخورد از خانه خود بچکند و بیند اخت تا ویش بخلاف این  
 و اگر بیند که میخورد از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن برود و نوع بود یکی آنکه زن خواهد بود  
 گیرد و اگر بیند که میخورد در ستون یا در چوب ز و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر دخت ز و در قمار و شطرنج کند  
 و ران که چه درست بود تا و دلیل از آن درخت کند بدستی یا بکلج یا بعلطاب و صمدت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخورد از سرخ  
 یا از مس بود و بنا میل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل که نیکویی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخورد آهین بود  
 دلیل که او از فرزندی آید که شایسته پادشاه بود و اگر خزندار و دلیل که مقتضای او را علم و دانش روزی گرداند و اگر ابل علم تمام  
 دلیل که ابل علم و با دوست دارد و اگر بیند که میخورد زین یا سپین و زینین ز و دلیل که اگر کس خود تو انگر گرد و جعفر صادق  
 رحمه الله علیه گوید دیدن میخورد خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن همیشه این سیرین  
 رحمه الله علیه گوید پیش و خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر سرش  
 میخورد شسته بود و مطیع او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان برار او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن میخورد بر روی  
 چهره گشت و دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای زده پیش بزرگ و قوی گشته و دلیل که آنکس قوی و توانگر شود  
 و اگر بیند که زده پیشی فرا گرفت یا کسی بود و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر بیند که پوست زده پیش بچکند و کوشش  
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی پستاند و اگر بیند که زده پیش را از کشتن باز داند و دلیل که از غم برادر مانی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که ماده میخورد با وی جنگ و دلیل که زنی با وی کرد و حبست کند و اگر بیند که گوشت ماده میخورد از خانه وی بخاک می  
 شد و دلیل که زن وی بخش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زده پیش در خواب بر شش وجه بود یکی  
 آقام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس خشم مال ششم فرزند میوه ه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل



انوار

خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش و در خوردنش بود و دلیل بر سخاوتی پیوسته و سر و باشد و اگر سیاه و آلوده و زیتون لیل  
 بر خرم و اندوه بود و اگر میند که از درخت میوه چید و دلیل که بقدر آن میوه از مری بزرگوار مال یا بد و اگر میند که نشسته بود و از درخت  
 میوه می چید و دلیل که آنچه باید جلالت و شایسته بود و اگر میند که بی انگه دست بردخت کرد و میوه بیضا و دلیل که بی بیخ و لب و در  
 ما جلالت حاصل شود و اگر میند که از درخت لجنی میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بوقت  
 باشد تا و بیش خلاف این بود و انیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب میند و بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل  
 و اگر میوه بوقت خود نباشد و دلیل که مالش با کسده شود و تاویل هر میوه حاصل درخت باز کرد و خواه نیکت یا بد بود و میوه ما آنچه  
 از بود و دلیل بر ماری بود و اگر ترنج و پیرز و اگر که این هر سه در مایه نماند و میوه ای ترش غم و اندوه بود و میوه ای ترش چمن سیاه شیرین بود  
 بهند دلیل بر مری حلال بود و میوه ای نرسیده و ناخوش در خواب لیل بر مال حرم و اندوه و مصیبت باشد و اگر میند که سیوه پستان پستان میوه و دلیل  
 بیمار شود و کافی رحمه الله علیه گوید میوه شیرین در خواب بوقت میند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کزک اگر بوقت خورد و دلیل لکن کار با  
 و تنگی حیش بود فی الجمله هر میوه که بنه و تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد و اسمعیل شافعی رحمه الله علیه  
 گوید اگر میند که میوه میوه درخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش  
 و ناخوش فروشد و دلیل که غم و اندوه و رنج بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش بوی  
 فروشد و دلیل بر شرم و مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد جنس و همین اندک که اما چگونگی باید گفت و خواهی هر کسی را بدان  
 نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و اما علم حرف النون ما بینا ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید اگر کسی در خواب میند که ما بینا شده است و دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر میند که کج چشم وی گوشت و دلیل  
 که نیمه دین وی بشود و یا کنایه بزرگ کرده باشد و بیگانه نام از احساسی وی مصیبت رسد یا شکست کرامانی رحمه الله علیه  
 گوید اگر میند که ما بینا را دست گرفت و بر و دلیل که گمراه گردد و سخن رحمه الله علیه گوید اگر میند که ما بینا شد و دلیل که کارهای دنیا  
 بر دست وی بگذرد و اگر میند که کج چشم کسی را کور کرد و دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر میند که چهار پای را کور کرد و دلیل  
 بر کسی بود که بدان چهار پای منسوب باشد و بر آنکه مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ما بینای در خواب  
 بر مصیبت وجه بود و یکی در ویشی و دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان ششیم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تنگدستی  
 قوله تعالی **صَبَّحْنا بِمِنْحَرٍ مِنْ دُحَى فَهَمَّ لَایْجَعُونَ** و اگر ما بینای خواب میند که ما بینا شد و دلیل که کارهای دنیا بر وی کشاید  
 شود و از آنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حق تعالی نصیب یابد و قوله تعالی **لَا تَقْطُوعُ رِجْلَیْهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ**  
 یَقْضِی الدِّینَ وَجَعَلَهُ نَاحِیةً

بر نیکی

نیت

که ناخن ازین بیفتد و دلیل که قدری از مال می صنایع شود و اگر بیند که ناخن بقیه دو و دیگر باره برست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو  
 گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنش  
 چنان دراز شده بود که هم شکستن داشت و دلیل بر باد شدن ناخنهای او بود و اگر بیند که ناخنهای او بریده بود و مستقیم گشته دلیل بر بستی کار وی  
 باشد مگر فی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح دین و دنیا می وی بود و اگر بیند که ناخنهای او  
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار زیاد و ناخن پای و دست را یکتا وایل بود و بعضی از مجربان گفته اند تاویل ناخنهای دست  
 حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود اما در سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب پیش  
 هر چه بود یکی خوب و توانائی دوم مقدر از مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنج منفعت ششم سنده زادگان یا برادرزادگان  
 ناخن سپید بعضی مضراض بود این سپید رحمة الله علیه گوید ناخن سپید در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که مردی سپید  
 برادر یا برادر ناخن بر او جامه برید و دلیل که این جامه نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پرانوی داد یا بخیزد اگر سپیدی دارد دلیل که سپید  
 آید و اگر دختر دارد و خوشی دیگرش آید و اگر ناخن پرانوی دارد و بهین تاویل بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن  
 بدو داد یا بخیزد یا بیاقت اگر کسی دارد و دلیل که اسی دیگر بخیزد یا بیا بدو اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و بهین تاویل بریزد  
 باشد از چیزیکه یکی باشد دیگر حاصل کند مگر فی رحمة الله علیه گوید مضراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با این  
 که خوشی کنند و دین و دنیا می وی زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پرانوی در خواب بر سر و بهین  
 یکی مرد قسمت کند دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق نار یا این سپید رحمة الله علیه گوید نار یا در خواب  
 چون شیرین بود و بگوشه گوسپند یا بگوشه مرغان بچته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشه گاو یا گوشه غنچه  
 باشد دلیل بر غم و اندوه بود نار مشک ابن سپید رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او نار مشک رسته بود دلیل  
 که نامش بخیر و خوشی و خوبی در اندازد یا رفته گردد و اگر بیند که نار مشکها از زمین بر کند تا ویش بپلاطین بود و کرمانی  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دشته نار مشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد نار بچ و انان علی  
 السلام گوید نار بچ که نزد است اما بوی خوش دارد و دیدار نیک پاکیزه است و از میوه های بهشت است لاجرم  
 در خواب نیکو باشد ابن سپید رحمة الله علیه گوید نار بچ در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد  
 آن نار بچها و نار بچ بهتر باشد و نار بچ نزد بوقت خود بدنبال شد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نار بچ  
 بود و بعضی از متبحران گفته اند که نار بچ سبزه در خواب دلیل بر بیماری و غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نار بچ  
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم مناجات سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان با طاف ابن سپید  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد و دلیل که او نال و نعت بسیار بدست آید و خیر است  
 و احسان بسیار کند مگر فی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دو شب دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا انما

ناخن

خواب

بچه

خواب

خواب

خواب

در خواب  
ببیند

ببیند

ببیند

ببیند

ماطف انگیزین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ماطف انگیزین در خواب برسته وجه بود یکی سخن شیرین و دوم حال  
سوم معیشت ناف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف در خواب آن بود که نیکو کند که نیر و دست می باشد و اگر بید  
که ناف می بفتد و دلیل که زنا طلاق دهد یا نیکو کشد نیر و اگر بید که ناف بریده است دلیل که عیال می میرد و در جهل  
و بی تبا که رود و اگر بید که ناف می کوچک نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بید که ناف و سوراخ شد دلیل که در حال  
خلل بود یا در مغرب رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناف یا بیدنه او بهیچ خطی موی برآمده بود دلیل که سنتهای پنجگانه  
علیه وسلم راغب گردد و اگر بید که اصل ناف می بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم  
شکافه بود دلیل که وانا و غلام گردد و لیکن مالش برود و استیصال شست رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناف کسی سبزه بود  
دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن  
خبر بر وی دوم نیکو سوم مال و روزی چهارم پسر نیم مادر و پدر با قوس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف  
در خواب بر وی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر بید که ناف و قوس زد و دلیل که بام وی منافق نشیند  
و به اتفاق سخن دروغ گوید و در صنادید و اگر ناف و قوس شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید دیدن ناف و قوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم مهربان نبودن و دشمنی نام  
گروانیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب کرنام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و اب  
و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین نام دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر  
و مباد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو  
یا علی و البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بید چون ابو جبر و ابو لیب و عتبه و شیب و اب  
ایضا العنیم و دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یا و کردیم نامه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید  
که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سر کشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بید  
که نامه سر ببرد داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد که نامی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کسی نامه بود  
که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را خواند بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بید که غم  
نشیند بود و محضر داشت و کسی نکشاد و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظا هر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر بید  
که مهر نامه بکشاد و بخواند دلیل که عز و جاه و زیادت گردد و اگر بید که خواب خوانده بود و دید که نامه را بخواند  
که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از مفسران گویند که اجلس نزد یک آمده باشد قوله تعالی ارق کتبک کف  
بففسک الیوم حکایت حسد یا مضری رحمه الله علیه گوید اگر بید که نامه پادشاه بدو داد و اگر نکشاد و بخواند  
دلیل که غم و اندوه بود و اگر برکشاد و بخواند و بشارت بشنود دلیل بر شادی و غم می و منفعت بود و اگر سخنهای

در خواب

ناخوش نباشد و دلیل بر عیش ناخوش و ترس و تنگدست بود و اگر بیدار بود و بپاوشایی و او دلیل بر خیر بود  
 بود و تمجیل شوش رحمة الله علیه گوید اگر بیدار بود و آسمان بدست او آمد دلیل بر امیدواری بود و کارهای وی با  
 بدان حاجتی که خواهد و اگر بیدار که سخنهای ناخوش نباشد و دلیل که کارهای او بر نیاید تا چنانکه انبیا علیه السلام گوید  
 تا نهایی پاکیزه و خواب عیش باشد و اگر نهان پاکیزه نباشد و دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیدار که نهان غریبه بخانه برود و دلیل بر خیر  
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیدار که نهان کسی داد و دلیل که راحت با انگلیس رساند این سیرین رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیدار که دو سه نان یافت و دلیل که از غم و اندوه برده و شادی و راحت یابد و اگر بیدار که در جانی مجبور نیم نان یافت  
 دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیدار که نان یافت و نتوانست خورد و دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیدار  
 تا نهایی بسیار داشت و نمیخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیدار که نان گرم میخورد و دلیل که نهایی بپرسد که تا فی حقیقت  
 الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن و دلیل بر فقر و تنگدستی  
 بود و نان گرم و پاکیزه خوردن و دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاو و مس دلیل بر تنگی عیش و پریشانی کار می بود و نان  
 جوین خوردن و دلیل بر بزدلی و مردود و نان برنجین و دلیل بر سختی و تنگی کار می کند و نان حدس و نان با قلا و دلیل بر غم و اندوه  
 کند و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که نان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فراخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان  
 در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیدار که نان کرده بر پیشانی او نیش بود و دلیل که درویش گردد و تمجیل شوش رحمة الله علیه گوید تا نان  
 نان بر او مردوم بزرگ در نیاست و اگر سلطان یک نان بخواب بیدار که ملکش زیادت گردد و اگر باز در کان بیدار  
 که مالش زیادت شود و یک نان از یکدم تا باز مردوم باشد بقدر شخص اگر رعیت بیدار ضیاع و قمارش زیادت شود و مال  
 گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بیخ بدست آمد و نان بخواب  
 بتاویل کار کردن باشد و طلب محیشت و تعجیل کردن آمدن نان بزرگی حاصل کردن باشد مال جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و مروت و اگر بیدار که نان در خواب  
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بیدار که نان باشد دلیل که بسیار مال بخت و خصوصیت جمع کند و بعضی از معبران گفته اند که نان  
 در نان و شاه عادل بود ناخواه این سیرین رحمة الله علیه گوید ناخواه و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیدار که ناخواه کسی را  
 یا بیدار که از غم و اندوه رسیده گردد و در دین و خوردن ناخواه هیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه تا و دان این  
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فی ناودان آب از باها فرو می آید و دلیل که در مقام جنگ و خصومت و  
 خونریزی پدید آید و اگر بیدار که باران نمی آید و از ناودانها آب فرو می آید و دلیل که مردم آن موضع از پادشاه و مصلحت  
 و رنج رسیده و اگر بیدار که باران بود و از ناودانها آب فرو می آید و دلیل که از حق تعالی جل و علا را طلب موضع عنایت است  
 باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که ناودان بر بام خود نماد و دلیل که از بزرگی شفاعت یابد و اگر بیدار که ناودان خانه او

در خواب

بقیة او مشکست دلیل که تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که تا و این حسین یا امین بود و دلیل که بنظام کارش ستم باشد و اگر  
که از او زن کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن کسی منفعت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا و این در خواب برشته و خوب بود  
درین شهر و دم ستر سوم خیر و منفعت اندک نامی زدن این حسین رحمة الله علیه گوید نامی زدن در خواب دلیل غمنازه و هوس  
بود و شنیدن آواز نامی دلیل غم و تفکر بود و اگر بیند که نامی میزد و دلیل غمنازه و گرفتار شود که نامی رحمة الله علیه گوید نامی زدن کسی  
که خبر مردم برساند و دور نامی زدن خبر نباشد نبات این حسین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود بیند که او را ساق نباشد  
دلیل خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و پیکانیش باشد دلیل با فرونی مال نعمت و جاه بقدر برتری و کوتاهی و پیکان  
او را یکی شاهنای وی بود و اگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند  
بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات برست بود دلیل که او را بزرگی زیادت کرد که نامی  
رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و خوشتر و دم خاص و عام را و اگر بیند که در زمین که ملک او بود نبات بسیار  
بود دلیل که بپسندید و خوب دین دارد و مسلمان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم  
منفعت و بزرگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زبانی دولت نباتات جلالت این حسین رحمة الله علیه گوید نبات جلالت جلالت  
دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش  
یا ویرا بوسه دهد که نامی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بخوار نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید نبات جلالت در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزندان و پنجم وزی جلالت نباتات  
که سخن از مردگان بگوید نزد وی این حسین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که نبات از آنکس از ابل علم بود دلیل که عمر او  
و طلب دنیا می باشد و عمر خود را در این ضایع و صرف کند سفری رحمة الله علیه گوید اگر کسی نبات بسیار ببیند دلیل که  
شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از عجب آن گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم مالست و سرزنش یابد و نویسد و انبیا علیها  
السلام گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسد با مشد دلیل که بیکر و حیل مال کسی است یا بدکار و ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر پادشاه چیزی  
می نوشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نوشت دلیل که دل مردم بخوابتن بیکر و حیلت گرم کند  
این حسین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسد شد و دلیل که بیکر و حیلت روزی از مردان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد  
بیند که نویسد یکی دیگر دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که شعر و غزل یا مسانه می نوشت دلیل که بتغزل و نیاز مشغول گردد  
و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نوشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که نامه  
نوشت و در دستن خون بود دلیل که قباله را بنویسد و تعمیل ثقت رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که خطا بهتر می نوشت دلیل که  
بین و دیانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود یا بگرد و اگر بیند که بسری می نوشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که نزدیکی  
نوشت دلیل که بسیار گردد و اگر بیند که بسری می نوشت دلیل که ناسخ و خرمی در اندازد یا منتظر گردد و اگر بیند که بزرگتر می نوشت دلیل که

خبر  
نیت

پادشاه خیر و منفعت یا بد و ضرر صادق رضی الله عنه گوید بشتن در خواب بر چند وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بد و حرام  
چیزی یا مکرر در چهارم مغرولی عمل نمیدانم این سیرین رحمة الله علیه گوید نمیدانم در خواب ابرام بود که بخت و خصوصیت برسد  
و اگر نمیدانم که در نمیدانم غرق شد و دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر نمیدانم که در خانه او نمیدانم بسیار بود و دلیل که بقدر آن از دروغانی بد و منفعت رسد  
که باقی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که خورد و مست شد و دلیل که خونی و ترسی بد و رسد و اگر نمیدانم که نمیدانم با دیگران میخورد و دلیل که بقدر آن که  
خورد و بود بخت و خصوصیت کند و اگر نمیدانم که در جوی یا در رودی نمیدانم رفت و او در میان شما میگرد و دلیل که در فتنه افتد و اگر نمیدانم که بیاورد  
در وقت او بود و نمیدانم و دلیل که بسبب معیشت دنیا بخت و خصوصیت کند مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که نمیدانم با بخت  
بود میخورد و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر نمیدانم که نمیدانم میفروخت و دلیل که مال بر او بد و خورد  
نمیدانم و دلیل که بر غزل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نمیدانم در خواب برسته و وجه بود یکی ترویج پنهانی و دوم مال حرام سوم نعمت  
ایمانی اگر نمیدانم که نمیدانم میماند و دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا بد میخاسی این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر نمیدانم که میخورد و دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد و میخاسی در خواب هیچ فایده نبود بخیر این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع و رام شد و دلیل که همسر بزرگ شود و بعضی از معجزان گویند که سالار در وان شود و اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع شد  
یا ویش خلاف این بود و اگر نمیدانم که بصورت بخیر شد و دلیل که بدین شود و باطل گراید مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع شد  
گرفت و دلیل که بعد بخیر او را از مردی بیابانی بگو و صحبت نماید و رسد و اگر نمیدانم که گشت بخیر میخورد و دلیل که از مال مردی بیابانی غریبه  
و اگر نمیدانم که در میان بخیران میقیم شد و از آن بخیران او را کند و رسید و دلیل که در میان که در بی بیای مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را  
رسد و اگر خلاف این نمیدانم و دلیل که او را کند و منفعت نرسد و اگر نمیدانم که بخیران با وی سخن گفتند و او را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود  
و دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بد و اگر جاهل بود و دلیل که کار بیکتر در از آن کار حجاب آید بخیر و این سیرین رحمة الله علیه گوید  
نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخت نمیدانم که نخود از کسی بسته و بخورد و دلیل که بسبب کسی بد و غم  
و اندوه رسد و اگر نمیدانم که نخود کسی داد و او آنکس بسته و بخورد و تا ویش خلاف این بود و اگر نمیدانم که نخود بخورد و داشت و دلیل که در غم و غم  
گرفتار شود و اگر نمیدانم که نخود بشوید یا بپوشد و دلیل که غم داند و پیش کمتر بود و نیز و با خشن این سیرین رحمة الله علیه گوید  
که در نزد با خشن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخت نمیدانم که نزدی بخت و بجهتم غلبه کرد و دلیل که بسبب کاری  
باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر نمیدانم که آنکس بروی غالب آید تا ویش خلاف این بود و نیز و با آن این سیرین رحمة الله علیه گوید  
علیه گوید اگر کسی بخت نمیدانم که برزد و با آن بالا میشت و آن نزدی از گل خشت بود و دلیل بر خیر و صلاح بود و درین وی زیادت  
و نیکویی بد و رسد و اگر نزدی با آن از سنگت و اکبت بود و دلیل که سنگدل و بی رحم بود و اگر از چوب بود و دلیل بر ضعف دین او بود  
و اگر نمیدانم که برزد و با آن بالا شد از اکبت باشد و دلیل که پادشاه شود و اگر از اکبت نباشد و دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر  
که از نزدی با آن بریزد و تا ویش خلاف این بود و مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که از نزدی با آن بریزد و دلیل که از جاه و دنیا بیگانه

نیت  
نیت

نیت

نیت

نیت

در خواب

و در حضرت برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب من در خواب بر سر و بر زمین طغریا بد و فاسق را  
 بود نرگس و انیل علیه السلام که در خواب مردی ظریف و خبری و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه بود  
 نرگس در خواب سخن شیرین باشد و اگر نرگس تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی خبری آید و اگر  
 شوهر ندارد دلیل که شوهری خبری کند و اگر بینه که نرگس از زمین بر کند دلیل که زنا طلاق دهد یا فرزندی میرد و اگر بینه  
 که نرگس از دشت بر کند و بنگام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر نرگس بینه که دشته نرگس شوهر داد دلیل که شوهرش طلاق دهد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سر و در دلی مرد ظریف خبری دوم فرزند سوم دوستی که دوست  
 وی در بماند و اگر بینه که نرگس نرگس دلی که حسان و نیکی کند و در خبر شوهر خود و اگر بینه که نرگس بود و زیادت شد دلیل که عیال تنگ است و در خواب  
 نرگس صاف تاخته اگر بینه که نرگس را گرفت دلیل که بقد آن خدا گاهی بیدارین و اگر بینه که نرگس بود و در بوشنا دلیل که تاسیب بود  
 و اگر بینه که نرگس بود و با نرگس شد دلیل که منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که نرگس تار یک شد دلیل که غم  
 و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بینه که هوار روشن بود و ناکا نرگس پیدا آمد دلیل که مرگ مفاجات در آنجا  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کار سوم بدعت چهارم  
 اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بینه که از نرگس بروشانی آمد دلیل که از درویشی متواکلی آید و از بدعت و ضلالت  
 دور باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید نرگس در خواب خوب نباشد سیرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرگس در خواب  
 اگر بوقت خود بود دلیل که چیزی بویرسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر نرگس از دخت دور باشد دلیل که غم و اندوه  
 بود و اگر بینه که کسی دشته نرگس بود و داد دلیل که میان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر نرگس بر دخت بینه دلیل که  
 غرضی بویرسد و باشد که و بابا باشد که از کسی چیزی اندک یا بد نشاسته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در  
 خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بینه که نشاسته میخورد دلیل که اندوگین شود و بعضی از معبران گفته اند  
 بهار گردد و اگر بینه که از نشاسته حلوا کرد و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که از نشاسته  
 نشاسته میبرد دلیل که از گسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند نشاسته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که بر  
 متیم نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بینه که بیارخته بود و بهین مایل دارد جعفر صادق رضی الله عنه  
 نشستن بر آب یا بر سر یا بر فراز دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرقت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد دلیل که  
 کند چنانکه ناو مطیع او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که با مردم صلح میبرد و در راه نیست دلیل که هوا و احوال مخالفین  
 چنانکه خداوند حکام مجید فرمود قوله تعالی فریح الخائفون بمقعدهم و اگر بینه که مخالف دین بود و میرفت و در راه  
 ناوایش مخالفین بود اسمعیل اشعث رضی الله عنه گوید اگر بینه که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل که خیر و صلاح او زیادت  
 گردد و اگر بینه که با فاسقان نشسته بود و ناوایش مخالفین بود دلیل که مخالفین دین بود و فعل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب مال بود و اگر سیرین

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب



برسد و اگر بیند که نفل است و دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نفل خزان داشت و دلیل که بقدر آن مال بزرگان میدهد  
 و اگر بیند که نفلند میگوید اگر کسی بخواب بیند که دال نفلین بشکست و دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر بیند که نفلین او سوراخ داشت  
 و دلیل که بسبب کاری از سفر بازماند و پنج گشته و اگر بیند که نفلین او بسبب کاری سفرش را برای آخرت باشد و اگر بیند که نفلین او  
 و بدان سبب از سفر بازماند و دلیل که کیشکی یا به سفری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که نفلین او سیاه بود و دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر  
 سرخ بود زن محاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نفلین او سفید بود و دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه و روی نود و اگر بیند که  
 نفلین او بلون بود و این صفتهای که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر بیند که نفلین او از پوست کاو بند و پشت و دلیل که آن زن از  
 اصل عم بود و اگر بیند که بنده نفلین او از پوست است و دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نفلین او بیضا و صاف باشد  
 احتیاط کند و آن نفلین از پوست چه بود و اگر از پوست است و دلیل که ریش بپار شود و تمجیل شست رحمت الله علیه گوید اگر بیند که  
 نفلین او در پید پهن و دلیل او در جعفر صادق رضی الله عنه گوید نفلین در خواب بر سر او جود و یکی سفر دوم زن سودم کیشکی نفلین او  
 بود و نفلین پیرن رحمت الله علیه گوید نفلین در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بیند که در زمین ملک و نفلین او بود و دلیل که در غم و  
 اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نفلین او سیخور و دلیل که اندویشی بیشتر بود و اگر بیند که نفلین او در زمین دیگران بود و دلیل که خداوند زمین  
 را غم و اندوه بود و اگر بیند که نفلین او زمین خود بر کند و بیند اخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد بوقت این سیرن رحمت الله علیه  
 گوید بوقت در خواب زنی با بکار بود اگر زنی بخواب بیند که نفلت در خود نماید و دلیل که با زنی با بکار جمع شود و بعضی از متبرکان گفته اند که  
 چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفلت بسیار داشت و دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمت الله علیه گوید نفلت در خواب بر سر او جود  
 یکی زن با بکار دوم مرد غنا و آن سیوم مال حرام نفرین این سیرن رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد  
 و دلیل که بر آن ظالم نظر یابد و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد و تا ویش بخلاف این بود که زانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند  
 که بیاحتیاطی را نفرین میکرد و دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مردی را با حق نفرین کرد و دلیل که کار او  
 بد شود و بعضی از متبرکان گویند که نفرین سناحق در خواب بخوابد و خواب باز گردد و اگر نفرین حق کند تا ویش بر آگس باشد  
 که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر از کینه فرستد و مغرب اگر نفرین حق یا ناحق کند بضم باز گردد و نقاد و در خواب عالم  
 و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کند هر چیزی است بهترین باشد این سیرن رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کسی دیدار صالح نفل  
 شد و دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر او اسکار و نفل بود و دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن نفل  
 کند مغربی رحمت الله علیه گوید نقاد و در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفید جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید نقاد و در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا و دوم حکیم سوم خردمند چهارم در آینده کار نفل و دلیل که  
 از او کند این سیرن رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نفل او از خود گرفت و دلیل که از آن موضع و ولایت که بود در آن را بزرگ



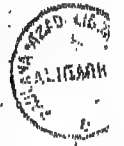


برآمدنیکه دارد بر آید و اگر میند که فرضیه شام میگذازد و دلیل که با او عیال خود معامله کند و از آن شاد و مخرم گردد و اگر میند که سلاخ  
 میگذازد و دلیل که بسفر رود و اگر از آن بی میند عایض شود و اگر میند که بی و ضو نماز میگذازد و دلیل که بنهار شود و اگر میند که فرضیه شام  
 میگذازد و دلیل که این شود و بر دشمن ظفر بزد و اگر میند که در باغ نماز میگذازد و دلیل که از کلاه توبه کند و اگر میند که در کشتیها نماز  
 و دلیل که وارش گذارد و شود و اگر میند که بجای نمازی بنزد و نماز گذارد و دلیل که مفسد و بد کردار باشد و اگر میند که نماز کرد و روی  
 بصحرانما و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکند و اگر میند که در کعبه نماز گذارد و دلیل که کاشی خلیفه  
 نظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر میند که بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگ و ارحم ششم ظفر یا بد روی مسلط شود  
 و اگر میند که بجز خدا تعالی کسی را سجده نکرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر میند که بر سر و پاری سجده میکرد و دلیل که با و از  
 بزرگان پنج و خوار می رسد و اگر میند که نماز میگذازد و پنجین میخورد و دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر میند که در نماز سجدهات  
 انشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر میند که سلام نماز اول بدست چپ داد و دلیل که احوالش شورید شود  
 و اگر میند که نماز نشسته میگذازد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد بعضی گویند عذری گویند که از وی سپیدرند و اگر میند که نماز خود را دعا کرد  
 و دلیل که در فرزند آید و تعلق نادانی و بیه نداء اخفیا اگر میند که در تاریکی نماز گذارد و دلیل که از غم فرج یابد و اگر میند که نماز  
 شب میگذازد و دلیل که از همه ترسها این گردد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر میند که نماز بر پلوی میگذازد و دلیل که سها  
 و اگر میند که نماز میگذارد و دلیل که در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر میند که در بیت المقدس نماز میگذازد و دلیل که میراث یابد و روزی  
 بر وی فرج گردد و اگر میند که در کعبه نماز میگذازد و یا در بام کعبه دلیل که روی یکصد و دو رو عاقبت کاشی بخورد و حافظ معتبر رحمة الله  
 گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فرضیه دوم سنگ قطع و اگر میند که نماز فرضیه میگذازد و دلیل که حق سبحانه و تعالی عطا  
 و بر او رحمتی گرداند و از فرحش بشارت دهد و قوله تعالى ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر و اگر میند که نماز است میگذازد  
 دلیل بر صبر کردن کار او بکار داشتن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر میند که نماز قطع میگذازد و دلیل که بر اسی و دشمن عیال  
 و سعی کردن در کارهای دوشستان و مرگت کردن با هر کسی بود و اگر میند که بر سه نماز میگذازد و دلیل که او را همی عظیم رسد و اگر میند  
 که در کارخانه یا دو کانی نماز میگذازد و دلیل که حق تعالی او را در کسب برکت کند و اگر میند که نماز نایب گذارد و دلیل که کار وی صبح گردد و خانه  
 اصفهانی رخ گوید که روح و سجود و خواب بضررت بار تعالی خود جل نین تقرب بود قوله تعالی کلا لا تقطعه و انشج و اقرب  
 و معتبران گفته اند اگر میند که نماز را کوی کرد و دلیل که زکوة مال نهد و اگر میند که نماز بجای آورد و دلیل که از رزق بزرگ و نعم عبادت پذیرد  
 گرداند و دعای او مستجاب کند و بر وی رحمت کند جعفر صادق عنی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی این  
 او قوم شادی سوم خواب چهارم مرتب پنجم استیجاری ششم مردافتن هفتم نقصان در رضا و بهره گوید که روح و سجود در خواب پنج  
 بود یکی از افتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر بافتن پنجم امر حق نماز بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذكروا حلالا  
 واعبدوا ربکم و افعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر میند که بر مرده نماز گذارد و دلیل که او را دعا و شفا گوید و اگر میند که نماز

در خواب

بنا

سینه



سینه

سینه

نام گذار و مالیش بکلاف این بود نه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندی سپید و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال باشد و اگر بکلی  
 بیند و آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل  
 مال نفسا و تلف کند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که برتن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد بود یا شیرکی و شیر  
 خود و اگر بیند که نه در پیشتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نه داشت و از وضعی باشد دلیل  
 که در مالش نقصان شود و در خواب مردی بود که بجلال که اید و از حرام بر نیزه نماید نکات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نکات در خواب  
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند که مافی رحمة الله علیه  
 بیند که نکات خور و دلیل که راه زاهد گیرد و کار خیر کند و نکات چرکین سیاه و دلیل جنگ و خصومت بود و جعفر صادق رضی الله عنیه  
 عنه گوید نکات در خواب بر سر و وجه بودی درم نقد و درم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نکات خوش  
 در خواب بر چهار وجه بودی درم بی بهره دوم مخنمای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نکات سوخته  
 سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نکات سود فرمود و خورد و دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نکات  
 سود لاغر بود دلیل که زیانی بد و رسد و هر چند که شود تر و لاغر تر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب  
 دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود و دلیل که از مردم یا پادشاه او از میان  
 و اگر گوشت شیر لاغر بود دلیل که از دشمنی مضرت یابد و اگر نکات سود از گوشت چهار میان و ششی بخورد و لاغر بود دلیل که از مردم  
 بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین رح گوید نهنگ در خواب در باشد و ستمگار  
 و ستمگر نه بود و اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد و دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را  
 بریزد و دلیل که بقدر که زند او از دشمن مضرت رسد و رحمت بیند که مافی رح گوید اگر بیند که او را آب فرو برد و دلیل که با میان  
 هلاک کند و اگر بیند که نهنگ برو غالب شد تا وایش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ  
 داشت دلیل که از دشمن مضرت یابد و مغربی رح گوید اگر بیند که نهنگ او را در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شهید شود  
 نو و بدین ابن سیرین رح گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و کند و در حرف گف میان که  
 نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد  
 و مردمان بهتر از آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر مرد و مردم برو نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن الی بیخ و ستم  
 رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود  
 وی نمکین و ستممند شوند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود  
 و از نوحه مضرتش رسد و اگر بیند که میکشید و آبسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که بازمان مردمان بسیار بود  
 و نوحه را و از میکشید و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد و نوحه را و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

در خواب غم و اندوه بود و گویید که نشاء در داشت دلیل که غمگین گردید و اگر بیدار نشاء در می خورد دلیل که غم و اندوه صبر بود و نیز و مسند این سیر  
 گوید اگر کسی خواب ببیند که نیر و مسند ترازان شده که در بیداری بود دلیل بر نیکی فی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مسلح بود و اگر مفلسه ببیند  
 تا و پیش بخلاف این باشد نیزه این سیرین که گوید اگر کسی خواب ببیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر بزرگی و کرامتی یا در جهان بود  
 و لایق تر باشد را اگر در خواب ببیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که در آخرت بی یاری آید و اگر بیدار در خواب ببیند که نیزه شکست و دلیل که در آخرت  
 یار او در پیش میرد و اگر بیدار که کسی بر او دلیل که کاروی دشوار گردد و اگر بیدار که کسی او را نیزه زود زخمی کرد و دلیل که غیبت مردم گوید نیزه  
 در خواب دلیل قوت و ظفر یافتن بر مردم بود و اگر بیدار که سر نیزه در دست و پشت و دلیل که او را بامروی غریب نیکو کا صحبت افتد و از وی  
 خیر منفعت یا بد حفر صاوق منی انداخته گوید نیزه در خواب بر پشت و چه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن تخم فرزند  
 یعنی بهتر توانائی بر شتر استی بمقدار نیزه و نیزه که در خواب مروی بود که بامروان باری کند و از وی هر کس قوت رسد منشین  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که می نشست یا کسی بوی می نشست دلیل که دانشش بایموزد و اگر بیدار که چیزی می نشست  
 بر شتر و فساد بود و اگر بیدار که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی را از خود و غل می نشست  
 بر شتر و غیش که این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که نیشکر سیاه و دلیل که جاری مشغول گردد که در آن کار و در اقباله رسیدن گشتگی  
 و خصوصت باشد و اگر بیدار که نیشکر کسی داد و دلیل که از گفتگوی خلاصی یا بد نیکو کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید یکی کردن در خواب  
 و بزرگاری در دین بود و بدان قدر که نیکو کند زشتکاری یا بد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که آلی رحمة الله علیه گوید اگر  
 ببیند که با او فردی نیکوئی کرد و او خواب داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود و قله تعالی و لا تقسوا الفضل لیکنه ان الله بما  
 تعملون بصیر اگر بیدار که نیکو با او شرکت کرد و دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسی آنکه حاجت یار خود و جهانی حاصل کرد و دلیل این سیرین  
 گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیدار که نیل داشت دلیل که بقدر آن دار غم و اندوه بود و اگر بیدار که نیل کسی داد یا از وی طلب  
 شد و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیدار که جامه خود را بنیل گشت که در خواب بود و دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب  
 خویشان و دوستان بود و اگر بیدار که نیل می خورد و دلیل که در دنیا افتی بوی رسد نیل و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند  
 بجای خود بوقت خود بر درخت ببیند و دلیل که از کسی چیزی بپرسد یا او را فرزند می صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل غم و اندوه بود  
 که آبی را که گوید اگر زنی ببیند که نیل و از درخت شکست و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیدار که دوستی داشته نیل و فرد و او دلیل که میان  
 ایشان جدائی افتد و انیال علیه السلام گوید درخت نیل و در خواب دلیل بر کثرتی بود که از وی داران رسد حرف الواء و آتش  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید چون و آتش بر مطیع و فرمان بردار خود ببیند چنانکه از دست برود و با نکت کند و از آید دلیل بر مال حلال بود  
 و ثمرات خداوندش بود و اگر بیدار که آتش سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاد و ثروت  
 دارد و اگر بیدار که آتش سپید و برشته در دست وی باشد و دلیل که قدر و ثمراتش باینکه که در مغربی رخ گوید و آتش در خواب پادشاهان را ملک  
 و بزرگاری بود و تو اگر از مال باشد و در فویش از فرزند بود و اگر بیدار که آتش از دستش بیفتد و برادر صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که

در خواب غم و اندوه بود  
 اگر کسی خواب ببیند که نیر و مسند ترازان شده  
 تا و پیش بخلاف این باشد  
 و لایق تر باشد را  
 یار او در پیش میرد  
 در خواب دلیل قوت و ظفر یافتن  
 خیر منفعت یا بد حفر صاوق منی  
 یعنی بهتر توانائی  
 این سیرین رحمة الله علیه  
 بر شتر و فساد بود  
 بر شتر و غیش که این سیرین  
 و خصوصت باشد  
 و بزرگاری در دین بود  
 ببیند که با او فردی نیکوئی کرد  
 تعملون بصیر  
 گوید دیدن نیل در خواب  
 شد و دلیل که از غم و اندوه  
 خویشان و دوستان بود  
 بجای خود بوقت خود  
 که آبی را که گوید اگر زنی  
 ایشان جدائی افتد  
 این سیرین رحمة الله علیه  
 و ثمرات خداوندش بود  
 دارد و اگر بیدار که آتش  
 و بزرگاری بود

ملک بخت و اگر امیر بود یا سردی بود دلیل که از جاده و منزلت میفتد و اگر تو اگر میند و ویش کرد و اگر ویش میند و نزدش میر و ویش  
گفته اند که داشته مردی میفرم بود و اگر میند که گوشت داشته میوز و دلیل که بقدر آن مال دشمن خود و اگر میند که داشته بسیار در جانی جمع شد  
دلیل که عیاران در آن موضع جسته و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن داشته در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان و  
سوم مال چهارم منفعت و الی کار داری و فرمان روانی بود و اگر میند که کار داری از تخت بخت یا تخت او بشکست یا کسی از وی  
بشمشیر بکشد یا سزای او خراب بکشد یا در دایمی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پانی بسرازد و بخت یا کسی او را بکشد اینهمه دلیل بر آنکه از دشمن  
و بزرگی بخت و مغزول گردد و این سیرین رح گوید اگر کار داری میند که دشمنش با و دشمنی پیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی  
پایند و باز و اگر میند که بندی بر پای دوست دلیل که شرف بزرگی و از یادوت گردد و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر میند که کار داشته و در غرض  
مستغنی و دیندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این میند دلیل بر شر و فساد بود و خاصه  
ببینند و فساد و ناپارسا بود و خوش چار پان دشتی باشد هر چند از ایشان نز بود دلیل بر مردان کند و هر چند داده بود دلیل  
بر زمان بود و این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر میند که خوش صید میکرد یا کسی از خوش صید میداد دلیل بر آن نعمت و غنیمت بود  
و گوشت و پوست و همین دلیل بود که زمانی رح گوید اگر میند که خوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سیدنا عزرا علیه السلام بود دلیل  
که وی ایشان را بگذرد و مسلمانان را بخل بود و او را مطیع و فرمان بردار او شد خاصه که بخت و خواب ستور بود و برنج در حرف سین بیان کردیم  
و رونه و بتوک نان هر دو در خواب انباشت میگردید اگر میند که در رونه و بتوک نان کسی بوی واد دلیل که او را انباشت که بخت  
جمله شود مغربی رحمت الله علیه گوید اگر میند که در رونه داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق ناید و از باطل دور کند و اگر میند که در رونه  
او بشکست دلیل که از صحبت بچنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و یکا و  
دوم انباشت که طلب کند و در معیشت سوم کار و شکار که بروی آسان گردد و رونه این سیرین رح گوید اگر کسی خواب میند که بر دست  
دشمن و رونه شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند که زمانی رح گوید اگر میند که برده و میفرودخت چون غلام و کنیز که دلیل  
او را خیر و منفعت رسد و اگر میند که در دهان کاوان بسته و میخیزد دلیل که باشد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل  
که باید شده و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامی فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن بخت یابد و اگر میند که در دهان داشت و از وی  
بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیز بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان  
و رسان جانوری بود که خر اسان آنرا بکوترا خوانند دیدن وی در خواب بزدن یا کنیز بود این سیرین رحمت الله علیه گوید که  
کسی خواب میند که بکوترا گرفت یا کسی بویاد و دلیل که زن خواهد و اگر میند که و رسان بخیزد اگر از دست وی سپرد دلیل که زن را  
طلاق دهد یا کنیزک فروشد که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر میند که و رسان بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که بقدر آن مال از  
بستم بستاند و اگر میند که و رسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن  
قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه و در این سیرین رح گوید فروغ در خواب مردی

راه دعا بود اگر کسی بجا بینه که فرخی گرفت دلیل که بامردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بینه که با فرخ سبزد و دلیل که چنین  
 مردی حکومت کند و اگر بینه که فرخ بسیار در جائی جمعتند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و فراسد مغربی  
 گوید اگر بینه که فرخ یکبشت و از گشت وی بخور و دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بینه که  
 فرخ او را بگریزد و دلیل که از مردی زاهد و پیران رخ رسد و اگر بینه که فرخی را از آب گرفت و بر خشک انداخت و دلیل که زاهد را از کار  
 باز دارد و حضرت رساند و زیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را  
 نیکو شود و دو لشکر زیادت گردد و اگر بخلاف این بینه تا ویش بدود و اگر کسی بینه که وزیر شود و منصف و دادگر بود  
 و دلیل که بقدر عدل انصاف پیش شرف بزرگی یابد و اگر بینه که وزیر بها بکستد و دلیل که جاه و لغت مال بروی فراخ گردد و خوش  
 دراز بود و اگر بینه که وزیر ویرا خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی گردانند و اگر بینه که وزیر در سرای او آمد و دلیل که او را  
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که مانی رخ گوید اگر بینه که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف بزرگی یابد و اگر بینه که  
 خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را مغضوب کرده بود یا اسپ و را بیفکند یا کاری او را بپروان زندان بینه و دلیل  
 بر غل می بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بینه که چشم و آفتاب است  
 کشته بود دوم آنکه چون بینه که چشم او دجله بغداد کشته بود سوم آنکه چون بینه که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه  
 از چهار یاران رسول صلی الله علیه و سلم یکی تاجی بر سر او نهاد و این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه این سیرین رحمة  
 علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بینه که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و  
 بینه که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بینه که سیمه از زمین بر کند و  
 بینه اخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بینه که سیمه بخور و دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بینه  
 که دشته و سیمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رخ گوید اگر بینه که دشته و سیمه بدست عیال خود داد و دلیل  
 که از نهی دیگر جدا گردد و در دیدن سیمه خیر نباشد و سیمه این سیرین رحمة الله علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بینه  
 که دشته بردارد و داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر دشته بکسی داد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بینه که چیزی بوشه و دوشانید و دلیل که کار پراننده او جمع شود و اگر بینه که دشته میخیزد و دلیل که غیبت مردم بسیار  
 گوید و ضحوی نماز این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که دست و روی بآب صافی بشت و دلیل که کاری جوید که تمام  
 کار بسیار بد و مقصودش حاصل گردد و اگر بینه که آب پدید روی حی شست تا ویش بخلاف این بود که مانی رخ گوید اگر بینه که  
 روی خود را حی شست دلیل که از نهی یاران خود یاری خواهد و اگر بینه که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود  
 و کیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجا بینه که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر قابل  
 دنیا یابد و اگر وکیل قاضی بخد جمین قبول دارد و اگر در شغل کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود و مغربی

رفته اند علیه گوید اگر وکیل بیند که منسوب است بخواجسته دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر منسوب باشد و زوی  
 بیند دلیل که او را منسوب بنفع رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب  
 مالی بود که بوی رسد خاصه که در شن آبله سفید بیند این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در قش واری بسیار شده بود  
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از متبحران ح گفته اند که او را معروف کرد و اند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگر از ایستادن از کنه و اگر بیند که چنان شد که بهنگام  
 افتاده بود و دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ویرانی ابن سرین رحمة الله علیه گوید  
 که ویرانی خانه و دوکان و آنچه بدین ماند دلیل که ای بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود  
 که مانی رخ گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان  
 میکرد و دلیل بر صلاح کار خداوندش بوده بیند از گمراهی براه صلاح آید مغربی رح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است  
 دلیل که بیند را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند  
 که در سه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کاروی باشد حرف اطباء ما و ابن سرین رحمة الله علیه گوید  
 ما و ن و دسته هر دو شریک باشند که ایشانرا از یکدیگر ناگیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند  
 و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در ما و ن چیزی میکوفت و آن چیزی خوردنی بود دلیل که بعد از صیبت  
 آن او را بخت و سخی نفع رسد و اگر آنچه دار و بود و اگر داری امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه  
 گوید اگر آنچه در ما و ن میکوفت شیرین بود دلیل که بخت و سخی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جوهر بود که  
 ما و ن میکوفت و می سود دلیل که بعد از آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه که و زوره آفتاب  
 بود ابن سرین رحمة الله علیه گوید بسیار در خواب سخن باطل کرد و داری پراکنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت  
 در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منثورا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمبانی سخن در هوا پدید  
 دلیل که در انداز بسیار شوند اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد چه در این چنین  
 علیه گوید که در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کارشما فی مردم خبر دهد و اگر بیند که به دیگر گفت یا کسی بود یا دلیل که  
 دانا ترک بصیفت که گفتند او را صحبت افتد و از وی فریفتگی میکند و اگر بیند که به دیگر بگفت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظرفیاد و بروی قش  
 و اگر بیند که گوشتی بخورد و دلیل که قدر آن مال از مردم غلش حاصل کند که تانی ح گوید که در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود  
 اگر بیند که به دباوی سخن گفت دلیل که از آن خبر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین که در خواب بر چیا و چه بودی خبر خوش بشنود  
 و دوم بزرگی سوم بر دشمن نظر یافتن چهارم در کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقت فرمود و بهیم مغربی رح گوید اگر بیند که  
 وادالآن بهیم چیزی نیکو باشد که لائق و پسندیده بود و بود دلیل که هر دو بر منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که















ض ۱۳۵۵۳  
 CALL No. { ت ۳۵۳ } ACC. No. ۱۶۵۳  
 AUTHOR \_\_\_\_\_  
 TITLE کامل التبیان یعنی خواب نامہ  
 No. ۱۶۵۳  
 ت ۳۵۳



**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:—**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

